



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



۴

# درسیانه مهارت و فن

موسسه تخصصی زبان، فن و مهارت  
و هنر، مهارت و فن

مشارکتی با...

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# درسنامه مهدویت

نویسنده:

خدا مراد سلیمیان

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود ( علیه السلام )

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۹	درسنامه مهدویت جلد ۴
۱۹	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۲۳	فهرست مطالب
۴۵	پیشگفتار
۴۹	درس اول: حکومت حضرت مهدی علیه السلام (کلیات)
۴۹	اشاره
۵۰	پیش درآمد
۵۰	یک. معنانشناسی حکومت
۵۰	از نگاه لغت
۵۱	از نگاه اصطلاح
۵۱	واژگان حکومت مهدوی
۵۱	اشاره
۵۲	۱. مُلک
۵۲	۲. خلافت
۵۳	۳. دولت
۵۳	۴. سلطنت
۵۴	۵. ولایت
۵۴	دو. بشارت به حکومت حضرت مهدی علیه السلام
۵۶	سه. حتمی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام
۵۷	چهار. مقر حکومت حضرت مهدی علیه السلام
۵۹	پنج. مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام
۶۳	خودآزمایی

۶۳	منابع برای پژوهش
۶۵	درس دوم: گستره حکومت حضرت مهدی علیه السلام
۶۵	اشاره
۶۶	پیش درآمد
۶۷	ادله جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام
۶۷	اشاره
۶۷	۱. در آیات قرآن
۶۹	۲. در روایات معصومان علیهم السلام
۷۲	نسبت جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام
۷۳	حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام
۷۵	مقایسه و تمایز
۷۶	امتیازات حکومت جهانی مهدوی بر جهانی شدن
۷۹	خودآزمایی
۷۹	منابع برای پژوهش
۸۱	درس سوم: نظام اعتقادی حکومت مهدی علیه السلام
۸۱	اشاره
۸۲	پیش درآمد
۸۲	اسلام برای همه و همیشه
۸۵	دین در عصر ظهور
۸۸	دستورالعمل های نوین در عصر ظهور
۹۲	پیروان دیگر ادیان در عصر ظهور
۹۳	دیدگاه نخست: حضور پیروان
۹۳	اشاره
۹۴	۱. پرداخت جزیه اهل کتاب
۹۴	۲. داوری میان اهل کتاب با کتاب آنها
۹۴	۳. شباهت سیره مهدی با سیره پیامبر

۹۵	دیدگاه دوم: عدم حضور پیروان ادیان
۹۵	اشاره
۹۵	۱. آیات
۹۵	۲. روایات
۹۹	خودآزمایی
۹۹	منابع برای پژوهش
۱۰۱	درس چهارم: حکومت حضرت مهدی علیه السلام و عدالت
۱۰۱	اشاره
۱۰۲	پیش درآمد
۱۰۳	مفهوم شناسی عدالت
۱۰۳	الف) معنای لغوی
۱۰۴	ب) معنای اصطلاحی
۱۰۵	عدالت در آموزه های دینی
۱۰۵	الف) در قرآن
۱۰۶	ب) در روایات
۱۰۸	عدالت در دولت مهدی موعود علیه السلام
۱۰۸	راهبردهای عدالت گستری مهدوی
۱۰۸	اشاره
۱۰۸	افزایش معرفت
۱۰۹	گسترش انفاق
۱۰۹	توزیع دادگرانه
۱۰۹	برداشتن افزون خواهی
۱۱۰	احساس بی نیازی در مردم
۱۱۰	گستره عدالت مهدوی
۱۱۰	اشاره
۱۱۰	۱. گستره انسانی

- ۱۱۱ ..... ۲. گستره جغرافیایی
- ۱۱۱ ..... ۳. گستره مصداقی
- ۱۱۱ ..... اشاره
- ۱۱۱ ..... یک. عدالت در داوری
- ۱۱۲ ..... دو. عدالت در عرصه اقتصاد
- ۱۱۲ ..... سه. عدالت در عرصه سیاست
- ۱۱۳ ..... چهار . عدالت در عرصه فرهنگ
- ۱۱۳ ..... آثار و برکات عدالت
- ۱۱۵ ..... خودآزمایی
- ۱۱۵ ..... منابع برای پژوهش
- ۱۱۷ ..... درس پنجم: نظام امنیتی حکومت امام مهدی علیه السلام
- ۱۱۷ ..... اشاره
- ۱۱۸ ..... پیش درآمد
- ۱۱۹ ..... امنیت
- ۱۱۹ ..... از نگاه اصطلاح
- ۱۱۹ ..... اشاره
- ۱۲۰ ..... الف) از نگاه قرآن
- ۱۲۲ ..... ب) از نگاه روایات
- ۱۲۳ ..... زمینه های ترس، دلهره و ناامنی
- ۱۲۴ ..... نقش امام در امنیت روانی و معنوی
- ۱۲۵ ..... حکومت مهدوی و امنیت
- ۱۲۶ ..... گستره امنیت در حکومت مهدوی
- ۱۲۶ ..... اشاره
- ۱۲۶ ..... یک . امنیت فردی
- ۱۲۷ ..... دو . امنیت اجتماعی
- ۱۲۷ ..... اشاره



۱. امنیت عقیدتی فرهنگی ..... ۱۲۷
۲. امنیت اقتصادی ..... ۱۲۸
۳. امنیت داوری ..... ۱۲۹
- هم زیستی مسالمت آمیز ..... ۱۲۹
- اشاره ..... ۱۲۹
- سخن آخر ..... ۱۳۰
- خودآزمایی ..... ۱۳۱
- منابع برای پژوهش ..... ۱۳۱
- درس ششم: نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۱) ..... ۱۳۳
- اشاره ..... ۱۳۳
- پیش درآمد ..... ۱۳۴
- یک. مشروعیت ..... ۱۳۴
- اشاره ..... ۱۳۴
- مفهوم شناسی ..... ۱۳۵
- الف) از نگاه لغت ..... ۱۳۵
- ب) از نگاه اصطلاح ..... ۱۳۵
- تفاوت مشروعیت در عرف سیاسی با مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام ..... ۱۳۶
- انواع مشروعیت الهی ..... ۱۳۷
- اشاره ..... ۱۳۷
- الف) مشروعیت الهی از جنبه هستی شناختی و توحید ..... ۱۳۷
- ب) مشروعیت الهی از جنبه انسان شناختی ..... ۱۳۸
- دو. مقبولیت (پذیرش مردم) ..... ۱۳۸
- اشاره ..... ۱۳۸
- امام مهدی علیه السلام؛ مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی ..... ۱۴۱
- پذیرش حاکمیت، اجابت درخواست مردم ..... ۱۴۲
- همکاری همگانی (رابطه ولی و مولی) ..... ۱۴۲

- ۱۴۲ ..... اشاره
- ۱۴۳ ..... ۱. حقوق مردم بر حضرت -
- ۱۴۳ ..... یک. خیرخواهی -
- ۱۴۳ ..... دو. رفاه و آسایش -
- ۱۴۳ ..... سه. آموزش -
- ۱۴۳ ..... چهار. گسترش خرد انسان‌ها -
- ۱۴۵ ..... پنج. رشد و تربیت -
- ۱۴۵ ..... ۲. حقوق حضرت بر مردم -
- ۱۴۵ ..... یک. استواری بر بیعت -
- ۱۴۵ ..... دو. خیرخواهی در امور حکومت -
- ۱۴۵ ..... سه. فرمان برداری از حاکم -
- ۱۴۷ ..... نقش مدیریتی مردم (کارگزاران حکومت) -
- ۱۴۸ ..... گروه های کارگزاران از نگاه روایات -
- ۱۴۸ ..... اشاره
- ۱۴۸ ..... یک . شیعیان راستین، اساس کارگزاران -
- ۱۴۸ ..... دو . برخی رجعت‌کنندگان، کارگزاران حضرت -
- ۱۴۹ ..... سه . سخن‌گوی حضرت مهدی علیه السلام -
- ۱۴۹ ..... اشاره
- ۱۴۹ ..... ۱. هنگام ظهور و خروج از مکه -
- ۱۴۹ ..... ۲. هنگام مناسک حج -
- ۱۴۹ ..... چهار . سبب وسیزده نفر، کارگزاران حضرت -
- ۱۵۱ ..... پنج . کارگزاران حضرت، در گوشه و کنار زمین -
- ۱۵۲ ..... خودآزمایی -
- ۱۵۲ ..... منابع برای پژوهش -
- ۱۵۴ ..... درس هفتم: نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۲) -
- ۱۵۴ ..... اشاره

پیش درآمد	۱۵۵
مردم و حکومت مهدوی	۱۵۵
بیعت، مهم ترین سازوکار سیاسی	۱۵۶
پایه های بیعت	۱۵۷
چگونگی و چیستی بیعت	۱۵۷
بیعت ورأی دادن، شباهت ها و تفاوت ها	۱۶۰
آثار بیعت	۱۶۲
اشاره	۱۶۲
۱. ابراز آمادگی	۱۶۲
۲. پذیرش ولایت	۱۶۲
۳. یادآوری پای بندی به وظیفه	۱۶۳
۴. پافشاری بر وفاداری	۱۶۳
بیعت با امام مهدی علیه السلام، از نگاه روایات	۱۶۳
اشاره	۱۶۳
۱. بیعت کنندگان	۱۶۳
اشاره	۱۶۳
۱۱. بیعت جبرئیل فرشته وحی	۱۶۳
۲-۱. بیعت یاران خاص (سیصد و سیزده نفر)	۱۶۵
۳-۱. برخی از مردم	۱۶۵
۲. مکان بیعت	۱۶۶
۳. محتوا و مفاد بیعت	۱۶۶
اشاره	۱۶۶
یک بررسی کوتاه در مفاد بیعت	۱۶۶
خودآزمایی	۱۷۱
منابع برای پژوهش	۱۷۱
درس هشتم: نظام تعلیم و تربیت در حکومت مهدی علیه السلام	۱۷۲

۱۷۲	.....	اشاره
۱۷۳	.....	پیش درآمد
۱۷۴	.....	درآمدی بر نظام تعلیم و تربیت اسلامی
۱۷۶	.....	گسترش خردورزی در عصر ظهور
۱۷۶	.....	عقل از نگاه قرآن
۱۷۶	.....	عقل از نگاه روایات
۱۷۹	.....	سازوکارهای تعلیم و تربیت مهدوی
۱۷۹	.....	اشاره
۱۸۰	.....	۱. شکوفاسازی عقول انسانی
۱۸۱	.....	۲. فرهنگ سازی جامع
۱۸۱	.....	۳. پالایش ناپاکی های درونی
۱۸۲	.....	۴. شکوفایی سرشت انسانی
۱۸۲	.....	۵. ترویج و تثبیت ارزش های اخلاقی
۱۸۲	.....	۶. کنترل و نظارت فراگیر
۱۸۳	.....	۷. تقویت باورهای اعتقادی و ایمانی
۱۸۳	.....	۸. ایجاد غنای واقعی در بشر
۱۸۴	.....	۹. به سازی اخلاق کارگزاران
۱۸۴	.....	۱۰. حاکمیت اندیشه قرآنی
۱۸۵	.....	۱۱. وحدت و الفت انسان ها
۱۸۶	.....	۱۲. فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت
۱۸۸	.....	خودآزمایی
۱۸۸	.....	منابع برای پژوهش
۱۹۰	.....	درس نهم: مهدویت و مستشرقان
۱۹۰	.....	اشاره
۱۹۱	.....	پیش درآمد
۱۹۱	.....	تعاریف متفاوت از واژه شرق

- ۱۹۳ ..... شرق شناسی در فرهنگ لغت
- ۱۹۳ ..... تعریف اصطلاحی شرق شناسی
- ۱۹۴ ..... تقسیم بندی مستشرقین (اسلام شناسان غربی)
- ۱۹۵ ..... برخی زمینه های ورود مستشرقین به موضوع مهدویت
- ۱۹۵ ..... الف) جاذبه فرهنگ و تمدن اسلامی
- ۱۹۵ ..... ب) اهداف استعماری و تبشیری
- ۱۹۶ ..... ج) نگاه اندیشمندانه به آموزه های اسلامی
- ۱۹۷ ..... د) توجه به نهضت های اصلاح طلبانه اسلامی
- ۱۹۷ ..... ه) نگاه کلان به موضوع منجی و جامعه آرمانی
- ۱۹۹ ..... جنبه های مثبت و منفی در پژوهش مستشرقان
- ۲۰۲ ..... عرصه های مهدویت پژوهی در نزد مستشرقان
- ۲۰۳ ..... خودآزمایی
- ۲۰۳ ..... منابع برای پژوهش
- ۲۰۴ ..... درس دهم: زمینه شناسی جریان های انحرافی در مهدویت
- ۲۰۴ ..... اشاره
- ۲۰۵ ..... پیش درآمد
- ۲۰۶ ..... ۱. عوامل پیدایش جریان های انحرافی
- ۲۰۶ ..... اشاره
- ۲۰۶ ..... ۱-۱. عوامل پدیدآورنده
- ۲۰۶ ..... یک. ناآگاهی توده مردم
- ۲۰۷ ..... دو. آشفتگی های اجتماعی و اقتصادی
- ۲۰۷ ..... سه. زیاده خواهی
- ۲۰۷ ..... چهار. نابسامانی و اعتبار کم برخی متون
- ۲۰۸ ..... پنج. حمایت دشمنان
- ۲۰۸ ..... ۱-۲. عوامل استمراربخش
- ۲۰۸ ..... یک. اباحی گری و تکلیف گریزی

- ۲۰۹ ..... دو. حمایت برخی خواص
- ۲۰۹ ..... سه. غفلت برخی خواص
- ۲۱۰ ..... چهار. ساختن حکایات
- ۲۱۰ ..... ۲. ویژگی‌های جریان‌های انحرافی
- ۲۱۰ ..... ۲-۱. عقل‌گریزی و اهتمام افراطی به امور احساسی
- ۲۱۱ ..... ۲-۲. درآمیختن حق و باطل
- ۲۱۱ ..... ۲-۳. دور کردن مردم از مرجعیت و روحانیت
- ۲۱۲ ..... ۲-۴. خرافه‌پردازی
- ۲۱۲ ..... ۲-۵. عوام‌زدگی
- ۲۱۳ ..... ۲-۶. خودمرکزی و مریدپروری
- ۲۱۳ ..... ۲-۷. بهره از سخنان چندپهلوی
- ۲۱۴ ..... ۲-۸. دادن شأن و جایگاه دروغین به هوادارن خود
- ۲۱۴ ..... ۲-۹. بی‌ثباتی در باورها و پندارها
- ۲۱۴ ..... ۲-۱۰. پیروی از خواسته‌های نفسانی
- ۲۱۴ ..... ۲-۱۱. سوءاستفاده از آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی
- ۲۱۵ ..... ۲-۱۲. بهره‌مندی از ویژگی‌های خاص ظاهری
- ۲۱۵ ..... ۲-۱۳. ترویج پندارهای ادعایی عجیب و غریب
- ۲۱۵ ..... ۳. بی‌آمدهای جریان‌های انحرافی
- ۲۱۵ ..... ۳-۱. بی‌ثباتی در باورهای دینی
- ۲۱۶ ..... ۳-۲. از بین بردن سرمایه‌های فکری
- ۲۱۶ ..... راه‌برد رودرویی با جریان‌های انحرافی
- ۲۱۶ ..... اشاره
- ۲۱۶ ..... ۱. رفتارهای علمی
- ۲۱۶ ..... ۱-۱. بهره‌گیری از آگاهی‌های معتبر
- ۲۱۷ ..... ۱-۲. طراحی سامانه مهندسی فراگیر مهدویت
- ۲۱۷ ..... ۱-۳. پافشاری بر خردورزی و پرهیز از خرافات

۲۱۸	..... راه‌های عملی
۲۱۸	..... ۲-۱. افشاگری و پدید آوردن حساسیت
۲۱۸	..... ۲-۲. جلوگیری از کارهای تبلیغی جریان‌ها
۲۱۹	..... خودآزمایی
۲۱۹	..... منابع برای پژوهش
۲۲۰	..... درس یازدهم: رجعت و رجعت‌کنندگان (کلیات)
۲۲۰	..... اشاره
۲۲۱	..... پیش‌درآمد
۲۲۱	..... مفهوم‌شناسی واژه رجعت
۲۲۱	..... از نگاه لغت
۲۲۲	..... معنای اصطلاحی
۲۲۵	..... چیستی و چگونگی رجعت
۲۲۶	..... جایگاه رجعت در اعتقادات شیعه
۲۲۸	..... رجعت از نگاه اهل سنت
۲۳۰	..... آثار تربیتی اعتقاد به رجعت
۲۳۰	..... زمان رجعت
۲۳۱	..... امکان رجعت
۲۳۲	..... گزارش رجعت در امت‌های پیشین
۲۳۴	..... خودآزمایی
۲۳۴	..... منابع برای پژوهش
۲۳۶	..... درس دوازدهم: رجعت و رجعت‌کنندگان (در آخرالزمان)
۲۳۶	..... اشاره
۲۳۷	..... پیش‌درآمد
۲۳۷	..... رجعت در آخر الزمان
۲۳۷	..... اشاره
۲۳۷	..... خروج دابه الارض

- زنده شدن برخی مردگان ..... ۲۳۹
- پیمان انبیا بر یاری پیامبر صلی الله علیه و آله ..... ۲۴۱
- دو بار زنده شدن و دو بار مردن ..... ۲۴۲
- سوگند دشمنان اهل بیت بر زنده نشدن مردگان ..... ۲۴۲
- رجعت کنندگان ..... ۲۴۴
- اشاره ..... ۲۴۴
۱. رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ..... ۲۴۵
۲. رجعت علی علیه السلام ..... ۲۴۵
۳. امام حسین علیه السلام، اولین رجعت کننده ..... ۲۴۶
۴. رجعت معصومین علیهم السلام ..... ۲۴۷
۵. رجعت پیامبران پیشین ..... ۲۴۸
- خودآزمایی ..... ۲۴۹
- منابع برای پژوهش ..... ۲۴۹
- درس سیزدهم: رجعت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها ..... ۲۵۰
- اشاره ..... ۲۵۰
- پیش درآمد ..... ۲۵۱
۱. رجعت، سبب بازگشت از فعلیت ..... ۲۵۱
۲. رجعت، همان تناسخ ..... ۲۵۴
- تفاوت رجعت با تناسخ ..... ۲۵۶
۳. بازگشت کفار و مجرمین از اعمال بدشان ..... ۲۵۶
۴. کیفر در رجعت و ناسازگاری با دنیا ..... ۲۵۷
۵. تعارض رجعت با فلسفه معاد ..... ۲۵۸
۶. رجعت از عقاید یهودی ..... ۲۵۹
۷. منافات رجعت با تلقین میت ..... ۲۶۰
۸. تکلیف در زمان رجعت ..... ۲۶۱
- خودآزمایی ..... ۲۶۴



- منابع برای پژوهش - - - - - ۲۶۴
- درس چهاردهم: فرجام حضرت مهدی علیه السلام و زندگی در دنیا - - - - - ۲۶۶
- اشاره - - - - - ۲۶۶
- پیش درآمد - - - - - ۲۶۷
- طول عمر حضرت مهدی علیه السلام - - - - - ۲۶۷
- اشاره - - - - - ۲۶۷
- یک. طول عمر از نگاه قرآن کریم - - - - - ۲۶۸
- اشاره - - - - - ۲۶۸
۱. حضرت نوح علیه السلام - - - - - ۲۶۸
۲. عیسی بن مریم علیهما السلام - - - - - ۲۶۹
۳. حضرت خضر علیه السلام - - - - - ۲۷۰
۴. اصحاب کهف - - - - - ۲۷۰
- دو. طول عمر از نگاه روایات - - - - - ۲۷۰
- سه. از نگاه عقل - - - - - ۲۷۰
- فرجام زندگی حضرت مهدی علیه السلام - - - - - ۲۷۲
- اشاره - - - - - ۲۷۲
- یک. شهادت امام مهدی علیه السلام - - - - - ۲۷۲
- دو. رحلت به مرگ طبیعی - - - - - ۲۷۴
- جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام - - - - - ۲۷۷
- اشاره - - - - - ۲۷۷
- یک. دیدگاه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام - - - - - ۲۷۸
- دو. دیدگاه اهل سنت - - - - - ۲۸۰
- خودآزمایی - - - - - ۲۸۲
- منابع برای پژوهش - - - - - ۲۸۲
- درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۴) - - - - - ۲۸۳
- اشاره - - - - - ۲۸۳

- ۲۸۴ ..... پیش درآمد
- ۲۸۵ ..... آفتاب ولایت
- ۲۸۷ ..... شبهات و ردود (پاسخ به شبهات احمد الکاتب)
- ۲۸۹ ..... مهدی عجل الله فرجه، ده انقلاب در یک انقلاب
- ۲۹۰ ..... خط امان
- ۲۹۲ ..... گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان
- ۲۹۴ ..... آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)
- ۲۹۵ ..... شناخت امام، یا راه رهایی از مرگ جاهلی
- ۲۹۶ ..... در جستجوی قائم علیه السلام
- ۲۹۷ ..... امام مهدی علیه السلام در آینه قلم
- ۲۹۹ ..... منابع و مآخذ
- ۳۰۷ ..... درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: سلیمیان، خدامراد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: درسنامه مهدویت / خدامراد سلیمیان.

مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۶ -

مشخصات ظاهری: ج.۴.

شابک: دوره ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۱-۵: ؛ ۲۵۰۰۰ ریال: ج.۱: ۹۶۴-۷۴-۲۸-۳۲-۴: ؛ ۲۵۵۰۰ ریال: ج.۱، چاپ سوم ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲-۸۳۲-۳: ؛ ۳۵۰۰۰ ریال: ج.۲: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۴۲-۲: ؛ ۲۵۰۰۰ ریال (ج.۲، چاپ اول)؛ ۳۰۰۰۰ ریال (ج.۲، چاپ پنجم)؛ ۳۵۰۰۰ ریال (ج.۲، چاپ ششم)؛ ج.۴: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۹۱-۸.

یادداشت: ج.۱ (چاپ پنجم: ۱۳۸۸).

یادداشت: ج.۱ (چاپ سوم: زمستان ۱۳۸۶).

یادداشت: ج.۲ (چاپ اول: تابستان ۱۳۸۶).

یادداشت: ج.۲ (چاپ پنجم: زمستان ۱۳۸۷).

یادداشت: ج.۲ (چاپ ششم: ۱۳۸۸).

یادداشت: ج.۴ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیفا).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج.۱. حضرت مهدی (عج) از ولادت تا امامت. - ج.۲. حضرت مهدی (عج) و دوران غیبت. - ج.۴. حضرت مهدی (عج) و حکومت جهانی

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع: مهدویت

رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۸۷۳۳د۴/س ۲۲۴ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۶۲۴۹

ص: ۱

**اشاره**

درسنامه مهدویت

(جلد ۴)

حضرت مهدی عجل الله فرجه و حکومت جهانی

خدایمیرا سلیمان

در سنامه مهدویت (۴)

مؤلف: خدامراد سلیمیان

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

نوبت چاپ: دوم تابستان ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۶۲-۹۱-۸

شمارگان: دو هزار نسخه

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

\* قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه، مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

\* تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

[www.mahdi۱۳.com](http://www.mahdi۱۳.com)

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمدصابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، رضا فریدی (صفحه آرا)، عباس فریدی (طراح جلد) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله فرجه حسین احمدی

کد فایل: ۵-۰۹۲۶۰

ص: ٣

بسم الله الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

پیشگفتار. ۱۵

درس اول

حکومت حضرت مهدی علیه السلام (کلیات)

پیش درآمد... ۲۰

یک. معنانشناسی حکومت... ۲۰

از نگاه لغت... ۲۰

از نگاه اصطلاح.. ۲۱

واژگان حکومت مهدوی... ۲۱

۱. مُلکک..... ۲۲

۲. خلافت.... ۲۲

۳. دولت.... ۲۳

۴. سلطنت.... ۲۳

۵. ولایت.... ۲۴

دو. بشارت به حکومت حضرت مهدی علیه السلام. ۲۴

سه. حتمی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام. ۲۶

چهار. مقرر حکومت حضرت مهدی علیه السلام. ۲۷

پنج. مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام. ۲۹

خودآزمایی.. ۳۳





ص: ۵

درس دوم

گستره حکومت حضرت مهدی علیه السلام

پیش درآمد.. ۳۶

ادله جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام. ۳۷

۱. در آیات قرآن.. ۳۷

۲. در روایات معصومان علیهم السلام. ۳۹

نسبت جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام. ۴۲

حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام. ۴۳

مقایسه و تمایز. ۴۵

امتیازات حکومت جهانی مهدوی بر جهانی شدن.. ۴۶

خودآزمایی.. ۴۹

منابع برای پژوهش.... ۴۹

درس سوم

نظام اعتقادی حکومت مهدی علیه السلام

پیش درآمد.. ۵۲

اسلام برای همه و همیشه. ۵۲

دین در عصر ظهور. ۵۵

دستورالعمل های نوین در عصر ظهور. ۵۸

پیروان دیگر ادیان در عصر ظهور. ۶۲

دیدگاه نخست: حضور پیروان.. ۶۳

۱. پرداخت جزیه اهل کتاب... ۶۴

۲. داوری میان اهل کتاب با کتاب آنها ۶۴

۳. شباهت سیره مهدی با سیره پیامبر. ۶۴

دیدگاه دوم: عدم حضور پیروان ادیان.. ۶۵

۱. آیات... ۶۵

۲. روایات... ۶۵

خودآزمایی.. ۶۹

منابع برای پژوهش.... ۶۹

درس چهارم

حکومت حضرت مهدی علیه السلام و عدالت

پیش درآمد... ۷۲

مفهوم شناسی عدالت.... ۷۳

الف) معنای لغوی... ۷۳

ب) معنای اصطلاحی.. ۷۴

عدالت در آموزه های دینی.. ۷۵

الف) در قرآن.. ۷۵

ب) در روایات... ۷۶

عدالت در دولت مهدی موعود علیه السلام. ۷۸

راهبردهای عدالت گستری مهدوی... ۷۸

افزایش معرفت.... ۷۸

گسترش انفاق.. ۷۹

توزیع داد گرانه. ۷۹

برداشتن افزون خواهی.. ۷۹

احساس بی نیازی در مردم. ۸۰

گستره عدالت مهدوی... ۸۰

۱. گستره انسانی.. ۸۰

۲. گستره جغرافیایی.. ۸۱

۳. گستره مصداقی.. ۸۱

یک. عدالت در داوری... ۸۱

دو. عدالت در عرصه اقتصاد. ۸۲

سه. عدالت در عرصه سیاست.... ۸۲

چهار . عدالت در عرصه فرهنگ..... ۸۳

آثار و برکات عدالت.... ۸۳

خودآزمایی.. ۸۵

منابع برای پژوهش.... ۸۵

نظام امنیتی حکومت امام مهدی علیه السلام

پیش درآمد... ۸۸

امنیت.... ۸۹

از نگاه اصطلاح.. ۸۹

الف) از نگاه قرآن.. ۹۰

ب) از نگاه روایات... ۹۲

زمینه های ترس، دلهره و ناامنی.. ۹۳

نقش امام در امنیت روانی و معنوی... ۹۴

حکومت مهدوی و امنیت.... ۹۵

گستره امنیت در حکومت مهدوی... ۹۶

یک . امنیت فردی... ۹۶

دو . امنیت اجتماعی.. ۹۷

۱. امنیت عقیدتی فرهنگی.. ۹۷

۲. امنیت اقتصادی... ۹۸

۳. امنیت داوری... ۹۹

هم زیستی مسالمت آمیز. ۹۹

سخن آخر. ۱۰۰

خودآزمایی.. ۱۰۱

منابع برای پژوهش.... ۱۰۱

درس ششم

نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۱)

پیش درآمد.. ۱۰۴

یک. مشروعیت.... ۱۰۴

مفهوم شناسی.. ۱۰۵

الف) از نگاه لغت.... ۱۰۵

ب) از نگاه اصطلاح.. ۱۰۵

تفاوت مشروعیت در عرف سیاسی با مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام ۱۰۶

انواع مشروعیت الهی.. ۱۰۷

الف) مشروعیت الهی از جنبه هستی شناختی و توحید.. ۱۰۷

ب) مشروعیت الهی از جنبه انسان شناختی.. ۱۰۸

دو. مقبولیت (پذیرش مردم). ۱۰۸.

امام مهدی علیه السلام؛ مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی ۱۱۱

پذیرش حاکمیت، اجابت درخواست مردم. ۱۱۲

همکاری همگانی (رابطه ولی و مولی). ۱۱۲

۱. حقوق مردم بر حضرت... ۱۱۳

۲. حقوق حضرت بر مردم. ۱۱۴

نقش مدیریتی مردم (کارگزاران حکومت). ۱۱۵

گروه های کارگزاران از نگاه روایات... ۱۱۶

خودآزمایی.. ۱۱۹

منابع برای پژوهش.... ۱۱۹

درس هفتم

نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۲)

پیش درآمد.. ۱۲۲

مردم و حکومت مهدوی... ۱۲۲

بیعت، مهم ترین سازوکار سیاسی.. ۱۲۳

پایه های بیعت.... ۱۲۴

چگونگی و چیستی بیعت.... ۱۲۴

بیعت ورأی دادن، شباهت ها و تفاوت ها ۱۲۷

آثار بیعت.... ۱۲۹

۱. ابراز آمادگی.. ۱۲۹

۲. پذیرش ولایت.... ۱۲۹

۳. یادآوری پایبندی به وظیفه. ۱۳۰

۴. پافشاری بر وفاداری... ۱۳۰

بیعت با امام مهدی علیه السلام، از نگاه روایات... ۱۳۰

۱. بیعت کنندگان.. ۱۳۰

۱۱. بیعت جبرئیل فرشته وحی.. ۱۳۰

۱-۲. بیعت یاران خاص (سیصد و سیزده نفر). ۱۳۱



۳-۱. برخی از مردم. ۱۳۱

۲. مکان بیعت.... ۱۳۲

۳. محتوا و مفاد بیعت.... ۱۳۲

یک بررسی کوتاه در مفاد بیعت.... ۱۳۲

خودآزمایی.. ۱۳۶

منابع برای پژوهش.... ۱۳۶

درس هشتم

نظام تعلیم و تربیت در حکومت مهدی علیه السلام

پیش درآمد.. ۱۳۸

درآمدی بر نظام تعلیم و تربیت اسلامی.. ۱۳۹

گسترش خردورزی در عصر ظهور. ۱۴۱

عقل از نگاه قرآن.. ۱۴۱

عقل از نگاه روایات... ۱۴۱

سازوکارهای تعلیم و تربیت مهدوی... ۱۴۴

۱. شکوفاسازی عقول انسانی.. ۱۴۵

۲. فرهنگ سازی جامع.. ۱۴۶

۳. پالایش ناپاکی های درونی.. ۱۴۶

۴. شکوفایی سرشت انسانی.. ۱۴۷

۵. ترویج و تثبیت ارزش های اخلاقی.. ۱۴۷

۶. کنترل و نظارت فراگیر. ۱۴۷

۷. تقویت باورهای اعتقادی و ایمانی.. ۱۴۸

۸. ایجاد غنای واقعی در بشر. ۱۴۸

۹. به سازی اخلاق کار گزاران.. ۱۴۹

۱۰. حاکمیت اندیشه قرآنی.. ۱۴۹

۱۱. وحدت و الفت انسان ها ۱۵۰

۱۲. فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت.... ۱۵۱

خود آزمایی.. ۱۵۳

منابع برای پژوهش.... ۱۵۳

ص: ۱۰

درس نهم

مهدویت و مستشرقان

پیش درآمد.. ۱۵۶

تعاریف متفاوت از واژه شرق.. ۱۵۶

شرق شناسی در فرهنگ لغت... ۱۵۸

تعریف اصطلاحی شرق شناسی.. ۱۵۸

تقسیم بندی مستشرقین (اسلام شناسان غربی).. ۱۵۹

برخی زمینه های ورود مستشرقین به موضوع مهدویت... ۱۶۰

الف) جاذبه فرهنگ و تمدن اسلامی.. ۱۶۰

ب) اهداف استعماری و تبشیری... ۱۶۰

ج) نگاه اندیشمندان به آموزه های اسلامی.. ۱۶۱

د) توجه به نهضت های اصلاح طلبانه اسلامی.. ۱۶۲

ه) نگاه کلان به موضوع منجی و جامعه آرمانی.. ۱۶۲

جنبه های مثبت و منفی در پژوهش مستشرقان.. ۱۶۴

عرصه های مهدویت پژوهی در نزد مستشرقان.. ۱۶۷

خودآزمایی.. ۱۶۸

منابع برای پژوهش... ۱۶۸

درس دهم

زمینه شناسی جریانهای انحرافی در مهدویت

پیش درآمد.. ۱۷۰

۱. عوامل پیدایش جریان های انحرافی.. ۱۷۱

۱-۱. عوامل پدیدآورنده. ۱۷۱

یک. ناآگاهی توده مردم. ۱۷۱

دو. آشفتگی های اجتماعی و اقتصادی... ۱۷۲

سه. زیاده خواهی.. ۱۷۲

چهار. نابسامانی و اعتبار کم برخی متون.. ۱۷۲

پنج. حمایت دشمنان.. ۱۷۳

۱-۲. عوامل استمراربخش.... ۱۷۳

یک. اباحی گری و تکلیف گریزی... ۱۷۳

دو. حمایت برخی خواص..... ۱۷۴

سه. غفلت برخی خواص..... ۱۷۴

چهار. ساختن حکایات... ۱۷۵

۲. ویژگیهای جریان های انحرافی.. ۱۷۵

۲-۱. عقل گریزی و اهتمام افراطی به امور احساسی.. ۱۷۵

۲-۲. در آمیختن حق و باطل.. ۱۷۶

۲-۳. دور کردن مردم از مرجعیت و روحانیت.... ۱۷۶

۲-۴. خرافه پردازی... ۱۷۷

۲-۵. عوامزدگی.. ۱۷۷

۲-۶. خودمركزی و مریدپروری... ۱۷۸

۲-۷. بهره از سخنان چندپهلوی. ۱۷۸

۲-۸. دادن شأن و جایگاه دروغین به هوادارن خود. ۱۷۹

۲-۹. بی ثباتی در باورها و پندارها ۱۷۹

۲-۱۰. پیروی از خواسته های نفسانی.. ۱۷۹

۲-۱۱. سوءاستفاده از آشفتگی های سیاسی و اجتماعی.. ۱۷۹

۲-۱۲. بهره مندی از ویژگی های خاص ظاهری... ۱۸۰

۲-۱۳. ترویج پندارهای ادعایی عجیب و غریب.... ۱۸۰

۳. پی آمدهای جریان های انحرافی.. ۱۸۰

۳-۱. بی ثباتی در باورهای دینی.. ۱۸۰

۳-۲. از بین بردن سرمایه های فکری... ۱۸۱

راهبرد رودررویی با جریان های انحرافی.. ۱۸۱

۱. رفتارهای علمی.. ۱۸۱

۱-۱. بهره گیری از آگاهی های معتبر. ۱۸۱

۱-۲. طراحی سامانه مهندسی فراگیر مهدویت.... ۱۸۲

۱-۳. پافشاری بر خردورزی و پرهیز از خرافات... ۱۸۲

۲. راه های عملی.. ۱۸۳

۲-۱. افشاگری و پدید آوردن حساسیت.... ۱۸۳

۲-۲. جلوگیری از کارهای تبلیغی جریان ها ۱۸۳

خودآزمایی.. ۱۸۴

منابع برای پژوهش.... ۱۸۴

ص: ۱۲

درس یازدهم

رجعت و رجعت کنندگان (کلیات)

پیش درآمد.. ۱۸۶

مفهوم شناسی واژه رجعت.... ۱۸۶

از نگاه لغت.... ۱۸۶

معنای اصطلاحی.. ۱۸۷

چیستی و چگونگی رجعت.... ۱۹۰

جایگاه رجعت در اعتقادات شیعه. ۱۹۱

رجعت از نگاه اهل سنت.... ۱۹۳

آثار تربیتی اعتقاد به رجعت.... ۱۹۵

زمان رجعت.... ۱۹۵

امکان رجعت.... ۱۹۶

گزارش رجعت در امت های پیشین.. ۱۹۷

خودآزمایی.. ۱۹۹

منابع برای پژوهش.... ۱۹۹

درس دوازدهم

رجعت و رجعت کنندگان (در آخر الزمان)

پیش درآمد.. ۲۰۲

رجعت در آخر الزمان.. ۲۰۲

خروج دابه الارض..... ۲۰۲

زنده شدن برخی مردگان.. ۲۰۴

پیمان انبیا بر یاری پیامبر صلی الله علیه و آله. ۲۰۶

دو بار زنده شدن و دو بار مردن.. ۲۰۷

سوگند دشمنان اهل بیت بر زنده نشدن مردگان.. ۲۰۷

رجعت کنندگان.. ۲۰۹

۱. رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله. ۲۱۰

۲. رجعت علی علیه السلام. ۲۱۰

۳. امام حسین علیه السلام، اولین رجعت کننده. ۲۱۱

۴. رجعت معصومین علیهم السلام. ۲۱۲



۵. رجعت پیامبران پیشین.. ۲۱۳

۶. زنان رجعت کننده. ۲۱۳

خودآزمایی.. ۲۱۴

منابع برای پژوهش.... ۲۱۴

درس سیزدهم

رجعت، پرسشها و پاسخها

پیش درآمد.. ۲۱۶

۱. رجعت، سبب بازگشت از فعلیت.... ۲۱۶

۲. رجعت، همان تناسخ... ۲۱۹

تفاوت رجعت با تناسخ... ۲۲۱

۳. بازگشت کفار و مجرمین از اعمال بدشان.. ۲۲۱

۴. کیفر در رجعت و ناسازگاری با دنیا ۲۲۲

۵. تعارض رجعت با فلسفه معاد. ۲۲۳

۶. رجعت از عقاید یهودی... ۲۲۴

۷. منافات رجعت با تلقین میت.... ۲۲۵

۸. تکلیف در زمان رجعت.... ۲۲۶

خودآزمایی.. ۲۲۹

منابع برای پژوهش.... ۲۲۹

درس چهاردهم

فرجام حضرت مهدی علیه السلام و زندگی در دنیا

پیش درآمد.. ۲۳۲

طول عمر حضرت مهدی علیه السلام. ۲۳۲

یک. طول عمر از نگاه قرآن کریم.. ۲۳۳

۱. حضرت نوح علیه السلام. ۲۳۳

۲. عیسی بن مریم علیهما السلام. ۲۳۴

۳. حضرت خضر علیه السلام. ۲۳۵

۴. اصحاب کهف.... ۲۳۵

دو. طول عمر از نگاه روایات... ۲۳۵

سه. از نگاه عقل .. ۲۳۵

فرجام زندگی حضرت مهدی علیه السلام. ۲۳۷

یک. شهادت امام مهدی علیه السلام. ۲۳۷

دو. رحلت به مرگ طبیعی .. ۲۳۹

جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام. ۲۴۱

یک. دیدگاه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام. ۲۴۲

دو. دیدگاه اهل سنت .... ۲۴۴

خودآزمایی .. ۲۴۶

منابع برای پژوهش .... ۲۴۶

درس پانزدهم

کتاب شناسی مهدویت (۴)

پیش درآمد .. ۲۴۸

آفتاب ولایت .... ۲۴۹

شبهات و ردود (پاسخ به شبهات احمد الکاتب). ۲۵۱

مهدی عجل الله فرجه، ده انقلاب در یک انقلاب ... ۲۵۳

خط امان .. ۲۵۴

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان .. ۲۵۶

آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت). ۲۵۸

شناخت امام، یا راه رهایی از مرگ جاهلی .. ۲۵۹

در جستجوی قائم علیه السلام. ۲۶۰

امام مهدی علیه السلام در آینه قلم.. ۲۶۱

منابع و مآخذ.. ۲۶۳

## پیشگفتار

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ))؛ و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. (انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵)

حکومت جهانی واحد از دیرباز یکی از آرمان های انسان ها بوده است. اسلام نیز با ارائه فراگیرترین الگو از این حکومت، در آموزه های خود و به ویژه در سخنان معصومان علیه السلام، این نیاز را به شایسته ترین شکل، پاسخ داده است.

با این که آرمان هایی چون عدل جهانی و حکومت جهانی، دیرینه ای به درازای تاریخ دارد؛ اما در سده گذشته به سبب برخی پدیده های ویژه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به ویژه گسترش فن آوری های رسانه ای و ارتباطات آرمان جهانی شدن، فراگیر و تقویت شده و هر چه بیشتر عملی تر به نظر می رسد. در جنبش های اسلامی امروزی نیز، بار دیگر آرمان دیرین جهانی شدن دین و چیره شدن اسلام با توان تمام مطرح شده و مفاهیمی چون دین جهانی، عدل جهانی، حکومت جهانی یا بین الملل اسلامی و مانند آن گسترش یافته است.

آرمان های یادشده در میان مسلمانان و پیروان اهل بیت علیهم السلام به ویژه، در سطح گسترده تر مطرح و تقویت شده و اکنون در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی جمهوری اسلامی در ایران، از آن آرمان ها از جمله حکومت واحد جهانی تبلیغ می شود.

بنابراین از موضوعاتی که به ویژه در دوران معاصر نیازمند بررسی های آگاهانه و کارشناسانه بیشتری است، بحث از حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام و مباحث

مربوط به آن است. که بازشناخت ویژگی‌ها و شاخصه‌های این باور بلند، می‌تواند ما را در نشان دادن این اعتقاد سترگ به علاقه‌مندان مشتاق در جهان کنونی، یاری دهد.

اگر چه در گذشته تاریخ این بحث، افراد فراوانی با کوشش و پشتکار بدان پرداخته‌اند، اما همچنان جای سخن و پژوهش در آن فراوان است. چه اینکه بررسی‌های ژرف در سخنان ارزشمند پیشوایان معصوم علیهم السلام، می‌تواند افق‌های روشن... تری را فراوری مشتاقان و پژوهندگان قرار داده است.

پیش از این نیز یاد شد: اگرچه تلاش‌های شایسته در این گستره، آثار گرانسنگی را به دست داده است، ولی یکی از کاستی‌های این بحث، متنی آموزشی فراگیر برای انسجام بخشی به بررسی‌های موضوعی این مباحث است که جای آن بسی خالی است.

آنچه اینک پیش روی شما خواننده گرامی است، بخش پایانی از مجموعه چهارجلدی "درسنامه مهدویت" با نام "حضرت مهدی علیه السلام و حکومت جهانی" است. در این کتاب، مباحث مربوط به نورانی‌ترین و پرنشاط‌ترین فصل زندگی انسان روی کره خاکی به بحث و بررسی گذاشته شده است. دورانی که همه پیامبران بزرگ خداوند به آن نوید داده‌اند.

با یاری خداوند پیش از این در جلد نخست، با نام "حضرت مهدی علیه السلام از ولادت تا امامت"، به بحث و بررسی مهدویت از آغاز پدیدارشدن، تا شروع امامت حضرت مهدی علیه السلام، و در جلد دوم با نام "حضرت مهدی علیه السلام و دوران غیبت"، به بحث در باره موضوعات مربوط به دوران غیبت حضرت مهدی علیه السلام و در جلد سوم با نام "حضرت مهدی علیه السلام از ظهور تا حکومت جهانی" به بحث‌های مربوط، پرداختم.

اینک در اینجا بر خود بایسته می‌دانم سپاسگزاری خود را از همه اساتید بزرگواری که با راهنمایی‌ها و همراهی خود، این کمترین را یاری دادند، به ویژه از دکتر سید رضی موسوی گیلانی و حجج اسلام و المسلمین حمید سعادت، جواد اسحاقیان، عباس خادمیان، رحیم کارگر، علی مصلحی و محمد رضا نصوری اعلام کرده، از همه گرامیان در بنیاد ارزشمند فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام که از خدمات ماندگار

حجه الاسلام و المسلمین قرائتی و دوستانشان است و نیز مرکز تخصصی مهدویت به ویژه حضرت حجه الاسلام و المسلمین کلباسی قدردانی نمایم که این کتاب را در جهت خدمت به ساحت ارزشمند مهدویت پذیرفته و به شایستگی آن را چاپ و منتشر کردند.

به امید آنکه این تلاش اندک، مورد پذیرش خداوند بزرگ و خشنودی آن پیشوای پنهان قرار گرفته، در جهت شناختن فرهنگ و آموزه های مهدویت فائده بخشد.

و توفیق از خداوند است

خدا مراد سلیمیان





## درس اول: حکومت حضرت مهدی علیه السلام (کلیات)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یک. معنانشناسی حکومت حضرت مهدی علیه السلام

دو. بشارت به حکومت حضرت مهدی علیه السلام

سه. حتمی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام

چهار. مرکز حکومت حضرت مهدی علیه السلام

پنج. مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام

## پیش درآمد

دین اسلام، در کنار پافشاری بر برپایی حکومت به عنوان یک نیاز و بایسته اجتماعی، بیشترین سفارش خود را بر شکل گیری حاکمیت انسان های شایسته بر پایه دین و دین داری، متمرکز کرده است؛ چرا که حاکم نیکوکار است که مردم جامعه را به نیکی ها و رستگاری رهبری و هدایت خواهد کرد.

از آموزه های دینی به روشنی به دست می آید حکومت موعود منجی که در اسلام از آن به نام دولت مهدی موعود علیه السلام یاد شده است، والاترین حکومت روی زمین خواهد بود که در آن همه عناصر بایسته به خوبی در جایگاه خود قرار می گیرند. حکومتی که آرمان بلند همه پیامبران الهی و شایستگان زمین را پدید خواهد آورد.

در این درس که در حقیقت آغازی برای بحث های پیش رو است تلاش می شود تا به برخی مباحث عمومی در باره آن دوران نورانی اشاره شود.

## یک. معناسازی حکومت

### از نگاه لغت

حکومت، در لغت، بیشتر از کلمه «حُکم» به معنی «داوری» آمده است. اما به معانی دیگری نیز مانند: فرمان دادن، امر کردن، فرمانروایی کردن، پادشاهی کردن، نیز به کار رفته است. (۱) و نیز گفته شده: حکم به معنای جلوگیری است. و حُکم را حُکم گویند؛ زیرا از ستم و بی داد جلوگیری می کند، همچنان که افسار حیوانات را "حکمه" گویند،

---

۱- رک: محمد معین، فرهنگ معین، واژه حکومت.

چون حیوان را از حرکت و سرکشی باز می‌دارد. دانش را نیز حکمت خوانند؛ چون دارنده خود را از نادانی و رفتار نابخردانه نگه می‌دارد. (۱)

### از نگاه اصطلاح

حکومت، در اصطلاح سیاسی، تعریف‌های گوناگونی دارد. مانند اینکه گفته شده: حکومت یا نظام سیاسی عبارت است از: گروهی از سازمان‌های اجتماعی که برای تأمین روابط طبقات اجتماعی و حفظ انتظام جامعه به وجود می‌آیند. (۲) یا حکومت به معنای کوششی است که برای تحت قاعده مشخص درآوردن و تبیین نحوه پیوند عناصر یک نظام سیاسی خاص صورت می‌گیرد. نظام سیاسی را همچنین مجموعه محسوس نهادها و انگیزه‌هایی می‌دانند که ساخت قدرت را ممکن می‌سازد. (۳) یا اینکه گفته شده، حکومت عبارت است از: فرمانروایی یک شخص و یا یک هیئت حاکمه یا هیئت‌های مختلف، بر جامعه به منظور تنظیم و اصلاح امور اجتماعی و انتظام امر معاش آن جامعه. (۴)

یکی از اساتید معاصر پس از اشاره به این نکته که تعریف‌های گوناگونی از این واژه در کتب علوم سیاسی گفته شده است، در بیان ساده‌ای، حکومت را ارگانی رسمی دانسته که بر رفتارهای اجتماعی افراد جامعه، نظارت داشته، و سعی می‌کند به رفتارهای اجتماعی مردم جهت ببخشد. (۵)

### واژگان حکومت مهدوی

#### اشاره

اگرچه واژگان حکومت در باره چیرگی حضرت مهدی علیه السلام پس از قیام، بر کره زمین، در بحث‌های مربوط بسیار به کار رفته و شناخته شده است، اما بررسی‌های سخنان بزرگان دین، گویای آن است که این واژگان در هیچ متن عربی روایتی آنگاه که به این دوره اشاره می‌شود، به کار نرفته است و اگر برخی مشتقات آن در روایتی به کار رفته، مقصود حکومت نیست، بلکه داوری است. امام باقر علیه السلام فرمود:

۱- احمد بن فارس بن زکریا (د/۳۹۵ق)، معجم مقاییس اللغه، ج ۲، ص ۹۱.

۲- غلامرضا علی بابایی، فرهنگ اصطلاحات و روابط بین الملل، ص ۱۰۰.

۳- همان، ص ۲۴۵.

۴- حیدر علی قلمکاری، حکومت اسلامی، ص ۶.

۵- محمد تقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۱.

إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَكَمَ بِحُكْمِ دَاوُدَ وَ سُلَيْمَانَ لَا يَسْأَلُ بَيْنَهُ؛ (۱) آنگاه که قائم آل محمد به پا خیزد به داوری داود و سلیمان داوری خواهد کرد و بینه ای طلب نمی کند.

اما برخی تعبیرهایی که برای اشاره به دوران حکومت آن حضرت از آن بهره برده شده از این قرارند:

### ۱. مُلْك

"مُلْك" در لغت به معنای چیرگی بر چیزی به گونه‌ای که اختیار آن به دست او باشد. (۲) و مَلِك کسی را گویند که امر و نهی در دست اوست و این ویژگی سیاست انسان‌هاست. (۳) پاره‌ای از روایات از دوران حکومت حضرت با عنوان مُلْك یاد کرده است. که با تعبیرهایی چون "یملک" و "یملکن" که اشاره به حتمی بودن دارد، در روایات آمده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یملک القائم علیه السلام تسع عشرة سنة و أشهر؛ (۴) قائم نوزده سال و چند ماه پادشاهی خواهد کرد.»

### ۲. خلافت

خلافت در لغت به معنای جانشینی و کسی که پس از دیگری می‌آید را خلیفه گویند. (۵) این جانشینی در باره حضرت مهدی علیه السلام می‌تواند به معنای جانشینی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و یا از پدران بزرگوار خود امامان معصوم علیهم السلام باشد. برخی روایات از این دوران با واژه خلافت نام برده‌اند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

المهدی من ولدی... یرضی بخلافته أهل السماء و الطیر فی الجوی یملک

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۹۷؛ ج ۲، ص ۵۰۳؛ نک: محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱.

۲- حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۱، ص ۱۶۳.

۳- راغب اصفهانی (د/ نزدیک ۴۲۵ق)، مفردات الفاظ القرآن، ج ۱، ص ۷۷۴.

۴- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱؛ نیز نک: محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۴.

۵- حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۱۰۷.

عشرین سنه؛(۱) مهدی ار فرزندان من است... اهل آسمان و پرندگان نیز از خلافت او خرسند خواهند شد و بیست سال پادشاهی خواهد کرد.

### ۳. دولت

دولت در لغت به معنای: گشتن از حالی به حالی، گردش نیک بختی و پیروزی از شخصی به دیگری، اقبال،(۲) امری است که از کسی به دیگری می‌رسد.(۳) و نیز به معنای گذر از سختی‌ها و شدت به آرامش و آسایش است.(۴) از تعبیرهایی که کم و بیش در برخی روایات و نیز دعاها در آرزوی حضور در حکومت حضرت نقل شده، "دولت" است. امام باقر علیه السلام فرمود:

«فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا؛(۵) پس همانا برای ما دولتی است که آنگاه که خدا بخواهد آن را خواهد آورد.»

«دولت» به معنای فراگیر کلمه عبارت است از جامعه‌ای که در آن قدرت سیاسی بر پایه «قوانین اساسی» تعیین و تشریح شده است. به معنای محدودتر، دولت عبارت است از قدرتی که سرنوشت جامعه را در دست دارد. در مفهوم همگانی، دولت به معنای مجموعه سازمان‌های اجرایی است که توان اداره جامعه به آن واگذار شده است.(۶)

### ۴. سلطنت

سلطنت به معنای پادشاهی و حکومت، یکی دیگر از تعبیرهایی است که برخی روایات برای اشاره به دوران حاکمیت حضرت مهدی علیه السلام به کار رفته است.(۷)

۱- محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامه، ص ۲۳۳؛ نیز نک: علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲- نک: محمد معین، فرهنگ معین، واژه دولت.

۳- حسن مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۳، ص ۲۸۱.

۴- فخر الدین طریحی (د/۱۰۸۵ق)، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۷۴.

۵- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۲۲؛ و نیز آن حضرت فرمود: دولتنا آخر الدول؛ محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۳؛ محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۴.

۶- محمد رضا مرندی، مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اسلام، ص ۲۱.

۷- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۲۱۰.

**۵. ولایت**

اگرچه همه پیشوایان معصوم علیهم السلام دارای ولایت هستند، اما در برخی روایات برای اشاره به دوران حکومت واپسین حجت الهی از تعبیر "ولایت" استفاده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

لا تذهب الدنيا حتى يلي أمتي رجل من أهل بيتي يقال له المهدي؛ (۱) دنیا به پایان نرسد تا آنکه ولایت امتم را مردی از اهل بیتم بر عهده گیرد که به او مهدی گفته می شود.

**دو. بشارت به حکومت حضرت مهدی علیه السلام**

از آغاز آفرینش انسان‌ها بر زمین، همواره پیامبران بشارت برپایی حکومت شایستگان را داده اند که برخی از آنها در بحث مهدویت در قرآن یاد شد. افزون بر کتاب‌های مقدس و سخنان پیامبران الهی این نوید در سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام نیز به چشم می خورد.

خداوند در آیاتی چند به انسان‌های شایسته وعده داده که حکومت زمین به آن‌ها خواهد رسید:

((وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ))؛ (۲)

خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین، جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد. و آن دینی را که برایشان پسندیده است، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند.

۱- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۲- نور (۲۴)، آیه ۵۵.

در این آیه، خداوند وعده حکومت روی زمین، برتری دین و آیین و امنیت فراگیر را به مؤمنان و شایستگان داده است. اما در این که منظور از این گروه چه کسانی‌اند، میان مفسران گفت‌وگو است.

برخی آن را اشاره به حکومت مهدی علیه السلام می‌دانند که شرق و غرب گیتی، در زیر پرچم حکومت آن حضرت قرار می‌گیرد، آیین حق همه‌جا نفوذ می‌کند، ناامنی، ترس و جنگ از زمین بر چیده می‌شود و بندگی بدون شرک، برای جهانیان تحقق می‌یابد. (۱)

بی‌گمان آیه، هم مسلمانان نخستین را در بر می‌گیرد و هم دربرگیرنده حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه می‌شود. بر پایه باور همه مسلمانان اعم از شیعه و اهل تسنن آن حضرت سراسر زمین را پر از عدل و قسط می‌کند و او نمونه کامل این آیه است؛ ولی با این حال، منعی از عمومیت و گستردگی مفهوم آن نیست.

گفتنی است ثمره همه کوشش‌های پیامبران و تبلیغات پی‌گیر آنان و نمونه کامل حاکمیت یکتاپرستی و امنیت کامل و عبادت، زمانی پدید می‌آید که حضرت مهدی عجل الله فرجه ظهور می‌کند. (۲)

ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت، در پی این آیه فرمود: «درباره قائم عجل الله فرجه و اصحاب ایشان نازل شده است.» (۳)

از آیاتی که به حکومت عدل مهدوی نوید داده این آیه است: ((وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))؛ (۴) و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث [زمین] کنیم.

این آیه بر پایه فرمایش امام علی علیه السلام، و روایاتی چند از دیگر امامان علیهم السلام، ناظر به پیروزی فرودستان بر فرادستان است و این که سرانجام، جهان از آن

۱- ر.ک: محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۱۸.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۵۳۲، ۵۳۰.

۳- «نزلت فی الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِهِ»، شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۳؛ نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۰، ح ۳۵.

۴- قصص (۲۸)، آیه ۵.

شایستگان خواهد شد.

آیه یاد شده، بیانگر یک قانون فراگیر برای همه عصرها و قرن‌ها است. این، بشارتی در زمینه پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر است. نمونه کامل تر آن، حکومت پیامبر اسلام و یاران آن حضرت بعد از ظهور اسلام بود. گسترده ترین نمونه آن نیز، ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به دست حضرت مهدی عجل الله فرجه خواهد بود.

امیر مؤمنان امام علی علیه السلام فرمود: لَتَعَطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَاسِهَا عَطْفَ الضَّرُوسِ عَلَيَّ وَلِدَهَا وَ تَلَّا عَقِيبَ ذَلِكَ ((وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَوْا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ))؛ (۱) دنیا، پس از چموشی و سرکشی همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد به ما روی می آورد... سپس آیه «و نرید ان نمن...» را تلاوت فرمود.

ابو سعید خدری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده که فرمود:

أَبَشَّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلْزَالٍ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عِدْلًا وَ قَسِيطًا كَمَا مَلِئْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛ (۲) شما را مژده می دهم به مهدی که هنگام اختلاف مردم و تزلزل زمانه برانگیخته شود و زمین را از عدل و داد پر کند چونان که از ظلم و ستم پر شده باشد و ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود باشند.

### سه. حتمی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام

پیش از این یاد شد که برپایی حکومت عدل جهانی مهدوی از وعده‌های خداوند است و بر پایه آیات روشن قرآن، خداوند در وعده‌های خود هرگز تخلف نخواهد کرد. (۳) از این رو حکومت حضرت مهدی علیه السلام به گونه ای ناگزیر در همین دنیا و پیش از برپایی رستاخیز بزرگ، برپا خواهد شد.

۱- سید رضی، نهج البلاغه، ص ۵۰۶.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۷۸.

۳- ان الله لا یخلف المیعاد.



روایات فراوانی در منابع شیعه و اهل سنت، حکومت مهدی موعود را امری دانسته که ناگزیر پیش از برپایی رستاخیز اگر چه یک روز از عمر جهان باقی مانده باشد تحقق خواهد یافت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم در این باره فرموده است:

لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا...؛ (۱) اگر از دنیا بیش از یک روز باقی نماند، خداوند آن روز را چنان طولانی خواهد کرد تا اینکه مردی از اهل بیت بر انگیزته شود و زمین را از عدل و قسط آکنده کند؛ آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

عبد الله بن مسعود از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده که آن حضرت فرمود:

لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ؛ (۲) دنیا به پایان نمی رسد تا آنکه امت مرا شخصی ولایت کند که از اهل بیت من است و مهدی نامیده می شود.

#### چهار. مقرر حکومت حضرت مهدی علیه السلام

از روایات به روشنی استفاده می شود مرکز حکومتی حضرت مهدی علیه السلام شهر کوفه است. این شهر در سال ۱۷ ق به دستور عمر بن خطاب و به دست سعد بن ابی وقاص، فرمانده سپاه مسلمانان در جنگ با ایرانیان پی ریزی شد. هدف از بنای این شهر، بنیان گذاری یک پادگان نظامی در نزدیکی ایران، به منظور پشتیبانی نیروهای عمل کننده در داخل ایران بود. (۳) عمر دستور داده بود گنجایش مسجد این شهر، به گونه ای باشد که تمام جمعیت نظامی را در خود جای دهد و مسجدی که بر پایه این دستور ساخته شد، می توانست چهل هزار تن را در خود پذیرا باشد. (۴)

آنچه این شهر را دارای ارزش کرد اینکه امیر مؤمنان علی علیه السلام در سال ۳۶ ق

۱- ابی داود (د/۲۷۵ق)، سنن ابی داود، ح ۴۲۸۲.

۲- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۲.

۳- محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ج ۳، ص ۱۴۵.

۴- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۴۹۱.

آن را مرکز خلافت خود برگزید. از آن پس، این شهر در تاریخ پر فراز و نشیب خود، روی دادهای فراوانی را پشت سر گذاشته است.

مردم این شهر در طول تاریخ با وجود دارابودن صفات برجسته و پسندیده، دارای برخی ویژگی های ناشایست و نکوهیده ای نیز بوده اند که در سخنان حضرت علی و امام حسین علیه السلام به خوبی بازتاب داشته است.

شاید سبب اینکه این شهر سرانجام پایتخت حرکت عدل گسترانه حضرت مهدی علیه السلام خواهد شد این است که نخستین شهری بود که با ندای عدالت خواهانه علی علیه السلام سرآغازی بر عدل گستری به مناطق جهان بود و البته نیز شاید وجود دو مسجد سهله و کوفه که دارای شرافتی بس عظیمند در این برپایی نقش دارد.

مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: سرور من! خانه حضرت مهدی علیه السلام و محل گردآمدن مؤمنان کجا خواهد بود؟ آن حضرت فرمود:

دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَيَتُّ مَالِهِ وَمَقَسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَمَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الذِّكْوَاتُ الْبَيْضُ مِنَ الْغَرِيِّينَ؛ (۱) مقر حکومتش، کوفه و مجلس حکم فرمایی اش مسجد جامع آن و بیت المال و محل تقسیم غنائم مسلمانان، مسجد سهله خواهد بود و خلوتگاه او موضعی است که ریگ های سفید سر زمین نجف است.

روزی امام صادق علیه السلام در نقطه ای پشت کوفه دو رکعت نماز گزارد و به یار با وفایش ابان بن تغلب فرمود: «... وَ مَوْضِعُ مَنْزِلِ الْقَائِمِ؛ (۲) اینجا محل خانه قائم علیه السلام است.»

از امام باقر علیه السلام پرسیدند: «پس از مکه و مدینه، کدامین بقعه از بقاع پروردگار برتر است؟» فرمود: «کوفه». (۳) سپس در کنار شمارش ویژگی های کوفه فرمود: عدالت خداوند آن جا آشکار می شود، و قائم علیه السلام و دیگر قائمان قیام کنندگان به قسط که پس از او می آیند آن جا ساکن می شوند.

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۵۷۱، ح ۲.

۳- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۱، ح ۱.

افزون بر روایات یادشده که شهر زندگی آن حضرت را کوفه ذکر کرده به گونه مشخص به منزلگاه آن حضرت نیز اشاره شده است. از روایات، به طور عمده مسجد سهله را منزل آن حضرت معرفی کرده اند. امیر مؤمنان، علی علیه السلام هنگام ترسیم خط سیر حضرت ولی عصر علیه السلام در آستانه ظهور، فرمود: گویی او را با چشم خود می بینم که از وادی السلام عبور کرده، بر فراز اسبی که سپیدی پاها و پیشانی اش همی درخشد، به سوی مسجد سهله در حرکت است و زیر لب زمزمه دارد و خدا را این گونه می خواند: لا اله الا الله حقاً حقاً. (۱)

امام صادق علیه السلام خطاب به یار با وفایش ابوبصیر فرمود: «ای ابا محمد! گویی فرود آمدن قائم علیه السلام را با اهل و عیالش در مسجد سهله، با چشم خود می بینم.» ابوبصیر عرض کرد: «آیا محل اقامت دائمی آن حضرت، در مسجد سهله خواهد بود؟» حضرت فرمود: «آری.» (۲)

### پنج. مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام

به دلیل هایی که بر ما پوشیده است گویا بنا بر این بوده که مدت دقیق حکومت حضرت مهدی علیه السلام مانند برخی موضوعات دیگر مربوط به آن حضرت به روشنی بیان نشود. روایاتی که از معصومان علیهم السلام اعم از روایات شیعه و اهل سنت در دست است، دیدگاه های گوناگونی را در این باره، نقل کرده اند. اگر چه با یک بررسی ژرف می توان دیدگاه های پرشماری ارائه کرد. (۳) اما به طور عمده روایات به سه دیدگاه فراگیر قابل تقسیم است:

یک. روایاتی که مدت حکومت حضرت را هفت سال و نزدیک هفت سال، ذکر کرده اند. این دیدگاه، به ویژه در روایات اهل سنت (۴) بسیار به چشم می خورد و در برخی از منابع روایی شیعی نیز با سند راویان اهل سنت بدان اشاره شده است. علامه مجلسی در

۱- طبری، دلائل الامامه، ص ۲۴۳.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۹۷، ص ۴۳۵، ح ۳.

۳- البته برخی از این دیدگاه ها، مستند روایی محکمی ندارد.

۴- احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۳، ص ۲۸.

بحار الانوار از ابوسعید خُدَری نقل کرده که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

الْمَهْدِيُّ مِنْى أَجَلَى الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ؛ (۱) مهدی با پیشانی بلند و بینی کشیده از من است. زمین را از قسط و عدل سرشار می سازد آن گونه که از بیداد و ستم آکنده شده باشد. هفت سال حکومت می کند.

آن گاه پس از اشاره به حَسَن بودن روایت می نویسد: این روایت را حافظ أبوداؤد سَجِسْتَانی در صحیح خود و غیر او از راویان بزرگ حدیث همچون طبرانی و دیگران نقل کرده اند.

جالب توجه این که بیشتر روایاتی که مدت حکومت حضرت را هفت سال ذکر کرده اند به روایت ابوسعید خُدَری بر می گردد.

البته در برخی روایات میان هفت و هشت و نه سال تردید شده است. (۲) این نامعین بودن به دو گونه است:

۱. به دلایلی در کلام معصوم علیه السلام به صورت نامعین ذکر شده است.

۲. در کلام معصوم علیه السلام معین شده و تردید از راوی است.

یک بررسی کوتاه

برخی از این که مدت حکومت در روایات یادشده هفت سال ذکر شده به شگفت آمده، در پی توجیه آن برآمده اند. به ویژه که در برخی روایات نیز بدان اشاره شده است. و آن این که شیخ طوسی روایتی نقل کرده از فَضْل از عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ الْحَضْرَمِيِّ از عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرِو الْحَنْعَمِيِّ که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «چه مدت قائم علیه السلام حکومت خواهد کرد؟» فرمود: «هفت سال. که به سال های شما هفتاد سال می شود.» (۳)

البته سخنان فراوانی در توجیه این روایت که پایه روایاتی از این دست است به

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۰.

۲- ابن ابی شیبیه، المصنف، ج ۱۵، ح ۱۹۴۸۴.

۳- «كَمْ يَمْلِكُ الْقَائِمُ؟ قَالَ: سَبْعَ سِنِينَ يَكُونُ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِنِيكُمْ هَذِهِ»؛ (شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۴).

میان آوردند که برخی شگفت آورتر از خود روایت است.

در مراجعه به منابع به دست می آید که در سند روایت عبد الله بن القاسم الحضرمی (۱) و عبد الکریم بن عمرو الخثعمی، (۲) به شدت تضعیف شده اند؛ و البته نیز چنین دگرگونی در روال عادی جریان زندگی لزومی ندارد. (۳) چرا که نظام امروزی آفرینش، نظام احسن است و لزومی ندارد به گونه ای که گفته شده، دگرگون شود.

دو. روایاتی که مدت حکومت حضرت را نوزده سال گفته اند. امام صادق علیه السلام فرمود: « حکومت قائم، نوزده سال و چند ماه خواهد بود. (۴)»

سه. روایاتی که مدت حکومت حضرت را چهل سال دانسته اند. (۵)

افزون بر موارد یادشده، مدت های دیگری نیز ذکر شده که به خاطر برخی ایرادهای وارد شده به آن روایات، از نقل آنها چشم پوشی شد.

برخی این ناهمگونی ها را اشاره به مراحل و دوران های حکومت آن حضرت می دانند؛ (۶) ولی به هر حال، داوری نهایی درباره مدت حکومت آن حضرت به سبب نبود اخبار و منابع کافی امکان پذیر نیست. ولی با این حال می توان چنین نتیجه گرفت: قطع نظر از روایات اسلامی، مسلم است که این همه آوازه ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه مدت نیست؛ بلکه قطعاً برای مدتی است طولانی که ارزش این همه تحمل زحمت و کوشش را داشته باشد. (۷)

در پایان یاد این نکته بایسته است که فلسفه قیام و حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام همانند فلسفه بعثت انبیا و پیامبران خداوند است. هدف از برانگیخته شدن

- ۱- نجاشی، رجال، ص ۲۲۶؛ نیز ر.ک: علامه حلی، خلاصه الاقوال، ص ۳۷۰، سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۰۴؛ شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۴۱؛ علامه حلی، ایضاح الاشتباه، ص ۲۴۱؛ ابن غضایری، رجال، ج ۴، ص ۴۷.
- ۲- شیخ طوسی، رجال الطوسی، ص ۳۳۹؛ سید ابوالقاسم خویی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۷۱.
- ۳- مگر برای اثبات ادعای پیامبری که با شرایط اعجاز در محل خود بحث شده است.
- ۴- ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱.
- ۵- ر.ک: طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۸.
- ۶- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۳۱۴.
- ۷- ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی (عج)، ص ۳۱۴.

پیام آوران الهی، رساندن دستوره‌های خداوند و روشن کردن چراغ فروزان هدایت بر سر راه کاروان بشریت است. طولانی یا کوتاه بودن مدت ابلاغ رسالت، به اصل آن آسیب نمی‌رساند. دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، بیست و سه سال بود؛ ولی واپسین پیام الهی را رساند و این چراغ هدایت را بر افروخت. از سوی دیگر، می‌توان به مدت پیامبری حضرت نوح علیه السلام اشاره کرد که بر خلاف مدت طولانی آن، به سبب پدید نیامدن شرایط بایسته، بهره چشم‌گیری به بار نیاورد.

دوران امامت و حکومت حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین است. مقصود اصلی رساندن پیام الهی و تحقق بخشیدن به حکومت جهانی خداوند و حاکمیت مستضعفان است؛ هر چند در مقایسه با کل تاریخ، سالیانی اندک باشد. افزون بر آن اینکه، شیعه با اعتقاد به رجعت، بهترین پاسخ را به محدود بودن مدت حکومت مهدی علیه السلام داده است. (۱) ضمن اینکه این مدت از نگاه چگونگی بهره‌مندی انسان‌ها از همه نعمت‌های مادی و معنوی خداوند با همه تاریخ زندگی انسان بر زمین بهره‌مندی برابری خواهد کرد؛ بلکه افزون‌تر خواهد بود.

---

۱- ر.ک: نگارنده، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ (تحلیل و بررسی مسئله رجعت).

## خودآزمایی

۱. حکومت از نظر لغت و اصطلاح به چه معناست؟ و چرا برپایی آن یک ضرورت است؟
۲. در باره حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام از چه واژگانی استفاده شده است؟ هر کدام را به اختصار بیان کنید.
۳. در باره حتمی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام به استناد یک روایت توضیح دهید.
۴. مقرر حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام کجاست؟ و دلیل این گزینش کدام است؟
۵. چه دیدگاه هایی برای مدت حکومت حضرت مهدی علیه السلام مطرح شده است؟ آنها را توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله فرجه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله فرجه، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۳. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ ش.
۴. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.
۵. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.





## درس دوم: گستره حکومت حضرت مهدی علیه السلام

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

ادله جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام

۱. در آیات قرآن

۲. در روایات معصومان علیهم السلام

نسبت جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

تعاریفی از جهانی شدن

حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام

امتیازات حکومت جهانی مهدوی بر جهانی شدن

## پیش درآمد

اندیشه زندگی در یک نظام فراگیر جهانی، آرمانی است که ریشه در ندای فطری و درونی انسان‌ها دارد و از دیرباز ذهن بشر را به خود درگیر کرده است. نزدیک به همه مکتب‌های پرآوازه‌ای که در درازای تاریخ پدید آمده اند چه الهی و چه غیر الهی به نسبت به برپایی یک حکومت یگانه جهانی توجه و باور داشته اند. اسلام نیز، در پاسخ به این نیاز درونی و همگانی، در رسیدن جامعه بشری به بهترین روش سامان دهی زندگی برای رشد و تکامل، یگانه راه را در برپایی یک حکومت جهانی بر پایه آموزه‌های اسلام دانسته است.

بی‌گمان در پرتو این حکومت واحد جهانی، انسان‌های کره خاکی، روزگاری را سپری خواهند کرد، با ویژگی‌هایی که هرگز پیش از آن مانند آن را نگذرانده اند. این دوران ویژگی‌هایی دارد که پاسخی به آرزوی همه پیامبران و شایستگان طول تاریخ است. جهانی بودن حکومت شایستگان، یکی از این ویژگی‌های مهم در این دوران است؛ که در پرتو تلاش‌های خستگی‌ناپذیر رهبر و انسان‌های شایسته این دوران، به زندگی انسان‌ها، پیشکش می‌شود.

اصلی‌ترین پدیده در دگرگونی پایان تاریخ مهدوی، تشکیل حکومت واحد جهانی در سراسر گیتی است و به ناگزیر همه هدف‌های این حرکت الهی چونان: رفاه، امنیت، عدالت و یکتاپرستی، فقط زیر پرچم این حاکمیت و سیطره در گستره همه زمین شدنی است.

البته جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام فقط به این معنا نیست که گستره حکومت آن حضرت همه کره زمین را در بر می گیرد و از برخی روایات به دست می آید، آن موعود نجات بخش، در دوران خود بر همه هستی پیشوایی خواهد کرد؛ به گونه ای که بر پایه برخی روایات همه اهل آسمان ها و زمین از حکومت او خشنود خواهند شد. که البته اهل آسمان ها می تواند اشاره کنایه ای به خداوند، ارواح انبیا، فرشتگان و یا انسان هایی باشد که در آن زمان در کرات دیگر زندگی می کنند.

ابو سعید خدری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله و سلم نقل کرده که فرمود:

أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَزَلْزَالٍ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَيْدًا وَقَسِيظًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛ (۱) شما را مژده می دهم به مهدی که هنگام اختلاف مردم و تزلزل زمانه برانگیخته شود و زمین را از عدل و داد پر کند چونان که از ظلم و ستم پر شده باشد و ساکنان آسمان و زمین از وی خشنود باشند.

ولی در اینجا ناگزیر سخن ما در باره قلمرو حکومت آن حضرت به کره زمین، بیشتر نخواهد بود.

## ادله جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام

### اشاره

مهم ترین دلیل های جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام بدین قرارند:

### ۱. در آیات قرآن

در برخی آیات قرآن، به جهانی بودن اسلام و اختصاص نداشتن آن به قوم یا منطقه خاصی، اشاره شده و آن از بایسته های این دین الهی دانسته شده است و حتی کسانی که ایمان به آن ندارند، می دانند که فراخوانی اسلام، همگانی بوده و به منطقه جغرافیایی ویژه ای محدود نبوده است.

بی تردید هرگز نمی توان ادعا کرد تا کنون چنین پیش بینی و وعده ای تحقق یافته است و از آنجا که وعده خداوند تخلف ناپذیر است در آینده و پیش از برپایی رستاخیز می بایست تحقق یابد.

از آیه هایی که به حکومت حضرت مهدی علیه السلام تفسیر شده، آیه ارسال است. در این آیه می خوانیم:

((هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ))؛ (۱) او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست فرستاد، تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند؛ هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

آیه یادشده، با همین واژگان در سوره «صف»، و با تفاوت اندکی در «سوره فتح» آمده است، به سبب ارزش خبر از رویداد که می دهد، تکرار شده است و آن جهانی شدن اسلام و فراگیری این آیین بر روی زمین است.

اگرچه کسی ادعا نمی کند که این نوید تحقق یافته است؛ ولی این وعده حتمی خداوند آهسته آهسته در حال پدید آمدن است. بر پایه روایات، تکامل این برنامه، هنگامی خواهد بود که حضرت مهدی عجل الله فرجه ظهور کند و برنامه جهانی شدن اسلام را پدید آورد. شیخ صدوق، از امام صادق علیه السلام، در تفسیر این آیه نقل کرده است:

به خدا سوگند! هنوز تأویل این آیه نازل نشده و نخواهد شد، تا آن که قائم عجل الله فرجه به پا خیزد کند. آنگاه که او به پا خاست، دیگر هیچ کافر به خدا و منکر امامی نمی ماند؛ مگر این که از خروج آن حضرت ناراحت می شود... (۲).

در تفسیر قمی آمده است: این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم نازل شده و این که در باره آن حضرت نازل شده، بدین معنا است که خروج او تأویل این آیه است. از روایت صدوق هم این برداشت استفاده می شد.

بنابراین به اتفاق همه مسلمانان، اسلام دینی است که در واپسین حلقه از زنجیره طولانی نبوت آشکار شده و از هر سو کامل ترین و جامع ترین دین ها است و تا روز رستاخیز نیز بشریت را از هر سوی کفایت می کند.

۱- توبه (۹)، آیه ۳۳.

۲- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۰.

از دیگر آیات در این زمینه می توان اشاره کرد به:

((إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ))؛<sup>(۱)</sup> در حقیقت، دین نزد خداوند همان اسلام است.

((وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ))؛<sup>(۲)</sup> و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود.

((وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ))؛<sup>(۳)</sup> و در حقیقت، در زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد.

که از همه این آیات به دست می آید که مسلمانان، به حقایق، فراگیری، جهان شمولی و سرانجام جهان گستری، پیروزی و چیرگی پایانی آن دست خواهند یافت.

افزون بر این آیات، گواهان تاریخی فراوانی هست که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به این جهانی بودن پافشاری کرده اند چونان نامه هایی که به سران کشورهای بزرگ جهان مانند قیصر روم و پادشاه ایران و فرمانروایان مصر و حبشه و شامات و نیز به رؤسای قبایل گوناگون عرب و... فرستاد و همگان را به پذیرفتن این دین مقدس فراخواند. و از پیامدهای وخیم کفر و روی گردانی از اسلام، بر حذر داشتند. اگر دین اسلام، جهانی نبود چنین دعوت همگانی انجام نمی گرفت و دیگر اقوام و امت ها هم برای پذیرفتن، عذری می داشتند.<sup>(۴)</sup>

البته افزون بر آیات یاد شده آیات دیگری نیز دلالت بر جهانشمولی دعوت اسلام دارد.<sup>(۵)</sup>

## ۲. در روایات معصومان علیهم السلام

چیرگی اسلام بر همه ادیان و مکاتب و تسلط بر ستمگران و فرمانروایان غیر الهی و

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۸۵.

۳- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۴- محمد تقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ج ۲، ص ۱۱۶ (با تصرف).

۵- ر.ک: سوره مدثر (۷۴)، آیه ۳۶؛ فرقان (۲۵)، آیه ۱.

پدید آمدن حکومت جهانی، لازمه باور به مهدویت و ظهور منجی داد گستر است.

از نگاه شیعیان، تاریخ اسلام پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم با کنار گذاشتن امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب و فرزندان معصوم او علیهم السلام، در حوزه سیاست و حکومت به کژی گرایید و پیامدهای ناگوار پرشماری نیز در پی داشت که یکی از آن ها دور شدن جامعه از رهبری معنوی و آسمانی است؛ چرا که امام علی علیه السلام و پس از او دیگر پیشوایان دوازدهگانه، پیشوایان دینی سیاسی بر حق و دارای حق خلافت و امامت انحصاری اند. دیگران هر کس باشد غاصب حق معصومند و از این رو جائز و باطلند. این انحراف و کژی همچنان ادامه پیدا کرده است.

از آن جا که شیعیان دوازده امامی در عصر حضور پیشوایان معصوم، به سبب تنگناهایی که ستمگران فراهم کردند، هرگز موفق به برپایی دولت اسلامی نشدند، چشم به راهند تا واپسین بازمانده از امامان معصوم علیهم السلام که از سال ۳۲۹ ق غیبت کبرا برای او آغاز شده است، آشکار شود و تاریخ اسلام و در فرجام، انسان را با برطرف کردن موانع، به راه الهی اش باز گرداند. در آن عصر، اسلام، سربلند، پیروز و همگانی می شود و مسلمانان، توانمند و بر جهان چیره می گردند. بر پایه این تفسیر، برپایی حکومت واحد جهانی ناگزیر خواهد بود.

با توجه به آنچه اشاره شد به روشنی می توان گفت حکومت حضرت مهدی عجل الله فرجه، در جایگاه بزرگ ترین آرمان فرودستان، دارای ویژگی های مهمی است. که از آنها، جهانی بودن آن است. بدین گونه که پس از پیروزی حضرت مهدی علیه السلام و نابودی کفر و باطل، آن حضرت بر خاور و باختر گیتی سلطنت و برتری خواهد یافت؛ این چیرگی و برتری درآمدی است برای برپایی حکومت جهانی آن حضرت. که در آن هیچ آبادی ای در زمین نمی ماند؛ مگر اینکه گلبانگ شهادت به یگانگی خداوند از آن بر می خیزد و سراسر گیتی از عدل و داد آکنده می گردد. و به دست آن حضرت، آرمان والای برپایی جامعه بزرگ بشری و خانواده انسانی پدیدار می شود و امید دیرینه همه پیامبران، امامان و شایستگان برآورده می شود.

هشتمین پیشوای شیعیان امام رضا علیه السلام از پدراننش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل کرده است: خداوند در شب معراج در بخشی از بیانی طولانی فرمود:

... وَلَاطَهَرَنَّ الْأَرْضَ بِآخِرِهِمْ مِنْ أَعْدَائِي وَلَأَمْلِكَنَّه [وَلَأَمْكِنَنَّه] مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا...؛ (۱)... و به درستی زمین را به دست واپسین آنان (ائمه معصومین علیهم السلام) از دشمنانم پاک خواهم ساخت، تمام گستره زمین را در فرمانروایی او قرار خواهم داد....

در دوران رهبری امام مهدی عجل الله فرجه، با برقرای مدیریت و حاکمیت یگانه برای همه گروه ها، نژادها و سرزمین ها، یکی از عوامل اصلی رودررویی و جنگ و ستم از میان می رود. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در این باره می فرماید:

الْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَوْلَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛ (۳): پیشوایان پس از من دوازده نفرند؛ نخستین آنان تو هستی ای علی و واپسین آنان قائم است؛ همو که خداوند بر دستانش باختران و خاوران زمین را به زیر خواهد آورد.

امام صادق علیه السلام نیز در این باره فرمود:

ثُمَّ يُظْهِرُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَيَفْتَحُ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِيهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا؛ (۴) سپس خدای عز و جل او را آشکار سازد و خاوران و باختران زمین را به دست او بگشاید و....

شیعه در این دیدگاه بر این باور است که با «برپایی حکومت جهانی»، اسلام به عنوان یگانه دین حق و کامل و دارای شریعت فراگیر، پذیرفته همگان خواهد شد. در آن زمان ستم گران و زورگویان از بلندای قدرت به زیر کشیده می شوند. پس از آن حکومت جهانی اسلام با پیشوایی و رهبری امام معصوم و دادگر برپا شده و عدالت بر پایه یکتاپرستی و اخلاق در گستره ای جهانی اجرا می گردد.

۱- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲، ح ۲۲؛ همو، علل الشرایع، ج ۱، ص ۵، ح ۱. همچنین ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۳۲، ح ۹۱.

۲- محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۶۲.

۳- شیخ صدوق، أمالی، ص ۹۷، ح ۹؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۱۰۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۹۸.

۴- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۱۵، ح ۳۱.

افزون بر آیات و روایات، توجه به این نکته نیز جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام را روشن می کند و آن اینکه در آموزه های اسلامی به ویژه سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام، از ویژگی ها، اختیارات و کارهایی یاد شده است که آن ها جز با برپایی حکومت واحد جهانی پدید نخواهند آمد؛ مانند اینکه گفته شده است: حضرت مهدی علیه السلام ستم و جور را برای همیشه برمی اندازد و عدالت و دین حق را در گستره جهان گسترش می دهد. امام باقر علیه السلام در این باره فرمود:

قائم ما، با درانداختن بیم و هراس در دل ستم گران یاری می شود، با پشتیبانی و حمایت از سوی خداوند تأیید می شود. زمین برای او هموار و راهوار می شود، گنج ها برای او آشکار و نمایان می شود. حکومت او خاور و باختر زمین را فرا می گیرد. خداوند به دست او دین خود را بر همه دین ها چیرگی می بخشد؛ هر چند مشرکان را ناخوشایند باشد. [در عصر ظهور] در زمین خرابی و هیچ ویرانی ای نمی ماند، مگر آن که آباد می شود. عیسی بن مریم علیهما السلام فرود آید و پشت سر او نماز گزارد. (۱)

بر این پایه، حکومت جهانی واحد از دیرباز به عنوان یکی از باورهای مسلم شیعی و یکی از نیازهای بشر مطرح بوده است. اکنون نیز شیعیان امامی در انتظار روزی هستند که چنین حکومتی، با ظهور منجی موعود برپا شود و تاریخ بشر در مسیر حق قرار گیرد و بشریت از برکات آن بهره مند شوند.

### نسبت جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

در اسلام، به ویژه در مکتب پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام، توجه به آینده و برپایی حکومت واحد جهانی بر پایه داد و دادگری به رهبری انسانی معصوم، جایگاه ویژه ای دارد. در این رابطه، سخنان بسیاری از رسول گرامی صلی الله علیه وآله و ائمه اطهار علیهم السلام بیان شده است. تا بشر به آرزوی دیرینه خود برسد و زندگی سعادت مند و دور از هر ستم و ستم گری را ببیند.

امروزه، برخی به این نتیجه رسیده اند که خوش بختی و زندگی دور از هر نگرانی، فقط در صورتی است که همه چیز جهانی باشد و با یک حکومت واحد جهانی اداره



شود؛ از این رو همه تلاش و کوشش خود را بر این گذاشته اند که همه چیز را جهانی سازند: اقتصاد جهانی؛ تجارت جهانی؛ فرهنگ جهانی؛ سیاست جهانی؛ دهکده جهانی.

آنها یگانه نسخه برای درمان دردهای بشریت را تن دادن به این جهانی شدن می دانند و بر این پندارند این جهانی شدن، امری ناگزیر و شدنی و یا در حال شدن است پس باید همه خود را با آن هماهنگ کنند. این پدیده، روندی از دگرگونی را به نمایش می گذارد که از مرزهای سیاست و اقتصاد فراتر می رود و دانش، فرهنگ و شیوه زندگی را نیز در بر می گیرد.

بنابراین یگانه نسبت جهانی شدن غربی با جهانی سازی مهدوی در گستره جغرافیایی آن است که در هر دو، قلمرو این جهانی شدن سراسر کره زمین دانسته شده است. و گرنه در مباحثی چون قانون، رهبر و مردم شباهتی به یکدیگر ندارند.

### حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام

حکومت واحد جهانی امام مهدی علیه السلام به راستی، پاسخی است به نیاز بایسته پیش گفته بشر برای زیست در حکومتی دادگرانه. شیعیان، بر پایه آیات قرآن و سخنان بزرگان دین بر این باورند که آینده روشنی برای زندگی انسان در حال شکلگیری است. اینان پیش بینی می کنند در آینده ای نه چندان دور به این آرمان بزرگ دست خواهند یافت و این حقیقت را در امید به زندگی بهتر و در چارچوب انتظار فرج هر روز مشق می کنند.

با درنگ در آموزه های اسلام، روشن می شود که هدف دین زیر یک پرچم آوردن ملت ها و برداشتن دیوار خودبزرگی بینی و تفاوت های خودساخته و برپایی یگانگی، همکاری و پیوندی است که ریشه و پایه آن، کلمه توحید و ایمان و عقیده به آن است.

آموزه های اسلامی در پی آنند تا همه اختلاف ها و جدایی ها را که به نام های گوناگون پدید آمده، با باور یگانه پرستانه از میان ببرد. اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی، زبانی، همه باید از میان برود و سبب امتیاز و افتخار نباشد، حتی باید اختلافات دینی هم، کنار گذاشته شود و همه باید تسلیم فرمان خدا باشند که فرمود: ((قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ

وَ لَا تُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا...))؛ (۱) بگو: ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم.

اسلام، برای بشر، رسیدن به چنین روزی را پیش بینی کرده و تا اندازه ای مقدمات آن را نیز فراهم ساخته و عملی شدن آن را موکول به آماده شدن همه زمینه ها دانسته است.

آیه یادشده یک ندای وحدت است در برابر تمام مذاهب آسمانی. به مسیحیان می گوید: شما مدعی "توحید" هستید و حتی می گوئید مساله "تثلیث" (اعتقاد به خدایان سه گانه) منافاتی با "توحید" ندارد و لذا قایل به وحدت در تثلیث می باشید. و همچنین یهود در عین سخنان شرک آمیز "عزیر" را فرزند خدا پنداشتند، مدعی توحید بوده و هستند. قرآن به همه آنها اعلام می کند:

ما و شما در اصل توحید مشترکیم؛ بیایید دست به دست هم داده این اصل مشترک را بدون هیچ پیرایه ای زنده کنیم و از تفسیرهای نابجا که نتیجه آن شرک و دوری از توحید خالص است خودداری نماییم. (۲)

همانگونه که پیش تر نیز اشاره شد، جریان چگونگی های جهانی و پیشرفت های شگرف در امور علمی و فن آوری سبب شده تا یک نوع فشردگی در زمان و مکان پدید آید و این خود سبب شده تا انسان ها در کنار آن که از جهت ارتباط به یکدیگر نزدیک شده اند، ولی به جهت احساسات انسانی از هم دیگر دور شده اند.

از این رو امروز بایستگی یگانگی حقیقی، همدلی، همفکری و همکاری صمیمانه روحانی و برادرانه بیش از هر زمان دیگر احساس می شود. و هر چه جلوتر برویم، این نیاز را بیش تر احساس می کنیم؛ یعنی، آن دهکده جهانی که دانشمندان غربی در سده بیستم احتمال آن را داده اند، اسلام، در هزار و چهارصد سال پیش، با پافشاری فراوان، خبر داده و حتی چگونگی پدید آمدن آن و شکل گیری حکومت در آن نظام یگانه جهانی و رهبری آن نظام را به گونه روشن و آشکارا، تبیین کرده است.

۱- آل عمران (۳)، آیه ۶۴.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۵۹۵.

## مقایسه و تمایز

البته هرگز نمی توان حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام را با جهانی شدن غربی مقایسه کرد؛ هر چند اگر جهانی شدن به صورت طبیعی خود به پیش برود، می تواند زمینه ساز آن حکومت جهانی موعود باشد، ولی همین که صاحب نظران دنیا، در اصل برپایی حکومت واحد جهانی، با اسلام و مکتب شیعه هم‌نوا شده اند، خود، امری ارزش مند است؛ زیرا، تا دیروز، برپایی حکومت واحد جهانی زیر نگاه امام معصوم، برای دنیا پذیرفتنی نبود و آن را چیز شگفت آور و باورنکردنی می پنداشتند، ولی امروزه، خود، آن را امری گریز ناپذیر می دانند. بنابراین، جهان، رفته رفته، خود را برای پذیرش حکومت واحد جهانی آماده می سازد، زمینه فکری بشر برای اجرای این طرح آماده می شود. اگر تا دیروز، حکومت واحد جهانی، فقط یک باور اسلامی شیعی بود، امروز، آنان هستند که انسان ها را به پذیرش و اجرای این طرح که امری بایسته و حیاتی است، فرامی خوانند.

به هر حال، جهانی شدن، فقط در همین اندازه از انطباق کلی با حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و گر نه کسی نمی تواند جهانی شدن را هماهنگ با حکومت حضرت مهدی علیه السلام بداند. حکومتی را که اسلام نوید داده است، دارای ویژگی هایی است که به طور اساسی در فکر محدود بشر نمی گنجد تا طرح آن را بدهد. بر فرض که حکومت پیشنهادی بشر، روزی در دنیا پیاده شود، به یقین، همانند سایر سازمان های بین المللی، وسیله ای برای چیرگی توانمندان بر ناتوان ها و گسترش ستم مدرن در زمین، و سرانجام، سبب زحمت و گرفتن آزادی و آسایش مردم خواهد بود؛ و بر این پایه، ایمان به خداوند و باور به روز رستاخیز و اعتقاد راستین افراد به حقوق و آزادی های دیگران، پدید نمی آید. بنابراین، چنین حکومتی، نه پدید می آید و نه بر فرض پدید آمدن، ضمانت اجرایی خواهد داشت و نه شهوات و غرائز آدمی را که انگیزش او در جنگ و آشوب است، مهار می کند و نه می تواند یک برادری ایمانی و انسانی در عالم پدید آورد. ولی حکومت واحد جهانی که در اسلام نوید داده شده است، هم ضامن اجرایی دارد و هم عقیده و ایمان از آن پشتیبانی می کند و هم مردم را

برادر می سازد و هم غرائز و امیال را راهنمایی می کند. (۱)

### امتیازات حکومت جهانی مهدوی بر جهانی شدن

در پایان، به برخی از ویژگی ها و برجستگی های حکومت مهدوی بر جهانی سازی غربی، اشاره می کنیم:

۱. در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام دین اسلام، یگانه دین حاکم بر جهان خواهد بود، چنان که دین و سیاست نیز از هم تفکیک ناپذیرند و بلکه سیاست و حکومت؛ در خدمت دین و اهداف ارزشمند آن است، در صورتی که در وضعیت جهانی شدن غربی، دین، و به ویژه اسلام، جایگاه روشنی نخواهد داشت. و بلکه آموزه های دینی چندان نقشی نخواهند داشت. از این رو پایه همه کارها، آموزه های قرآنی و سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام است در حالی که در جهانی شدن و جهانی سازی غربی، اساس قوانین و کارها به طور فراگیر، قوانین دست نوشته بشری و به دور از آموزه های اخلاقی و الهی است.

حضرت علی علیه السلام در این باره فرمود:

وَيَعِظُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَظُّوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛ در آن هنگام که مردم قرآن را به رأی خود تفسیر کنند، امام زمان علیه السلام، آراء و نظر مردم را پیرو قرآن قرار خواهد داد.

از این کلام امیر المؤمنین علیه السلام بهره می بریم که در حکومت مهدی علیه السلام محور همه چیز و همه آراء و باورها، آیات قرآن خواهد بود، در حالی که در وضعیت جهانی شدن غربی، نه فقط آموزه های الهی در جامعه بشری محور نیست، بلکه کوشش می شود که دین هیچ گونه نقشی نداشته باشد.

۲. حکومت واحد جهانی اسلامی، به رهبری شایسته ترین و وارسته ترین انسان آن دوران برپا می شود و یاران او نیز در شمار بهترین انسان های زمان خود هستند در حالی که در حکومت واحد جهانی پیشنهادی، بیشتر رهبران از پست ترین انسان ها هستند. نیازی

---

۱- امروزه روشن شده یکی از عوامل دشمنی های استکبار با ملت بزرگ ایران نگرانی از ارائه الگوی حکومت واحد جهانی مهدوی به مردم ستم دیده زمین است.

نیست اشاره کنیم که امروزه شعار بسیاری از کاندیداهای انتخاباتی در غرب حمایت از هم جنس بازان و یا حمایت از رژیم غاصب صهیونیستی است.

۳. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام در پی پایه گذاری یک جامعه اخلاقی، امنیت را به عنوان یک نیاز اساسی برای همه جهانیان به ارمغان خواهد آورد، در حالی که جهانی سازی غربی، سبب بحران های گوناگون و ناامنی های فراوان خواهد شد، البته گروه اندکی که همانا صاحبان ثروت و قدرت هستند ممکن است در یک امنیت ظاهری به سر برند.

۴. گسترش فراگیر و همگانی دانش، از ویژگی های ارزنده حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام است. که اختصاص به طبقه و گروه خاصی ندارد و همگان از فرصت های برابر بهره مند می شوند در حالی که در مدل جهانی سازی غربی دانش پیشرفته، در انحصار کشورهای ویژه ای است و این کشورها از دادن آن به کشورهای دیگر جلوگیری می کنند. (۱)

۵. در حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام، رهبر به گزینش خداوند و گزارش پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، نصب شده است و مردم در مرحله پذیرش نقش دارند. در حالی که در جهانی شدن، مشروعیت ظاهری حکومت جهانی، از ناحیه مردم است، آن هم با هزاران فریب کاری که در گرفتن آرای مردم به کار می رود.

۶. محور برنامه و قانون در حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام خردورزی است؛ که در آن دوران نوید داده شده، خرد همه انسان ها به کمال خواهد رسید، در حالی که حکومت بر پایه جهانی شدن، بر مبنای هواهای نفسانی و گرایش های حیوانی پدیدار می شود.

۷. حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام بر اساس عدل و قسط اداره می شود، و جایی از زمین نیست که در آن عدل گسترده نشود. و حال آنکه حاکمان در حکومت های عصر جهانی شدن، خود، از ستمگران اند و چنان در زمین رفتار می کنند که گویا دشمن عدل اند و به طور بنیادین این که پیش از آمدن حضرت مهدی علیه السلام

۱- امروزه دشمنی های غرب با پیشرفت های ملت ایران در زمینه های گوناگون و از جمله دانش هسته ای گواه روشنی بر این ادعا است.

جهان پر از ظلم و ستم می شود، در همان عصر جهانی شدن است که ظلم فراگیر در زمین تحقق پیدا می کند.

امتیازات حکومت واحد جهانی حضرت مهدی علیه السلام منحصر در موارد یادشده نیست، بلکه بررسی و دقت نگاه بیشتر، می تواند امتیازات فراوانی را فراروی ما قرار دهد.

## خودآزمایی

۱. ادله جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام را به استناد آیات قرآن توضیح دهید.
۲. با استناد به برخی روایات چگونگی جهانی بودن حکومت حضرت مهدی علیه السلام را تبیین کنید.
۳. نسبت جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را توضیح دهید.
۴. آیا مقایسه میان جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام شدنی است؟ توضیح دهید.
۵. چهار امتیاز از امتیازات حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام را توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۰ ش.
۲. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۳ ش.
۳. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله فرجه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۴. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۵. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.





## درس سوم: نظام اعتقادی حکومت مهدی علیه السلام

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

اسلام برای همه و همیشه

دین در عصر ظهور

دستورالعمل های نوین در عصر ظهور

حاکمیت اسلام بر زمین

پیروان دیگر ادیان

## پیش درآمد

یگانه پرستی پایه باورهای همه ادیان آسمانی و بندگی خداوند، هدف اصلی آفرینش انسان ها و آرمان همه پیامبران الهی است. عصر ظهور حضرت مهدی علیه السلام، عصر فراهم آوردن همه زمینه ها برای بازگشت انسان به سرشت توحیدی او است؛ و قیام جهانی مهدوی در این عرصه، حلقه پایانی زنجیره فراخوان مردم به پرستش خداوند یگانه است.

از این رو دوران حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، بی گمان، والاترین، شکوه مندترین و شکوفاترین، فصل تاریخ انسانیت است. آن دوران، دورانی است که نویدهای خداوند درباره جانشینی مؤمنان و پیشوایی جهانی فرودستان و وراثت شایستگان، تحقق بیرونی می پذیرد و با توان الهی آخرین پرچمدار دادگری و یکتاپرستی، زمین صحنه فاخرترین جلوه های بندگی پروردگار می شود.

در این درس تلاش خواهد شد بر پایه احادیث معتبر، گوشه هایی از ویژگی های اعتقادی آن دوران به تصویر کشیده شود. و البته گستره مباحث نیازمند مطالعات ژرف تری خواهد بود.

## اسلام برای همه و همیشه

قرآن، در باره گستره دین اسلام، به گونه ای گسترده و از زوایای گوناگون سخن به میان آورده است: دسته ای از آیات، رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را جهانی دانسته؛ برخی دیگر، قرآن را هدایت گر همه بشر در سراسر گیتی می دانند و سرانجام، بخش پرشماری از آیات چیرگی دین اسلام بر ادیان دیگر را امری ناگزیر پیش گویی

کرده اند.

بنابراین، آیات این بحث در چند دسته بررسی می شود:

دسته نخست: آیاتی که به روشنی، رسالت پیامبر گرامی اسلام را جهانی دانسته و آن حضرت را پیامبر جهانیان نام می برند. از جمله:

((قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا))؛ (۱) بگو ای مردم! من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.

دقت در دو کلمه «الناس» و «جمیعاً» این حقیقت را به خوبی نشان می دهد که همه مردم مخاطب هستند.

((وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ))؛ (۲) و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

در این آیه رسالت پیامبر اسلام، رحمت همگانی شناخته می شود. تعبیر به «عالمین» آن چنان مفهوم گسترده ای دارد که همه نژادها، ملت ها و همه کشورها را دربر می گیرد و به جهانی بودن رسالت الهی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله اشاره می کند.

دسته دوم: آیاتی که قرآن کریم را هدایت گر و کتاب انسان ساز برای همه بشر در درازای تاریخ شناسانده است:

((وَ أَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَن بَلَغَ))؛ (۳) و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم.

((وَ مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ))؛ (۴) این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست.

در این دسته آیات، به روشنی رسالت اصلی قرآن کریم که هدایت همه انسان های زمین است، اشاره شده است.

دسته سوم: آیاتی که به چیرگی و پیروزی اسلام بر ادیان دیگر نوید داده است و آن

۱- اعراف (۷)، آیه ۱۵۸.

۲- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۷.

۳- انعام (۶)، آیه ۱۹.

۴- ص (۳۸)، آیه ۸۷؛ یوسف (۱۲)، آیه ۱۰۴ و....

را یگانه دین پذیرفته خداوند دانسته است:

((إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ))؛<sup>(۱)</sup> در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است.

((وَمَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ))؛<sup>(۲)</sup> و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیان کاران است.

((هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ))؛<sup>(۳)</sup> او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند.

درباره پیروشدن اسلام بر ادیان دیگر، از آیات یادشده به دست می آید اسلام بر همه ادیان، چه حق و چه باطل، پیروز می شود.

بر پایه قراین و شواهد معتبر، مانند: تعبیر «کله» در آیه یادشده و آیات بسیاری دیگر که پیروان ادیان آسمانی پیش از اسلام را بر پذیرش این دین به عنوان دینی همگانی فرا می خواند، این پیروزی تبیین شده است.

بنابراین، از دسته سوم آیات، جهان شمولی دین اسلام به خوبی به دست می آید؛ زیرا هنگامی که ادیان دیگر از اعتبار ساقط و دین اسلام به عنوان دین رسمی و صاحب تفوق معرفی شود، فقط این دین شایستگی هدایت و راه نمایی انسان ها را دارد که یک نیاز همگانی است.

دسته چهارم: آیاتی که اسلام را دین فطری می داند.<sup>(۴)</sup> از آن جا که سرشت انسان همگانی و امر مشترک میان همه افراد است، دینی مطابق با این سرشت همگانی، همواره رسالت جهانی خواهد داشت.

افزون بر آیات قرآن، روایات معصومان علیهم السلام نیز بر بُعد جهانی بودن اسلام پافشاری می کنند. مانند سخن امام صادق علیه السلام که فرمود:

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۹.

۲- آل عمران (۳)، آیه ۸۵.

۳- توبه (۹)، آیه ۳۳؛ فتح (۴۸)، آیه ۲۸؛ صف (۶۱)، آیه ۹.

۴- ((فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ)).

«وَأَرْسَلَهُ كَافَّةً إِلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ وَالْجَنِّ وَالْإِنْسِ؛(۱) پیامبر را برای همگان، اعم از سفید و سیاه و انس و جن، فرستاده است.»

این روایت، هیچ گونه محدودیتی فرا روی رسالت جهانی اسلام قائل نیست و به آن در سطحی فراتر از رنگ پوست و جنسیت توجه می کند.

بنابراین دین حق در هر زمانی یکی بیش نیست و اکنون که دین اسلام، ادیان پیشین را نسخ کرده، یگانه دین رسمی در پیشگاه خداوند بوده و پیروی از آن بر همه بشر بایسته است. از این رو، دین اسلام که فراگیرترین و کامل ترین ادیان خداوند به شمار می آید، رسالت جهانی دارد و نیاز همگانی انسان ها به هدایت را در هر نقطه از جهان پاسخ می گوید.

### دین در عصر ظهور

پیش از این اشاره شد(۲) یکی از ویژگی های ارزشمند جهان در آستانه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، رواج نافرمانی مردم از دستورات خداوند و دوری از دین و دینداری است؛ به گونه ای که مردم گروه گروه از پیروی آیین خداوند دور می شوند و زندگی کفرآلود و مشرکانه ای خواهند داشت.

روز به روز عوامل فراوانی، گوهر تابناک دین را در هاله ای از غبار فراموشی فرو می برد، از این رو در گروه های انسانی، دین رو به کم رنگ شدن می رود و خرافه ها و کژی های گوناگونی، گریبان گیر آن می شود.

امیرمؤمنان علی علیه السلام حقیقت یادشده را این گونه بیان فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ زَمَانٌ يُكْفَأُ فِيهِ الْأَسْلِمُ كَمَا يُكْفَأُ الْإِنَاءُ بِمَا فِيهِ؛(۳) ای مردم! به زودی زمانی بر شما می رسد که اسلام چونان ظرف واژگون شده، آنچه در آن است، ریخته می شود.

تا آنکه حضرت مهدی علیه السلام به پا می خیزد و غبار شرک از چهره گوهر دین

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۷، ح ۱.

۲- نگارنده، درسنامه مهدویت، ج ۲، درس اول.

۳- سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۰۳.

بر می گیرد؛ آن گونه که بسیاری می پندارند این دین نویی است که آن حضرت آورده است!

بی گمان حضرت مهدی علیه السلام، می آید، تا با بیدار کردن سرشت های خفته، زمینه را برای یکتاپرستی همگان، که همانا هدف آفرینش است، فراهم کند. او نه فقط هرگز برای پذیرش باور یکتاپرستی کسی را زیر فشار و ناگزیری قرار نخواهد داد، بلکه با فراهم کردن بسترهای بایسته برای پذیرش این امانت الهی، شاهد شیرین خدایپرستی را میان همه انسان ها، آنسان که شایسته اند، قسمت خواهد کرد. وی با فراهم کردن شرایط مناسب و از بین بردن موانع، همگان را به اندیشیدن در نشانه های پروردگار فرا می خواند. و برآیند این اندیشیدن به آغاز و انجام، ارمغانی جز پرستش حقیقی خداوند نخواهد بود.

روشن است که با فراهم شدن همه شرایط و کناررفتن همه موانع، آن کسی که سر فرمان برداری برابر حقیقت فرود نیورد، کسی نیست مگر انسانی گستاخ و طغیان گر که با همه هستی، برابر حق ایستاده است و بدون شک در چنان شرایطی، نه فقط آن امام همام او را برنخواهد تافت که همه مردم که زخم ستم هنوز بر پیکرشان است؛ از این رو است که روایات فراوانی یگانه دین مورد پذیرش در عصر ظهور را، همانا «دین اسلام» دانسته، می گوید: در عصر ظهور، ندای یکتاپرستی در سراسر گیتی حکم فرما خواهد شد. امام حسین علیه السلام در وصف حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

«...وَيُظْهِرُ بِهِ دِينَ الْحَقِّ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۱) خداوند، به دست او دین حق را بر همه ادیان چیرگی می بخشد؛ اگرچه مشرکان آن را نپسندند.»

امام صادق علیه السلام نیز فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ (۲) در آن هنگام که قائم قیام کند، هیچ سرزمینی باقی نخواهد ماند، مگر این که شهادت به یکتاپرستی و نبوت در آن ندا داده خواهد شد.

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۷، ح ۳.

۲- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، ۸۱؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۴، ح ۴.

و نخستین گام در این راه آموزش همگانی آموزه های وحی و قرآن است. روایت های فراوانی در دست است که نشان می دهد یکی از کارهای پایه ای در عصر ظهور اهتمام به آموزش قرآن به شکل درست آن است و افراد فراوانی در این راه پیش گام خواهند شد.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در این باره می فرماید:

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى شَيْعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلُ؛<sup>(۱)</sup> گویا می بینم شیعیان ما در مسجد کوفه خیمه ها زده اند و قرآن را همان گونه که نازل شده به مردم می آموزند.

و نیز فرمود:

كَأَنِّي بِالْعَجَمِ فَسَاطِيطُهُمْ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُنزِلُ؛<sup>(۲)</sup> گویی غیرعرب ها را می بینم که خیمه های شان در مسجد کوفه است و قرآن را همان گونه که نازل شده به مردم می آموزند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

كَأَنِّي بَشَيْعَةِ عَلِيٍّ فِي أَيْدِيهِمُ الْمَثَانِي يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْمُسِيئَاتُفَ؛<sup>(۳)</sup> گویی شیعیان علی را می بینم که مثنایی (قرآن) به دست گرفته و آن را به مردم می آموزند.

امام باقر علیه السلام نیز فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) ضَرَبَ فَسَاطِيطَ لِمَنْ يُعَلِّمُ النَّاسَ الْقُرْآنَ عَلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ (حَيْلٌ جَلَالُهُ) فَأَصْبَحُ مَا يَكُونُ عَلَيَّ مَنْ حَفِظَهُ الْيَوْمَ لِأَنَّهُ يُخَالِفُ فِيهِ التَّأْلِيفَ؛<sup>(۴)</sup> چون قائم قیام کند خیمه هایی نصب می شود برای کسانی که قرآن را به همان گونه که خداوند آن را نازل کرده بود به مردم بیاموزند، پس دشوارترین چیزی که خواهد بود برای کسانی است که قرآن را حفظ کرده، چون محفوظات آنها با قرآن مخالف است.

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۷، ح ۳.

۲- پیشین، ص ۳۱۸، ح ۵.

۳- پیشین، ص ۳۱۸، ح ۴.

۴- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۶.

با این سخنان و چندین برابر آن، تردیدی نمی ماند که پایه دین در آن دوران بر رفتار به آموزه های قرآن استوار خواهد بود.

### دستور العمل های نوین در عصر ظهور

در کنار روایات یادشده از برخی روایت ها نیز این انگاره به دست می آید که آن حضرت، آیین و روش جدیدی خواهد آورد. و این پرسش پیش می آید که با توجه به این که قرآن کریم کتاب جاودان الهی و اسلام آیین ابدی است، چگونه امام مهدی علیه السلام آیینی نو و کتابی تازه برای بشریت به ارمغان می آورد؟

درباره «کتاب جدید» و «امر جدید» روایاتی وارد شده است، که نمونه هایی از آن ها را مورد دقت قرار می دهیم:

۱. از امام صادق علیه السلام نقل شده است که درباره ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه و نشانه های آن فرمود:

وَاللَّهِ لَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَايِعُ النَّاسَ عَلَى كِتَابٍ جَدِيدٍ؛ (۱) به خدا سوگند! مثل این است که به او می نگرم که میان «رکن» و «مقام» بر اساس کتاب نو، با مردم بیعت می کند....

۲. همچنین، امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي يَدِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرٍ جَدِيدٍ؛ (۲) آنگاه، که مهدی عجل الله فرجه به پا خیزد، آیین جدیدی می آورد؛ همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آغاز اسلام، به آیین جدیدی فراخواند.

۳. امام صادق علیه السلام همچنین، درباره قیام و روش کار حضرت مهدی عجل الله فرجه فرمود: «يُقُومُ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ وَ كِتَابٍ جَدِيدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِيدٍ؛ (۳) آن حضرت «امر نو» و کتاب نو و سنت نو و داوری نویی برپا می کند.»

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۴، ح ۱.

۲- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

۳- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۲۵۳، ح ۱۳.



پیش از این نیز اشاره شد که تردیدی نیست حضرت مهدی علیه السلام تحکیم بخش دین اسلام و گسترنده قانون قرآن در سراسر گیتی است؛ پس ناگزیر باید اسلام و آموزه های قرآن را به گروه های بشری عرضه کند و مردمان را به پذیرش و باور اصول و فروع آن فرا خواند. آیین نو و کتاب جدید (دستور العمل) و برنامه و راه و روش تازه و دیگر تعبیرهایی از این دست که در احادیث رسیده، برای تبیین مسائلی است:

۱. در گذر زمان بنا به سبب هایی چون سطح فرهنگ و فکر انسان ها احکام و آموزه های فراوانی از مجموعه فرهنگ اسلام، تبیین نشده یا هماهنگ با سطح فرهنگ و فکر انسان ها نبوده است یا زمینه عملی آن ها وجود نداشته است. بازگویی چنین معارف و مسائلی، بی گمان برای جامعه اسلامی ناشناخته خواهد بود. چون امام مهدی علیه السلام این آموزه ها را از ظاهر و باطن قرآن کریم به دست آورده و به مردم می آموزد، برای آنان تازگی دارد و آیین نو و کتاب نو انگاشته می شود.

۲. آموزه ها و احکامی از قرآن کریم و اسلام فراموش شده و از یادها رفته است؛ به گونه ای که در جامعه اسلامی ناآشنا و برای مسلمانان ناشناخته است. طرح این مسائل نیز کتاب و آیین نو پنداشته می شود.

۳. اصول و احکام فراوانی دست خوش تحریف و دگرگونی شده است و امام علیه السلام آن ها را چنان که در اسلام راستین بوده است دیگر باره مطرح می سازد و تحریف و انحراف های روی داده را روشن می کند و مفهوم حکم یا جایگاه آن را مشخص می سازد. این، با طرز تلقی و برداشت عمومی مردم و برخی از علما سازگاری ندارد؛ از این رو برنامه نو و راه و روش تازه به شمار می آید.

بنابراین از مهم ترین مسائلی که امام بدان توجه خواهد کرد و برای جامعه اسلامی تازه و نو جلوه می کند و ناشناخته و ناآشنا می نماید، مسائل مربوط به عدالت اجتماعی و امور مالی و معیشتی است؛ یعنی، موضوعی که انسان سخت به آن نیازمند بوده و بدان نرسیده است. همین امر نیز مشکل نابسامانی اصلی زندگی بشر امروز را تشکیل می دهد و اجرای آن (برقراری عدل و دادگری در سراسر گیتی) از اقدام های اصلی امام مهدی علیه السلام خواهد بود.

برای نمونه امام موعود علیه السلام به موضوع مساوات اسلامی شکل قانونی و الزامی می دهد؛ چنان که اسحاق بن عمار می گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم. آن حضرت از تساوی مردم با یکدیگر و حقی که هر کس بر دیگران دارد، سخن گفت. من سخت در شگفت شدم. فرمود:

إِنَّمَا ذَلِكَ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَجَبَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُجَهَّزُوا إِخْوَانَهُمْ وَأَنْ يُقَوُّوهُمْ؛ (۱) این، هنگام رستاخیز قائم ما است که در آن روزگار، واجب همگانی است که به یکدیگر وسایل رسانند و نیرو بخشند. (۲)

این موضوع، در بسیاری دیگر از آموزه های اسلامی آمده است؛ ولی به نام احادیث اخلاقی کنار گذاشته شده و در فقه مطرح نگشته و در برنامه های الزامی حکومت ها و اجتماعات اسلامی به صورت اصل و قانون تثبیت نشده است! روشن است که چون این آموزه ها عملی شود، به صورت احکامی نو جلوه می کند و ...

امام مهدی علیه السلام از طواف مستحب با وجود کثرت طواف واجب، منع می کند، (۳) مساجد و معابد مجلل و تزیین یافته شهرها و آبادی ها را خراب می کند و همه زواید و تشریفات و کاشی کاری ها و گنبدها و گلدسته ها و زیورهای آن ها را می پیراید و بودجه آن ها را برای رفاه حال انسان ها صرف می کند. مساجد و معابد را ساده و بی آرایش و بی آلایش می سازد و ... (۴).

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۲۰، ص ۲۶.

۲- نگارنده با الهام از این روایت و برخی روایات دیگر، بر این باور است سازوکار اقتصادی در عصر ظهور تفاوت های اساسی با زندگی امروزمین ما دارد و از مراکزی که با شگردهای فراوان ثروت مردم را برای سود خود، گرد می آورند، خبری نخواهد بود. در آن روز دیگر به بانک ها، بیمه، بورس و مانند آن نیازی نیست؛ اگرچه امروزه بخش جدایی ناپذیر زندگی شده اند و به ناگزیر برخی نیازها را نیز رفع می کنند. بی گمان پدید آمدن این سازوکارهای اقتصادی به سبب دور شدن انسان ها از آموزه های الهی و بی اعتمادی آنها به یکدیگر است. که اگر همگان در رفع نیازهای هم شتاب می کردند، فرض چنین مراکزی نیز دور از ذهن می نمود.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۴۲۷؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۵.

۴- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۶، ح ۱۷۵؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۴؛ قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۵۳، ح ۳۹.

امام مهدی علیه السلام سود در مبادلات بازرگانی و داد و ستدها را برمی دارد و مردمان را مأمور می کند که هر کس به صورت خدمتگزاری نسبت به جامعه کار کند و در برابر کالای عرضه شده سودی نگیرد. و خود نیازهای خود را همینسان از دیگران تأمین می کند. (۱)

امام مهدی علیه السلام بر بسیاری از تفسیر و تأویل هایی که توسط برخی مسلمانان در قرآن کریم و احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و امامان معصوم علیهم السلام صورت گرفته است، خط بطلان می کشد و آرا و اندیشه ها را پیرو قرآن می سازد و در چارچوب های قرآنی می آورد. (۲)

و بدینسان امام، مسائل و معارف و احکام جدیدی را مطرح می کند که برای مردم ناشناخته است و آن ها را آیین جدید و کتاب تازه می انگارند و گه گاه با امام بر سر این مسائل درگیر نیز می شوند، و در این صورت جنگ با خودی و جامعه اسلامی رخ می دهد. (۳)

فرازهایی از دعای ندبه از این چگونگی، پرده برداشته، می گوید:

کجا است آن کسی که برای تجدید و زنده کردن فرایض و سنن [آیین اسلام که محو و فراموش شده] ذخیره شده است؟ کجا است آن کسی که برای برگرداندن [حقایق] ملت و شریعت [دین مقدس اسلام] برگزیده شده است؟ کجا است آن که برای زنده کردن کتاب آسمانی قرآن و حدودش مورد امید و آرزوست؟ کجا است زنده کننده نشانه های دین و اهل آن؟... (۴)

بنابراین اساس نامه و منشور حکومت جهانی مهدوی چیزی جز کتاب و سنت پیام آور وحی صلی الله علیه وآله در شکل اصیل و درست نخواهد بود. از آن جا که مهدی موعود

۱- ر.ک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۱۳؛ شیخ طوسی، التهذیب، ج ۷، ص ۱۷۸ (بنابراین سازوکار اقتصادی در آن زمان به طور کامل با پیش از آن متفاوت خواهد بود).

۲- ر.ک: سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۳- محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۱۷۵ ۱۷۹. (با تصرف)

۴- «أَيْنَ الْمِدْخَرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُحْيِي مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ...»؛ (سید بن طاوس، اقبال الاعمال، ص ۵۰۴).

عجل الله فرجه وارث علوم نبوی و عامل به دستورات پدران بزرگوار خود است، بدعت ها و سنت ها را به خوبی می شناسد. پیش از هر چیز بدعت ها را از دامن فرهنگ و اندیشه اسلامی می زداید و سنت هایی که متروک و مهجور مانده اند احیا و اجرا می کند. امام باقر علیه السلام در این باره فرموده است:

« إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... فَلَا يَتْرُكُ بِدْعَةً إِلَّا أزالَهَا وَ لَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا؛ (۱) هنگامی که قائم عجل الله فرجه به پا خیزد بدعت ها را نابود می سازد و سنت ها را بر پا می دارد.»

### پیروان دیگر ادیان در عصر ظهور

برای برپایی جامعه یگانه و فراگیری حکومت جهانی، یک موضوع بایسته است و آن جهان بینی واحد و اعتقاد یگانه است. بر این پایه است که در حکومت مهدوی، جهان بینی یگانه ای بر جهان چیره و راه و روش و برنامه ها نیز یکی می شود و یکپارچگی راستین در باور و مرام پدید می آید و مردمان همه یکدل و یک زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت می کنند.

امام صادق علیه السلام به روشنی به این نکته اشاره کرده است آنجا که فرمود:

قَوْلَ اللَّهِ يَا مُفَضَّلُ لِيُرْفَعَ عَنِ الْمَلَلِ وَالْأَذْيَانِ الْإِخْتِلَافُ وَ يَكُونُ الدِّينُ كُلُّهُ وَاحِدًا كَمَا قَالَ جَلَّ ذِكْرُهُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَ قَالَ اللَّهُ وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ (۲) به خدا سوگند!... ناهماهنگی و چندگانگی مذاهب و ادیان از میان می رود و فقط یک دین در سراسر گیتی حکومت می کند؛ چنان که خدای تبارک و تعالی فرموده است: به راستی دین در نزد خدا، اسلام است...

با این حال ممکن است گفته شود: براساس برخی از آیات و روایات، یهود و نصارا از میان نمی روند و تا قیامت باقی هستند؛ پس این اسلام نمی تواند فراگیر شود؟!

اگرچه رسیدن به یک دیدگاه قطعی نیازمند بررسی های فراگیر در این باره است که در پژوهش های مفصل می بایست به دنبال آن بود، ولی در اندازه مختصر در این اثر و با

۱- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱.

توجه به آنچه یاد شد در باره حضور پیروان ادیان در عصر ظهور به نظر می رسد در مرحله پایانی و برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام بر زمین، جایی برای مشرکان که همانا پیروان ادیان تحریف شده آسمانی است نخواهد ماند. والبته فرض این که آنها پای بند به دین تحریف نشده خواهند بود، نیز فرض غیرقابل قبولی است چراکه حقیقت همه ادیان الهی نوید به دین اسلام که پایان بخش همه ادیان است، می باشد. و اگر آنها بخواهند به دستورات راستین دین خود عمل کنند باید اسلام بیاورند. ضمن اینکه فرض وجود پیروان حضرت مسیح علیه السلام در حالی که خود آن حضرت به مهدی موعود علیه السلام اقتدا کرده فرضی ناشدنی می نماید. مگر آنکه آن مسیحی موجود در آن زمان، خود را پیرو مسیح دیگری بداند.

به هر حال برای بود و یا نبود آنها سه فرض تصور می شود:

۱. حضور؛

۲. عدم حضور؛

۳. حضور تا زمان خاص.

پیش از این در باره دوره های عصر ظهور یاد آور شدیم این دوران به سه مرحله از ظهور تا قیام، از قیام تا حکومت جهانی و مرحله حکومت تقسیم می شود.

با توجه به تقسیم یاد شده در دو دیدگاه نخست، بود و نبود پیروان ادیان بررسی می شود در حالی که در دیدگاه سوم حضور این پیروان در دو مرحله نخست اثبات و برای حضور آنان در دوران حکومت عدل جهانی نیازمند دلیل است.

## دیدگاه نخست: حضور پیروان

### اشاره

دیدگاه نخست: حضور پیروان (۱)

در این دیدگاه به طور عمده با پافشاری بر آزادی و اختیار انسان ها و نیز آیاتی که در آن از کینه توزی میان یهود و مسیحیت سخن به میان آورده، (۲) حضور پیروان این دو دین را اگر چه اندک پذیرفته اند.

۱- البته بیشتر کسانی که حضور را پذیرفته اند این پیروان را فقط در یهود و مسیحیت منحصر دانسته و هیچ کس، از حضور پیروان دیگر ادیان سخن روشنی به میان نیاورده است.

۲- مائده (۵)، آیه ۱۴.

روایات اسلامی در این زمینه به سه دسته تقسیم می‌شود:

### ۱. پرداخت جزیه اهل کتاب

در برخی روایات سخن از پرداخت جزیه از طرف اهل کتاب اشاره شده است. که البته به زمان مشخص آن اشاره نشده و این ممکن است مربوط به یک دوره زمانی خاص باشد.

به راستی زمانی که در برخی روایات نقل شده، کسی برای پرداخت زکات شهر به شهر می‌رود و مستمندی پیدا نمی‌کند و زمین گنج‌های خود را برای حضرت مهدی علیه السلام بیرون می‌ریزد چه نیازی به اندک جزیه اندک پیروان ادیان؟!

### ۲. داوری میان اهل کتاب با کتاب آنها

در برخی روایات دیگر نیز اشاره شده که آن حضرت میان یهود و نصارا با کتاب تحریف نشده آنها داوری خواهد کرد. و مهم‌ترین داوری حکم بر بطلان پیروی آنها از کتاب تحریف شده و هدایت آنها به پیروی از دین بشارت داده شده در کتاب مقدس آنان است.

که البته این هم می‌تواند در دوره‌ای کوتاه صورت پذیرد تا حاکمیت به تثبیت جهانی خود برسد.

### ۳. شباهت سیره مهدی با سیره پیامبر

در روایات فراوانی اشاره شده که روش حضرت مهدی علیه السلام چونان روش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و آن حضرت از اهل کتاب جزیه دریافت می‌کرد.

البته گفتنی است اگرچه سنت خاتم الاوصیا همان سنت خاتم الانبیا است، اما این هرگز بدان معنا نیست که هر آنچه بر حسب شرایط، اقتضاها و موانع در عصر نبوی شکل گرفته در عصر مهدوی نیز شکل خواهد گرفت. اگر در عصر پیامبر به دلیل‌هایی چون امید به هدایت با پیروان ادیان تحریف شده مسالمت آمیز برخورد می‌شد دیگر آن شرایط نخواهد بود.

افزون بر آیات و روایات در این دیدگاه از نگاه عقل نیز گفته شده از آنجایی که انسان دارای حق‌گزینش است و ایمان از روی اجبار اثری ندارد پس در حکومت حضرت می‌تواند پیروان دیگر ادیان باشند.

و البته در محل خود گفته شده همه کسانی که آن زمان ایمان می آورند از روی انتخاب و اختیار است.

## دیدگاه دوم: عدم حضور پیروان ادیان

### اشاره

در این دیدگاه نیز به برخی آیات و روایات اشاره شده است.

### ۱. آیات

در این دیدگاه به آیاتی اشاره شده که پیش از این در باره جهانی شدن دین اسلام به آنها اشاره شد. و از برخی روایات نیز استفاده می شود هرگز مجالی برای حضور پیروان ادیان و بقای آنها بر آموزه های شرک آلود این ادیان باقی نخواهد ماند.

البته کسی نگوید که آنها دیگر بر آموزه های تحریف شده باقی نمی مانند و به کتاب اصلی خود ایمان می آورند که در این صورت به اصلی ترین آموزه (اعتقاد به اسلام به عنوان دین خاتم و پیامبری پیامبر خاتم) می بایست پای بند شوند که همانا در انجیل بشارت داده شده است.

امام محمد باقر علیه السلام در تأویل آیه «خداوند او را بر همه ادیان چیره می گرداند، هر چند مشرکین نخواهند» فرمود: «يَكُونُ أَنْ لَا يَبْقَى أَحَدٌ إِلَّا أَقْرَبَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛<sup>(۱)</sup> هیچ کسی نمی ماند، جز این که اقرار به حضرت محمد می کند.»

### ۲. روایات

در این قسمت برخی از روایات ارزشمند که در آنها حضور ادیان نقل شده، بررسی خواهد شد. روایات در این زمینه به پنج دسته تقسیم می شوند:

دسته اول: روایات برداشته شدن جزیه

این دسته از روایات، برخلاف روایات مطرح شده در بخش دلایل وجود ادیان، پذیرش جزیه را نفی می کند و حتی در برخی از روایات برداشته شدن جزیه را از اقدامات حضرت مهدی علیه السلام در دوران حکومت می داند؛ البته برخی از روایات دیگر، به ویژه در منابع اهل سنت، این عمل را از اقدامات حضرت عیسی علیه السلام می دانند.

۱- عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۸۷.

البته آنگونه که پیش از این اشاره شده، می تواند این برداشتن جزیه مربوط به جزیه ای باشد که حضرت در مرحله پیش از حکومت جهانی برای تثبیت حاکمیت قرار داده بود.

دسته دوم: روایات مبارزه با یهود و مسیحی

در این نوع روایات، ائمه علیهم السلام بر عدم حضور یهود و نصارا در آخرالزمان را تصریح می کنند.

ابن بکیر گفت: از حضرت صادق علیه السلام تفسیر این آیه: ((وَلَهُ أَسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ)) را پرسیدم؟ حضرت فرمود:

قَالَ أَنْزَلَتْ فِي الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا خَرَجَ بِأَلْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ وَالزَّنَادِقَةَ وَأَهْلِي الرَّدَّةِ وَالْكَفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَغَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أَسْلَمَ طَوْعًا أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَمَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَيَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَمَنْ لَمْ يُسْلِمْ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَمَّا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَحَدَّ اللَّهُ؛ (۱) این آیه درباره قائم نازل شده، هنگامی که بر یهود و نصارا و صابئین و مادی ها و برگشتگان از اسلام و کفار در شرق و غرب کره زمین، قیام می کند و اسلام را پیشنهاد می نماید. هر کس از روی میل پذیرفت، دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و آن چه هر مسلمانی مأمور به انجام آن است بر وی نیز واجب می کند و هر کس مسلمان نشد گردش را می زند، تا آن که در شرق و غرب عالم یک نفر خدا شناس باقی نماند.

دسته سوم: روایات مبارزه با کفار و مشرکین

مسیحیان به خاطر تثلیثشان و یهودیان به خاطر اینکه عزیر را پسر خدا می دانند، به نوعی مشرک شمرده می شوند. در برخی از روایات وجود مشرکین و کفار را در آخرالزمان نفی می کند.

ابو بصیر گفت: من از حضرت صادق علیه السلام تفسیر آیه: «خدا فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد، تا بر همه دین ها چیره شود، هر چند مشرکین نخواهند» را پرسیدم؟ حضرت فرمود: «به خدا قسم تاویل این آیه هنوز نازل نشده و تحقق نیافت.»



گفتم: قربانت شوم! کدام وقت تأویل این آیه تحقق خواهد یافت؟ حضرت فرمود:

وقتی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم ظاهر شود اگر خدای تعالی خواهد .. پس چون قائم بیرون آید، کافر و مشرکی باقی نمی ماند، مگر آن که خروج آن حضرت را مکروه می دارد، تا آن که اگر کافری یا مشرکی در میان سنگی باشد، آن سنگ [به سخن درآمده و] به مؤمن گوید: ای مؤمن! در میان من کافری یا مشرکی جای گرفته و خود را از نظر شما پنهان ساخته؛ پس او را از میان ببر! آن مؤمن حرف سنگ را گوش کرده و آن کافر را از میان آن بیرون آورده، بکشد.

محمد بن مسلم می گوید: از امام باقر علیه السلام درباره تفسیر آیه شریفه: ((وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...)) پرسیدم؟ حضرت علیه السلام فرمود:

قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَقَالَ لَمْ يَجِئْ تَأْوِيلُ هَذِهِ الْآيَةِ بَعِيدٌ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص رَحَّصَ لَهُمْ لِحِاجَتِهِ وَ حِاجِهِ أَضْيَاحِهِ فَلَوْ قَدْ حِجَّاءَ تَأْوِيلُهَا لَمْ يَقْبَلْ مِنْهُمْ لِكِنَّهُمْ يُقْتَلُونَ حَتَّى يُوَحِّدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَتَّى لَا يَكُونَ شِرْكَ؛ (۱) هنوز تأویل این آیه نیامده. همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم از سر نیازی که خود و اصحابش داشتند [و ناگزیر بودند با مشرکان و منحرفان بسازند] به آنها مهلت دادند و روزی که تأویل این آیه برسد، این مهلت از آنها پذیرفته نشود، بلکه کشته شوند تا خدای عز و جل به یگانگی پرستش شود و شرکی به جای نماند.

افزون بر آنچه یاد شد در برخی آیات از شرک با عنوان ظلم عظیم یاد شده است. (۲) و حکومتی که زمین را پر از عدل خواهد ساخت، چگونه ظلم بزرگ که همانا شرک پیروان اهل کتاب است را برخواهد تافت؟

و نیز در برخی روایات گفته شده حضرت مهدی علیه السلام زمین را از دشمنان خداوند که همانا مشرکان و کفار است پاک می کند (وَ بِهِ أَطْهَرُ الْأَرْضَ مِنَ الْأَعْدَائِي) و این طهارت و پاکیزگی زمین از آلودگی شرک هرگز محقق نمی شود تا آنگاه که همه

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۰۱، ح ۲۴۳.

۲- ان الشرك لظلم عظيم.

مشركان از روى زمين برداشته شوند.

## خودآزمایی

۱. نخستین اقدام حضرت مهدی علیه السلام در حکومت جهانی برای فراهم کردن زمینه های یکتاپرستی چیست؟ توضیح دهید.
۲. مقصود از کتاب و امر جدید در برخی روایات مربوط به عصر ظهور چیست؟
۳. چه عواملی سبب می شود تا مردم عمل حضرت مهدی علیه السلام به آموزه های راستین اسلام را امری نوپندارند؟
۴. مهم ترین دلایل جهانی بودن اسلام را از نگاه قرآن و روایات بیان نمایید.
۵. دلیل کسانی که باور به حضور پیروان ادیان در حکومت مهدوی ندارند، کدام است؟ توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله فرجه، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله فرجه، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۳. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ ش.
۴. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.



## درس چهارم: حکومت حضرت مهدی علیه السلام و عدالت

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مفهوم شناسی عدالت

عدالت در آموزه های دینی

عدالت در دولت مهدی موعود علیه السلام

راهبردهای عدالت گستری مهدوی

گستره عدالت مهدوی

گستره انسانی

گستره جغرافیایی

گستره مصداقی

آثار و برکات عدالت

## پیش درآمد

ظهور و قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام به راستی آخرین پرده از مبارزات پیوسته اهل حق و باطل است؛ که این بار همه پیروزی از آن حق است.

مهم ترین هدف برپایی حکومت واحد جهانی مهدوی، گسترش یکتاپرستی بر همه گیتی و میان همه انسان ها است. و در پدیدآوردن این ویژگی یگانه راه اجرای فراگیر عدالت فردی و اجتماعی در جامعه است. روایات فراوانی پرشدن زمین از عدالت را به عنوان محوری ترین سازوکار برای رسیدن به آن هدف مقدس یاد کرده اند.

به گونه ای که می توان گفت جمله «یملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً» که در احادیث فراوانی ذکر شده، هم تواتر لفظی دارد و هم تواتر معنوی. انبوه روایاتی که هم در منابع شیعه و هم اهل سنت آمده می تواند ارزش و چگونگی این عدالت گستری را بیشتر بنمایاند.

اگر چه در بحث عدالت بیش از هر چیز عدالت اقتصادی به ذهن می رسد، ولی به نظر می رسد گستره عدالت بسیار فراتر از امور اقتصادی است و همه عرصه های زندگی را زیر پوشش خود می گیرد.

در این درس تلاش می شود تا به اندازه ممکن به این بحث اساسی اشاره شود و البته چون برخی بحث های دیگر همچنان نیازمند بررسی های گسترده تر و ژرف تر است.

در آموزه های اسلامی، همچون همه ادیان آسمانی، عدالت از جایگاه ویژه ای برخوردار است. چه اینکه آن یک نیاز فطری است که در همه انسان ها هست؛ در گذر تاریخ آنگاه که بدان توجه شده، جامعه سرشار از نشاط و زندگی شده و آنگاه که

جای آن را گرفت، مردم دچار خمودگی شدند. امام صادق علیه السلام، عدالت را از نیازهای ضروری مردم دانسته می فرماید:

« ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتِاجُ النَّاسُ طَرًّا إِلَيْهَا الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخَصْبُ؛ (۱) سه چیز است که همه انسان ها به آن نیازمندند: امنیت، عدالت، وسعت و فراوانی.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در ارزش عدالت می فرماید:

عَدْلٌ سَاعَهُ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً قِيَامٌ لَيْلُهَا وَصِيَامٌ نَهَارُهَا؛ (۲) یک ساعت عدالت از هفتاد سال عبادتی که شب های آن شب زنده داری شود و روزهای آن روزه گرفته شود.

## مفهوم شناسی عدالت

### الف) معنای لغوی

از عدالت تعاریف گوناگونی ارائه شده؛ از آن جمله است:

راغب اصفهانی در مفردات می گوید:

العدالة و المعادله لفظ يقتضى المساواه ويستعمل باعتبار المضايقه والعدل و العدل يتقاربان... فالعدل هو تقسيط على سواء...؛ (۳) عدالت و معادله مقتضی معنای برابری است و به همین جهت همواره در مقایسه میان اشیاء کاربرد دارد و عدل و عدل تشابه نزدیکی به یکدیگر دارند. پس عدل همان تقسیم به دو نیم مساوی و هماهنگ است.

ابن منظور نیز عدل را به معنای تساوی میان دو چیز تعریف کرده است:

الْعَدْلُ: مَا قَامَ فِي النَّفْسِ أَنَّهُ مُسْتَقِيمٌ، وَ هُوَ ضِدُّ الْجَوْرِ. وَالْعَدْلُ: الْحُكْمُ بِالْحَقِّ، يُقَالُ: هُوَ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَيَعْدِلُ. وَالْعَدْلُ مِنَ النَّاسِ: الْمَرْضِيُّ قَوْلُهُ وَ حُكْمُهُ. (۴)

شیخ طوسی در معنای آن چنین می گوید:

۱- حسن بن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۳۱۹.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۵۲.

۳- راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۳۶.

۴- ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۳۲.

العدالة في اللغة إن يكون الإنسان متعادلاً لحواله متساوياً (۱) عدالت در لغت این است که انسان احوال متساوی و متعادلی داشته باشد.

این تعاریف با وجود اختلاف در الفاظ به یک حقیقت اشاره دارند و آن تقسیم شایسته و رسیدن حق به حق دار است.

### ب) معنای اصطلاحی

علامه طباطبایی در معنای آن چنین گفته است:

هی اعطاء کل ذی حق من القوی حقه و وضعه فی موضعه الذی ینبغی له (۲) عدالت این است هر نیرویی هر حقی دارد به حق خود برسد و در جایی که شایسته است قرار گیرد.

برای عدالت در اصطلاح تعریف های فراوانی ذکر شده که در این صفحات اندک، مجال بحث همه آنها نیست، از این رو به چهار برداشتی که شهید مطهری در کتاب عدل الهی بیان کرده، بسنده می شود:

۱. موزون بودن: یعنی رعایت تناسب یا توازن میان اجزای یک مجموعه؛ واژه اقتصاد نیز در فرهنگ اسلامی به معنای رعایت حد وسط و اعتدال ذکر شده است و اساس اقتصاد اسلامی بر مبنای رعایت اعتدال است.

۲. تساوی و رفع تبعیض: یعنی رعایت مساوات میان افراد هنگامی که استعدادها و استحقاق های مساوی دارند، مانند: عدل قاضی.

۳. رعایت حقوق افراد و دادن پاداش و امتیاز بر اساس میزان همکاری آنها مانند: عدالت اجتماعی.

۴. رعایت استحقاق ها: این معنی از عدل عمدتاً مربوط به عدالت تکوینی و از خصوصیات باری تعالی است. (۳)

---

۱- شیخ طوسی، المبسوط، ج ۷، ص ۲۱۷.

۲- محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۷۱.

۳- مرتضی، مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۷۸۸۳.



## عدالت در آموزه های دینی

### الف) در قرآن

در آیات فراوانی از قرآن به مناسبت های مختلف به بحث عدالت پرداخته شده است که برخی از این قرار است:

۱. خداوند، قائم به قسط

خداوند خود را «قائم به قسط» خوانده و فرمود: ((شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ))؛ (۱) خداوند که در کارهایش عدالت را برپا داشته، گواهی داده است که معبودی شایسته پرستش جز او نیست و فرشتگان و دانشمندان نیز بر آن گواهی داده اند. [آری؛] معبودی شایسته پرستش جز او که شکست ناپذیر و حکیم است، نیست.

۲. عدالت، هدف رسالت

قرآن کریم در بیان اهداف فرستادن پیامبران صلی الله علیه وآله، برپایی قسط و گسترش عدالت در میان مردمان را هدف صلی آنان بیان کرده است: ((لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ))؛ (۲) به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می کند. آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است.

۳. پیامبر اسلام، مأمور به قسط

سپس آن را به پیامبرش دستور داد که بگوید: ((قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ...))؛ (۳) بگو: پروردگام به عدل و داد فرمان داده است....

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۸.

۲- حدید (۵۷)، آیه ۲۵.

۳- اعراف (۷)، آیه ۲۸.

۴. مؤمنان، مأمور به عدالت

خداوند مؤمنان را نیز به برپایی عدالت و قسط فرا خواند و فرمود: ((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ...))؛ (۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید.

در آیه هشتم سوره مائده بر این عدالت پافشاری کرده چنین فرمود:

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ))؛ (۲) ای کسانی که ایمان آورده اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است.

۵. دادگری هنگام داوری

و به مردم سفارش کرده هنگام داوری به عدل داوری کنند آنجا که می فرماید: ((وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ))؛ (۳) و چون میان مردم داوری می کنید، به عدالت داوری کنید.

آنچه یاد شد فقط بخشی از آیات در بحث عدالت بود.

## ب) در روایات

در سخنان معصومان علیهم السلام روایات فراوانی در باره عدل و عدالت آمده است که نمونه ای از آنها چنین است. امام علی علیه السلام در باره جایگاه عدل می فرماید:

إِنَّ الْعَدْلَ مِيزَانُ اللَّهِ سُبْحَانَهُ الَّذِي وَضَعَهُ فِي الْخَلْقِ وَنَصَبَهُ لِإِقَامَةِ الْحَقِّ...؛ (۴) عدالت، ترازوی خدای سبحان است که آن را در میان آفریده های خود نهاده و برای برپا داشتن حق، نصب کرده است.

۱- نساء (۴)، آیه ۱۳۵.

۲- مائده (۵)، آیه ۸.

۳- نساء (۴)، آیه ۵۸.

۴- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۲۵.

همچنین آن حضرت در پاسخ به اینکه آیا عدل برتر است یا بخشش؟ فرمود:

الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا وَالْجُودُ يُخْرِجُهَا مِنْ جِهَتَيْهَا وَالْعَدْلُ سَائِسٌ عِيَامٌ وَالْجُودُ عَارِضٌ خِصَّصٌ فَالْعَدْلُ أَشْرَفُهُمَا وَأَفْضَلُهُمَا؛ (۱) عدالت کارها را بدانجا می نهد که باید و بخشش آن را از جایش برون نماید. عدالت تدبیر کننده ای است به سود همگان، و بخشش به سود خاصگان. پس عدل شریفتر و با فضیلت تر است.

البته افزون بر تعبیر عدالت در بسیاری از روایات تعبیر قسط نیز به کار رفته که به بیانی مختصر بسنده می شود.

"قسط" بنا به گفته راغب اصفهانی، به دو معنای مقابل هم به کار رفته است. هم بهره عادلانه را گویند. (در باب افعال) که خداوند فرمود: لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ؛ (۲) تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به عدالت پاداش دهد. و در جایی دیگر فرمود: وَ أَقِيمُوا الْوِزْنَ بِالْقِسْطِ؛ (۳) و وزن را به انصاف برپا دارید. و هم به معنای جور و گرفتن بهره دیگران آمده، (در باب ثلاثی مجرد) که خداوند فرمود: وَ أَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا؛ (۴) ولی منحرفان، هیزم جهنم خواهند بود. (۵)

البته میان "عدالت" و "قسط" تفاوت وجود دارد، عدالت به این گفته می شود که انسان حق هر کس را بپردازد، و نقطه مقابلش، آن است که ظلم و ستم کند و حقوق افراد را از آنها دریغ دارد، ولی "قسط" مفهومش آن است که حق کسی را به دیگری ندهد، و به تعبیر دیگر "تبعیض" روا ندارد، و نقطه مقابلش آن است که حق کسی را به دیگری دهد.

ولی مفهوم وسیع این دو کلمه مخصوصاً هنگامی که جدا از یکدیگر به کار می روند

۱- محمد بن حسین شریف رضی (د/ ۴۰۶ ق)، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، حکمت ۴۳۷، ص ۴۴۰.

۲- سوره یونس (۱۰) آیه ۴.

۳- سوره الرحمن (۵۵) آیه ۹.

۴- سوره جن (۷۲) آیه ۱۵.

۵- راغب، المفردات، ج ۱، ص ۶۷۰.

تقریباً مساوی است و به معنی رعایت اعتدال در همه چیز و همه کار و هر چیز را به جای خویش قرار دادن می باشد.

### عدالت در دولت مهدی موعود علیه السلام

عدالت با این جایگاه بسیار والا و ویژه، شاخصه اصلی حکومت جهانی امام مهدی عجل الله فرجه است به گونه ای که هرگاه سخن از آن دولت کریمه به میان می آید به برپایی عدل و قسط نیز اشاره می شود. مرحوم کلینی از امیرالمؤمنین علیه السلام چنین نقل می کند: ... المهدی ... يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا...؛ مهدی زمین را از عدل و داد پر می کند؛ همان گونه که از ظلم و ستم، پر شده است. (۱)

از امام کاظم علیه السلام درباره تأویل این آیه: ((إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...))؛ (۲) بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می گرداند؛ سوال شد. فرمود:

((يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيَحْيُونَ الْعَيْدَلُ فَتُحْيَا الْأَرْضُ لِإِحْيَاءِ الْعَيْدَلِ))؛ (۳) خداوند بلند مرتبه، مردانی را بر می انگیزد تا عدل را احیا کنند؛ چون زمین با احیای عدل، زنده می شود.

### راهبردهای عدالت گسری مهدوی

#### اشاره

در جامعه مهدوی همه عناصر پدیدآورنده عدالت دست به هم خواهند داد تا نوید پروردگار در برپایی جامعه جهانی بر پایه عدل را شکل دهند؛ عناصری چون: قانون دادگرانه، رهبر عادل، حکومت و کارگزاران عادل و جامعه عادل، که در این صورت عدل جهانی امری قطعی خواهد بود.

اجرای عدالت راهکارهایی دارد که انجام آن ها سبب تعادل و از میان رفتن زمینه بی عدالتی خواهد شد که برخی از آن ها عبارتند از:

#### افزایش معرفت

یکی از عوامل بی عدالتی جهل و نادانی است. در عصر ظهور، آگاهی های مردم

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۲- حدید (۵۷)، آیه ۱۷.

۳- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۷، ص ۱۷۴.

افزایش چشم گیری خواهد داشت. امام باقر علیه السلام در باره رشد آگاهی جامعه عصر ظهور، می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَامَهُمْ؛ (۱) آن گاه که قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان می نهد؛ به این وسیله خداوند خردهای آن ها را جمع و کامل می گرداند.

### گسترش انفاق

از مهم ترین عوامل بی عدالتی فاصله طبقاتی میان تهیدست و غنی است. انفاق از طرف ثروتمندان نقش مهمی در نزدیک ساختن جامعه به برخورداری همگانی ایفا می کند. انفاق، حتی به صورت غیر واجب، به عنوان یک ارزش تلقی شده و پاداش عظیمی برای آن بیان شده است. در دوران حاکمیت حضرت مهدی انفاق مال به اوج خود می رسد به گونه ای که یکی از اسباب بی نیاز شدن مردم خواهد بود.

### توزیع دادگرانه

توزیع دادگرانه ثروت، عدالت اقتصادی در عصر ظهور، به معنای تقسیم دادگرانه ثروت میان تمام افراد جامعه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شما را بشارت می دهم به ظهور مهدی علیه السلام در میان امتم برانگیخته می شود... آن گاه فرمود: «و یقسم المال صحاحا» گفته شد «صحاحاً» چیست؟ فرمود: میان همه مردم با مساوات برخورد خواهد کرد... (۲).

### برداشتن افزون خواهی

یکی از صفات ناپسند فزون خواهی است. در آموزه های اسلامی افزون بر سفارش به قناعت از زیاده خواهی نیز مذمت شده است. یکی از راهبردهای حکومت جهانی مهدوی مبارزه با زیاده خواهی است.

معاذ بن کثیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود:

مَوْسَعٌ عَلَى شِيعَتِنَا أَنْ يَنْفِقُوا مِمَّا فِي أَيْدِيهِمْ بِالْمَعْرُوفِ، فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۵.

۲- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۶۱، ح ۱۸.

عليه السلام حَرَّمَ عَلَى كُلِّ ذِي كَنْزٍ كَنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ بِهِ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عَدُوِّهِ وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ: (( وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالفِضَّةَ وَلَا يُفْتِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ )) (۱)؛ (۲)... و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده.

### احساس بی نیازی در مردم

یکی از سازوکارهای مهم در برپایی عدالت، فروکاستن از آرزوهای مادی و خواسته های فزاینده دنیوی است که با استغنائی روحی انسان ها پدید می آید. بالا رفتن ظرفیت های فکری و درونی مردم، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین آوردن سطح خواسته های گوناگون و بی پایان مادی و غریزی، در اولویت قرار ندادن امور نازل و فانی و... از نشانه های غنای روحی و معنوی اند. که با رشد خردورزی در عصر ظهور به گونه ای کامل پدید خواهد آمد. و به شکل گیری هر چه بهتر عدالت کمک می کند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: « وَ يَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَى فِي قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ (۳) و خداوند در دل های این امت بی نیازی قرار می دهد.»

### گستره عدالت مهدوی

#### اشاره

در باره گستره عدالت در حکومت جهانی مهدوی اگرچه آنچه بیشتر در روایات به چشم می آید گستره جغرافیایی است، ولی در برخی روایات به همه گروه های انسانی و نیز همه مصداق های عدالت می توان اشاره کرد.

#### ۱. گستره انسانی

عدالت مهدوی هرگز ویژه گروهی خاص از انسان ها نخواهد بود، بلکه همه انسان ها را (از هر جنس، در هر سن و سال، با هر گویش و در هر منطقه جغرافیایی) در بر خواهد گرفت. حتی در برخی روایات فراگیری عدالت مهدوی دربرگیرنده انسان های بدکردار

۱- توبه (۹)، آیه ۳۴.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۴، ص ۶۱.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۴.

نیز می شود که البته این خود نیازمند تبیین است که مقصود از اجرای عدالت برای بدکاران فراهم کردن زمینه برای هدایت آنهاست و در صورتی که هدایت نشدند برخورد آن حضرت با آنها و یا بهره مندی از توزیع عادلانه ثروت که در این باره امام حسین علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسَعَّ عَدْلُهُ الْبُرِّ وَالْفَاجِرِ؛(۱)... آن گاه که برپاکننده عدل به پاخیزد، دادگری اش نیکوکار و فاجر رادر بر می گیرد.»

## ۲. گستره جغرافیایی

از روایاتی که درباره روش حکومتی امام مهدی علیه السلام بیان شد، به دست می آید که در آن عصر، هستی با همه گستردگی اش در دایره حاکمیت عدل مهدوی در همه ابعاد حقوقی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی قرار خواهد گرفت و حکومت اسلامی به منطقه خاصی محدود نخواهد شد.

عدالت مهدوی فراگیر است و همه زمین را در بر می گیرد. از این نگاه، جامعه مهدوی قابل قیاس با هیچ جامعه ای نیست؛ چرا که تصور حکومتی این چنین فراگیر نیز در ذهن کسی نمی گنجد. حتی حکومت و خلافت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام نیز گستره ای این چنین وسیع نداشته اند. عدالت محوری در همه زمین فقط با نام امام مهدی علیه السلام آمیخته است.

## ۳. گستره مصداقی

### اشاره

افزون بر دو گستره یادشده از برخی روایات به دست می آید که عدالت حضرت حوزه های گوناگونی را در بر می گیرد که برخی از این قرارند:

### یک. عدالت در داوری

پیش از این اشاره شد در برخی آیات قرآن به داوری میان مردم بر پایه عدل فرمان داده شده است.

عدالت قضایی یکی از برنامه های اساسی حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است که در برخی روایات اشاره شده است.

به خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه، در این خصوص اشاره می کنیم. مولا علی علیه السلام

می فرماید:

فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمام داری حاکمیت پیدا می کند که غیر از خاندان حکومت های امروزی است؛ اعمال و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر می کند.

### دو. عدالت در عرصه اقتصاد

اگرچه در روایات به این نوع عدالت فراوان اشاره شده، ولی به نظر می رسد عدالت اقتصادی از جهت شأن و رتبه نقش تبعی دارد، اگر چه تا اندازه ای می تواند زمینه ساز عدالت در فرهنگ و آموزش به حساب آید.

نظام اقتصادی اسلام بر اساس عدالت است، یعنی طوری برنامه ریزی شده که حق کسی از میان نرود و هر صاحب حقی بتواند متناسب با کار یا نیازش زندگی راحتی داشته باشد. این عدالت در عرصه های زیر تحقق می یابد:

الف) عدالت در توزیع: حضرت علی علیه السلام در زمان حکومت خود، همه تلاش خود را برای برپایی عدالت اقتصادی و اجتماعی انجام داد و در این زمینه دست به رفتاری زد که شاید هیچکس در طول تاریخ این کار را انجام نداده باشد و آن بازپس گیری اموال از ثروتمندان و رساندن آن به دست نیازمندان بود.

ب) عدالت در بهره گیری و مصرف: در اندازه مصرف نیز باید مراعات عدالت بشود و قرآن نیز در این زمینه می فرماید: ((کلوا و اشربوا و لاتسرفوا))؛<sup>(۱)</sup> هم از نعمت های خدا بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید.

### سه. عدالت در عرصه سیاست

منظور از عدالت سیاسی این است که طبقه فرمانروا حقوق سیاسی مردم را بپردازد و مردم نیز حقوق طبقه حاکم را، حقوق طبقه حاکم همان فرمان برداری است و البته طبق بیان امام علی علیه السلام خیرخواهی و تذکر به حاکم در حضور و غیبت، نیز حقی است که حاکم بر مردم دارد. در قرآن خطاب به مومنان آمده است: ((اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم))؛<sup>(۲)</sup> خداوند را فرمان برداری کنید و از رسول و صاحب امرتان فرمان

۱- اعراف (۷)، آیه ۳۱.

۲- نساء (۴)، آیه ۵۹.



ببرید. پیرامون حقوق سیاسی مردم نیز می توان به آیات مربوط به مشورت و شوری مثل: ((و امرهم شوری بینهم)) و آیات مربوط به امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد: ((کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر))؛ نتیجه این که در قرآن عدالت به صورت بسیار گسترده مورد توجه و عنایت واقع شده است.

امام علیه السلام کارگزاران ناشایست را بر کنار می کند و آنان که سیرت پسندیده دارند بر کار می گمارد.

سیره مدیریتی حضرت در برکناری کارگزاران اداری امراء الجور همانند سیره امام علی علیه السلام در برکناری کسانی است که با مردم عدالت نمی ورزیدند.

در جامعه مهدوی، هیچ نیرنگ بازی وجود نخواهد داشت و سیره او رفتار بر پایه عدل و قوانین داد گرانه خواهد بود.

#### چهار . عدالت در عرصه فرهنگ

یکی از ابعاد عدالت مهدوی، فراهم شدن امکان رشد و کمال فرهنگی و آموزشی برای جامعه است. در زمان حضرت، خردها کانونی یگانه می یابد و همه به مقتضای توانایی خود از دانش و معرفت خوشه می چینند و حکمت می آموزند تا بتوانند آهنگ پرستش و عبودیت و فضائل اخلاقی کنند.

در جامعه مهدوی اگرچه عدالت اقتصادی می تواند زمینه ساز عدالت فرهنگی باشد، ولی عدالت فرهنگی از شأن بالاتری برخوردار است و اقتصاد و دارایی رنگ حکمت و معنویت به خود می گیرد.

#### آثار و برکات عدالت

اگر نبود، مگر فراهم شدن زمینه برای رشد و کمال و رسیدن انسان به قرب آفریدگار در پرتو برپایی حکومت عدل جهانی، انسان از برپایی این عدل گسترده بیشترین بهره را برده است.

البته احادیثی در دست است که به برخی از برکات برپایی عدالت اشاره شده است. یکی از این آثار، رفاه اقتصادی در دوران ظهور است به گونه ای که پس از اصل عدالت دومین موضوعی است که در آن دوران در جامعه پدید می آید. و این هر دو با یکدیگر

پیوندی ناگسستی دارند، زیرا که اجرای دقیق عدالت برای از بین بردن روابط ستمگرانه است.

امام باقر علیه السلام به نقل از امیر مؤمنان و نیز امام صادق علیهم السلام در این باره می فرمایند:

إِنَّ النَّاسَ يَسْتَتَعُونَ إِذَا عُدِلَ بَيْنَهُمْ وَ تَنْزِلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بِرَكَّتِهَا بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى؛(۱)... مردمان بی نیاز می شوند آنگاه که عدالت میانشان حاکم باشد و آسمان روزی اش را فرو می ریزد و زمین برکت هایش را بیرون می ریزد با خواست پروردگار متعال.

امام ششم همچنین فرمود:

إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَتْرُكْ شَيْئاً مِنْ صُنُوفِ الْأَمْوَالِ إِلَّا وَ قَدْ قَسَمَهُ وَ أَعْطَى كُلَّ ذِي حَقِّ حَقَّهُ الْخَاصَّةَ وَ الْعَامَّةَ وَ الْفُقَرَاءَ وَ الْمَسَاكِينَ وَ كُلَّ صِنْفٍ مِنْ صُنُوفِ النَّاسِ فَقَالَ لَوْ عُدِلَ فِي النَّاسِ لَأَسْتَعْنُوا؛(۲) خداوند همه ثروت ها را میان مردم قسمت کرده است، و به هر کس حقش را داده است: کارگزاران و توده مردم و بینوایان و تهیدستان و هر گروهی از گروه های مردم. سپس امام گفت: اگر عدالت برقرار شده بود همه مردم بی نیاز شده بودند.

بنابراین می توان رفاه و آسایش همگانی را یکی از برکات عدل جهانی مهدوی دانست. امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُلُ وَ أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ بِرَكَاتِهَا وَ رَدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ؛(۳) وقتی که قائم ما قیام کند، داوری را بر پایه عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود و جاده ها در پرتو وجودش امن و امان می گردد و زمین برکاتش را بیرون می سازد و هر حقی به صاحبش می رسد.

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۳، ص ۵۶۸، ح ۶.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۴۱.

۳- شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۴.

## خودآزمایی

۱. عدالت را از نظر لغت و اصطلاح توضیح دهید.
۲. از نگاه آیات قرآن عدالت را توضیح داده؛ برخی مصادیق آن را نام ببرید.
۳. سه راهبرد از راهبردهای گسترش عدالت در حکومت حضرت مهدی علیه السلام را توضیح دهید.
۴. انواع گستره های عدالت مهدوی کدامند؟ آنها را توضیح دهید.
۵. دیدگاه خود را در باره برکات گسترش عدالت بر کل زمین شرح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، مدرسه امام علی علیه السلام، ۱۳۸۰ ش.
۲. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ ش.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.
۴. مصباح یزدی، محمد تقی، سلسله مباحث اسلام، سیاست و حکومت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش.
۵. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳ ش.



## درس پنجم: نظام امنیتی حکومت امام مهدی علیه السلام

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

امنیت:

از نگاه لغت

از نگاه اصطلاح

در قرآن

در روایات

نقش امام در تأمین امنیت

حکومت مهدوی و امنیت

گستره امنیت در حکومت مهدوی

## پیش درآمد

امنیت، مهم‌ترین نیاز هر جامعه در هر زمان و انتظار نخست انسان‌ها از حکومت‌ها است؛ که ابعاد گوناگون و گسترده‌ای را به خود اختصاص داده است. تأثیرپذیری امنیت از فرهنگ، اقتصاد، و جمعیت و تأثیرگذاری آن بر همه زندگی انسانی، به آن نقشی حیاتی داده است.

از این رو یکی از پایه‌های بنیادین و ریشه‌ای در برپایی حکومت و ابعاد آن، امنیت، چه امنیت فردی و چه اجتماعی به عنوان سنگ زیربنای زندگی فرد و جامعه است و پیش شرط هرگونه رشد، رفاه و ارتقای مادی و معنوی به شمار می‌آید.

حکومت جهانی و عدالت گستر حضرت مهدی علیه السلام نیز از این قاعده بیرون نیست و در این حکومت جهانی برای رسیدن به آرمان بزرگ شایستگان و فرجام سعادت بخش زندگی، فراهم شدن امنیت فراگیر، از ارزش ویژه و والایی برخوردار است.

در این درس تلاش شده تا به ابعاد و چگونگی این برقراری اشاره شده، پیوند امنیت با دیگر مؤلفه‌های این حکومت فراگیر تبیین شود.

یکی از ویژگی‌های جامعه بشری از آغاز تا کنون ناامنی، اضطراب و نگرانی بوده و هست. این نگرانی و ناامنی همواره چهره‌های گوناگونی به خود گرفته است. زمانی در ساده‌ترین صورت از درندگان و حیوانات وحشی بود که با پناه بردن به غارها و یا ساخت پناهگاه به امنیت می‌رسید و زمانی در پیچیده‌ترین نوع خود و آنهم ترس از هم نوع خود، یعنی دیگر انسان‌ها بوده و است که جلوگیری از آن بسی دشوار تر و گاهی ناشدنی می‌نماید. و البته این نگرانی در نوع دوم رفته رفته گسترده‌تر شده، می‌رود تا بر همه

انسان ها و همه شئون زندگی آنها چیره شود. به گونه ای که امروزه ناامنی جزئی از زندگی همه انسان ها شده است.

این نیاز اساسی به امنیت در آموزه های اسلامی فراوان مورد توجه و اهتمام قرار گرفته است. ولی پیش از هر سخن به معناشناسی این واژه اشاره کنیم.

## امنیت

### از نگاه لغت

ریشه لغوی این واژه از کلمه «امن»، و با مشتقاتی چونان: «ایمان»، «ایمنی» و «استیمان» به کار برده می شود. و در لغت فارسی به ایمن شدن، درامان بودن و بی بیمی، (۱) اطمینان خاطر یافتن و برطرف شدن ترس و بیم، (۲) معنا شده است. و در زبان عربی به معانی پرشماری آمده است.

راغب در کتاب مفردات امن و امنیت را در اصل به معنای آرامش نفس و از میان رفتن ترس دانسته، (۳) فیومی در المصباح المنیر با ذکر نمونه "أمن زید الأسد أَمناً" معنای امنیت را آرامش و از بین رفتن ترس یاد کرده است. آنگاه این واژه را هم از نظر وزن و هم از نظر معنا همانند "سَلِمَ" دانسته است. (۴)

با توجه به معانی لغوی می توان گفت "امن" در بر دارنده دو جهت ایجابی و سلبی می شود. ایجاب در آنجا که سخن از اطمینان، آرامش فکری و روحی است و سلب در آنجا که نبود ترس، دلهره و نگرانی مقصود است.

## از نگاه اصطلاح

### اشاره

برای به دست آوردن معنای اصطلاحی امنیت به دو منبع بنیادین قرآن و سنت نگاه می کنیم:

۱- محمد معین، فرهنگ فارسی، نشر سرایش، ص ۱۲۲.

۲- محمد بندریگی، فرهنگ بندریگی، ص ۳۲۳.

۳- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ص ۲۵.

۴- فیومی، المصباح المنیر، ص ۲۴.

## الف) از نگاه قرآن

پیش تر اشاره شد امنیت از پدیده های پایه ای است که در همه ابعاد زندگی فردی و گروهی انسان به گونه ای تأثیرگذار و مورد نیاز است. از این رو آموزه های قرآن بدان سبب که پاسخ گوی نیازهای حقیقی انسان ها است به آن به طور شایسته ای پافشاری کرده است.

اگر چه صورت فارسی و عربی این کلمه با واژه «امنیت» و «امنیه» در متون اسلامی به چشم نمی خورد، ولی واژه های مشتق از این ریشه به فراوانی به کار رفته است.

در مجموع از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه مشتق شده است و نزدیک ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته است. (۱) پیوند تنگاتنگ و ناگسستنی این واژه با کلمه های اسلام، ایمان و مؤمن گویای ارزش فراوان مفهوم آن است. مفهومی که افزون بر آیات قرآن و روایات معصومان علیهم السلام، به فراوانی در سخنان اندیشمندان اسلامی و شیعی به چشم می خورد.

یادآوری این نکته بایسته است که کلمه «الامن» در مجموع سه بار: در سوره های انعام، آیات ۸۱ و ۸۲ و نساء آیه ۸۳ به کار رفته است. کلمه «أَمْنًا» دو بار: یکی در سوره بقره، آیه ۱۲۵ و دیگری در سوره نور، آیه ۵۵ به کار رفته است. هم چنین واژه «أَمَنَةً» دو بار: در سوره های آل عمران، آیه ۱۵۴ و انفال، آیه ۱۱ به کار رفته است.

در آیات قرآن، سخنان فراوانی در ارزش و جایگاه ارزنده امنیت در زندگی فردی و اجتماعی انسان وارد شده است. که به نمونه هایی از آن ها اشاره می شود:

۱. خداوند یکی از اهداف برپایی حکومت شایستگان را پدید آمدن امنیت در جامعه بشری دانسته است؛ آنجا که می فرماید:

((وَعِدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ... وَلَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِهِمْ أَمْنًا...))؛ (۲) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد... و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند،

۱- ر.ک: محمود روحانی، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم، ج ۱، صص ۳۷۲-۳۷۳.

۲- نور (۲۴)، آیه ۵۵.



[تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید آنانند که نافرمانند.

بدین گونه، خداوند به مؤمنان که کارهای شایسته می کنند و به یاری خداوند، حکومت جهانی عدل محور را پدید خواهند آورد، نوید امنیت و آرامش و از بین رفتن همه اسباب ترس و وحشت را داده است.

۲. خداوند نعمت امنیت را از پایه ای ترین نیاز فطری انسان‌ها دانسته، مهم ترین خواسته پیامبر خود حضرت ابراهیم را- هنگام بنانهادن کعبه - این گونه یاد کرده است: (( وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَ... ))؛ (۱) و چون ابراهیم گفت: «پروردگارا، این [سرزمین] را شهری امن گردان. و نیز فرمود: (( وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَ... ))؛ (۲) و خداوند نیز، بنا به آیه: وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمِنًا... ))؛ (۳) و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم. از این امنیت بخشی گزارش داده است.

پدیده امنیت چنان بزرگ است که پروردگار به سبب آن بر انسان‌ها منت نهاد و خویش را شایسته سپاس و بندگی دانست. (۴) و نیز خداوند هستی به همین سرزمین دارای امنیت، برای بیان چگونگی آفرینش انسان سوگند خورده است. (۵)

امن دانستن خانه کعبه به دست خداوند بزرگ در حقیقت بیانگر جایگاه ارزشمند امنیت است که این بنای مقدس با آن توصیف شده است. این ویژگی کعبه در آیات فراوانی یاد شده است. هم چنان که در سوره تین شهر مکه به «بلد امین» وصف شده است.

۳. در آیات قرآن، از سرزمینی که از نعمت امنیت و آرامش برخوردار باشد، به عنوان سرزمین مثال‌زدنی، نمونه و الگو، یاد شده است. آنجا که می‌فرماید: (( وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَوْمٍ كَانَتْ آمِنَهُ مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ

۱- بقره (۲)، آیه ۱۲۶.

۲- ابراهیم (۱۴)، آیه ۳۵.

۳- بقره (۲)، آیه ۱۲۵.

۴- (( فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ (۳) الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ))؛ (قریش (۱۰۶)، آیه ۳ و ۴).

۵- (( وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (۳) لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ))؛ (تین (۹۵)، آیه ۳ و ۴).

فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسِ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ))؛ (۱) و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می رسید، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند.

۴. از امنیت به عنوان بزرگ ترین پاداشی یاد شده که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق داده می شود؛ همان گونه که قرآن می فرماید: ((فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ))؛ (۲) کدام یک از دو دسته شایسته امنیت هستند؟

این نشانگر آن است که نعمت امنیت پایه همه نعمت ها است؛ چرا که هر گاه امنیت از میان برود، دیگر مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک گستره ناامن، نه بندگی خداوند شدنی است، نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف های اجتماعی. (۳)

بنابراین در فرهنگ قرآنی امنیت یک مفهوم گسترده، همگن و ژرف دارد و همه ابعاد زندگی و حوزه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در بر می گیرد.

## ب) از نگاه روایات

روایات معصومان علیهم السلام همانند قرآن بیان گر این نکته مهم است که هر گونه امنیتی، در ایمان و باورهای معنوی و الهی ریشه دارد و هر گونه ناامنی در هر عرصه ای، ناگزیر ریشه اش به بی ایمانی و صفاتی مانند شرک، کفر، ظلم، استکبار و... برمی گردد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: « نِعْمَتَانِ مَكْفُورَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ؛ (۴) دو نعمتند که قدر آنها شناخته نمی شود و کفران می گردند: امنیت و تندرستی.»

امام صادق علیه السلام زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده و در این راستا فرموده است:

خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَهُ مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ

۱- نحل (۱۶)، آیه ۱۱۲.

۲- انعام (۶)، آیه ۸۱.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۴ (با تصرف).

۴- شیخ صدوق، خصال، ج ۱، ص ۳۴.

الْقَلْبِ فَأَوْلُهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَ...؛ (۱) پنج ویژگیست که اگر هریک از آنها از دست رود زندگی ناگوار، به دور از خردورزی و در دل مشغولی است پس نخست آنها صحت تن و دیگر امنیت و...

در روایتی، از امنیت در کنار عدالت و فراوانی، به عنوان سه نیاز بنیادین مردم یاد شده است:

«ثلاثة أشياء يحتاج الناس طرّاً إليها الأمان والعُدلُ و...؛ (۲) سه چیز است که همگان بدان نیازمندند امنیت، عدل و...»

امیر مؤمنان علیه السلام در بحث از اهداف برتر حکومت، یکی از دلیل های پذیرش حکومت را فراهم کردن امنیت برای بندگان و پشتیبانی از آن ها می شمارد. نیز حضرت در بیان نقش و جایگاه امنیت می فرماید: «رفاهیه العیش فی الأمان؛ (۳) لا نعمه أهناً من الأمان؛ (۴) رفاه زندگی در امنیت است و هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست.»

ارزش امنیت در جامعه مسلمین به اندازه ای است که نخستین وظیفه مسلمین در رودرویی با یکدیگر آشکار کردن این مطلب به فرد روبه رو است. در این راستا ابتدایی ترین راه، گفتن "سلام" است.

### زمینه های ترس، دلهره و ناامنی

عوامل فراوانی سبب ناامنی می شوند که برخی از مهم ترین آنها از این قرارند:

۱. دور شدن از آفریدگار هستی به عنوان پایه همه امنیت ها؛
۲. دور شدن از معنویت و باورهای دینی به ویژه باور به رستاخیز و کیفر کارها؛
۳. تهی دستی به خاطر گسترش تبعیض و فاصله طبقاتی؛
۴. رواج بی عدالتی، فزون خواهی و رفاه زدگی؛
۵. شیوع فحشا و هرزگی به ویژه در دوران امروز با گسترش رسانه های جمعی؛

۱- پیشین، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۳۲.

۳- آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۴۷، ش ۱۰۲۵۳.

۴- پیشین، ش ۱۰۲۵۴.

۶. سستی دستگاه های حاکمه در برپایی امنیت.

که البته همه این عوامل و مانند آن در حکومت حضرت مهدی علیه السلام ریشه کن خواهد شد و ناامنی ها به امنیت خواهد رسید.

### نقش امام در امنیت روانی و معنوی

نقش معصوم علیه السلام در دو بُعد تکوین و تشریح، سبب فراهم شدن امنیت می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرماید:

أَلَا إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي أَمَانٌ لَكُمْ فَأَحْبِبُوهُمْ بِحُبِّي وَ تَمَسَّكُوا بِهِمْ لَنْ تَضِلُّوا؛ (۱) آگاه باشید! به درستی اهل بیت من مایه امنیت برای شما هستند، پس همانطور که مرا دوست دارید آنها را نیز دوست بدارید و در نتیجه هرگز گمراه نخواهید شد.

در حدیث دیگری ایشان می فرماید: « وَ أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأُمَّتِي مِنَ الضَّلَالَةِ فِي أَدْيَانِهِمْ؛ (۲) و اهل بیت من امان امتم از گمراهی و ضلالت هستند.» حضور اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به خودی خود در فراهم کردن امنیت و رهائی از گمراهی در دین مهم و بنیادین است. و در سخنی دیگر این ویژه امت بودن به یک امنیت فراگیر و جهانی ذکر شده است که فرمود: «أَهْلُ بَيْتِي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ...؛ (۳) اهل بیت من مایه امنیت برای اهل زمین هستند.»

در روایتی نیز حضرت مهدی علیه السلام از خود به عنوان مایه امنیت زمین و اهل آن یاد کرده است آنجا که می فرماید:

« وَ إِنِّي أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ؛ (۴) همانا من مایه امنیتم برای اهل زمین آن گونه که ستارگان مایه امنیت برای آسمانیانند.»

البته این برکت حضور امام علیه السلام به دو گونه است: نخست نفس وجود امام در

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۱.

۲- پیشین، ج ۲۳، ص ۱۲۲.

۳- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۰۵.

۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۸۰، باب ۳۰.

نظام آفرینش است که روایات پرشمار و معروفی است مبنی بر اینکه نبود حجت سبب فرو بردن زمین اهلش را می شود، که این همه ناامنی برای زمین و اهل آن است و دیگر اینکه امام با به دست گرفتن زمام امور سبب سروسامان کارها و عدالت می شود که نتیجه آن امنیت خواهد شد.

### حکومت مهدوی و امنیت

در حوزه مباحث مهدویت امنیت یکی از مهم ترین و پایه ای ترین ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است به گونه ای که در آیات و روایات فراوانی از آن به عنوان رکن بنیادین حاکمیت حضرت یاد شده است.

این آرمان و هدف به گونه ای دارای ارزش است که همه اهداف و برنامه های منجی قائم با آن پیوند و بستگی دارد، و در صورت پدیدارشدن "امنیت" است که اهداف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، فکری و اخلاقی در سطح گسترده جامه عمل به خود می پوشند.

در حقیقت پیوند میان عدالت و امنیت پیوندی دو سویه است؛ امنیت کمک می کند تا راه برای اجرای عدالت هموار شود و در جامعه بر پایه عدالت، امنیت را به ارمغان می آورد.

البته ارزش امنیت آنگاه به روشنی دریافت می شود که بدانیم جامعه انسانی پیش از آن و در آستانه آن انقلاب بزرگ در نهایت ناامنی زندگی می گذراند. زندگی پرهرج و مرجی که حیات انسانی را از بنیان تهدید می کند. که در حکومت جهانی آن حضرت به امنیت دگرگون خواهد شد.

حقیقت این امنیت بنا بر آیه ۵۵ سوره نور، این گونه است که چون پارسایان، به رهبری امام عصر علیه السلام خلیفه خدا شوند و دین حاکم گردد. بنا به نوید الهی، امنیت جای ترس را می گیرد و بندگان خدا به خشنودی و خوشبختی حقیقی دست خواهند یافت. و این به برکت حضور و ظهور واپسین حجت الهی بر زمین است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی به شکل گسترده فراوانی ناامنی و بی عدالتی پیش از ظهور را چنین بیان فرموده است:

مِنَّا مَهْدِيٌّ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِذَا صَارَتِ الدُّنْيَا هَرْجًا وَ مَرَجًا وَ تَطَاهَرَتِ الْفِتْنُ وَ

تَقَطَّعَتِ السُّبُلُ وَ أَغَارَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فَلَا كَبِيرَ يَرْحَمُ صَغِيرًا وَ لَا صَغِيرَ يُوقِّرُ كَبِيرًا فَبَيَّعْتُ اللَّهَ عِنْدَ ذَلِكَ مَهْدِيَنَا التَّاسِعَ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ يَفْتَحُ حُصُونَ الضَّمَالِهِ وَ قُلُوبًا غَفْلًا يَقُومُ فِي الدِّينِ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا قُمْتُ بِهِ فِي أَوَّلِ الزَّمَانِ وَ يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا؛<sup>(۱)</sup> مهدی این امت از ماست. هنگامی در دنیا هرج و مرج شده و آشوب ها آشکار شود و راه ها مورد راهزنی قرار گرفته و بعضی از مردم به بعض دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک تر احترام بزرگ تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین است؛ برج و باروهای گمراهی و قلب های قفل شده را فتح می کند و در آخر الزمان به خاطر دین قیام می کند؛ همان گونه که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پر شده، از عدل و داد، پر و سرشار می سازد.

امام علی علیه السلام درباره عدل گستری و امنیت در عصر ظهور می فرمایند: اگر به تحقیق، قائم ما به پا خیزد، به سبب ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید، می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و میان دد و دام آشتی برقرار می شود؛ به گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت هایش را گذارده و نه ددی او را آزار دهد و نه بترساند.<sup>(۲)</sup>

### گستره امنیت در حکومت مهدوی

#### اشاره

امنیت در دوران حکومت حضرت مهدی علیه السلام در دو گستره زندگی راه خواهد یافت: فردی و اجتماعی.

#### یک . امنیت فردی

اگر چه آنگاه که سخن از امنیت به میان می آید بیشتر امنیت گروهی و اجتماعی به ذهن می آید، ولی هرگز نباید سبب شود تا از امنیت فردی غفلت شود. چرا که گاهی انسان بدون اینکه دیگر انسان های جامعه نقشی داشته باشند احساس ناامنی و اضطراب

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۷۶.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

می کند. و در حکومت حضرت مهدی علیه السلام برخی ویژگی ها سبب می شود در حوزه فردی نیز انسان ها احساس امنیت کنند.

امنیت فردی را باید در ایمان راستین و حقیقی و آرامش روحی و اطمینان و طمأنینه نفس و یاد خداوند متعال جست و جو کرد که "الا بذکرالله تطمئن القلوب".

یکی از این ویژگی های رشد ایمان و باور انسان ها به خداوند است که سبب می شود مردمان به امنیت خاطر برسند. از طرفی اخلاق الهی نیز نشانه ایمنی انسان مؤمن از وسوسه های شیطانی و غفلت است، چنانکه پیامبر صلی الله علیه و آله برای تکمیل مکارم اخلاق مبعوث شدند: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق.»

پس در حکومت مهدوی نیز مردم از اخلاق ناب محمدی به صورت کامل به برکت حضور ظاهری امام عصر بهره می برند و از آسیب های روحی و روانی ناشی از اخلاق ناشایست ایمن هستند.

سلامتی جسمی و ایمنی از آفات و بیماری ها به طور عمده از شاخصه های امنیت فردی در حکومت مهدوی علیه السلام به شمار می آید که در روایاتی به آن اشاره شده است که: هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند بیماری ها را از مومنان دور می سازد و تندرستی را به آنان باز می گرداند.

بدیهی است که در حکومتی که مردمش از لحاظ آسیب های روحی و روانی در امان باشند، سلامت و توان جسمانی وجود دارد و وقتی دغدغه های زندگی مادی و آزار و ظلم و ستم نباشد آرامش و امنیت روحی به دست می آید و به همراه آن سلامت جسمانی دوام می یابد.

## دو. امنیت اجتماعی

### اشاره

افزون بر امنیت فردی که یادشده، مردم در امنیت اجتماعی فراگیر نیز به سر خواهند برد و البته گستره این امنیت عرصه های فراوانی را در بر می گیرد؛ مانند:

### ۱. امنیت عقیدتی فرهنگی

آموزش عمومی و فراگیری و کمال دانش که در این بخش نقش عمده ای دارد از سویی و باورهای راستین و گسترش آن در حکومت مهدوی و نابودی شرک و انگیزه های منافقانه و نیز پرورش دل ها و خردها و تکامل آنها و نیز اخلاق کمال یافته در

میان مردمان، از سوی دیگر، ترسیمی زیبا از اوضاع فرهنگی عقیدتی اجتماع مهدوی در نگاه ها قرار می دهد.

فرهنگ قرآنی حاکم بر جامعه مهدوی که دارای زوایای پرشمار و آستانه ای بلند است تا بدانجا می رسد که همگان بر پایه آموزه های آن زندگی خواهند کرد. فرهنگ محبت و دوستی میان جامعه مهدوی در راستای حکومت آموزه های قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله میان انسان ها رواج می یابد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: سبحان الله! آیا دوست ندارید که خداوند حق و عدل را در همه شهرها آشکار کند و همه را با یک کلمه جمع کند و میان دل های گوناگون پیوند اندازد و در هیچ زمینی نافرمانی خدا نکنند و دستورات خدا در میان بندگان اجرا گردد و حق به اهلش برگردد، کمال حق ظاهر شود به گونه ای که هیچ چیز از حق به سبب ترس از هیچ آفریده ای پنهان نشود و یا مخفی انجام داده نشود. (۱)

بدبینی و جهل و ناامنی بلائی خطرناک است که در حکومت مهدوی تبدیل به احساس امنیت و محبت در کنار یکدیگر می شود.

## ۲. امنیت اقتصادی

در حکومت حضرت مهدی علیه السلام بر خلاف پندار برخی که رفاه همگانی را منحصر در امدادهای الهی می دانند تلاش همگانی صورت می پذیرد. آنها بر پایه دستور العمل ها و مقررات پی ریزی شده بر پایه آموزه های اسلام تولید را به حد کفایت می رسانند و ثروت به طور دادگرانه توزیع می شود تا مردم به سطحی از رفاه عمومی برسند که احساس بی نیازی کنند.

بی گمان کمال خردورزی نیز در این عرصه به یاری آمده روحیه افزون خواهی و اسراف را از میان خواهد برد که نقشی کلیدی در این عرصه خواهد داشت. بنابراین در آن روزگار زراندوزی و ذخیره ثروت به هر صورت ممکن حتی در مراکز نگه داری

---

۱- «سُبْحَانَ اللَّهِ أَمْيَا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْحَقَّ وَالْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَيَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَيُؤَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلِفَةٍ وَلَا يَعْصُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي أَرْضِهِ وَتُقَامَ حُدُودُهُ فِي خَلْقِهِ وَيُرَدُّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَى أَهْلِهِ فَيُظْهِرَ حَتَّى لَا يُشِيتَخْفَى بِشَيْءٍ مِنْ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ»؛ (محمد بن يعقوب كليني، كافي، ج ۱، ص ۳۳۳).



اموال منتفی خواهد بود؛ چرا که همه اسبابی که امروزه سبب این اقدام می شود برطرف خواهد شد.

### ۳. امنیت داوری

در حکومت مهدوی امنیت داوری و دادرسی برای مردمان به همه ابعاد آن فراهم خواهد بود و ریشه آن عدالت جامع و فراگیر حاکم بر آن جامعه است و لذا به واسطه امنیت قضایی حدود الهی برپاداشته می شود، امام علی علیه السلام فرمود:

يُظَهَّرُ عِنْدَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ يُطَهَّرُ الْأَرْضَ وَيَضَعُ مِيزَانَ الْعَدْلِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا؛<sup>(۱)</sup> نزدیک رکن و مقام ظهور می کند و زمین را پاک می کند و ترازوی عدل می نهد پس هیچ کس دیگری را ستم نمی کند.

و البته در این باره روایات فراوانی نقل شده است که می بایست به منابع مفصل مراجعه کرد.

### هم زیستی مسالمت آمیز

#### اشاره

همه ویژگی های حکومت عدل جهانی مهدوی سبب می شود تا انسان ها به بهترین وجه ممکن به صورت همدل و همزبان با هم زندگی کنند.

اگرچه در برخی روایات که نیازمند درنگ های جدی است سخن از زیست برخی حیوانات وحشی در کنار همدیگر است که ضمن عدم اعتبار لازم این روایات و نقل بیشتر آنها از منابع اهل سنت و برخی اسرائیلیات، توجه به این نکته بایسته است که هرگز چنین ارتباطی میان حیوانات مصداق ظلم نیست تا در حکومت مهدوی اقتضای عدل آن را منتفی سازد.

از آنجایی که نظام اکنون آفرینش، نظام احسن است؛ این دگرگونی چندان وجهی ندارد، ضمن اینکه در برخی روایات سخن از معدود حیوانات درنده برده شده است؛ این در حالی است که میلیاردها گونه حیوانی و جانوری در دریا و خشکی است که بقای آنها به خوردن انواع دیگر بستگی دارد.

افزون بر همه اینها در برخی روایات از بهره مندی انسان در آن دوران از گوشت لذیذ پرندگان و چرندگان و ماهیان سخن به میان آمده است که اگر بنا باشد کشتن حیوانات

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۲۷، ح ۱.

مصدق بی عدالتی باشد این موارد را نیز شامل می شود.

سوگمندان امروزه بدون درنگ در این گونه سخنان و توجه به منابع اصلی به دور از هرگونه تحلیلی و القای این گونه سخنان بحث های فراوانی را به دنبال داشته است.

### سخن آخر

در پرتو فراگیر شدن امنیت به صورت کامل است که گسترش عمران و آبادانی سرزمین ها و به دنبال آن پدید آمدن رفاه عمومی، گسترش و تعمیق صفا و صمیمیت و برقراری پیوند دوستی خالصانه دست خواهد داد. گویی در پایان عمر دنیا جلوه ای از زندگی دل انگیز بهشتی که در سرای آخرت نصیب پارسایان خواهد شد، در این جهان به نمایش گذاشته می شود.

## خودآزمایی

۱. مفهوم امنیت را با نگاه به آیات قرآن تبیین نمایید.
۲. در روایات معصومان علیهم السلام جایگاه امنیت چگونه تبیین شده، توضیح دهید.
۳. برخی زمینه های ناامنی را شمرده توضیح دهید.
۴. با استناد به روایات نقش امام را در امنیت توضیح دهید.
۵. امنیت فردی و اجتماعی در حکومت مهدی علیه السلام چگونه خواهد بود؟ توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ ش.
۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، قم، مدرسه امام علی، ۱۳۸۰ ش.
۳. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ ش.
۴. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.



## درس ششم: نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۱)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

یک. مشروعیت

مفهوم شناسی

تفاوت مشروعیت در عرف سیاسی با مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام

انواع مشروعیت الهی

دو. مقبولیت (پذیرش مردم)

امام مهدی علیه السلام، مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی

پذیرش حاکمیت، اجابت درخواست مردم

۱. حقوق مردم بر حضرت

۲. حقوق حضرت بر مردم

نقش مدیریتی مردم (کارگزاران حکومت)

## پیش درآمد

حکومت جهانی حضرت مهدی موعود علیه السلام بر پایه بهره مندی آگاهانه، خردمندانه و خداپرستانه از همه منابع موجود و ظرفیت های ممکن در کره زمین در راستای رشد و تعالی انسان ها است. از جمله برجسته ترین ظرفیت ها، توده مردم است که در آن انقلاب جهانی نقشی کلیدی دارد. از این رو مردم پس از رهبری این قیام جهانی، در شکل دهی به نظام سیاسی آن حکومت جهانی، جایگاه بس ویژه ای دارند.

این جایگاه و نقش، افزون بر آیات قرآن در برخی روایات نیز اشاره شده است که تلاش می شود در این درس به صورت کوتاه و گذرا بدان پرداخته شود.

شیعه بر این باور روشن است که اگرچه مشروعیت پیشوایان معصوم علیهم السلام در گرو گزینش الهی است، ولی پذیرش مردم رکنی اساسی برای اقدام ظاهری امام برای برپایی حکومت است که نبود آن سبب می شود تا امام از هرگونه تلاش برای گرفتن زمام امور حاکمیت دوری کند. از این رو دو عنوان "مشروعیت" و "مقبولیت" در بحث ارتباط مردم با حاکمیت معصوم علیه السلام دارای ارزش است.

## یک. مشروعیت

### اشاره

«مشروعیت» از کهن ترین، پایه ای ترین و مهمترین مباحث فلسفه سیاسی و از بنیادی ترین و ریشه دارترین مسائل مربوط به حکومت و دولت در گذر تاریخ زندگی اجتماعی بشر بوده و هست. چرا که بیشترین مسائل سیاسی، اجتماعی و حکومتی بر این شالوده استوار بوده و ناهمگونی دیدگاه های اندیشه وران علوم سیاسی نیز از این موضوع سرچشمه می گیرد. افزون بر این، تقسیم بندی حکومت ها نیز با این مسأله رابطه تنگاتنگ

و ناگسستی دارد. در حقیقت بررسی‌های مربوط به مشروعیت در پاسخ به این پرسش اساسی است که: چه حکومتی مشروع است؟

## مفهوم شناسی

### الف) از نگاه لغت

در لغت فارسی، واژه «مشروعیت» مصدر جعلی (مصدر صناعی = ساختگی) از ریشه (ش رع) است. و برای فهم آن باید به واژه‌های «مشروع» و «مشروع» رجوع نماییم:

«مشروع (اسم مفعول) یعنی آنچه موافق شرع باشد، چیزی که طبق شرع جایز باشد.»<sup>(۱)</sup>

«مشروع (اسم مفعول) مؤنث مشروع، یعنی حکومت مشروع (سیاسی) حکومتی که منطبق بر قوانین شرع (اسلام) باشد.»<sup>(۲)</sup>

و در لغت عربی، برابر آن واژه «شرعیّت» است. در متون دینی و قرآن، «شرع» به معنی نشان دادن و ترسیم راه روشن، اعم از مادی و معنوی به کار برده شده است. اگر این راه توسط خداوند ترسیم شده باشد، «حق» است و اگر از سوی شیاطین جنّی و انسی ترسیم شده باشد، باطل است.<sup>(۳)</sup> شرعی یعنی آنچه مطابق احکام و دستورات خداوند باشد.

### ب) از نگاه اصطلاح

ولی در اصطلاح، در حوزه اندیشه سیاسی، واژه «مشروعیت»،<sup>(۴)</sup> به گونه‌های مختلفی تعریف شده است. اگرچه همه آن‌ها به نوعی به فرمان برداری مردم از زمامداران بر مردم باز می‌گردد. ولی در اینجا مقصود مطابقت با موازین و آموزه‌های شریعت اسلام است؛ یعنی حکومت و حاکمی مشروع است که پایگاه دینی داشته باشد. بر این پایه، حکومتی

۱- حسن عمید، فرهنگ عمید، ۱۱۲۴.

۲- حسن عمید، فرهنگ عمید، ۱۱۲۴.

۳- حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۶، ص ۴۰ ۴۲.

۴- برخی پنداشته‌اند مقصود از «مشروعیت»، همان شرعی بودن است. گویی پرسش اصلی بحث این است که «چه حکومتی شرعی است؟» یا این که «کدام حکومت، مورد پذیرش شرع است؟» ولی بی تردید، پرسش اصلی بحث این نیست؛ گرچه ممکن است در یک جامعه دینی، مسأله شرعی بودن حکومت مطرح شود و حتی با مسأله مشروعیت هم مرتبط گردد. نک: محمد تقی مصباح یزدی، پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ج ۱.

که پای‌بند به موازین شرعی و الهی باشد، حقانیت دارد. (۱)

در حکومت اسلامی گرچه وارستگی رهبر، مدیران و کارگزاران، بر اطاعت پذیری، علاقه و خشنودی مردم تأثیر روان شناختی دارد، ولی این نکته از حقانیت حاکم و حکومت به طور کامل جدا است.

بنابراین از دیدگاه سیاسی اسلام، اگر حکومت یا حاکمی همه اسباب خشنودی مردم را فراهم کند، ولی هماهنگ موازین شریعت رفتار ننماید، مشروعیت دینی پیدا نمی‌کند و در برابر، حکومت و حاکمی که آموزه‌های دینی را رعایت کند و به احکام الهی پای‌بند باشد، همچنان که مشروعیت دینی دارد، باید اسباب خشنودی بیشتر مردم و حقوق طبیعی و شرعی ملت را نیز برآورده کند. در این صورت است که دینداران به سبب باور و پای‌بندی‌اشان به شریعت، مشروعیت و مقبولیت جامعه شناسانه را نیز پدید می‌آورند.

### تفاوت مشروعیت در عرف سیاسی با مشروعیت در اندیشه سیاسی اسلام

تفاوت مشروعیت در دو عرصه اسلامی و سیاسی، در چهار بخش قابل دسته بندی است:

۱. میزان مشروعیت سیاسی، به فرمان برداری شهروندان از دستورهای حکومت بستگی دارد؛ بدین معنا که هرچه بیش تر با خشنودی فرمان برداری کنند، مشروعیت آن حکومت بیش تر؛ در برابر، چنان چه مردم فرمانبرداری چندانی از دستورات حکومتی نداشته باشند، مشروعیت آن حکومت کم تر خواهد بود. ولی در بینش اسلامی، یک حکومت یا مشروع است و یا مشروعیت ندارد و حد وسطی میان این دو تصور نمی‌شود.

۲. مشروعیت سیاسی می‌تواند منابع مختلفی داشته باشد؛ مثلاً: مشروعیت سنتی، عقلانی یا قانونی؛ (۲) ولی منبع مشروعیت در بینش اسلامی فقط نص و نظر شارع مقدس است که در دوران غیبت با اجتهاد فقیهان و کارشناسان اسلامی به دست می‌آید.

۳. در مشروعیت سیاسی، نظر اکثریت مردم چه در مرحله تأسیس حکومت و چه پس از آن، معیار بنیادین است. بنا بر این دیدگاه، حکومتی که در مرحله تأسیس هیچ

۱- سجاد ایزدی، حکومت و مشروعیت، ص ۱۴.

۲- بر اساس تقسیم بندی ماکس وبر؛ نک: عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، ص ۱۰۵.



مشروعیت سیاسی ندارد، می تواند بر اساس کارآمدی ناشی از اقدامات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی خویش، خشنودی مردم را جلب کرده، مشروع شود. ولی از منظر اسلامی به طور معمول مشروعیت یک حکومت، بر تأسیس آن مقدم است؛ یعنی اگر حاکم مشروعیت نداشته باشد. همه کارهای وی نامشروع و غاصبانه خواهد بود، اگر چه خشنودی مردم پس از تشکیل حکومت جلب شود. (۱)

## انواع مشروعیت الهی

### اشاره

اندیشمندان و صاحب نظران اسلامی برای پاسخ به این پرسش: که چه کسی باید حکومت کند؟ می گویند فقط خدا یا نماینده او حق حاکمیت دارند. این دیدگاه از دو جنبه توحیدی و هستی شناسی از یک سوی و نیز انسان شناختی از سوی دیگر، بررسی می شود.

### الف) مشروعیت الهی از جنبه هستی شناختی و توحید

براین پایه، نه فقط آفرینندگی ویژه خداوند است، بلکه سرپرستی و اداره امور جهان نیز از آن او است و کس دیگری جز او شایسته چنین جایگاهی نیست. حتی پیامبران و پیشوایان معصوم علیهم السلام به صرف برخورداری از مقام پیامبری و پیشوایی و فضیلت علم، چنین حقی را ندارند که بتوانند بر مردم حکومت یا داوری کنند. از این رو هرگونه تصرف و دخالت در نظام هستی و نیز در امور آدمیان، نیازمند اجازه خداوند است و هیچ کس از پیش خود، حق دخالت در سرنوشت انسانها را ندارد.

وجه انحصار حق حاکمیت و ولایت خدای متعال آن است که او یگانه آفریدگار و یگانه مالک همگان است؛ به همین دلیل هرگونه تصرف او در مخلوقات در واقع تصرف در قلمرو ملک و سلطنت خود است. از این رو فقط با اذن خداوند، فردی می تواند بر سایرین حکمرانی کند. و با داشتن چنین «مجوزی» از سوی مالک مطلق جهان، حکومت وی مشروعیت می یابد.

از آیات قرآن به وضوح مشروعیت انحصاری حاکمیت خداوند به دست می آید. از

۱- مصطفی کواکبیان، مبانی مشروعیت در نظام ولایت فقیه، ص ۳۸ ۳۹.

جمله آیات: ((إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ))؛ (۱) حکم و فرمان تنها از آن خداست و ((أَلَا لَهُ الْحُكْمُ))؛ (۲) و بدانید داوری مخصوص اوست و دیگر آیات که بیان آن‌ها در این بحث ضرورتی ندارد. (۳)

### ب) مشروعیت الهی از جنبه انسان شناختی

هر یک از ما در نهاد خود احساس آزادی، اراده و استقلال می‌کنیم. و نیز خود را دارای خرد و فهم و صاحب نیروهای جسمی و روحی می‌دانیم. این‌ها همه موهبت‌هایی است الهی که در همه افراد انسان به مراتب گوناگون و با تفاوت‌هایی وجود دارد. این موهبت‌های خداوندی و تفاوت‌های طبیعی اما، موجب نمی‌شود که فردی بر دیگری حق حاکمیت و ولایت پیدا کند. (۴) امام علی علیه السلام خطاب به فرزند خود، امام حسن علیه السلام فرمود:

«وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا؛ (۵) ای فرزندم! بنده دیگران مباش، حال آن‌که خداوند تو را آزاد قرار داده است.»

نتیجه اینکه در جهان بینی الهی در همه عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان، حضور خدا اصل است. مانند عرصه‌های قانون‌گذاری، روش‌ها و شیوه‌های اجرای قوانین، تعلیم و تربیت، رهبری و حاکمیت در جامعه. همچنین در این نظریه حکومت به خودی خود اصالت ندارد، بلکه بستری است برای برپایی عدالت و تعالی انسان و سرانجام نزدیکی او به خداوند و رسیدن به سعادت جاودانه.

### دو. مقبولیت (پذیرش مردم)

#### اشاره

گرچه مردم نباید و نمی‌توانند پشتوانه اعتبار و مشروعیت حکومت اسلامی باشند و به طور اساسی حکومت اسلامی نمود حاکمیت الهی است که در مشروعیت خویش

۱- أنعام (۶)، آیه ۵۷.

۲- أنعام (۶)، آیه ۶۲.

۳- یونس (۱۰)، آیه ۳۵؛ مائده (۵)، آیات ۴۴ و ۴۵ و ۴۷.

۴- مگر آن‌که او بخواهد و بفرماید.

۵- محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱، باب الترفق فی الطلب.

نیازمند اندیشه و رأی انسان نمی‌باشد، بلکه مشروعیت آن با اصل آن آمیخته است، ولی جریان و عینیت یافتن حکومت اسلامی جز با رأی موافق و هم سوی مردم امکان ندارد. و در اینجا بحثی با عنوان مقبولیت رخ می‌نماید.

واژه «مقبولیت» از کلمه «مقبول» به معنای پذیرفته شده و پسندیده، گرفته شده است. (۱) و از نظر حکومت و سیاست یعنی اقبال همگانی و پذیرش مردمی که بنابراین با واژه مشروعیت متفاوت است.

در فقه سیاسی اسلام، مقبولیت و رأی مردم جایگاه خود را دارد، ولی مشروعیت نمی‌آورد و اگر اسلام چیزی را نهی کرده است، مردم حق ندارند با رأی و گزینش خود آن را پذیرفته بشمارند. اعتبار رأی و نظر مردم تا آنگاه است که با دین تناقضی نداشته باشد. بر پایه این مبانی، مشروعیت دینی محور است و بر مقبولیت مردمی برتری دارد و اگر مقبولیت برود، مشروعیت از میان نمی‌رود، بلکه پدید آمدن آن با چالش روبه رو می‌شود. (۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در باره حقیقت اقبال و توجه مردم به حضرت علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ إِنَّمَا أَنْتَ بِمَنْزِلِهِ الْكَعْبَةِ تُؤْتِي وَ لَمَّا تَأْتِي فَإِنَّ أَتَاكَ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ فَسَلِّمُوا لَكَ هَذَا الْأَمْرَ فَأَقْبَلْهُ مِنْهُمْ وَ إِنْ لَمْ يَأْتُوكَ فَلَا تَأْتِهِمْ؛ (۳) ای علی! تو به منزله کعبه هستی که نزد او می‌روند و او نزد کسی نمی‌رود. پس اگر این مردمان نزد تو آمدند و امر حکومت را بر تو عرضه داشتند پس بپذیر. و اگر نزد تو نیامدند تو پیش آنها نرو.

این حدیث و احادیث مانند آن، به روشنی می‌رساند در صورتی امام برای برپایی حکومت وظیفه دارد، که مردم به سوی او آیند و زمینه تشکیل حکومت او را فراهم آورند. در غیر این صورت امام نسبت به برپایی حکومت وظیفه ای نخواهد داشت.

۱- حسن عمید، فرهنگ عمید، ۱۱۴۷.

۲- محمد تقی مصباح یزدی، مباحث سیاست، ص ۲۸ (با تصرف).

۳- محمد بن جریر طبری، المسترشد، ص ۳۸۸ و ۶۷۵؛ عماد الدین طبری، بشاره المرتضی لشیعہ المرتضی، ج ۲، ص ۲۷۷.

چنانچه حضرت علی علیه السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله از حکومت کناره گیری کرد، اگر چه هرگز مسلمانان را در برابر مشکلات و سختی ها تنها نگذاشت.

ارزش و تأثیر مقبولیت مردمی در جامعه اسلامی تا آن جا ارزش دارد که امام علی علیه السلام یکی از عوامل مهم پذیرش خلافت را همین مسأله برمی شمارد:

أَمَّا وَالَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَبَرَأَ النَّسِيمَةَ لَوْ لَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كِظِّهِ ظَالِمٍ وَ لَمَّا سَغَبَ مَظْلُومٌ لَمَّا لَقِيَتْ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسِيَّ قَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسٍ أَوْلِيهَا؛ (۱) به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر این بیعت کنندگان نبودند، و یاران، حجت بر من تمام نمی نمودند، و خدا علما را نفرموده بود تا ستمکار شکمباره را برنتابند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته این کار را از دست می گذاشتم و پایانش را چون آغازش می انگاشتم و چون گذشته، خود را به کناری می داشتم.

بنابراین، با این که امام معصوم از سوی خداوند به حکومت منصوب شده است، ولی این مردم هستند که باید به سوی او روی آورند و با حمایت های بی دریغ خود زمینه برپایی حکومت را فراهم آورند و تا آنگاه که چنین آمادگی در جامعه پدید نیامده است، امام اقدام به برپایی حکومت نمی کند، بلکه فقط خود را در معرض خلافت و رهبری قرار می دهد و مردم را به سوی خویش فرا می خواند تا چنین زمینه ای در جامعه پدید آید.

بر این پایه با جدا کردن میان مشروعیت و مقبولیت، با وجود پافشاری بر قوانین و حاکمیت الهی و جانشینان او، به نقش مردم در فرایند تصمیم گیری نیز توجهی ویژه می شود؛ زیرا مقتضای حکومت دینی، پذیرش مردمی است و مردم در نظام های ولایی محجور و مجبور نیستند.

۱- محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، خطبه سوم (شقشقیه)، ص ۱۱.

## امام مهدی علیه السلام؛ مشروعیت الهی، مقبولیت مردمی

در پدید آمدن حاکمیت مهدوی نیز از دو جهت مشروعیت و مقبولیت بررسی شدنی است.

روایات معتبری در دست است که مشروعیت حکومت حضرت مهدی علیه السلام را به خداوند استناد می دهند و حضرتش را «خلیفه الهی» معرفی می کنند:

این مضمون با تعبیرهای گوناگون در روایات شیعه و اهل سنت به چشم می خورد. در میان منابع اهل سنت می توان به مسند احمد بن حنبل، (۱) المستدرک حاکم، (۲) البدایه و النهایه ابن کثیر، (۳) الدر المنثور سیوطی (۴) و کنز العمال متقی هندی (۵) اشاره کرد. و در منابع روایی شیعی آثاری چون عیون اخبار الرضا علیه السلام، (۶) کشف الغمه، (۷) کفایه الاثر، (۸) و آثار دیگر، روایاتی را با این مضمون نقل کرده اند.

با توجه به این روایات، امام خلیفه خدا و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله است و وکیلی نیست که مردم او را برگزیده باشند. اگر فقط مسئله گزینش مردم بود، این امر از سقیفه بر می آمد و نیازی به غدیر نبود. از این رو، مردم سالاری مهدوی به این معنا نیست که امام را مردم برگزینند. حکومت امام مهدی علیه السلام به نصب الهی مشروعیت یافته است.

کوتاه سخن اینکه آنگاه که قرار است حکومتی به گونه ای کامل الهی باشد و احکام و قوانین خداوند را در ابعاد گوناگون در جامعه بشری اجرا کند، رهبرش باید از دو ویژگی برخوردار باشد: نخست آگاهی کامل به شریعت و دیگر عصمت. ویژگی هایی که انسانها از تشخیص آن در افراد محرومند. بنابراین، انتصاب الهی ضرورت می یابد. از

۱- احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۵، ص ۲۷۷.

۲- حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۴، ص ۴۶۴.

۳- ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج ۶، ص ۲۷۶.

۴- سیوطی، الدر المنثور، ج ۶، ص ۵۸.

۵- متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۱.

۶- محمد بن علی بن حسین بن بابویه، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۵۹، ح ۲۳۰.

۷- علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۰.

۸- علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۱۰۶.

سوی دیگر، در روایات آمده است که راهبر حکومت موعود جهانی دین را تجدید می کند.

### پذیرش حاکمیت، اجابت درخواست مردم

نقش مردم در حکومت آن حضرت، فراهم آوردن مقدمات و برپایی زمینه برای شکل گیری حکومت جهانی آن حضرت است. و پذیرش مردمی فقط در، خواست و رأی اکثریت جلوه نمی نماید. نه فقط بیشتر مردم با امام بیعت می کنند، بلکه زمانی فرا خواهد رسید که آنان به چنان عطش و شیفتگی می رسند که نیاز به حکومت جهانی موعود را با تمام وجود درک می کنند و آن را یگانه سازوکار برای شکل گیری آرمان ها و اهداف عالی انسانی می دانند و به آن عشق می ورزند. این چنین نظام سیاسی نه فقط بر آرای مردمی متکی است و پذیرش مردمی را به هم راه دارد، بلکه اطمینان خاطر مردم را نیز سبب می شود. در این نظام، میان حکومت امام و مردم فقط رابطه «دولت ملت» وجود ندارد، بلکه رابطه مرید و مراد و محبوب و محب است.

شیخ طوسی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در باره ورود حضرت مهدی علیه السلام به کوفه و سخن رانی برای مردم، فرمود: مردم به خاطر اشتیاق به آن حضرت آنگونه گریه می کنند که سخنان مهدی علیه السلام شنیده نمی شود و مردم نمی فهمند چه می گوید. (۱)

انسانی که برای رسیدن به خوش بختی هر راهی را پیش گرفته و به بن بست رسیده، حال این گونه به اشتیاق و اضطراب حکومت موعود علیه السلام می رسد و با همه هستی آماده یاری و جان بازی در کنار او می گردد.

### همکاری همگانی (رابطه ولی و مولی)

#### اشاره

با توجه به آنچه گذشت به این نتیجه می رسیم که مردم و نهاد حاکمیت از یکدیگر جدا نبوده، یار و پشتیبان هم هستند، و والی و مردم بر هم دیگر حقوق متقابلی دارند.

برخی از این حقوق در روایات اشاره شده است:

۱- «... حَتَّى يَأْتِيَ الْمُنْتَبِرَ وَيَخْطُبَ وَ لَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ»؛ (محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶۸).

**۱. حقوق مردم بر حضرت****یک. خیرخواهی**

بنیاد و شالوده حکومت در آموزه‌های اسلامی بر خیرخواهی برای مردم جامعه است. و البته برپایی حکومت عدل جهانی به دست موعود منجی در یک مقیاس جهانی بر این امر پافشاری جدی دارد. چرا که پایه این حکومت بر اجرای عدالت بر کره زمین است و چه خیرخواهی بالاتر از گسترش عدالت در همه زمینه‌ها برای همه انسان‌ها. (۱)

**دو. رفاه و آسایش**

از ویژگی‌های مهم حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام فراهم ساختن زمینه‌ها برای رفاه همگانی و آسایش برای همگان است. البته نه رفاهی که سبب دوری مردم از خداوند است. و نیز نه رفاهی که خود به خود حاصل شود که در پس تدبیر آن حضرت و تلاش فراوان مردم خواهد بود. در برخی روایات در وصف این رفاه و آسایش گفته شده مانند آن را انسان‌ها هرگز ندیده‌اند. (۲)

**سه. آموزش**

بی‌گمان آموزش در عرصه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، نقش ارزنده و اساسی در رشد و کمال جامعه دارد. یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام گسترش علم و دانش میان همه انسان‌ها است. (۳)

**چهار. گسترش خرد انسان‌ها**

یکی از راه‌های رسیدن به کمال انسانی رشد عقلانی جوامع انسانی است که حضرت مهدی علیه السلام به عنوان حجت الهی همه زمینه‌ها و ظرفیت‌های ممکن را در این راه به

۱- ده‌ها و بلکه صدها روایت از پیشوایان معصوم علیهم السلام به دست رسیده که در آن از عدالت به عنوان محوری‌ترین هدف قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام یاد شده است. نک: محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۶۰؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۰؛ محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۶.

۲- نک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۰۶، ح ۱۷۵؛ فتال نیشابوری، روضه الواعظین، ص ۲۶۴؛ قطب راوندی، الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۴۵۳، ح ۳۹.

٣- نك: محمد بن ابراهيم نعماني، الغيبة، ص ٢٣٨، ح ٣٠.



کار می‌گیرد. (۱)

### پنج. رشد و تربیت

از اهداف مهم پیامبران خداوند، پرورش الهی انسان‌ها است. حضرت مهدی علیه السلام به عنوان واپسین ذخیره الهی از همه ظرفیت‌های ممکن برای تربیت انسان‌ها بهره می‌گیرد، تا در واپسین سال‌های عمر انسان‌ها بر زمین این هدف پیامبران الهی را به انجام رسانده، کامل کند.

### ۲. حقوق حضرت بر مردم

#### یک. استواری بر بیعت

در جای خود گفته شده از ارکان حکومت حضرت مهدی علیه السلام بیعت مردم بر پذیرش و فرمان برداری از حاکمیت است.

#### دو. خیرخواهی در امور حکومت

مردم عصر ظهور در امور عمومی و فعالیت‌های دولت و زمام‌داران خیرخواهند و همواره با هوشیاری کارها را زیر نظر می‌گیرند و با دل‌سوزی و مصلحت‌اندیشی دولت اسلامی و مسؤولان را یاری می‌دهند، خواه در حضور آن‌ها باشند یا در نبود آن‌ها. (۲)

#### سه. فرمان برداری از حاکم

دستورات حاکم آنگاه که از طرف مردم اجرا شود، به مقصد رسیده است. (۳) از آنجا که مردم با پذیرش خود زمینه حکومت را فراهم می‌کنند در همه امور از حاکم پیروی خواهند کرد. و در این میان یاران حضرت به عنوان نخبگان عصر ظهور و الگوی رفتاری

۱- امام باقر علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَحَّ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَكَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ؛ چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد پس عقولشان را جمع کند و (تا پیروی هوس نکنند و با یک دیگر اختلاف نوززند) و در نتیجه خردشان کامل شود (متانت و خود نگهداریشان کامل شود)»؛ (محمد بن یعقوب کلینی، کافی،

ج ۱، ص ۲۵، ح ۲۱).

۲- نک: محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۳۴.

۳- امام علی در این باره فرمود: «لَا رَأَى لِمَنْ لَا يُطَاعُ؛ اَمَّا، اَنْ رَا كَه فِرْمَان نِیرِنْد سِررشته كار از برون است»؛ (محمد بن حسین

شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، ص ۲۸، خطبه ۲۷).

برای آن‌ها در این فرمانبرداری و پیروی سرآمد روزگاران خویشند. (۱)

مرحوم کلینی در کافی نیز روایات پرشماری در این زمینه نقل کرده که بیان‌گر مهم‌ترین مسأله سیاسی در زمینه زمام‌داری و نگه‌داری حقوق عمومی و آزادی‌های اساسی است. (۲)

### نقش مدیریتی مردم (کارگزاران حکومت)

از برنامه‌های اصلاحی حضرت مهدی عجل‌الله فرجه در دوره حکومت خود، گزینش نیروهای شایسته و کارآمد برای پذیرش امور حکومت است. زیرا استواری و تداوم حکومت به ویژه با شاخصه‌های دینداری و عدالت، بدون کارگزاران شایسته، عملی نخواهد بود. از این رو، یکی از مقوله‌های مهم و مورد توجه جدی آن حضرت، کارگزاران حکومت و نقش مدیریتی آنان است.

چگونگی گزینش این افراد و قراردادن آنها در موقعیت‌های گوناگون سیاسی، نظامی، مالی، قضایی و اداری، از شئون مستقیم امام است که در مرحله تثبیت حکومت آن را اجرایی خواهد کرد. آشنانمودن کارگزاران با شیوه زمامداری و رفتار با مردم، و نظارت بر رفتار و مدیریت آنان برای حسن اجرای کارها که به تامین امنیت جامعه و خوشنودی همگانی مردم، منجر خواهد شد، نیز از اموری است که امام مهدی عجل‌الله فرجه بدان‌ها اهتمام خواهد داشت.

از آنجا که امام مهدی عجل‌الله فرجه به عدالت اجتماعی در حکومت اهتمام ویژه‌ای خواهد داشت، یکی از راهکارهای تحقق آن را، گزینش کارگزاران و مدیران شایسته در

۱- امام صادق علیه السلام در وصف ایشان ذیل آیه شریف ((يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا)) فرمود: «يَعْنِي خُرُوجَ الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ مِنَّا ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. يَا أَبَا بَصِيرٍ طُوبَى لِمَنْ قَائِمًا الْمُنتَظَرِينَ لِظُهُورِهِ فِي غَيْبَتِهِ وَ الْمُطِيعِينَ لَهُ فِي ظُهُورِهِ أَوْلِيَاءَكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ» (محمدبن علی بن حسین بن بابویه، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷).

۲- محمدبن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۰۵، يَا أَبُ مَيَّا يَجِبُ مِنْ حَقِّ الْإِمَامِ عَلَى الرَّعِيَّةِ وَ حَقُّ الرَّعِيَّةِ عَلَى الْإِمَامِ؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۲۴۲، حق الإمام على الرعية و حق الرعية على الإمام.

کارها می‌داند. افزون بر صلاحیت و شایستگی زمامدار و پیشوای اصلی جامعه، کارگزاران و عاملان او در مناصب گوناگون نیز باید از تخصص بایسته و هماهنگی آن جایگاه برخوردار باشند.

آن حضرت افزون بر اینکه در گزینش کارگزاران حکومت از جنبه شایستگی در مدیریت حساسیت نشان می‌دهد، نظارت ویژه‌ای را نیز بر کارهای آنها، به کار می‌بندد.

بی‌گمان، برپایی اصلاحات در جامعه و برپاداشتن عدالت و برپایی حکومت دینی بر پایه سیره و سنت نبوی و علوی، نیازمند یاران و کارگزاران پاک و پاک‌باخته، زیرک، کاردان، شجاع و فداکار خواهد بود که با بینش درست به آموزه‌های اسلام و شناخت امام خود، پیرو فرمان‌های او بوده، به دستوراتش عمل کنند، در جنگ‌ها سستی نورزند و به دشمن پشت نکنند و در کارهای مردم به راستی کوشش کنند.

### گروه‌های کارگزاران از نگاه روایات

#### اشاره

در روایات اگرچه همان‌گونه که اشاره شد در باره ویژگی‌های کارگزاران سخن چندانی در دست نیست، ولی نکاتی اشاره شده که در اینجا به صورت گذرا اشاره می‌شود:

#### یک . شیعیان راستین، اساس کارگزاران

در روایاتی چند از شیعیان و پیروان راستین اهل بیت علیهم السلام به عنوان یاران آن حضرت در اداره جامعه جهانی یاد شده است. امام سجاد علیه السلام در این باره فرمود:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنْ شَيْعَتِنَا الْعَاهَةَ وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ... وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَ سَيِّئَاتِمَا: (۱) آنگاه که قائم به پا خیزد گرفتاری‌ها از شیعه برطرف می‌شود و قلب‌های آنها چون پاره‌های آهن خواهد شد... و آنها حکام زمین و ستون‌های آنها خواهند شد.

#### دو . برخی رجعت‌کنندگان، کارگزاران حضرت

در این باره امام صادق علیه السلام فرمود:

يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ ظَهْرِ الْكُوفَةِ سَبْعٌ وَعِشْرُونَ رَجُلًا...

فَيَكُونُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ أَنْصَاراً وَحُكَّاماً؛ (۱) از پشت کوفه بیست و هفت نفر قائم را هنگام ظهور همراهی خواهند کرد... پس آنها پیشاپیش آن حضرت؛ یاران او و حکام خواهند بود.

### سه . سخن گوی حضرت مهدی علیه السلام

#### اشاره

از جمله کار گزارانی که در روایات اشاره شده فردی به عنوان سخن گوی حضرت است. این سخن گویی در دو مورد اشاره شده است:

#### ۱. هنگام ظهور و خروج از مکه

امام باقر علیه السلام در این باره فرمود: إِذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ... ثُمَّ يَأْمُرُ مُنَادِيَهُ فَيُنَادِي...؛ (۲) آنگاه که قائم ظهور کند... پس منادی خود را امر کند و او ندا دهد....

#### ۲. هنگام مناسک حج

از دیگر کسانی که از وی به عنوان سخن گوی حضرت یاد شده و می توان به عنوان یکی از کار گزاران حضرت از او یاد کرد در روایت امام باقر علیه السلام است که مردی از آن حضرت چنین نقل کرده که فرمود:

أَوَّلُ مَا يُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعِدْلِ أَنْ يُنَادِيَ مُنَادِيَهُ أَنْ يُسَلِّمَ صَاحِبَ النَّافِلَةِ لِصَاحِبِ الْفَرِيضَةِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَالطَّوَّافَ؛ (۳): نخستین نمود عدل گستری قائم آن است که منادی او ندا دهد کسانی که نافله به جای آوردند سلام دهند و اطراف حجر الاسود و طواف را برای کسانی که قصد فریضه دارند، خالی کنند.

#### چهار . سیصد و سیزده نفر، کار گزاران حضرت

در روایات فراوانی به جایگاه و عظمت یاران خاص حضرت اشاره شده است از جمله ویژگی های این گروه آن است که در دوران حکومت فرمانداران آن حضرتند، همان گونه که هنگام قیام فرماندهان سپاه آن حضرتند. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

٢- ابن ابى زينب نعمانى، الغيبه، ص ٢٣٨، ح ٢٨.

٣- محمد بن يعقوب كلينى، كافى، ج ٤، ص ٤٢٧، ح ١.

كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْقَائِمِ عَلَى مِثْبَرِ الْكُوفَةِ وَ حَوْلَهُ أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عَدَّهُ أَهْلُ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِيَةِ وَ هُمْ حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ (۱) گویا می‌نگرم قائم را بر فراز منبر کوفه در حالی که سیصد و سیزده مرد گرداگرد او به شمار اهل بدر حلقه زده‌اند؛ آنها همانا پرچمداران و حاکمان خداوند در زمین، بر بندگان هستند.

### پنج . کارگزاران حضرت، در گوشه و کنار زمین

بی‌شک به جهت گستردگی و فراگیری حکومت عدل مهدوی بر کل زمین آن حضرت کارگزاران خود را به همه گیتی خواهد فرستاد. از امام صادق علیه السلام نقل است که در این باره فرمود:

إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِيمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَ اَعْمَلْ بِمَا فِيهَا؛ (۲) آنگاه که قائم قیام کند بر هر اقلیمی از زمین مردی را می‌فرستد و به او می‌گوید برنامه تو در کف دست تو است، پس بدان بنگر و به مفاد آن عمل کن.

در بررسی‌های انجام شده بیش از آنچه آمد، سخنی در باره کارگزاران یافت نشد که البته آنچه یادآوری شد نیازمند بررسی ... ای عمیق‌تر است که از حوصله این نوشتار بیرون است.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲، ح ۲۵.

۲- ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۹، ح ۸.

## خودآزمایی

۱. مشروعیت از نگاه لغت و اصطلاح به چه معناست؟ و در حکومت اسلامی چگونه حاصل می شود؟
۲. تفاوت های اساسی مشروعیت در عرف سیاسی با اندیشه سیاسی اسلام کدامند؟ توضیح دهید.
۳. مقبولیت در حکومت پیشوایان معصوم علیهم السلام به چه معناست؟ چگونه به دست می آید؟
۴. در نظام سیاسی مهدوی حقوق اساسی مردم بر حضرت مهدی علیه السلام کدامند؟ توضیح دهید.
۵. نقش کارگزاری مردم در حکومت حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ به برخی گونه ها بر اساس روایات اشاره کنید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ ش.
۲. بهروزی لک، غلام رضا، سیاست و مهدویت، قم، حکمت روشن، ۱۳۸۴ ش.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبه الکبری، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۲ ق.
۴. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه: حسن سجادی پور، چاپ اول، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.
۵. مصباح یزدی، محمد تقی، سلسله مباحث اسلام، سیاست و حکومت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش.





## درس هفتم: نظام سیاسی حکومت امام مهدی علیه السلام (۲)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

مردم و حکومت مهدوی

بیعت مهم ترین سازوکار سیاسی

بیعت و رأی دادن، شباهت ها و تفاوت ها

آثار بیعت

بیعت با امام مهدی علیه السلام، از نگاه روایات

## پیش درآمد

بی گمان، مردم در اندیشه سیاسی اسلام، پس از قانون (قرآن و سنت) و رهبر (ولی امر) سومین پایه بنیادین حکومتند. بر خلاف حکومت های خودکامه، مردم در حکومت اسلامی از تکیه گاه های اصلی اقتدار سیاسی به شمار می آیند و سهمی چشم گیر در این میدان بر دوش دارند. و در کارهای ارزنده سیاسی نظر می دهند.

یکی از مباحثی که در پاره ای از روایات به آن اشاره شده است، نسبت مردم با حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه است.

در درس گذشته یادآوری شد که مردم فقط در پذیرش که همان مقبولیت بخشی به حکومت است، نقش دارند. و در ابراز این نقش، مهم ترین سازوکار "بیعت" است؛ که در این درس به این سازوکار اشاره شده است.

## مردم و حکومت مهدوی

همان گونه که پیش از این نیز اشاره شد پذیرفتن مردم (مقبولیت)، اگرچه مشروعیت نمی آورد در اندیشه سیاسی اسلام، جایگاه ویژه ای دارد. در برپایی حکومت جهانی به دست امام مهدی علیه السلام، با این که امام معصوم از سوی خداوند به حکومت برگزیده شده است، ولی این مردم هستند که باید به سوی او روی آورند و با پشتیبانی های پیوسته خود زمینه برپایی حکومت را فراهم آورند و تا آنگاه که چنین آمادگی در جامعه پدید نیامده است، امام به برپایی حکومت دست نمی زند، بلکه فقط خود را در معرض خلافت و رهبری قرار می دهد و مردم را به سوی خویش می خوانند تا چنین زمینه ای در جامعه پدید آید.

آنگاه که مردم چنین حکومتی را خواستند برای ابراز این خواستن راه هایی وجود دارد که یکی از آنها در اسلام بیعت است.

### بیعت، مهم ترین سازوکار سیاسی

حقیقت مقبولیت و پذیرش مردمی در حکومت اسلامی در سازوکار "بیعت" پدیدار می شود. بیعت، از مفاهیم شاخص در فرهنگ سیاسی اسلام است. تلاش برای گرفتن بیعت و یا آشفستگی به سبب شکستن آن، همواره بخش مهمی از تاریخ سیاسی اسلام را پدید آورده است.

«بیعت» واژه عربی از ریشه (ب ی ع) به معنای خرید و فروش و پذیرش بیع و در اصطلاح برهم زدن کف دست راست از طرفین معامله به نشانه پایان دادوستد است و نیز به هر عمل و رفتاری گفته می شود که کسی به سبب آن فرمانبرداری خود را از شخص دیگر و سرسپردگی در برابر فرمان و سلطه او نشان دهد.

شاید اطلاق کلمه «بیعت» به این معنا، از این رو است که هر یک از دو طرف، پیمانی همچون دو معامله گر در برابر دیگری می بندند؛ بیعت کننده حاضر می شود تا پای جان و مال و فرزند در راه فرمانبرداری او بایستد و بیعت پذیر نیز حمایت و دفاع او را بر عهده می گیرد.

بیعت در معنای خاص، اصطلاحی سیاسی حقوقی است که به دست همه یا گروهی از مردم و رهبر سیاسی آنها پدید می آید و رابطه ای اخلاقی، حقوقی و سیاسی میان مردم و رهبر سیاسی آنهاست که محتوای آن را پای بندی به فرمانبرداری و پیروی مردم از رهبرشان تشکیل می دهد. (۱)

بیعت، روشی بود که پیش از اسلام، میان عرب ها رواج داشت؛ به همین سبب در آغاز اسلام که طائفه اوس و خزرج هنگام حج از مدینه به مکه آمدند و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در عقبه بیعت کردند، برخورد آن ها با مسأله بیعت، برخورد با

۱- نک: راغب اصفهانی، مفردات، ص ۱۵۵؛ ابن اثیر، النهایه، ج ۱، ص ۱۷۴؛ جوهری، الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۸۹؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۴؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۱۰؛ مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج ۱، ص ۳۶۳۵.

یک امر آشنا بود. پس از آن نیز پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در فرصت های گوناگون، با مسلمانان تجدید بیعت کرد.

آیاتی در باره بیعت نازل شده است که دو آیه آن (سوره فتح، آیه ۱۰ و ۱۸) در سال ششم هجرت در باره بیعت حدیبیه است که به نام های "بیعت رضوان" و "بیعت شجره" معروفند. در آیه اول، بیعت با پیامبر صلی الله علیه و آله را به همانند بیعت با خداوند قرار داده و به این صورت تأیید کرده است. و آیه سوم (سوره ممتحنه، آیه ۱۲) در باره بیعت زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که پس از فتح مکه نازل شد و بیانگر چگونگی بیعت زنان با پیامبر اسلام است.

اگر چه بحث های مربوط به بیعت دامنه ای دراز دارد، ولی در اینجا به برخی از مباحث کلی آن به اجمال و گذرا اشاره می شود:

### پایه های بیعت

بیعت دارای سه پایه مهم و نقش آفرین است که نبود هر یک از آنها سبب پدید نیامدن آن می شود، آن سه عبارتند از:

یک . بیعت شونده (گیرنده): کسی که با او بیعت می شود.

دو . مفاد بیعت: محتوای بیعت که طرفین بر آن اتفاق دارند.

سه بیعت کنندگان: عموم مردم که بر پایه مفاد بیعت، با بیعت شونده بیعت می کنند.

### چگونگی و چیستی بیعت

پدید آمدن بیعت و ابراز اراده دو سوی بیعت (بیعت شونده و بیعت کننده) برای انجام آن، می تواند به هر کار یا سخنی که به طور عرفی دلالت بر اراده آنها بر این امر داشته، و ناهمگونی با احکام شریعت نداشته باشد، صورت گیرد. به همین سبب است که شکل انجام آن توسط معصومان علیهم السلام گوناگون است:

اولاً: گونه های مختلفی داشته و گاهی با رفتار و زمانی با سخن و گفتار انجام شده است.

ثانیاً: چگونگی انجام آن با زنان متفاوت از مردان بوده است، زیرا برخی از شیوه های بیعت با مردان مانند "دست دادن" با زنان مشروع نبوده است. بنابراین بیعت با آنها گاهی

با گفتار و گاهی با دست دادن از روی لباس و زمانی نیز با فروردن دست در آب، انجام شده است. بدیهی است که هیچ یک از این اشکال، موضوعیت ندارد و آن چه مهم است ابراز اراده طرفین به طریقی مفید و مشروع می‌باشد. این امر از ماهیت سیاسی اجتماعی بیعت ناشی می‌شود.

بنابراین بیعت، قراردادی دو طرفه است که از یک طرف بیعت کننده - که اعلام فرمان برداری و پیروی می‌کند - و طرف دیگر، بیعت پذیرنده - که حمایت و دفاع از بیعت کننده را برعهده می‌گیرد - و یک معاهده دو طرفه می‌باشد که هر کدام نسبت به دیگری تعهدی را می‌پذیرند تا در میان هم‌دیگر آن تعهد را انجام دهند. به بیان دیگر «ماهیت بیعت، یک نوع قرارداد و معاهده میان بیعت کننده از یک سو و بیعت پذیر از سوی دیگر است، و محتوی آن فرمان برداری و پیروی و حمایت و دفاع از بیعت شونده است و بر طبق شرایطی که یادآوری می‌کنند درجات مختلفی دارد.»<sup>(۱)</sup>

همان گونه که پیش از این نیز گفته شد در باره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام که از سوی خدا نصب می‌شوند - به بیعت نیازی نیست؛ یعنی فرمان برداری پیامبر صلی الله علیه و آله و امام معصوم علیه السلام منصوب از سوی او، واجب است؛ چه بر کسانی که بیعت کرده اند و چه بر آنان که بیعت نکرده باشند. و به تعبیر دیگر، لازمه مقام نبوت و امامت، وجوب فرمانبرداری است؛ همان گونه که قرآن می‌فرماید:

((يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ))؛<sup>(۲)</sup> ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را فرمانبرداری کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] فرمانبرداری کنید.

حال این پرسش پیش می‌آید که اگر چنین است، چرا پیامبر صلی الله علیه و آله از یاران خود یا تازه مسلمانان، بیعت گرفت؟

پاسخ اینکه: بی گمان این بیعت ها یک نوع یادآوری و پافشاری بر وفاداری بوده که در مواقع خاصی انجام می‌شده است؛ به ویژه هنگام بحران ها و حوادث که نیازمند پای

۱- ناصر مکارم شیرازی و همکاران، یک صد و هشتاد پرسش و پاسخ برگرفته از تفسیر نمونه، ص ۲۹۶ (با اندکی تصرف).

۲- نساء (۴)، آیه ۵۹.

بندی به قرارداد است، تا در سایه آن، از بحران و حوادث به خوبی گذر کرد.

در بیعت با حضرت مهدی عجل الله فرجه نیز چنین خواهد بود که بیعت، پافشاری بر وفاداری است. یکی از کارهای نخست حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور، بیعت با یاران خود است. این بیعت، بر پایه روایات، در مسجد الحرام و میان رکن و مقام صورت می گیرد.

این روایات که در جوامع روایی شیعه و اهل سنت، (۱) فراوان انعکاس یافته به گونه‌های مختلفی به این رخداد پرداخته است.

پس از این اشاره خواهد شد که برخی از این روایت (با پافشاری بر اینکه همه امور این اتفاق به طور عادی نخواهد بود) برداشت کرده اند که، نخستین بیعت کننده با حضرت مهدی عجل الله فرجه، جبرئیل امین است و پس از این بیعت ویژه، حضرت مهدی عجل الله فرجه با دیگر یاران خود بیعت خواهد کرد.

با توجه به آنچه بیان شد در یک جمع‌بندی برخی ویژگی‌های بیعت در فلسفه سیاسی اسلام عبارت است از:

۱. بیعت در آموزه‌های راستین اسلام، پیمانی است بر پایه آموزه‌های شرعی و در حقیقت پیمان با خداوند است، (۲) هر چند در آشکار دست در دست ولی خدا می‌گذارد و با او بیعت می‌کنند. (۳)

۲. بیعت شونده باید برگزیده و منصوب از طرف خداوند و خشنود پروردگار باشد. بنابراین، بیعت با انسان فاسق پدید نخواهد آمد.

۳. بیعت سازوکار و ماهیت امضایی دارد و نه پدیدآورنده، بدین معنا که کارکرد بیعت در جهت پذیرش مردمی و مقبولیت حکومت است و مشروعیت برای حکومت اسلامی به ارمغان نمی‌آورد.

۴. مفاد و محتوای بیعت از نگاه شرعی روا و جایز (۴) و در عمل، شدنی باشد. در برخی

۱- صنعانی، المصنف، ج ۱۱، باب المهدی، ح ۲۰۷۶۹؛ نیز: ر.ک: مقدسی شافعی، عقد الدرر، ص ۱۲۳.

۲- مائده (۵)، آیه ۷.

۳- فتح (۴۸)، آیه ۱۰.

۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۷۴.

روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم در هنگام بیعت پافشاری بر آموزش این امر به بیعت کنندگان داشتند. (۱)

۵. مردم به لحاظ حقوقی در انجام بیعت و عمل به مفاد آن آزاد هستند و بیعت در نظام سیاسی اسلام اختیاری است و برآمده خواست دو طرف بیعت است. (۲) بنابراین، ضمانت اجرایی دنیوی ندارد، به این معنا که اگر کسی برخلاف پیمان خود عمل کند، به مانند پیمان شکنان بازخواست و کیفر و دنیوی ندارد مگر اینکه پیش تر برای آن پیش بینی شده باشد هرچند که به جهت شکستن پیمان از گزند عذاب اخروی در امان نیست. (۳)

ناگفته نماند با دقت در روش پیشوایان معصوم علیهم السلام به دست می آید که اگر شخص دارای شرایط با روی آوری عمومی مردم، زمام امور رهبری جامعه اسلامی را به دست گرفت، حتی بر کسانی که با او بیعت نکرده اند، بایسته است که از او پیروی کنند و در برابر او نایستند.

### بیعت ورأی دادن، شباهت ها و تفاوت ها

آیا انتخابات ورأی گیری به مفهوم رایج امروزی آن چه نسبتی با بیعت دارد؟ به عبارت دیگر آیا می توان گفت بیعت در گذشته کارکرد انتخابات و رأی گیری را داشته است؟

اگرچه در باره مفهوم رأی دادن، سخنان گوناگونی ذکر شده، ولی به نظر می رسد همه به یک نکته اساسی اشاره می کنند و آن اینکه "رأی دادن" عبارت است از فرایندی که به سبب آن کسانی، یک یا چند نامزد را برای انجام دادن کاری معین برمی گزینند.

با توجه به این بیان روشن است که رأی گیری از جهت مفهوم لغوی و اصطلاحی با بیعت به طور کامل متفاوت است. شاید یگانه شباهت آنها به یکدیگر آن است که هر دو در فرایند شکل گیری یک حاکمیت نقش دارند.

۱- متقی هندی، کنز العمال، روایت ۱۵۱۰.

۲- محمد بن حسین شریف رضی، نهج البلاغه، خطبه ۷ و نامه ۵۴.

۳- فتح (۴۸)، آیه ۱۰؛ محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۳۷؛ محمد بن علی بن حسین بن بابویه، خصال، ج ۱، ص ۲۹۶.



در نگاه نتیجه رأی گیری "مشروعیت" و "مقبولیت" سیاسی است اما در نظام اسلامی و به ویژه نگاه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام فقط رأی گیری "مقبولیت" است، آن هم پس از "مشروعیتی" تثبیت شده. افزون بر آن اینکه رأی دادن، فقط انتخاب کردن است و نه تسلیم و اطاعت کردن، در حالی که در بیعت نوعی دل دادگی، سرسپردگی و فرمان برداری نیز وجود دارد.

با توجه به آنچه پیش تر بیان شد، روشن است که شیعه برای حاکمیت، دو مقام را بایسته می داند؛ مقامی که در آن، حق ولایت و حاکمیت «جعل» می شود و دیگر مقامی که در آن، حاکمیت «تحقق» می یابد. به همین جهت از مسائل بنیادین و پایه ای، «تفکیک» میان این دو مقام است که در نتیجه هر یک از این دو مقام نیز، قهرمان و نقش آفرین ویژه خود را دارد. در این دیدگاه، «دادن حق حاکمیت» و «نصب ولی» در یک مقام صورت می گیرد و یگانه سبب تأثیرگذار در آن، «نصب الهی» است و «تحقق حاکمیت» و «تولّی و تصدی امور» در مقام دیگری، شکل می گیرد که در آن، بیعت مردم نقش داشته و کارکرد سیاسی پیدا می کند.

از روایاتی که در تفسیر آیه ((ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض)) نقل شده که پیشوایان معصوم علیهم السلام را مصداق این مستضعفان دانسته نیز چنین استفاده می شود.<sup>(۱)</sup> چرا که مراد از استضعاف این است که شخصی یا ایده ای مورد ستم واقع شود و جامعه به آن اقبال نکرده، آن را تنها گذارد. کس یا ایده ای که با چنین وضعیتی روبه رو شود از نظر اجتماعی (ونه فکری و اقتصادی) به استضعاف، کشیده می شود. ولی در طرف مقابل اقتدار اجتماعی قرار دارد که مراد از آن، اقبال عمومی و پذیرش اجتماعی است که نتیجه آن، تقویت موقعیت اجتماعی و حاکمیت یافتن آن است.

تحقق حاکمیت یک شخص یا یک ایده در جامعه، به اقتدار اجتماعی بستگی دارد و به عبارت بهتر، تحقق و عدم تحقق حاکمیت، منوط به اقتدار و عدم اقتدار اجتماعی است و عناصر دیگر، حتی مشروعیت الهی در آن نقشی ندارد. این جا است که «بیعت»

۱- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۸۴.

نقش پیدا می کند. در حقیقت بیعت، تأمین کننده عنصر اقتدار اجتماعی است.

با پافشاری اسلام بر عنصر آزادی و اختیار آدمی، نقش مردم در تشکیل حکومت مهدوی در قالب سازوکارهای ویژه‌ای نمود می یابد که یکی از آنها اعلام آمادگی برای حمایت همه جانبه با سازوکار بیعت است:

## آثار بیعت

### اشاره

به نظر می رسد که بیعت برخی از ویژگی های بیعت کننده و بیعت شونده را آشکار می کند که به مواردی اشاره می شود:

### ۱. ابراز آمادگی

در حقیقت بیعت ابراز آمادگی قلبی برای انجام دستورات امام است. شهید مرتضی مطهری در این باره می گوید:

به نظر می رسد بیعت در بعضی موارد صرفاً اعتراف و اظهار آمادگی است، قول وجدانی است. بیعتی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله گرفت از این رو بود... تا شخص بیعت نکرده، فقط همان وظیفه کلی است که قابل تفسیر و تأویل است، ولی با بیعت، شخص به طور مشخص اعتراف می کند به طرف و مطلب از ابهام بیرون می شود و بعد هم وجدان خود را نیز گرو می گذارد و بعید نیست که شرعاً نیز الزامی فوق الزام اولی ایجاد کند. (۱)

### ۲. پذیرش ولایت

بیعت زمینه را همواره می کند تا امام بتواند به خوبی اعمال ولایت کند. بنابراین می توان گفت که بیعت در عصر حضور فقط یک وظیفه دینی سیاسی برای فراهم کردن زمینه و پدید آوردن سرپرستی پیشوای معصوم است و نباید پنداشت که امام با بیعت به سرپرستی جامعه برگزیده می شود.

پس بیعت سبب پدید آمدن ولایت برای کسانی که ولایت ندارند، نیست؛ بلکه شرط پدیدار شدن ولایت، برای کسانی است که ولایت شرعی آنها ثابت شده است.

### ۳. یادآوری پایبندی به وظیفه

بیعت سبب می‌شود که مردم احساس وظیفه کنند مانند پیمانی که از کسی گرفته می‌شود برای کاری که بر وی واجب بوده است و باید انجام می‌داد، ولی باز پیمان از وی می‌گیرند تا به وظیفه خود عمل کنند.

### ۴. پافشاری بر وفاداری

بیعت، تبلور وفاداری بیعت کننده است؛ تا آمادگی خود را برای در اختیار قراردادن همه توان‌مندی‌های خود برای امام، اعلام دارد. همان‌گونه که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این‌گونه بوده است. (۱)

بنابراین می‌توان گفت که در عهد حضور، بیعت نفیاً و اثباتاً در امامت نقشی ندارد (۲) و فقط برای فراهم کردن توان و قدرت اجرایی و فراهم آوری زمینه‌های اجرای احکام اسلامی نقش دارد و بیعت کنندگان به حکم وظیفه باید تمامی امکانات خود را در اختیار امام زمان علیه السلام قرار دهند و همه توان خود را در راه اسلام هدیه کنند.

### بیعت با امام مهدی علیه السلام، از نگاه روایات

#### اشاره

روایات مربوط به بیعت با حضرت مهدی علیه السلام از جهت معنا و مفهوم متواتر است؛ بنابراین در اثبات اصل این اتفاق نیازمند بررسی در روایات نیست. این روایات که با شمار گوناگون در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده است به طور عمده به موضوعات زیر اشاره دارند:

#### ۱. بیعت کنندگان

#### اشاره

در این دسته روایات به کسانی اشاره کرده که در بیعت با آن حضرت شرکت می‌کنند. این روایات به دو دسته تقسیم می‌شوند:

#### ۱۱. بیعت جبرئیل فرشته وحی

۱۱. بیعت جبرئیل فرشته وحی (۳)

در این روایات از امین وحی با عنوان نخستین کسی که با مهدی موعود علیه السلام

- ۲- نک: ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، پیشین، ص ۷۳۷۲.
- ۳- از آنجایی که این بیعت از محل بحث ما بیرون است فقط در حدّ اشاره از آن می گذریم.

بیعت می‌کند، یاد شده است. این مفهوم با تعبیرهایی چون: «أَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامَ جَبْرَائِيلُ»،<sup>(۱)</sup> «فَيَكُونُ أَوَّلَ خَلْقِ اللَّهِ مُبَايِعَهُ لَهُ»،<sup>(۲)</sup> «فَيَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُهُ جَبْرَائِيلُ»<sup>(۳)</sup> و «أَنَّ أَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ جَبْرَائِيلُ»<sup>(۴)</sup> به چشم می‌خورد.

## ۲-۱. بیعت یاران خاص (سید و سیزده نفر)

آنچه در بیعت با امام مهدی علیه السلام دارای ارزش است بیعت یاران، یاوران و مردم با مهدی موعود است. در روایات با تعبیرهایی چون: «بِإِيَاعِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثَلَاثُمَاءُ وَ نِيفَ عَدَةِ أَهْلِ بَدْرٍ»<sup>(۵)</sup> و «بِإِيَاعِهِ النَّاسِ الثَّلَاثُمَاءُ وَ ثَلَاثَ عَشَرَ»<sup>(۶)</sup> به این مهم اشاره شده است.

افزون بر روایاتی که در آن به روشنی به بیعت شمار ویژه ای از یاران حضرت اشاره شده است، از گروه‌های دیگری نیز سخن به میان آمده است. گروه بزرگی از شایستگان، فرودستان، شیعیان و یکتاپرستان حق طلب و عدالت گرا که با وحدت و انسجام و هم راهی با ایشان بیعت می‌کنند. آن‌ها به فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله گروهی از خراسان هستند که در کوفه فرود می‌آیند. هنگامی که مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، این گروه برای بیعت نزد او فرستاده می‌شود.<sup>(۷)</sup>

## ۳-۱. برخی از مردم

در برخی از روایات افزون بر بیعت‌های یادشده، سخن از بیعت مردم با آن حضرت به میان آمده است که ممکن است مقصود پذیرش آن حضرت در برخورد نخست با آن حضرت در مسجد الحرام باشد. در این باره ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده که:

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۱، ح ۱۸.

۲- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۴.

۳- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۰۴؛ نیز ر.ک: محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۸۴، ح ۳.

۴- محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۴.

۵- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۶.

۶- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۳۱۴، ح ۶.

۷- محمد بن حسن طوسی، کتاب الغیبه، ص ۲۷۴؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۴۶۷.

وَ اللَّهُ لَكَائِي أَنْظُرُ إِلَيْهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ يُبَاعُ النَّاسُ؛<sup>(۱)</sup> به خدا سوگند گوئی هم اکنون به او می نگریم که میان رکن و مقام از مردم بیعت می گیرد.

در برخی روایات نیز بدون اشاره به افراد ویژه، فقط به اصل بیعت اشاره شده است.

از این روایت به روشنی پذیرش همگانی آن حضرت توسط مردم به دست می آید. اگر چه ممکن است مقصود امام در این سخن نیز همان یاران خاص باشد.

در مستدرک حاکم از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده که فرمود:

«بِإِيعَاجِ لِرَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ؛<sup>(۲)</sup> برای مردی از امت من میان رکن و مقام بیعت گرفته می شود.»

## ۲. مکان بیعت

پیش از این نیز اشاره شد، روایات مکان بیعت با حضرت مهدی علیه السلام را در مسجد الحرام، میان رکن و مقام یاد کرده... اند.<sup>(۳)</sup>

## ۳. محتوا و مفاد بیعت

### اشاره

با توجه به آنچه یاد شد محتوای اساسی بیعت، اعلام آمادگی یاران، یاوران و توده مردم برای انجام کارهای مورد نظر از طرف امام معصوم علیه السلام در جهت رسیدن به پیروزی و برپایی حکومت عدل جهانی است و آن چیزی جز عمل به دستورات پروردگار بزرگ در آموزه‌های دینی نیست.

### یک بررسی کوتاه در مفاد بیعت

آنچه به عنوان روایت منسوب به علی علیه السلام در روایتی آمده که حضرت مهدی علیه السلام در مفاد مشخصی با یاران خاص خود بیعت می کند، نیازمند بررسی و دقت است.

این روایت را سید بن طاووس در کتاب التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (معروف

۱- محمد بن ابراهیم نعمانی، الغیبه، ص ۱۹۴، ح ۱؛ ص ۲۶۲، ح ۲۲، ص ۲۶۳، ح ۲۴.

۲- محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۴۷۸؛ یوسف بن یحیی المقدسی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۷۰؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۷۱.



به ملاحم و فتن)، از فتن سلیلی نقل کرده و جز آنجا در هیچ یک از منابع معتبر حتی مضمون آن نیز به چشم نمی خورد. در اینجا به دلیل رواج استفاده آن در برخی نوشته‌ها، مناسب است تا حد ممکن بررسی شود.

در این روایت مفصل که در باب ۷۹ با یادآوری سند (۱) از ابوصالح سلیلی (۲) از علی علیه السلام نقل کرده، پس از بیان شهرهای یاران حضرت مهدی علیه السلام، به شروطی می پردازد که آن حضرت برای پذیرش بیعت قرار داده است:

... با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند، مرتکب فحشا نشوند، کسی را نکشند، حریمی را هتک نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند، حریر و خز نپوشند، مسجدی را خراب نکنند و راهی را نبندند، به یتیمی ستم نکنند، راهی را ناامن نکنند، خوراکی از گندم و جو انبار نکنند، مال یتیمی را نخورند، گرد همجنس بازی نگردند، شراب ننوشند، و ...

آنگاه به شروطی که حضرت مهدی علیه السلام برای خود می گذارد (و یشرط لهم علی نفسه) این گونه اشاره کرده است:

أن لا یتخذ حاجبا و یمشی حیث یمشون و یکون من حیث یریدون (۳) و یرضی بالقلیل؛ (۴) در بانی برای خود قرار ندهد، و از راه آنان برود، آن گونه که آنها می خواهند باشد، با کم خشنود و قانع شود، .... (۵)

۱- فقال: حدَّثنا الحسن بن علی المالکی، قال: حدَّثنا أبو النضر عن ابن حمید الرافعی، قال: حدَّثنا محمد بن الهیثم البصری، قال: حدَّثنا سلیمان بن عثمان النخعی، قال: حدَّثنا سعید بن طارق عن سلمه بن أنس عن الأصغ بن نباته، قال: خطب أمير المؤمنين علی علیه السلام خطبه، فذكر المهدی و خروج من یرج معه و أسماءهم، فقال له أبو خالد الکلبی: صفه لنا یا أمير المؤمنين، فقال علی علیه السلام:

۲- علی بن موسی ابن طاوس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۸۸.

۳- این چگونه امامی است که بر پایه خواسته‌های انسان‌ها و نه خدواند خود را تنظیم می کند!

۴- این روایت با تفاوت‌های فراوانی در روزگار رهایی، ترجمه یوم الخلاص، آمده که فرازهای آن چه در باره یاران خاص و چه در باره حضرت قابل تأمل جدی است. نک: کامل سلیمان، یوم الخلاص، ص ۴۶۵ و ۴۶۴.

۵- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۵۸۱.



این سخنان از دو جهت قابل بررسی است:

#### از جهت منبع

سید بن طاووس همان گونه که در مقدمه کتاب خود آورده، مطالب خود را به طور عمد از روایات سه کتاب اهل سنت پدید آورده است: ملاحم ابن حماد، فتن سلیلی، فتن بزّار.

البته ابن طاووس در کتاب خود درباره فتن سلیلی و روایات موجود در آن می گوید: کتاب الفتن، متعلق به سلیلی است و تاریخ نسخه اصلی که مصنف کتاب آن را نوشته است، متعلق به سال ۳۰۷ ق می باشد و در مدرسه ترکی شهر واسط موجود است. این نسخه موجود بنا بر گواهی شخصی که شاهد کتابت آن از روی نسخه اصلی بوده، می باشد.

سید بن طاووس در ابتدای نقلش از الفتن سلیلی در کنار اشاره به آنچه یاد شد به نوعی خود را از گرفتاری نقل روایات ضعیف دور کرده (وَأَنَا بَرِيءٌ مِنْ خَطَرِهِ، لِأَنَّي أَحْكِي مَا أَجَدَهُ بَلْفِظِهِ وَمَعْنَاهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى) (۱) و همه تقصیرات روایات را متوجه مؤلف کتاب کرده است.

بسیار روشن است که طریق سید بن طاووس به سلیلی و نقل سید از این کتاب، مرسل می باشد و طریق قابل خدشه است. همچنین شخص سلیلی که با نام «ابی صالح السلیلی بن احمد بن عیسی بن شیخ الحسائی (السائی)» معرفی شده، مجهول و نامشخص است. (۲)

افزون بر آن این که، این کتاب پیش و پس از ملاحم سید بن طاووس در هیچ یک از منابع معتبر استفاده نشده است. و اینک نیز در دسترس نیست.

#### از جهت سند:

در سند روایت نیز افراد مهملی وجود دارد که اعتبار روایت را از میان می برد. افرادی مانند: سلیمان بن عثمان، سعید بن طارق و سلمه بن انس که همگی مهمل بوده و نامی از آن ها در کتب رجال دیده نمی شود. (۳)

۱- سید ابن طاووس، التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص ۲۱۶.

۲- رک: گروهی از محققین، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، ج ۲، ص ۴۸۱، ش ۲۳۳.

۳- نجم الدین طوسی، تأملی در نشانه‌های ظهور (۱)، ص ۵۵.

از نظر محتوا.

روایت مورد نظر به طور عمده دارای سه فراز کلی است:

اول: اسامی یاران خاص حضرت و شهرهای آنها؛

دوم: مفاد پیمان نامه با حضرت؛

سوم: برخی نشانه‌ها.

که هر سه بخش دارای تأملاتی است.

اما تأملات: اینکه در متن روایت همه نام‌ها به صورت عربی است و با توجه به اینکه گفته شده بخشی از یاران آن حضرت از شهرها و کشورهای غیر عرب است، این نام‌ها نامتعارف است ضمن اینکه برخی شهرهای یادشده به طور اساسی با این گونه اسامی هیچ گونه پیشینه‌ای ندارند.

اما در باره مفاد پیمان نامه که به نظر می‌رسد این گونه پیمان نامه و بیعت‌نامه به دور از شأن مؤمنان معمولی است تا چه رسد به یاران خاص موعود منجی که در اوصاف و عظمت آنها سخنان فراوانی گفته شده است. به راستی چه توجیهی دارد که حضرت به یاران خاص خود بگوید اطراف همجنس بازی نگردند و مانند آن.

و اما تأمل سوم که در آن به برخی از نشانه‌ها اشاره شده است که البته در محل خود (بحث نشانه‌ها) ثابت شده است به دو دسته تقسیم می‌شود: نشانه‌های حتمی و غیر حتمی که برخی نشانه‌های یادآوری شده در این روایت در هیچ روایتی نقل نشده است.

نتیجه اینکه بیعت به عنوان یک سازوکار مهم و پایه‌ای حکایت از فرمان برداری و پایبندی بیعت‌کنندگان برای همراهی با مهدی موعود علیه السلام دارد که پس از مشروعیت از طرف خداوند برای تحقق آن حاکمیت جهانی زمینه‌های لازم را فراهم می‌کند.

## خودآزمایی

۱. بیعت از نظر لغت و اصطلاح به چه معناست؟ توضیح دهید.
۲. عناصر اساسی بیعت را نام برده هر یک را توضیح دهید.
۳. با توجه به اینکه پیامبر و امام از طرف خداوند نصب می شود بیعت با او چه معنا دارد؟
۴. بیعت و رأی دادن چه نسبتی با هم دارند؟ توضیح دهید.
۵. سه اثر از آثار بیعت را شرح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. قلمکاری، حیدر علی، حکومت اسلامی، تهران، نشر حقایق، ۱۳۵۸ش.
۲. مرندی، محمد رضا، مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اسلام، تهران، مؤسسه انتشاراتی عطا، ۱۳۷۶ش.
۳. کارگر، رحیم، آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۳ش.
۴. بهروزی لک، غلام رضا، سیاست و مهدویت، قم، حکمت روشن، ۱۳۸۴ش.
۵. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.

## درس هشتم: نظام تعلیم و تربیت در حکومت مهدی علیه السلام

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

درآمدی بر نظام تعلیم و تربیت اسلامی

گسترش خردورزی در عصر ظهور

ساز و کارهای تعلیم و تربیت مهدوی

## پیش درآمد

عصر ظهور مهدی موعود علیه السلام، عصر شکوفایی و بالندگی همه انسان ها در همه زمینه های انسانی، در پرتو تعلیم و تربیت الهی و رسیدن آنها به اوج خردورزی برای بندگی خداوند است؛ که با سازوکارها و روش های گوناگونی سامان می یابد. از مهم ترین این سازوکارها، پرورش و آموزش بر پایه آموزه های وحیانی و الهی است که در این راه به شکوفا کردن خرد انسان ها (برای باور گسترده و ژرف به آموزه های دینی و عشق به مکارم اخلاقی) و نیز بالنده کردن فطرت و سرشت پاک آدمی می پردازد.

این عصر، عصر حاکمیت عقلانیت و معنویت بر افراد و گروه ها، دوره به زیستی و کمال گرایی است که کمتر مانندی می توان برای آن سراغ گرفت. در این عصر، همه ظرفیت ها و توانمندی های فطری و عقلی انسان، شکوفا می شود و با تربیت اخلاقی و عقلانی او (تزکیه و تعلیم)، زندگی نوینی فراروی او گشوده می شود.

از این رو دو گروه از روایات در بین سخنان معصومان علیهم السلام به روشنی به این امر اشاره کرده اند: نخست روایاتی که از گسترش و کمال عقلانی انسان سخن به میان آورده است و دیگر سخنانی که به گسترش شگفت انگیز دانش در این دوران اشاره کرده اند. در عصر ظهور همه امکانات مادی و معنوی دست به هم خواهند داد تا این نوید معصومان علیهم السلام، را در گسترش دانش و خرد فراهم کنند.

اگرچه تبیین فراگیر این مقال نیازمند بحث‌های فراوان و ذکر روایات و تبیین‌های بسیار است، اما در اندازه ممکن و متناسب این نوشتار تلاش می‌شود تا در این درس به این بحث اشاره شود. (۱)

### درآمدی بر نظام تعلیم و تربیت اسلامی

اگر دنیای امروز در آتش ناامنی، تشویش و هرج و مرج می‌سوزد؛ اگر کابوس تباهی و کژی بر آن چیره شده است؛ اگر دنیای امروز گرفتار کشمکش‌ها، فحشا، تجاوز و ده‌ها آشوب و تباهی دیگر است؛ اگر دولت مردان همچون گرگ‌های درنده و خون‌آشام از ترس همدیگر خواب و آرام ندارند و پیوسته در اندیشه نابودی همدیگر هستند؛ اگر جوانان کشورها به انحراف جنسی آلوده شده‌اند؛ اگر بی‌ناموسی و بی‌بندوباری دامن‌گیر مردان، پسران، زنان و دختران شده است و ده‌ها اگر دیگر... همه و همه به سبب نبود یک نظام فراگیر تعلیم و تربیت بر پایه آموزه‌های توحیدی و سرشت الهی است. که اگر در اجتماع، خویشتن‌داری، پارسایی، همکاری، همدلی، همیاری، انفاق، پاک‌دامنی، فروتنی، نیک‌خلقی، دوستی و به‌طور کلی عدالت به معنای گسترده و فراگیرش حکم فرما باشد، این اجتماع همان مدینه فاضله خواهد بود که می‌توان در آن با فکری آسوده و به دور از وحشت زندگی کرد.

از این رو است که خداوند پایه‌ای‌ترین برنامه پیامبران خود را نیز همانا تعلیم و تربیت دانسته می‌فرماید:

((هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِن قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ))؛ (۲) اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

۱- بخش‌هایی از این درس با بهره از کتاب تعلیم و تربیت در عصر ظهور، نوشته رحیم کارگر نگاشته شده است.

۲- جمعه (۶۲)، آیه ۲.

بر پایه این آیه، تکامل انسان از جنبه های علمی و رفتاری و تزکیه و تهذیب او، به عنوان هدف پایانی برانگیخته شدن پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته شده است. امیر مؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید:

فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيَذَكِّرُوهُمْ مَنْسَى نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّلْبِيغِ وَيُثِرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَيُزَوِّجُهُمْ آيَاتِ الْمَقْدِرَةِ مِنْ سَقْفِ فَوْقَهُمْ مَرْفُوعٍ وَمِهَادٍ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ وَمَعَايِشٍ تُحْيِيهِمْ وَأَجَالٍ تُفْنِيهِمْ؛ (۱) پس هر چند گاه پیامبرانی فرستاد و به وسیله آنان به بندگان هشدار داد تا حق میثاق الست بگزارند، و نعمت فراموش کرده را به یادشان آرند. با حجت و تبلیغ، چراغ معرفتشان را بیفروزند تا به آیت های خدا چشم دوزند. از آسمانی بالا برده و زمینی زیرشان گسترده، و آنچه بدان زنده اند و چسان می میرند و ناپاینده اند.

بنابراین پایه رسالت پیامبران، گسترش دانش و آگاهی است و ایمان و معرفت، خود در پرتو دانش پدید می آید. پیامبران به انسان ها، راه و رسم زندگی و هدف و نتیجه آن را می آموختند و ارزش انسان و والایی مقام و نقش برجسته او در هستی و توانایی و ظرفیت وجودی او را در رسیدن به تکامل فراگیر و تعالی روحی، به وی یادآور می شدند. در پرتو چنین تعلیمی، نیروی تفکر و خردورزی را در او بیدار می کردند و به اندیشه درباره مبدأ و معاد و کشف رموز و اسرار آیات الهی و می داشتند. البته در کنار این و فراتر از آن، به تزکیه و تهذیب او اهمیت داده و راه رسیدن به کمال را در اخلاق متعالی و معنویت دینی می دانستند.

بحث از تعلیم و تربیت انسان ها در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام که به راستی استمرار حرکت پیامبران الهی و به ویژه پیامبر خاتم و پیشوایان معصوم علیهم السلام است در دو عرصه اساسی اشاره شده است؛ یکی کمال عقل و خرد انسان ها و دیگری گسترش دانش در بین آنها، از این رو در اینجا فقط به این دو مقوله به صورت کوتاه اشاره می شود.

۱- محمد بن حسین شریف رضی (د/ ۴۰۶ ق)، نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، خطبه ۱، ص ۶.

## گسترش خردورزی در عصر ظهور

عقل، پایه و اساس انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف بنیادین اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است. شکوفاسازی و تربیت این موهبت ارجمند الهی، رسالت همه ادیان آسمانی، به ویژه دین اسلام بوده است.

### عقل از نگاه قرآن

در آیات قرآن به ارزش عقل اشاره می‌کند، و گناه عمده دوزخیان و سبب اصلی بدبختی آنها را از کارانداختن این نیروی الهی می‌شمرد. بر خلاف پندار باطل کسانی که دین را وسیله تخدیر مغزها، و نادیده گرفتن فرمان خرد می‌شمرند، اسلام پایه خداشناسی و سعادت و نجات را بر عقل و خرد می‌نهد، و روی سخنش در همه جا با "اولو الالباب" و "اولو الأبصار" و اندیشمندان و دانشمندان است. (۱)

### عقل از نگاه روایات

در منابع روایی سخنان فراوانی در باره عقل وارد شده است. جالب اینکه کتاب معروف "الکافی" که از معتبرترین منابع حدیث است مشتمل بر کتاب‌هایی است که نخستین کتابش به نام کتاب "عقل و جهل" است، در اینجا به ذکر دو روایت بسنده می‌کنیم:

در حدیثی از علی علیه السلام آمده است:

جبرئیل بر آدم نازل شد و گفت من مأمورم که تو را بین یکی از این سه موهبت مخیر کنم، تا یکی را برگزینی، و بقیه را رها کنی. آدم پرسید: آنها چیست؟ جبرئیل در پاسخ گفت: "عقل" و "حیاء" و "دین".

آدم گفت: اِنِّی قَدْ اخْتَرْتُ الْعَقْلَ؛ من عقل را برگزیدم، جبرئیل به "حیاء" و "دین" گفت او را رها کنید و به دنبال کار خود بروید، گفتند ما مأموریم همه جا با عقل باشیم و از آن جدا نشویم! جبرئیل گفت: حال که چنین است به مأموریت خود عمل کنید، سپس به آسمان صعود کرد! (۲)

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۳۳۱-۳۳۰ (با تصرف).

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۰.



این لطیف ترین تعبیری است که ممکن است در باره عقل و خرد، و نسبت آن با "حیا" و "دین" گفته شود، چرا که اگر عقل از دین جدا شود با اندک چیزی بر باد می رود، یا به انحراف کشیده می شود، و اما "حیا" که مانع انسان از ارتکاب زشتی ها و گناهان است آن نیز ثمره شجره معرفت و عقل و خرد است.

این نشان می دهد که "آدم" سهم قابل ملاحظه ای از عقل داشت که به هنگام مخیرشدن در میان این سه چیز، مرحله بالاتر عقل را برگزید، و در سایه آن هم دین را به دست آورد و هم حیا را.

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می خوانیم:

مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ؛<sup>(۱)</sup> کسی که عاقل باشد دین دارد، و کسی که دین داشته باشد داخل بهشت می شود (بنا بر این بهشت جای خردمندان است).

بنابراین اسلام، به خرد و خردورزی بسیار ارزش داده و پرورش اخلاقی را به نوعی پرورش عقلانی و بازپروری نیروی استدلال می داند. محتوای برخی از روایات، این است که زیربنای اخلاق، وابسته به عقل و خرد است؛ زیرا عقل است که آدمی را از ارتکاب اعمال زشت و رفتار ناپسند باز می دارد و او را به پاکی گزینی و روشن بینی ایمانی و اخلاقی فرامی خواند.

طبیعی است وقتی علت، پرورده باشد، معلول نیز قوی تر و استوارتر به وجود خواهد آمد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

دَعِيَامَهُ الْإِنْسِيَانِ الْعَقْلُ وَالْعَقْلُ مِنْهُ الْفِطْنَةُ وَالْفَهْمُ وَالْحِفْظُ وَالْعِلْمُ وَالْعَقْلُ يَكْمُلُ؛<sup>(۲)</sup> ستون هستی انسان، عقل است و هوشمندی و فهم و حفظ و دانش از عقل سرچشمه می گیرند.

رسیدن کمالات اخلاقی در پرتو نیروی خرد امکان پذیر است و هر اندازه عقل دچار رکود گردد، به همان نسبت امکان رشد اخلاقی از دست می رود. رسول خدا صلی الله علیه وآله در روایتی می فرماید:

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۱.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵.

إِنَّمَا يُدْرِكُ الْخَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛<sup>(۱)</sup> همانا همه نیکی ها و کمالات در پرتو عقل به دست می آید. و از دین بهره ای نبرده است آن کس که از خرد بهره ای ندارد.

در روایات مربوط به حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام نیز اشاره ای روشن به هماهنگی و هم پوشانی دو بعد فکری و اخلاقی (تعلیم و تربیت) انسان شده و رشد و بالندگی توأم آن دو، به دست مهدی موعود علیه السلام تأکید شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید:

إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامَهُمْ؛<sup>(۲)</sup> چون قائم ما قیام کند خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد، پس عقولشان را جمع کند (تا پیروی هوس نکنند و با یک دیگر اختلاف نوززند) و در نتیجه خردشان کامل شود.

بر پایه روایت امام باقر علیه السلام، خرد و افکار مردم در عصر ظهور، شکوفا و متمرکز و اخلاق آنان کامل می شود؛ این یعنی، پیوند عقلانیت و معنویت انسان و رسیدن به بصیرت اخلاقی انسان در سایه بینش عمیق و دانایی پارسا یانه و ایمانی، ریشه های مفاسد و معایب را از درون خود می زداید و بر معرفت و معنویت خود می افزاید. در واقع برای تعلیم و تربیت انسان، دو بعد اثرگذار در او، تقویت و رشد می یابد:

۱. بعد اخلاقی؛ یعنی تربیت و تزکیه انسان، رشد فضایل اخلاقی و انسانی، شکوفایی سرشت الهی، بندگی خداوند و معنویت گرایان انسان.

۲. بعد فکری؛ یعنی تعلیم و حکمت آموزی انسان، دانایی و روشن بینی او، اندیشه ورزی در مبدأ و معاد و...، تقویت خردورزی و فهم عمیق و واقعی محاسن اخلاقی.

درباره چگونگی شکوفایی تعلیم و تربیت گفتنی است که بر پایه روایت پیش گفته، امام زمان علیه السلام پس از ظهور، با نفوذ در دل و جان و عقل مردم و هدایت های

۱- حرانی، تحف العقول، ص ۵۴.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵.

پیامبرگونه خود، آنان را هدایت و راهنمایی می کند. مقصود از دست (وَضَعَ يَدَهُ) در این روایت، دست رحمت، هدایت و شفقت الهی بر بندگان است.

در حقیقت در عصر ظهور نیز امام مهدی علیه السلام، همه موانع و آفت های رشد و تعالی عقلانی انسان ها را از بین می برد و عقول آنان را به حد بالایی از شکوفایی و رشد می رساند. افزون بر آنکه تزکیه و تهذیب نفوس انسانی و طهارت جامعه بشری را در رأس برنامه های خود قرار می دهد.

از این رو کلیدواژه تعلیم و تربیت اسلامی به ویژه در عصر ظهور امکان پرورش و شکوفایی کمال گرایانه انسان، در پرتو رشد فراگیرفکری و اخلاقی و در نتیجه زدودن ناهنجاری ها و ناراستی های فردی و اجتماعی است. این نگره می تواند برای همه جوامع و همه اعصار، کاربردی بوده و تأثیر گذار باشد؛ همان گونه که زمان بعثت نبوی، عصر تعلیم و تربیت نفوس و تزکیه و خرد پروری بوده است. بعد کامل این رویکرد «بصیرت اخلاقی» است که در دوران ظهور منجی موعود علیه السلام، آشکار و نورافشان خواهد شد.

اما این که چه سازوکارهایی برای دستیابی انسان به بصیرت اخلاقی و شکوفایی تعلیم و تربیت در عصر ظهور وجود دارد؟ با مراجعه به روایات و منابع دینی به دست می آید که برای دستیابی به این رشد و بالندگی معنوی و عقلی، سازوکارهای بیان شده و عصر ظهور، دوران شکوفایی و تعالی انسان در همه زمینه ها دانسته شده است.

## سازوکارهای تعلیم و تربیت مهدوی

### اشاره

عصر ظهور، عصر شکوفایی و بالندگی انسان، در پرتو تعلیم و تربیت حقیقی و رسیدن او به بصیرت اخلاقی است و آن با ساز و کارها و شیوه های گوناگونی پدید می آید که مهم ترین آنها تربیت عقلانی است؛ یعنی، شکوفا کردن عقل و خرد آدمی (برای باور عمیق و ژرف به آموزه های دینی و عشق به مکارم اخلاقی) و نیز بالنده کردن فطرت و سرشت پاک آدمی و تزکیه نفس آلوده.

در واقع چند مؤلفه مهم اخلاقی فکری در این نظام قابل شناسایی و بررسی است.

انقلاب بزرگ فرهنگی و اخلاقی؛

بالا بردن سطح دانایی و خرد ورزی انسان؛

ریشه کنی عوامل تباهی فرد و اجتماع؛

کمک گرفتن از خرد در جهت شناخت مبدأ و معاد و نیکی ها و زشتی ها؛

کمک به قدرت انتخاب گری مردم در جهت دادن به آنها برای دگرگونی وضع نابسامان خود؛

رشد هماهنگ فکری و اخلاقی انسان (تزکیه و تعلیم مردم)؛

پاکیزه کردن اخلاق مردم و آشناساختن آنان با فضایل انسانی و... .

روشن است برای نجات انسان ها از گرداب گمراهی و نادانی و اصلاح گروه های مردی و کاستن از مشکلات پرشمار، باید سازوکارها و شیوه های گوناگونی به کار گرفته شود و از ابزار و امکانات مناسبی استفاده گردد. در عصر ظهور از همه امکانات و سازوکارهای ممکن برای به سازی اخلاق و پاک زیستی انسان و فراهم کردن محیط سالم و بلندمرتبه بهره گرفته خواهد شد و این در پرتو عنایات الهی و شخصیت، توان و درایت ویژه امام مهدی علیه السلام شدنی خواهد بود. در این قسمت سازوکارهای برگرفته از روایات و منابع دینی، ذکر می شود:

### ۱. شکوفاسازی عقول انسانی

مهم ترین راه رسیدن به بصیرت اخلاقی، کمال فکری است؛ یعنی، توجه ویژه دین به شکوفاکردن خرد آدمی و بالابردن سطح دانایی و روشن بینی او است. عقل، پایه انسانیت، حجت باطنی خداوند، وسیله فهم و دریافت معارف اعتقادی و یکی از منابع استنباط احکام فقهی اسلام است. شکوفاسازی و تربیت این موهبت ارجمند پروردگار، پیام همه ادیان آسمانی، به ویژه دین اسلام بوده است.

پیش از این اشاره شد در روایت هایی به این بعد از کمال فکری و عقلی بشر که در عصر ظهور در حد بالایی خواهد بود اشاره شده است.

به نظر می رسد این گونه تعبیرها کنایه از تربیت امت اسلامی به دست امام قائم علیه السلام است و بهره از واژه «رؤوس» (سرها)، به جهت آن است که مردم سر را مرکز خرد و اندیشه می دانند و دست بر سر نهادن، کنایه از تربیت است و فرقی نمی کند که خداوند مربی باشد و یا مهدی علیه السلام؛ زیرا قانون مهدوی، همان قانون الهی است و تربیت او، آیت تربیت پروردگار بلند مرتبه می باشد. بدین ترتیب نتیجه طبیعی و مطلوب

تربیت که عبارت از گرد آمدن عقل ها و تکامل اندیشه ها است به بار می نشیند. (۱)

پس دست نهادن بر سر بندگان خدا، به معنای تربیت و اعتلای اندیشه ها و افکار و عواطف انسان ها است که اگر همراه با رشد اخلاقی و تزکیه و تربیت درست باشد؛ در انسان «بصیرت اخلاقی» پدید می آورد و او را به سر منزل مقصود رهنمون می‌شود. پرورش خرد و اندیشه آدمی (تربیت عقلانی) و بالا بردن سطح دانایی و بصیرت او، روشی تأثیرگذار و باارزش در رشد و شکوفایی معنوی او است که بر پایه روایات در عصر ظهور محقق خواهد شد.

## ۲. فرهنگ سازی جامع

عصر ظهور، دوران گسترش فرهنگ سالم و انسانی در همه سطوح جامعه و زدودن خرافات، پیرایه ها و آداب و رسوم ناسالم و غیر مفید است. همچنین عصر فعالیت های گسترده فرهنگی است؛ یعنی، بعضی از مشکلات و کاستی های جامعه، از طریق فرهنگی (تبلیغی و آگاهی بخشی و ارشادی)، قابل حل است و اقدامات حکومت جهانی نیز، بیشتر ماهیت فرهنگی و ارزشی دارد. در این برهه نورانی، انسان ها به عمق و زشتی مفسد اخلاقی و کژتابی های فکری و عملی پی می برند و از آلودگی ها بی زار می گردند و این فقط در سایه گسترش و تعمیق «فرهنگ برتر دینی» و یا «فرهنگ سازی جامع» است؛ یعنی، فرهنگ سالم دینی در همه سطوح گسترش می یابد و ماهیت امور فرهنگی می شود.

## ۳. پالایش ناپاکی های درونی

در قرآن، پالایش درونی، با عنوان «تزکیه» و «تزکی» مطرح شده است. این دو از نظر لغوی به معنای پاک نمودن و یا پاک شدن از آنچه که باید از آن پاک شد و از نظر اصطلاحی، پاکیزه ساختن نفس از شرور و آلودگی ها است. بزرگ ترین هدف پیامبران، تهذیب و تزکیه نفوس انسانی بوده است. آنان آمدند تا جان انسان ها را از زشتی ها و صفات حیوانی پاک و پاکیزه سازند و خوبی ها و مکارم اخلاقی را پرورش دهند. آنان آمدند تا به انسان ها درس خودسازی بیاموزند و در طریق شناخت اخلاق زشت و کنترل

و مهار امیال و خواسته های مخرب نفسانی، یار و مدد کارشان باشند.

عصر ظهور به راستی، دوران تزکیه و پاکیزگی جان ها است؛ هم با برنامه های پیامبرانه امام زمان و هم با آگاهانیدن و سوق دادن مردم به آن.

#### ۴. شکوفایی سرشت انسانی

همه انسان ها، بر سرشت پاک و فطرت الهی به دنیا می آیند و هر چند دارای غرایز و نیروهای غریزی هستند؛ اما ملکات انسانی و نیروهای قدسی آنان قوی تر و ماندگار تر است. اگر انسان زیر پرورش درست قرار گیرد و دچار اغواگری و شیطنت ابلیس نشود، توانایی رشد و بالندگی روحی و معنوی فوق العاده ای دارد. پس باقی ماندن بر سرشت پاک یا بازگشت به این سرشت و سیرت الهی، بایسته ترین راه برای رسیدن انسان به کمال و تعالی واقعی، رشد روزافزون و شکوفایی واقعیت های انسانی است. این اصل مسلم، رکن پایدار اندیشه مهدویت و از سازوکارهای مهم پرورشی، برای بیرون کردن انسان از مادی محض و رساندن او به اوج «طهارت» و «قدسی بودن» است.

#### ۵. ترویج و تثبیت ارزش های اخلاقی

«هنجارپذیری»، فرآیندی است که به انتقال آموزه های اخلاقی و مکارم انسانی و تثبیت آنها در افراد منجر می شود. در این فرآیند (همچون جامعه پذیری)، ارزش های اخلاقی تبیین و تشریح می گردند و ضمن آگاه کردن انسان ها از آنها، زمینه های علاقه قلبی آنان و کشش درونی به آنها را فراهم می سازند. مهم ترین ویژگی هنجار پذیری انسان، فهم و پذیرش قوانین ثابت اخلاقی و تلاش برای گسترش و حاکمیت این اصول است؛ یعنی، آراسته شدن به اصول ارزشی و پایبندی با معرفت به آنها.

مهم ترین برنامه امام مهدی علیه السلام، حاکمیت ارزش های اخلاقی و آگاهی بخشی به مردم است.

#### ۶. کنترل و نظارت فراگیر

برای اینکه بتوان باور و رفتار انسان ها را دگرگون کرد و آنها را در مسیر اصلاح و سازندگی واقعی قرار داد، باید برنامه ای پایدار و اثر گذار برای او ارایه نمود و در ضمن آن، نظارت فراگیر و کاملی بر رفتارها و هنجار شکنی های وی داشت. افزون بر این، باید

بر حسن اجرای برنامه های تربیتی و اصلاحی، مراقبت جدی داشت و در صورت ضرورت، از سازوکار «انذار و تخویف» و «تنبیه» استفاده کرد. همچنین در اجرای دستورات دینی (در زمینه های گوناگون)، جدیت به خرج داد و در برابر طغیان و قانون شکنی کوتاه نیامد.

در صورتی که برنامه های فرهنگی، تحت انضباط و نظم دینی قرار گیرد، بسیار مؤثر و کاربردی خواهد بود. این نظارت فراگیر برای هدایت و رهنمونی انسان ها، به صلاح و تقوا و جلوگیری از هنجار شکنی و افسادگری در عصر ظهور، با ظرافت خاص و برنامه ای فراگیر صورت خواهد گرفت.

### ۷. تقویت باورهای اعتقادی و ایمانی

بر پایه این سازوکار، برای اینکه انسان بتواند اعمال و رفتار درست و با اعتدالی بروز دهد، باید زیربناهای فکری و معرفتی اش استوار و فخیم گردد؛ یعنی، تا انسان شناخت درست و باور عمیقی نسبت به مبانی اعتقادی خود (به ویژه یکتاپرستی)، نداشته باشد و آنها را با دل و جان نپذیرد، کمتر هنجار پذیر شده و به سمت کمالات واقعی خود حرکت می کند. پس رشد فکری و اخلاقی بشر، مترتب بر تعمیق باورهای دینی و آشنایی عمیق با آغاز و فرجام خود و حاملان وحی (انبیاء) و راهبران طریق (امامان) است. همان گونه که مهم ترین برنامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله، جایگزینی توحید، به جای شرک و بنیاد نهادن تمدن توحیدی بود؛ آن هم با تغییر در باورهای اعراب جاهلی.

### ۸. ایجاد غنای واقعی در بشر

یکی از سازوکارهای مهم در تغییر و تحولات روحی انسان ها و فروکاستن از آمال مادی صرف و خواسته های فزاینده دنیوی و تجملاتی، استغنای روحی انسان ها است. بالا رفتن ظرفیت های فکری و درونی مردم، توجه به نیازهای اصیل و فطری و ماندگار، پایین آوردن سطح خواسته ها و خواسته های گوناگون و فزاینده مادی و غریزی، در اولویت قرار دادن امور پست و زودگذر و... نشانه های بی نیازی روحی و معنوی اند. اینها با مدیریت و هدایت دقیق و درست، عامل حل بسیاری از کاستی ها و ناهنجاری ها خواهند بود؛ امری که در عصر ظهور به صورت کامل و تمام محقق خواهد شد.

## ۹. به سازی اخلاق کارگزاران

یکی از راه های تأثیر گذار در رشد فکری و اخلاقی مردم، تقدم اصلاح رفتاری و معرفتی بازیگران عرصه سیاست و مدیریت جهان بر دیگران است. اگر کارگزاران امور، از نظر اخلاقی سالم و پاک باشند و در عمل به وظایف خود از راه حق، عدالت و اعتدال بیرون نروند، بسیاری از انحرافات و کژتابی های اخلاقی و رفتاری جهان کاسته خواهد شد و مردم نیز پیرو آنان خواهند بود.

گام نخست در به سازی اخلاق کارگزاران و مدیران و مجریان، نظارت بر آنها و سخت گیری در برابر قانون شکنی و هنجارناپذیری آنان است.

« الْمَهْدِيُّ... شَدِيدٌ عَلَى الْعَمَالِ رَحِيمٌ بِالْمَسَاكِينِ؛<sup>(۱)</sup> مهدی علیه السلام... بر کارگزاران سخت می گیرد و بر بینوایان بسیار مهربان است.»

## ۱۰. حاکمیت اندیشه قرآنی

قرآن، برنامه فراگیر و کامل برای ساختن جامعه ای سالم و آباد، انسانی فرهیخته و متعالی و آینده ای رو به رشد و مترقی است. وجود آموزه های وحیانی قرآن، به عنوان مبنا و معیار درستی و نادرستی اندیشه ها و افکار و تربیت کننده و اصلاح گر نفوس و دل ها، عامل رستگاری و نجات همه انسان ها در هر سطح و منزلتی است.

پیش از این اشاره شد امیر مؤمنان علیه السلام در باره اینکه امام مهدی علیه السلام قوانین را مطابق با قرآن می کند، فرمود:

يُعْطِفُ الْهَوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَطَفُوا الْهُدَى عَلَى الْهَوَى وَ يَعْطِفُ الرَّأْيَ عَلَى الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ؛<sup>(۲)</sup> خواهش نفسانی را به هدایت آسمانی بازگرداند، و آن هنگامی است که مردم رستگاری را تابع هوی ساخته اند، و رأی آنان را پیرو قرآن کند، و آن هنگامی است که قرآن را تابع رأی خود کرده اند.

۱- عماد الدین طبری، بشاره المصطفی، ص ۲۰۷.

۲- محمد بن حسین شریف رضی (د/ ۴۰۶ ق)، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، خطبه ۱۳۸، ص ۱۳۵.



## ۱۱. وحدت و الفت انسان ها

دوری و اختلاف انسان ها از همدیگر و کینه ورزی نسبت به هم، چند پارگی فرهنگی و عقیدتی، خواست ها و اهداف ناهمگون و چندگانه، ارزش ها و هنجارهای گوناگون و... از تهدیدات مهم جامعه بشری و عامل رکود و خمودگی فکری و فرهنگی است. علت تنازع و تفرقه انسان ها هرچه باشد و به هر شکلی صورت گیرد (شکاف های مذهبی، فرقه ای، قومی، زبانی، نژادی و...)، تاریخچه ای به فراخنای زندگی بشری دارد و بسیاری از جنگ ها، ستیزه جویی های فرسایشی، تجاوزگری ها و... ثمره آن است. یکی از برنامه های اساسی پیامبران، نزدیک ساختن انسان ها به همدیگر، تألیف قلوب، تعمیق مهرورزی و محبت است؛ یعنی، تشکیل امت واحده و بازگرداندن انسان ها به سرشت و سیرت واقعی خود. در پرتو این اتحاد و همدلی است که انسان ها، یک فرهنگ و آیین واحد را پذیرا بوده و یک هدف و برنامه برای زندگی خواهند داشت. اگر انسان ها در جامعه واحد جهانی گرد هم نیایند و بر تنازع ها و تعارض های فرهنگی و سیاسی و... پافشاری کنند، هیچ برنامه تربیتی و فرهنگی مؤثر نخواهد بود و مشکلات انسان ها همچنان باقی خواهد ماند.

پس لازمه رشد فکری و اخلاقی مردم، شکل گیری امت واحده و فرو کاستن از جدایی ها، ستیزش ها، افکار متفاوت و ارزش های چند پاره است؛ امری که در عصر ظهور مورد توجه بوده و همه اختلافات، کینه ها و مذاهب و... برطرف می گردد. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «يَقُومُ قَائِمُنَا... ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَىٰ أَمْرٍ وَاحِدٍ؛(۱) آن گاه که قائم ما قیام کند... همه را بر یک فکر و مرام و احد گرد می آورد.» و امام صادق علیه السلام فرمود: «لَيُفْعَ عَنِ الْمَلَمِلِ وَالْأَذْيَانِ الْإِخْتِلَافُ؛(۲) چنددسته گی و پراکندگی را از ملت ها و ادیان بر می دارد.» آن حضرت الفت و دوستی در دل مردم ایجاد می کند و بغض و خصومت را برطرف می سازد. امام صادق علیه السلام در این باره فرمود:

۱- ابن ابی زینب نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۶، ح ۱۱.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱.

«... وَ يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُّخْتَلِفَةٍ؛ (۱) ... بین قلب های گوناگون الفت ایجاد می کند.»

و امیر مؤمنان فرمود: «لَذَهَبَتِ الشُّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛ (۲) کینه ها از قلب های بندگان می رود.»

## ۱۲. فراگیری و همگانی شدن تعلیم و تربیت

یکی از انگاره های ارزشمند در تربیت و بالندگی اخلاقی و روحی انسان ها، فراگیری و شمول آن به همه افراد اجتماع است؛ یعنی، همگان باید در سطوح و مراحل مختلف زندگی، از برنامه های تربیتی و اخلاقی برخوردار شده و به تزکیه و تهذیب نفس و حکمت آموزی و خردورزی پردازند. اگر بخش هایی از اجتماع ولو اندک از طهارت نفس و اخلاق فاضله بی بهره باشند، آن را به تباهی کشانده و مانع تأثیر برنامه های تربیتی می شوند. مهم تر از آن، افراد هنجار شکن و تباه گر، خود از موانع اصلی تعلیم و تربیت بوده و همواره در صدد انحراف و اغوای دیگران و افساد جوامع بر می آیند. به همین جهت تعلیم و تربیت واقعی، آن است که دربرگیرنده همه افراد بشر بوده و برای همگان، راه کارهای مناسب اصلاح و بازسازی اخلاقی ارائه دهد.

در عصر ظهور، تعلیم و تربیت، جهانی، فراگیر و کارآمد بوده و دربرگیرنده همه گروه های سنی، فکری، اعتقادی، سیاسی، جغرافیایی و ... می شود. کسی نیست که از این هدایت گری و تربیت ها بی بهره باشد و همچنان بر تباهی و ناراستی خود باقی بماند.

این فراگیر شدن به گونه ای است که در برخی روایات سخن از چندین برابر شدن دانش بشری به میان آمده است. در روایتی به امام صادق علیه السلام نسبت داده شده که فرمود:

الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ جُزْءًا فَجَمِيعُ مَا حَيَّاتُ بِهِ الرُّسُلُ جُزْءَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْجُزْءَيْنِ فَبِإِذَا قَامَ الْقَائِمُ أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۲؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۴۶، ح ۷.

۲- شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۲۶.

جُزْءًا فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْجُزْءَيْنِ حَتَّى يَبْتَثَّهَا سَبْعَةً وَ عَشْرِينَ جُزْءًا؛<sup>(۱)</sup> علم، ۲۷ جزء دارد، همه آنچه پیامبران آورده اند دو جزء بوده و مردم تا به امروز بجز این دو جزء، چیزی نمی دانند. وقتی قائم به پا خیزد، ۲۵ جزء دیگر علم را بیرون ساخته، در بین مردم منتشر می سازد و این دو جزء را هم بدان می افزاید تا به ۲۷ جزء می رسد.

ناگفته نگذرم اگر این روایت هم نمی بود بررسی شرایط همگانی حکومت جهانی حضرت مهدی موعود علیه السلام رشد علمی شگرفی را نوید می دهد.

البته در بحث های مفصل بررسی ماهیت آن دانش و تفاوت های آن با فن آوری های بشری در عرصه علم امری بایسته است که از حوصله این نوشتار بیرون است.

---

۱- قطب الدین راوندی، الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۴۱؛ محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

## خودآزمایی

۱. از نگاه قرآن در نظام تعلیم و تربیت یکی از رسالت های پیامبران چیست؟ توضیح دهید.
۲. جایگاه عقل از نگاه آیات و روایات را توضیح دهید.
۳. سه مورد از مؤلفه های مهم اخلاقی فکری نظام مهدوی را توضیح دهید.
۴. سازوکارهای تعلیم و تربیت مهدوی را نام برده؛ چهار مورد را توضیح دهید.
۵. تحلیل خود را از چگونگی گسترش دانش در حکومت مهدوی بیان نمایید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. کارگر، رحیم، تعلیم و تربیت در عصر ظهور، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۹۰ ش.
۲. بهروزی لک، غلام رضا، سیاست و مهدویت، قم، حکمت روشن، ۱۳۸۴ ش.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ ش.
۴. مدرسی، عباس، تمدن در عصر ظهور، ترجمه: لطیف راشدی، تهران، نشر فرهنگی مشرق، ۱۳۷۸ ش.
۵. حکیمی، محمد، عصر زندگی، تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۸ ش.



## درس نهم: مهدویت و مستشرقان

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

معنای شرق شناسی و مستشرق

تقسیم بندی مستشرقین

زمینه های ورود شرق شناسان در موضوع مهدویت

جنبه های مثبت و منفی پژوهش های مستشرقان

عرصه های مهدویت پژوهی برای شناخت آراء مستشرقان

## پیش درآمد

بسیاری از شرق‌شناسان و اندیشمندان غربی درباره مباحث مهدویت و مفاهیم مربوط به آن، به بحث و گفت و گو پرداخته، مباحث گوناگون و پرشماری را مطرح کرده‌اند. برخی از آنها، به گونه‌ای مستقیم به مباحث پرداخته، آن را از دیدگاه اعتقادی مسلمانان و بر اساس آموزه‌های اسلامی بررسی نموده‌اند. و برخی دیگر منجی‌گرایی و موعودباوری را نه از دیدگاه اسلام به گونه‌ای خاص، بلکه از نگاه دیگر ادیان و به گونه‌ای تطبیقی بررسی کرده‌اند. این دسته از اندیشمندان با وجود آنکه مستقیم درباره مهدویت سخن نگفته‌اند، ولی آن را در ضمن مباحثی چون منجی‌گرایی، هزاره‌گرایی، نجات، بازگشت مسیح، ارض ملکوت، و امثال آن، بحث و بررسی کرده‌اند، از اینرو مباحث آنان نیز دارای ارزش است و می‌توان در عرصه مهدویت پژوهی از آن بهره گرفت.

در این درس تلاش شده تا به صورت کوتاه به این بحث اشاره شود. (۱) بی‌تردید بررسی ابعاد این بحث نیازمند مراجعه به منابع گسترده است که در یک درس نمی‌توان بدان پرداخت و لازم است علاقه‌مندان به منابع تفصیلی مراجعه کنند.

## تعاریف متفاوت از واژه شرق

شرق در لغت به معنای برآمدن آفتاب و تابان شدن است. (۲) و از دیدگاه غربی‌ها

۱- این درس با بهره از نوشته‌های آقایان دکتر سید رضی موسوی گیلانی و حمید سعادت نوشته شده است.

۲- علی اکبر دهخدا، فرهنگ دهخدا، ج ۹، ص ۱۴۲۲۹ (ذیل واژه شرق).

درب‌گیرنده همه کشورهای است که در شرق قاره اروپا قرار دارند و به سه بخش خاورمیانه، نزدیک و دور تقسیم می‌گردد. در این تقسیم‌بندی جغرافیایی، بین دین اسلام، ادیان هندی، ادیان چینی، ژاپنی و امثال آن تفاوتی دیده نشده است. در واقع تعریف شرق از دیدگاه غربیان، تقسیمی بر پایه جغرافیا و شرایط منطقه‌ای است، نه بر پایه فرهنگ، آداب و سنت‌ها.

بنابراین، باید گفت تقسیم بر پایه جغرافیا بهترین تقسیم است و برای یک اندیشمند غربی که در صدد شناسایی شرق است، تقسیم بر پایه مذهب و دین، سبب شاخه‌ها و دسته‌بندی‌های گونه‌گونی می‌شود که آن‌ها را نمی‌توان به جز جغرافیا زیر یک نام ویژه قرار داد و روشن است که هر چه، پایه و شاخص تقسیم کلان‌تر باشد، بهتر است.

البته پاره‌ای از فیلسوفان غربی مانند هایدگر درباره معنای شرق و غرب به جنبه جغرافیایی آن نظر ندارند و به مفهوم فلسفی آن اشاره می‌کنند، وی می‌گوید: «تاریخ مغرب، تاریخ مغرب حقیقت است».<sup>(۱)</sup> وی بر این باور است، غرب درک خاصی از وجود دارد، درکی که به تعبیر نیچه، به نیست‌انگاری انجامیده است، درکی از وجود که مبتنی بر درک تکنولوژیک از آن است.<sup>(۲)</sup> در واقع وی به مانند هانری کربن کلمه شرق و غرب را در معنایی غیر متداول به معنای طلوع و غروب حقیقت معنا می‌کند. آنان استعمال واژه غرب را در برابر شرق برای پاره‌ای از سرزمین‌ها، به معنای شکل‌گیری تمدنی خاص در کشورهای اروپایی و امریکایی می‌دانند که در برابر تمدن شرق قرار گرفته است و بر خلاف قرون میانه که سرزمین‌های اروپایی با مفهوم واژه دینی "مسیحیت" در برابر واژه "اسلام" از کشورهای اسلامی جدا می‌شدند، پس از رنسانس این تقسیم‌بندی بر پایه مذهب جای خود را به ویژگی‌ای غیر مذهبی داد که همان مفهوم مدرنیته بود. بر این پایه، مفهوم غرب به معنای تمدن غرب در برابر تمدن شرق قرار گرفت و افزون بر اروپا همه کشورهای را که این اندیشه را پذیرفته بودند، در بر می‌گیرد.

ناهمگونی تمدن غرب و تمدن شرق پس از رنسانس، تفاوت در دو نگاه و دو رویکرد به جهان هستی است و ناهمگونی فقط در ابزار و یا وسایل مدرن نیست،

۱- محمد دسوقی، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، ص ۱۶۷.

۲- رضا داوری، در باره غرب، ص ۱۲.



به گونه ای که با ورود ابزار مدرن، این تفاوت و شکاف میان دو تمدن و دو فرهنگ پر نخواهد شد.

### شرق شناسی در فرهنگ لغت

واژه شرق شناسی برای نخستین بار در فرهنگ انگلیسی آکسفورد به کار رفت و در سال ۱۸۳۸ میلادی، همین واژه در فرهنگ علمی فرانسه درج گردید. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد، کلمه شرق شناسی یا خاورشناسی (۱) که تا سال ۱۸۱۲ میلادی در این فرهنگ مورد استفاده قرار نگرفته بود، به معنای مطالعه و پژوهش در باره کشورهای شرقی، برای کسانی استفاده شده است که به مطالعه و پژوهش در فرهنگ، سرزمین و کشورهای مشرق زمین و آسیایی می پرداختند. ولی پیش از اینکه در قرون متأخر اصطلاح شرق شناسی در فرهنگ لغت و در دانشگاه ها به نام یک رشته علمی و پژوهشی به کار رود، از قرن ها پیش، شغل و حرفه ای، متداول و رایج بوده است. در واقع زمانی که پاره ای از اندیشمندان غربی وارد سرزمین های اسلامی می شدند و به تحصیل علم، سیر و سیاحت، سفرنامه نویسی و دیگر امور می پرداختند، مسأله شرق شناسی، حرفه ای مشخص بوده است، هر چند در آن دوران، اصطلاح شرق شناسی رایج نبوده است.

### تعریف اصطلاحی شرق شناسی

شرق شناسی از دیدگاه اندیشه ورزان و پژوهشگران غربی یکی از حوزه های ارزشمند پژوهشی به شمار می آید. این حوزه، ادیان، آداب و رسوم، فرهنگ و تمدن شرقی را در برمی گیرد و گاه با تسامح در مفهوم آن، به اسلام و تاریخ اسلام محدود می شود؛ از این رو به اسلام شناسان غربی، مستشرق یا شرق شناس نیز می گویند.

مستشرق در اصطلاح، محقق غربی است که شرق، متعلق شناسایی اوست و برای این منظور به شرق سفر می کند و در باره ابعاد گوناگون فرهنگ و تمدن شرق به مطالعه و تحقیق می پردازد " و به دانشی که عهده دار این وظیفه است "شرق شناسی" گویند.

ناگفته نماند در دوره های جدید، این اصطلاح به آن دسته از محققان مسلمانی که در جهان غرب زندگی می کنند و به پژوهش درباره عرصه های متفاوت تمدن شرق

می پردازند، نیز اطلاق می‌شود؛ چه آنان که متولد سرزمین‌های شرقی هستند و به یکی از ادیان شرقی وفادارند، و چه آنان که متولد کشورهای غربی هستند و پس از تحقیق، پیرو یکی از ادیان شرقی شده‌اند.

### تقسیم بندی مستشرقین (اسلام شناسان غربی)

با توجه به آنچه به اختصار گذشت، اسلام شناسان غربی را به سه دسته تقسیم می‌کنیم:

الف) آنها که به معنی دقیق کلمه، شرق شناس هستند؛ یعنی آن دسته از اندیشمندان غربی غیر مسلمان که در باره اندیشه، تمدن و فرهنگ شرقی پژوهش نموده‌اند.

ب) دسته‌ای از اندیشمندان غربی که پس از تحقیق درباره اسلام، به اسلام گرویده و آثاری را در این راستا از خود به جای گذارده‌اند مانند: رنه گنون و مارتین لینگر.

ج) اندیشمندان مسلمان که اصالتاً شرقی هستند، ولی در غرب اقامت گزیده و در مراکز علمی به تحقیق و تدریس پیرامون تمدن و فرهنگ شرقی پرداخته‌اند به گونه‌ای که در چند دهه اخیر بسیاری از نویسندگان و محققان دایره المعارف‌ها و دانشنامه‌ها و مدرّسان مراکز علمی در زمینه اسلام و تمدن شرقی، نوعاً از این دسته هستند؛ افرادی مانند: جاسم حسین، ساشدینا و حامد الگار.

این گروه را نمی‌توان از مصادیق واقعی مستشرقین دانست، ولی به واسطه زندگی متمادی در فرهنگ غرب و آشنایی با روش و نگرش آنان به موضوعات مختلف، ویژگی افراد بومی را پیدا کرده‌اند. به نظر می‌رسد این نوع تفکیک میان اسلام شناسان غربی، تصویر بهتری را از خاستگاه اندیشه‌های آنان درباره آموزه‌های اسلامی ارائه خواهد داد. بررسی محتوای نوشته‌ها و کاوش‌های شرق شناسان درباره رویداد‌های اسلام و مسلمانان، به ویژه شیعه و تشیع، انگاره و نظام فکری تحلیلی آنان و شاخصه‌های آن را روشن خواهد ساخت. طبیعتاً نظام فکری تحلیلی حاکم بر اندیشه این دین پژوهان نیز متأثر از محیط پیرامون آن‌ها خواهد بود. همین عامل باعث گردیده تا آن دسته از اسلام شناسان غربی که اصالتاً شرقی و مسلمان بوده، ولی سال‌ها در محافل علمی غرب حضور داشته‌اند، از لحاظ روش تحقیق در موضوعات اسلامی به دو دسته دیگر نزدیک شوند. از این رو معمولاً تخصص‌گرایی، دقت نظر، روش مندی، انسجام و پیگیری، از

ویژگی های علمی مشترک میان هر سه دسته از اسلام شناسان یادشده است.

### برخی زمینه های ورود مستشرقین به موضوع مهدویت

#### الف) جاذبه فرهنگ و تمدن اسلامی

جاذبه تمدن مشرق زمین، به ویژه تمدن اسلامی، به حدی بوده است که مستشرقین از دیرباز، برای ورود به عرصه اسلام شناسی اظهار گرایش کرده اند. از موضوعاتی که مستشرقان و اسلام شناسان غربی به آن پرداخته اند فرهنگ و تمدن اسلامی است که از شاخصه های آن می توان به فلسفه اسلامی، کلام، تاریخ اسلام، عرفان اسلامی، قرآن پژوهی، حدیث، ملل و نحل و دیگر علوم مربوط به تمدن اسلامی اشاره نمود.

البته از نخستین و مهم ترین حوزه های اسلامی که مورد دقت نظر و کاوش اسلام شناسان غربی قرار گرفته و بزرگترین دین پژوهان غربی به آن توجه نموده اند، قرآن شناسی می باشد، ولی دیگر موضوعات نیز همواره مورد توجه آنان بوده است؛ به طوری که بعضی از حوادث و اتفاقات موجب می شد تا به بعضی از موضوعات بیشتر توجه کنند.

#### ب) اهداف استعماری و تبشیری

گروهی بر این باورند که اهداف تبشیری و استعماری با هدف ضربه زدن به اسلام و ایجاد تفرقه در بین امت اسلامی یکی از انگیزه های اصلی در گرایش مستشرقین به اسلام شناسی بوده است. این شرق شناسان، به طور معمول از طریق مؤسسات و بنیادهایی برای خاورشناسی گسیل می شدند و به طور عمده وابسته به مذهب و اندیشه ای بوده اند که مخالفت با اسلام را برای آنان در پی داشته است. همیلتون گیب، شرق شناس برجسته، درباره پاره ای از خاورشناسان بر این باور است که بعضی از آنان گاه خود را در موضع برتر می دیدند و با این تصور که تمدن و مذهبشان برتر از تمدن شرقیان است درباره تمدن و فرهنگ اسلامی قضاوت های نادرست و ضعیفی ارائه داده اند.

این نوع نگاه به اسلام شناسان غربی، هر چند دور از حقیقت نیست، ولی به طور عمده مربوط به شرق شناسان اولیه است که به نام مبلغان مسیحی فعالیت می کرده اند؛ ولی امروزه، نگاه اسلام شناسان غربی حتی غیر مسلمان همدلانه تر و علمی تر شده است.

همیلتون گیب، در این باره معتقد است: این عین بی انصافی است که پیشرفت هایی که در سالیان اخیر در میان مبلغان مسیحی حاصل شده است و در نتیجه، آنان بر خلاف سابق، به جای مطالعه خام و خشن اصول ظاهری، با همدردی و همدلی در عمق تجارب مذهبی مسلمانان فرو رفته اند را نادیده بگیریم.

### ج) نگاه اندیشمندان به آموزه های اسلامی

بر خلاف نظر افرادی که شرق شناسی به طور کلی، و تلاش اسلام شناسانه غربیان به طور خاص را یک حرکت حساب شده استعماری و مایه تضعیف دین می دانند، عده ای دیگر بر این باورند که توجه غرب به تمدن شرق و به ویژه تمدن اسلامی و به تبع آن، آموزه های اسلامی، محصول یک نگاه علمی و تحقیقی است که بر اهداف استعماری تقدم داشته است؛ هر چند که استعمار در دوره هایی از آن بهره برداری کرده است.

ادوارد سعید، مؤلف کتاب شرق شناسی، از جمله معتقدان این نظریه است. او می گوید:

شرق شناسی مولد یک سلسله علائقی است که از طریق وسایلی همچون اکتشافات مخفیانه، تجدید ساختار زبان شناسانه، کاوش روان کاوانه، توصیف یا بیان نوعی خواست یا نیت و قصد است.

همزمان با ورود غرب به مرحله جدیدی از شکوفایی علمی و بهره برداری از علوم مشرق زمین، مباحث دینی نیز به همراه سایر علوم انسانی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفت.

پس از نهضت نو علمی در اروپا از سده پانزدهم و شانزدهم میلادی به این طرف، که به تدریج در دارالفنون ها و مراکز علمی مغرب زمین، همه رشته ها و شعبه های علوم بشری مورد توجه و اقبال و تحقیق و تدقیق قرار گرفت، علم مشرق شناسی و تحقیقات راجع به کلیه شئون علمی و اجتماعی و لغوی و فلسفی و دینی و آداب و اقوام مشرق زمین نیز رو به تکامل گذاشت و مانند سایر فنون، مطرح انظار علما گردید.

اسلام شناسان غربی، چه آنها که به صورت تحقیقی و عالمانه به اسلام پرداخته اند یا آنها که مغرضانه در این وادی وارد شده اند، توجه ویژه ای به مباحث کلامی و تاریخی، مخصوصا موضوعات مورد اختلاف فرقه های اسلامی داشته اند.

در برخی زمان‌ها شرایط خاص، باعث می‌گردید تا توجه به اسلام و تشیع به صورت جدی تر در دستور کار آنها قرار بگیرد. برخی صاحب نظران برآنند که غربیان در زمان جنگ‌های صلیبی (قرن پنجم هجری) با مکتب تشیع آشنا شدند و به بررسی آن پرداختند و در دوره صفویه به شکل ویژه‌ای به مطالعه درباره آن روی آوردند... آشنایی غربیان با شیعیان ایران و دیگر مناطق و پدید آمدن کتاب‌ها و سفرنامه‌های فراوان درباره تشیع، افزایش نوشته‌های غربیان را در این باره به دنبال آورد. این نوشته‌ها به آرامی به آثار و اسناد مهمی در تاریخ تشیع و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شیعیان بدل شد. اگرچه این مطالعات به مسائل مهم و در خوری می‌پردازند، کاستی‌های فراوانی هم دارند و تصویری واقعی و درست از شیعه و روحانیان آن ترسیم نمی‌کنند. این کمبود در نوشته‌های پیشین غربیان بیشتر است.

#### **(د) توجه به نهضت‌های اصلاح طلبانه اسلامی**

پاره‌ای از اندیشمندان غربی، به ویژه در دو سده گذشته، با توجه به بعضی از رخدادها و وقایعی که در سرزمین‌های اسلامی پیش آمده همچون ادعای بعضی از مدعیان دروغین مهدویت در سرزمین‌های اسلامی و به وجود آمدن مذاهبی مانند: کیسانیه، اسماعیلیه، شیخیه، باییت و بهائیت بر موضوع مهدویت تکیه نموده و درباره نگرش مسلمانان و متون اسلامی پیرامون مهدویت سخن گفته‌اند. همزمانی برخی مستشرقین مانند گلدزیهر، دارمستتر، ادوارد براون، فان فلوتن و ... با برخی از جریان‌های مدعی مهدویت، در علاقه مندی بیشتر آنها به این مباحث نقش داشته است.

در هر صورت، موضوع مهدویت به عنوان یک اصل پذیرفته شده در میان فرقه‌های اسلامی، در فراز و نشیب تاریخ، مورد توجه و حتی سوء استفاده قرار گرفته و گاهی این حرکات با انگیزه‌های استعماری همراه گردیده و توجه ویژه اسلام‌شناسان غربی را برانگیخته است و باعث گردیده تا درباره مباحث مهدویت و مفاهیم مربوط به آن به بحث و گفتگو بپردازند و در این راستا مسائل متعددی را مطرح نمایند.

#### **(ه) نگاه کلان به موضوع منجی و جامعه آرمانی**

موضوع مهدویت، که در معارف اسلامی از جایگاهی ممتاز برخوردار است، در یک

نگاه فراگیر و به صورت بین‌الادیانی نیز مورد توجه قرار گرفته است. در تمامی ادیان ابراهیمی و غیر ابراهیمی (سامی و غیر سامی) این اعتقاد در شکل‌ها و گونه‌های متفاوت وجود دارد و همه مذاهب، آرمان‌نهایی جوامع بشری را ظهور و تجلی شخصیت آسمانی و یک منجی دینی می‌دانند. و بر پایه این اندیشه دینی، بسیاری از دین‌پژوهان غربی ذیل عناوینی همچون منجی‌گرایی، بازگشت مسیح، هزاره‌گرایی، نجات، رستگاری، پایان تاریخ، آینده‌پژوهی و امثال آنها، به این موضوع پرداخته و درباره نگرش ادیان به این موضوع، کتاب‌ها و مقالات فراوانی نوشته‌اند.

افزون بر اسلام‌شناسان غربی که موضوع مهدویت را در ذیل مباحث فراگیر منجی‌گرایی و آینده‌پژوهی و... دنبال کرده‌اند و همچنین دین‌پژوهانی که به طور خاص، به موضوع مهدویت در اسلام توجه کرده‌اند؛ می‌توان از دسته‌سومی هم نام برد که مباحث و نظرات آنان می‌تواند به پرورشیدن مباحث مهدوی بیانجامد. این دسته از اندیشمندان، فیلسوفان اجتماعی و جامعه‌شناسان و یا اندیشمندان فلسفه سیاسی هستند که به طور لزوم درباره مباحث کلامی و دینی از جمله مبحث مهدویت و یا منجی‌گرایی بحث نموده‌اند، ولی به فراخور موضوعات تخصصی خویش به گونه‌ای به مباحث مربوط به مهدویت و منجی‌گرایی پرداخته‌اند. این دسته از اندیشمندان به عنوان نمونه درباره جامعه ایده‌آل، آینده‌پژوهی، جامعه‌شناسی دین، نهاد دین، فلسفه تاریخ، آینده و سرنوشت جوامع و دیگر موضوعات مربوط به حوزه علوم اجتماعی بحث نموده‌اند؛ به طوری که پرداختن به موضوعات مذکور، موجب می‌گردد تا بتوان نظرات و آراء آنان را درباره مباحث مهدویت و منجی‌گرایی استنباط نمود؛ به عنوان نمونه، اندیشمندانی همچون «توین بی»، «اشپینگلر»، «هگل»، «ویکو»، «ماکس وبر»، «فوکویاما» و... نظر خود را درباره جامعه آرمانی و ایده‌آل ابراز می‌دارند، به طوری که اگر پژوهشگران بخواهند درباره مباحث تطبیقی و میان‌رشته‌ای مهدویت تحقیق کنند، لازم است تا به آراء و نظرات این اندیشمندان بپردازند. این دسته سوم از اندیشمندان در زمره اسلام‌شناسان غربی قرار نمی‌گیرند، اما از این رو که مطالعات آنها زمینه‌ای برای ورود به مباحث منجی و جامعه ایده‌آل و موعود ادیان است، روزنه‌ای را به سوی موضوعات مربوط به موعود ادیان و بالطبع، موعود مطرح شده در آموزه‌های اسلامی هموار می‌سازد.

## جنبه های مثبت و منفی در پژوهش مستشرقان

پژوهش های شرق شناسان و دین پژوهان غربی دارای جنبه های مثبت و منفی است. از ویژگی های مثبت پاره ای از شرق شناسان در فرهنگ اسلامی می توان به تخصص گرایی و محدود نمودن پژوهش به مورد مطالعاتی، روش تحقیق، انسجام و پیگیری، دقت نظر، تفاهم و همدردی اشاره نمود، به طوری که گاه یک شرق شناس برای شناخت آداب و رسوم یک قوم یا ملت، بیش از دو دهه از عمر خویش را در میان یک قوم یا سرزمین سپری نموده و به مانند فردی بومی با احترام به آداب و سنت، رفتارها و اعتقادات توده مردم، توانسته است به ظرائف و جزئیات فرهنگ از جمله: علائق، سلیقه ها، زاویه دید و عادات افراد جامعه پی ببرد، به طوری که شاید بتوان بعضی از بهترین آثار پژوهشی در تمدن شرقی و اسلامی را نیز متعلق به آن دسته از پژوهشگران دانست که به این شیوه عمل نموده اند. از این رو بعضی از محققان معتقدند که شرق شناسی از سده هجدهم تاکنون جزء جدایی ناپذیر فرهنگ غرب بوده است و آن را صرفاً ذوق مطالعات باستانی و تاریخی نمی دانند که مستشرقان به جهت آن به پژوهش در فرهنگ، علم و سیاست مردم مشرق پرداخته باشند. (۱)

بعضی از اندیشمندان در تحلیل روش پژوهشی مستشرقان اذعان نموده اند که آنان بر خلاف اندیشمندان داخلی، بر روشمندی تحقیق پافشاری داشته و از اظهار نظرهای نابجا و سلیقه ای دوری نموده اند، به طوری که حتی گاه سخنان نادرست خود را مبتنی بر روش شناسی نموده و آن را درست جلوه داده اند.

آنچه تحقیقات آنها را متمایز می سازد، پافشاری بر روشمندی و بهره گیری از آرایش کلام عقلی و پرهیز از هر نوع اظهار نظر سلیقه ای بی پایه است.

در کنار نقاط قوت موجود در آثار اسلام شناسان غربی، از آفات و نقاط منفی موجود در آن نیز نباید غافل بود؛ از این رو روشنگری واقع بینانه و تنزیه و تنقیح آثار موجود در حوزه تاریخ اسلام و مبارزه با تحلیل های جهت دار و تحریفات و شبهات و مباحث التقاطی مطرح شده از جانب آنها، که دامنه آن از محافل و متون علمی به سطوح عادی جامعه می رسد، وظیفه انجمن های علمی و پژوهشی و اندیشمندان متعهد است.

در نگاه کلی، آثار مستشرقین و دین پژوهان غربی در باره اسلام، تا پیش از سده یازدهم، غالباً انتقاد و تحقیر و توهین به اسلام و برنامه های پیامبر صلی الله علیه و آله است. موضوع بیشتر این آثار، عاریه ای بودن دین اسلام است؛ یعنی فلسفه اسلامی از حکمت یونانی گرفته شده، کلام اسلامی همان مباحث لاهوتی است که یهود و نصاری تازم مسلمان در دین وارد کرده اند و حقوق اسلامی نیز از قوانین رومی گرفته شده است. همچنین بحث خشونت آمیز بودن بخش هایی از تاریخ اسلام، احکام اسلام و مبحث زن، دست آویز برخی از آنان بوده است. ولی از اواخر سده نوزدهم، گروه دیگری دیده می شوند که در مقابل گروه نام برده، بعضاً به دفاع از اسلام پرداخته اند مثل کتاب «عذر تقصیر به پیشگاه محمد صلی الله علیه و آله و قرآن» اثر جان دیون پورت و کتاب «الإبطال» نوشته توماس کارلایل و همچنین برخی آثار خانم «آنه ماری شیمل».

با وجود این سیر تکاملی و عقلی که از تعصب و غرض ورزی به سوی انصاف و حق گویی گرایش داشته، بر ما لازم است تا از کنار نقاط منفی موجود در نگاه‌ها، این اسلام شناسان به راحتی عبور نماییم، زیرا ذوق زدگی گروهی از کسانی که داعیه روشنفکری داشته اند باعث گردیده تا همواره نقاط قوت آثار دین پژوهان غربی، که به طور عمد به روش ها محدود می شود، برجسته شده و نقاط سستی که تأثیر مخرب و غیر قابل جبران به دنبال داشته نادیده گرفته شود؛ نقاط سستی عمدی ای مانند:

۱. برداشت های شخصی و تکیه بر حدسیات که در بیشتر نگاه‌ها به آن بر می خوریم، بدون آن که به متخصصین در لغت عرب و یا علم تفسیر و حدیث مراجعه کرده باشند.
۲. برخی از این اندیشمندان، بدون هیچ اعتقاد و باور دینی و با نگاهی منفی به تمدن اسلامی به پژوهش پرداخته اند و گاهی برخی از آنان خود را در موضع برتر دیده و با این تصور که تمدن و مذهب آن ها برتر از شرقیان است، داوری های نادرست کرده اند.
۳. مقطعی و منطقه ای دانستن دین اسلام و تعالیم اسلامی با به کار بردن تعبیراتی مانند دین محمد صلی الله علیه و آله یا دین عربی و محدود کردن آن به یک مقطع تاریخی یا جغرافیایی خاص.
۴. رجوع به منابع دست دوم در زمینه اسلام و همچنین کلی نگری به جای جزئی



نگری در زمینه شناخت مذاهب اسلامی و برگزیدن شیوه تاریخی نگری در تحلیل تمدن اسلامی. در آغاز و انجام مطالعات مستشرقان این پیش فرض نهفته بود که اسلام نه یک وحی، بلکه تنها پدیده‌ای است که عاملی انسانی آن را در موقعیت تاریخی خاصی پدید آورده است.

۵. استناد به رفتارهای عرفی غیر معتبر و قرارداد آن به عنوان مبنای فکری مسلمانان و شیعیان، زیرا از آنجا که اکثر آنها مشاهدات خود را می‌نگارند به رفتارهای عوام و رایج و عرفیات بیشتر توجه دارند تا آنچه در متون اصیل دینی آمده است. این موضوع باعث گردیده تا خرافات در نوشته‌های آنها وارد شود.

گاهی نیز، برخی اندیشمندان غربی، تشیع را بر مبنای تحولات و تأثیر و تأثرات آن در عرصه اجتماع مورد بررسی قرار داده و به همین دلیل، عمدتاً اعمال و رفتار شیعیان را به عنوان عقاید حتمی و قطعی آنها پنداشته و این گونه منعکس کرده‌اند.

۶. پافشاری بر اقتباس اسلام از تعالیم یهود و نصاری و قوانین رومی.

۷. استفاده افراط گرایانه از ابزار عقل در تحلیل‌های تاریخی و تلاش برای شناخت فرهنگ و تمدن اسلامی از راه لغت‌شناسی زبان و سنجش تاریخی تمدن‌ها و ادیان.

۸. برجسته‌نمایی مسائل اختلافی درون دینی و عدم آشنایی با مبانی عقیدتی شیعه و سنی به گونه‌ای که در بعضی موارد بر اساس اندیشه یک مذهب خاص از مذاهب اسلامی، اظهار نظر می‌کنند و آن را درباره دیگر مذاهب تعمیم می‌دهند؛ این موضوع که در میان دایره‌المعارف نویسان مشهود است، موجب پاره‌ای آراء سست شده است.

۹. افزون بر موارد ذکر شده، گاهی دیده شده که مستشرق، هدفی غیر از اسلام پژوهی داشته و از همان ابتدا به انگیزه سیاسی و یا اهداف تبشیری و استعماری، به این کار اقدام کرده و یا این که شخصاً وابسته به مذهب و اندیشه‌ای بوده که مخالفت با اسلام را از همان ابتدا، در پی داشته است.

در واقع مستشرقان این اندیشه را در عرصه دین‌شناسی القا نموده‌اند که دین باوری و دین‌ورزی مخالف و متضاد با هر گونه اندیشیدن و تفکر است؛ و به تعارض میان عقل و دین حکم نموده‌اند، ولی نگاهی به تاریخ تمدن اسلامی و تنوع اندیشه‌های فلسفی و نگره‌های عقلانی، به نفی این زمینه انجامیده است؛ حال آن که بنا بر فرض این دسته از

دین پژوهان غربی که دین ورزی را مخالف با هر گونه آزاد اندیشی می دانند، ما با نوعی ثنویت مواجه می شویم که در فضایی از نبود درنگ و فرمان برداری کور دینی، قلمروی آزاد اندیشه عقلانی را از ضد آن جدا می کند و امکان طرح هر گونه پرسشی را منتفی می سازد. پاره ای از آنان نیز، در مواجهه با آرای اندیشمندان مسلمان تصور می کردند که هیچ ارتباطی میان علوم و معرفت بشری با معنویت و مذهب وجود ندارد و این نکته ای است که مورد غفلت مستشرقان پس از رنسانس واقع شده است.

### عرصه های مهدویت پژوهی در نزد مستشرقان

حال با توجه به فعالیت ها و آثار شرق شناسان و دین پژوهان غربی در زمینه مهدویت و با توجه به فعالیت ها و آثاری که آنان درباره این موضوع مهم اسلامی انجام داده اند، می توان کلیه آثاری را که آنان در زمینه مهدویت انجام داده اند، ذیل پنج محور ذیل گرد آوری نمود:

۱. کتابهای مستقل در زمینه مهدویت؛

۲. مقاله های مکتوب درباره مسأله مهدویت و موضوعات مرتبط با آن در کتاب، مجله یا دایره المعارف؛

۳. وب ها و وبلاگ هایی که به دست شرق شناسان و پژوهشگران غربی در زمینه مهدویت پدید آمده؛

۴. پایان نامه ها، رساله ها، پروژه ها و تحقیقاتی که به وسیله پژوهشگران دانشگاهی و اندیشمندان غربی در مراکز علمی غرب در زمینه مهدویت نوشته شده است؛

۵. آثار هنری و سینمایی که در دوره نو ساخته شده است و پیرامون افکار و اندیشه های آخرالزمانی و موعود گرایانه ادیان از جمله مسلمانان درباره فرجام شناسی، آخرالزمان، منجی، موعود و رستگاری است. (۱)

۱- قابل توجه است که امروزه به ویژه در دهه های اخیر، که عصر هنر و رسانه ها است، شرق شناسی و اهداف تبشیری به همراه فرهنگ سلطه، وارد دوره ای جدید با شیوه های مدرن شده است که از جمله مهمترین آن ها، ساخت آثار هنری و سینمایی در باره تمدن های شرقی به ویژه تمدن اسلامی است. پرداختن به مفاهیم آخرالزمانی با تکیه بر متون مسیحی و یهودی و ستیز بر علیه اسلام از مهمترین عناصر این فیلم ها می باشد.

## خودآزمایی

۱. جنبه های مثبت و منفی پژوهش مستشرقان را بیان کنید.
۲. عرصه های مهدویت پژوهی مستشرقان را بنویسید.
۳. معنای لغوی و اصطلاحی شرق شناسی را توضیح دهید.
۴. معانی متفاوت شرق را از دیدگاه اندیشمندان بیان کنید.
۵. زمینه های ورود مستشرقین به موضوع مهدویت کدام است؟

===

## منابع برای پژوهش

۱. حسینی، غلام احیا، شیعه پژوهی و شیعه پژوهان انگلیسی زبان، قم، انتشارات شیعه شناسی، ۱۳۸۷ش.
۲. داوری اردکانی، رضا، درباره غرب، تهران، هرمس، ۱۳۸۶ش.
۳. دسوقی، محمد، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق شناسی، محمود رضا افتخار زاده، تهران، نشر فرزانه، ۱۳۷۶ش.
۴. سردار، ضیاء الدین، شرق شناسی، ترجمه محمد علی قاسمی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۶ش.
۵. موسوی، سید رضی، شرق شناسی و مهدویت، قم، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۹ش.

## درس دهم: زمینه‌شناسی جریان‌های انحرافی در مهدویت

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی

عوامل پدیدآورنده

عوامل استمراربخش

ویژگی‌های جریان‌های انحرافی

پی‌آمدهای جریان‌های انحرافی

راهبرد مقابله با جریان‌های انحرافی

## پیش درآمد

با وجود دشمنی‌های فراوان در برابر آموزه‌های دینی در دوران معاصر، توجه به باور مهدویت روز به روز در حال گسترش است. علاقه روزافزون و احساس نیاز در عرصه‌های عقلی و عاطفی، ضمن اینکه امر بسیار مبارکی است، ولی سبب شده تا در کنار آموزه‌های اصیل و عمیق، جریان‌هایی هر از گاه سر بر آورده، چند صباحی برخی انسان‌های ساده‌انگار و یا مغرض را به خود جلب نماید.

بررسی جریان‌های انحرافی کاری بس بایسته می‌نماید، ولی از آنجایی که بررسی جریان‌های انحرافی معاصر به طور مشخص نیازمند بررسی‌های میدانی است و ممکن است اشاره مشخص به برخی جریان‌ها و افراد، پی آمدهایی ناگوار در پی داشته باشد، از این رو مناسب‌تر دیده شد تا به مباحثی فراگیر در این باره بسنده شود. علاقه‌مندان در این زمینه را به مطالعه تفصیلی برخی جریان‌های انحرافی امروزی، در نوشته‌های مفصل توصیه می‌کنیم.

دلیل‌ها و شواهد تاریخی گواه آن است که جریان‌های انحرافی از مهدویت راستین، دیرینه‌ای به درازای تاریخ این باور استوار دارد؛ که هر از گاهی به سبب عواملی سر بر آورده و پس از چندی، خاموش شده است. اگرچه بررسی خود این جریان‌ها دارای ارزش است، ولی آنچه ارزش دوچندان دارد بررسی زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری این جریان‌ها، ویژگی‌ها و نیز پی آمدهای ناگوار این انحرافات است؛ که به نظر می‌رسد بررسی این امور به‌ویژه در دوران معاصر، می‌تواند از شکل‌گیری جریان‌های نوپدید پیش‌گیری کرده، علاقه‌مندان به باور سترگ مهدویت را از خطرات لغزش در این بی‌راه‌ها آگاه نماید.

در اینجا نخست به عوامل زمینه‌ساز و آنگاه به ویژگی‌ها و در پایان به پی‌آمدهای جریان‌های انحرافی در مهدویت اشاره می‌شود.

## ۱. عوامل پیدایش جریان‌های انحرافی

### اشاره

در پیدایش جریان‌های کژرو به طور عمده دو گروه سبب، قابل بررسی است:

نخست: سبب‌های پدیدآورنده؛ اموری که به‌طور فراگیر و یا جزئی، در بسترسازی و شکل‌گیری جریان انحرافی نقش دارند.

دوم: سبب‌های استمراربخش؛ اموری که پس از پدیدآمدن انحراف، به ادامه یافتن آن کمک می‌کنند.

### ۱-۱. عوامل پدیدآورنده

#### یک. ناآگاهی توده مردم

به همان اندازه که دانش و آگاهی زندگی انسان را روشن می‌کند و انسان را از بی‌راهه و کج‌راهه دست‌گیری می‌کند، نادانی و ناآگاهی سبب فروافتادن انسان در بیراهه‌ها می‌شود. عوامل و افراد جریان‌ساز انحرافی، همواره از نبود دانش و آگاهی کافی افراد بیشترین بهره را برده‌اند. ناآگاهی از ویژگی‌های حضرت مهدی علیه السلام و مباحث مربوط بر پایه روایات معتبر.

آموزه‌های دینی به‌ویژه آیات نورانی قرآن همواره انسان‌ها را به فراگیری دانش‌های والا فرا خوانده است. و نادانی را نکوهش و نادانان را سرزنش کرده است.

آگاهی‌های معتبر در عرصه مهدویت و آموزه‌های اصیل آن، به راستی سبب می‌شود تا علاقه‌مندان هرگز فریب افراد منحرف را نخورده، خود را از این جریان‌ها دور نگه دارند. به عنوان نمونه ناآگاهی از حقیقت جهانی شدن اسلام و نحوه پیروزی دین اسلام در حکومت مهدوی که در قرآن آمده است سبب شده برخی از افراد ناآگاه جذب شبه عرفان‌هایی شوند که هم‌اکنون در رو به گسترشند و این گروه‌ها ظهور را امری زمینی دانسته‌اند و نقش خواست الهی را نادیده بگیرند و در همین راستا منکر برخی آموزه‌های مربوط به دوران ظهور شوند. (۱)

---

۱- رک: مظاهری سیف، عرفان حلقه، و نیز سلسله مقالات مجله شفافیت از مؤسسه مطالعاتی روشنگر.

این عامل را می توان به عنوان رایج ترین عامل برای زمینه سازی انحراف به ویژه در مهدویت نام برد.

یکی از نمونه های انحرافی معاصر در این زمینه، به نام احمد الحسن است؛ که در آن از ناآگاهی مردم به حقیقت نشانه های ظهور خود را با عنوان یمانی معرفی کرده است.

## **دو. آشفتگی های اجتماعی و اقتصادی**

مهدویت به سبب نوع نگاه به آینده و امیدبخشی، همواره درمانی بوده بر دردهای انسان های ستم دیده و فرودست، ولی گاهی نگاه به این کارکرد با افراط هایی روبه رو بوده است. به ویژه دوره هایی که برخی عوامل وضعیت افراد را در عرصه اجتماعی و اقتصادی دچار آشفتگی کرده است. مردم در این آشفتگی در پی پناهگاهی هستند که در آن به آرامش برسند. از این رو گاهی هر دارویی را بر درد خویش می آزمایند بدون آنکه بیندیشند آنچه درمان می پنداشته اند، خود دردی بر دردهای آنها است.

برخی انسان های نابکار با سوءاستفاده از این حالت افراد و جایگاه مهدویت در چشم آنان، اهداف شیطنت آمیز خود را پی می گیرند. و با القای برخی ذکرها و وردها و نقل برخی حکایت های ساختگی در پی جذب افراد آماده هستند.

## **سه. زیاده خواهی**

زیاده خواهی و فزون طلبی از صفات ناشایستی است که برخی انسان ها را به هر کاری وا می دارد. برخی را در جریان سازی های اقتصادی و برخی دیگر را در جریان سازی های دینی سوق می دهد. علاقه بیش از حد برخی ساده اندیشان، به مباحث سطحی، عرصه را بر افراد فرصت طلب باز می کند، تا نهایت بهره را ببرند. نمونه های فراوانی از این زمینه در کسانی که پس از مدتی فعالیت و در پی روشنگری دانشمندان دینی به دست قانون گرفتار می شوند به چشم می خورد. از کسانی که در دوران معاصر پس از جریان سازی به این افزون خواهی اعتراف کرده کماظمنی بروجردی است که یک از اهداف خود را رسیدن به امکانات مادی ذکر کرده است.

## **چهار. نابسامانی و اعتبار کم برخی متون**

منابع و متون مهدوی در طول تاریخ فراز و فرودهایی را پشت سر گذاشته است. با وجود همت بلند بزرگان دین و دانشمندان شیعه در طول تاریخ برای به سلامت رساندن

این متون به نسل های آینده، کم و بیش برخی از این منابع از دستبرد برخی افراد دنیا طلب در امان نمانده است و برخی مطالب نادرست در آن وارد شده است که سوکمندانه این خود دستاویزی برای جریان سازان جریان های انحرافی شده است. کتاب هایی چون فتن نعیم بن حماد، شرح الاخبار، بیان الاثمه، الزام الناصب و... را می توان نام برد.

در این عرصه تلاش دوستان ناآگاه و دشمنان آگاه به شدت به چشم می آید که بر هیچ آگاه بصیر پوشیده نیست.

### **پنج. حمایت دشمنان**

از آنجایی که باور به مهدی موعود علیه السلام نقش بی مانندی در به حرکت در آوردن جوامع به سوی ظلم ستیزی دارد، همواره دشمنان به هر کاری در برابر این باور دست زده اند که از جریان سازی های انحرافی به عنوان شاخص این کارها می... توان یاد کرد. نمونه های تاریخی این شیطنت بر هیچ آگاهی پوشیده نیست. در دوران معاصر این فعالیت بسیار چشم گیرتر از گذشته است.

روابط متقابل فرقه ها و مدعیان دروغین با استعمار و استبداد در هر زمان شواهد پرشماری دارد از جمله وابستگی و پیوند دوسویه بهائیت و قدرت های استکباری که از آغاز رسمیت یافتن این فرقه دیدنی بوده است.

قادیانیه یکی دیگر از جریان های انحرافی است که نقش استعمار پیر انگلیس در آن انکارناشدنی است. پدید آمدن تا مسلمانان را از آموزه های راستین اسلام دور سازد.

### **۲-۱. عوامل استمرار بخش**

#### **یک. اباحی گری و تکلیف گریزی**

برخی از جریان های انحرافی با گذر از خط قرمزهای دین، هواداران خود را در گرداب اباحی گری و بی بندوباری می اندازند که این خود سبب دوام این جریان ها می شود. نمود روشن این عامل در پرهیز هواداران از تقلید و پیروی از مراجع بزرگ تقلید است. که گاهی تا آنجا پیش می رود که خود را برتر از علما و دانشمندان دینی می پندارند. جریان بهائیت و واقعه بدشت و قره العین را می توان نمونه ای اندک از موارد بسیار دانست.



**دو. حمایت برخی خواص**

برخی از جریان‌های انحرافی به گونه ای گسترده به برخی ظواهر توجه می‌کنند تا جایی که در مواردی برخی نخبگان را نیز دچار تردید و سردرگمی کرده و در کارها هواداری آنها را نیز به دست می‌آورند که این خود سهم فراوانی در بقا و استمرار این جریان‌ها دارد. کسانی که به دور از زیرکی های یک مؤمن به ظاهر برخی افراد نگاه کرده و رفتار آنها را از روی حسن ظن پی می‌گیرند. در دوران معاصر نمونه های فراوانی از این جریان ها وجود دارد که نیازی به تفصیل نیست و هراز گاهی یکی از آنها رسوا می‌شود.

**سه. غفلت برخی خواص**

بسیاری از جریان‌های انحرافی تا آنگاه که به انحرافات بزرگ دچار نشده و یا در عرصه‌های سیاسی وارد نشده‌اند همواره مورد فراموشی واقع می‌شوند و با این توجیه که پرداختن به آنها سبب بزرگ تر شدن آنها می‌شود یا اینکه یادی از آنها نکنید تا خودبه خود از میان بروند زمینه برای گسترش آنها بیشتر فراهم می‌شود. این غفلت آنگاه دشوار آفرین تر می‌شود که این جریان ها به پایان راه خود رسیده اند و هواداران آنها در کنار بدبینی به باورهای دینی اعتماد خود را نیز از بزرگان از دست می‌دهند که چرا آنها در هدایت مردم اقدامی نکردند.

در این باره می‌توان به موضع گیری مسامحه کارانه برخی از علما در باره باب اشاره کرد که با نسبت خبط دماغ وی را از مجازات تبرئه کردند.

سوگمندان برخی شنیده ها گویای آن است که یکی از شگردهای برخی جریان‌های انحرافی در این است که حساسیت چندانی را پدید نیاورند. که این خود زیرکی بیشتری نیاز دارد.

ناگفته نماند که در باره نقش خواص، هنگام بروز بدعت ها، رسول گرامی اسلام با بیانی همراه توبیخ کسانی که سکوت می‌کنند را به شدت سرزنش کرده می‌فرماید:

إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ؛<sup>(۱)</sup> آنگاه که بدعت ها (مطالب نوپیدای مخالف دین) در امت من آشکار شد،

۱- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۵۴، ح ۲.

بر عالم است که دانش خود را آشکار سازد، که اگر چنین نکند لعنت خداوند بر او است.

### چهار. ساختن حکایات

برخی از جریان‌های انحرافی برای نگه‌داری هواداران خود با چنگ زدن به برخی شگردهای روان‌شناختی از جمله دادن شخصیت دروغین، آنها را در ادامه راه برای هواداری نگه می‌دارند. اینکه کسی در باره جلسه ای در عالم رؤیا چنین دیده است و چنان و یا در باره فلان شخص در خواب دیده که مورد عنایت اهل بیت علیهم السلام بود و مانند آن، دام‌های فریبنده... ای است که برای ادامه اغفال آنها می‌گذارند.

متأسفانه نمونه‌های این حکایت آنقدر فراوان است که نیازی به یادکردن از آنها نیست. یکی از مدعیان معاصر با نگارش کتاب‌هایی با عنوان پرواز روح و ملاقات با حضرت مهدی علیه السلام بر این پندار است که اگرچه این حکایت‌ها ساختگی است، اما برای جذب جوانان مؤثر است. زهی پندار باطل که آنگاه که افشا شد چه پی آمدهای بدی در پی داشت.

## ۲. ویژگی‌های جریان‌های انحرافی

### ۲-۱. عقل‌گریزی و اهتمام افراطی به امور احساسی

بی‌گمان نگاه آگاهانه نیاز پایه‌ای آموزه‌های دینی به‌ویژه مهدویت است. عقل به عنوان چراغی پرفروغ، همواره راه را روشن می‌کند تا انسان‌ها به بیراهه کشیده نشود. آموزه‌های اسلامی همواره انسان‌ها را به خردورزی و بهره‌مندی از عقل سفارش و خردمندان را از والایی ویژه برخوردار دانسته است.

برخی از جریان‌های انحرافی پیروان خود را به پرهیز از خردورزی و پیروی بی‌چون وچرا از خود فراخوانده، نگاه خردمندانه به مباحث را بیرون از شئون پیروان خود می‌دانند.

سوکمندانه این نوع نگاه در برخی لایه‌های جامعه در کنار نگاه افراطی به عشق‌ورزی محض به امام مهدی علیه السلام، جلوگیری درنگ در مباحث پایه‌ای مهدویت شده و سبب رواج مباحث بی‌پایه شده است.

## ۲-۲. در آمیختن حق و باطل

بی گمان اگر جریان‌های انحرافی پایه کجی خود را بر باطل نهند هرگز جز انسان‌های پلید گرد آنها جمع نمی‌شوند، از این رو برای فریب توده مردم، بخشی از حق را با بخشی از باطل در می‌آمیزند و خود را هوادار حق نشان می‌دهند.

در آمیختن مطالب درست با نادرست و حق با باطل، سبب می‌شود تا مخاطبان از رودر روی روشن و صریح با این جریان... سازان پرهیز کنند. این حق نمایان باطل فروش به ویژه در آغاز کار خود برای به دست آوردن اعتماد از باطل کمتر بهره می‌گیرند و زمانی که هواداران به طور کامل اعتماد پیدا کردند، از القای هر باطلی ابا ندارند.

## ۲-۳. دور کردن مردم از مرجعیت و روحانیت

بر دوست و دشمن روشن است که روحانیت آگاه به‌ویژه جایگاه والای مرجعیت، در دوام فرهنگ شیعی و دور کردن مردم از بی‌راهه‌ها در طول تاریخ نقش ارزنده و کلیدی داشته‌اند و دوری از روحانیت می‌تواند زمینه همواری را برای جولان جریان‌های انحرافی فراهم کند. از این رو جریان‌سازان انحرافات تلاش می‌کنند تا مقام روحانیت و مرجعیت را در نگاه هواداران پایین آورده، آنها را از گرد چراغ راهنمایی ایشان دور کنند.

از آنجا که جایگاه دانشمندان دین و فقها در نگهداری دین در عصر غیبت جایگاه ویژه و ارزشمندی است به طور معمول مدعیان برای برداشتن این مانع به رودر روی آشکار و پنهان با این مساله پرداخته‌اند تا بتوانند پس از تضعیف پایگاه مردمی آنان، برای خود و ادعاهای خود جایگاهی فراهم کنند، در اینجا به نمونه‌ای از ادعاها و شگردهای شگفت‌انگیز یکی از مدعیان معاصر اشاره می‌کنیم:

آقای ع. ی در یکی از سخنرانی‌های خود بر لزوم وجود فردی به نام «هادی» در این زمان (دهه ۸۰) سخن به میان می‌آورد (و نیز وقایع پیش و بعد از ظهور را مفصل بیان می‌کند) و در جلسه ۲۹ نظام بشر بیان می‌کند که اکنون هادی در جامعه وجود ندارد و ما هم فقط سفره معانی باز کرده ایم، ولی بر پایه همین سلسله دروس «بسوی ظهور» که حاوی نفی اهمیت فقاقت و نیز حاوی ادعای ارتباط خاص با غیب و ملکوت و... است، در واقع خود را مصداق آن هادی معرفی می‌کند که مقامش در حد ائمه هدی

وی حتی حوادث زلزله ترکیه (پس از حادثه کوی دانشگاه)، مرگ اسحاق رابین را به خود نسبت می دهد و می گوید ما از خدا خواستیم و او انجام داده حتی در جایی به حضرت موسی هشدار می دهد که جلوی اسرائیلی ها را بگیر و الا من خودم اقدام می کنم.

اطرافیان وی هم غافل از تناقضات موجود در کلام او (مثل فایده انقلاب و علم و فقاقت یا بی ثمر بودن آنها، وجود یا عدم وجود نایب خاص در زمان غیبت امام زمان و...) فریب کلام ظاهراً مستند او را خورده اند؛ اما با جمع بندی مطالب او و دقت علمی و دینی در آنها، انحرافات روشن می شود؛ ولی پیروان با تکیه بر ظواهر و توهم تقویت شدن حس غیبی خود، چشم بسته، مطالب او را پذیرفته اند.<sup>(۱)</sup>

#### ۲-۴. خرافه پردازی

مهدویت، زلال پاکی است که در گذر از مسیر تاریخ بیشترین طمع بدان شده است. طمع ورزی منحرفان این زلال را دست... خوش برخی خرافات کرده است. و امروزه نه فقط از دامنه آن کم نشده که بر دامنه آن افزوده شده است. این پندار باطلی است که گفته می شود گسترش دانش، خرافه گرایی را ریشه کن کرده یا به حد اقل رسانده است. کافی است انسان روزی را در میان توده مردم سپری کند و با آنها هم سخن شود آنگاه روشن خواهد شد که البته از خرافات ناآگاهانه دوره های پیشین کاسته و برخی خرافات متمدنانه رواج پیدا کرده است. و البته شگرد گسترش خرافات یکی از ابزار جریان های انحرافی است. برگزاری نماز جماعت به امامت حضرت مهدی علیه السلام و پهن کردن سجاده، ساخت برخی مکان ها و انتساب آن به حضرت مهدی علیه السلام و... نمونه هایی از این خرافه پردازی است.

#### ۲-۵. عوام زدگی

پیروی از نادانی نادانان بی خرد آسیبی است نابودکننده برای آموزه های دینی، آموزه هایی که به خردورزی و به دست آوردن آگاهی پافشاری و سفارش فراوان کرده

است. جریانهای انحرافی در فهم و نقل خویش بسیار پیرو خرسندی و ناخرسندی عوامند تا آنان را همواره گرد خویش نگه دارند.

## ۶-۲. خودمرکزی و مریدپروری

در بیشتر جریانهای انحرافی، جریانسازان همواره خود را به جای حقیقت، محور قرار داده، دیگران را فروتر از آن می‌پندارند که در رتبه آنها قرار گیرند؛ از این رو پیروان خود را از توجه به شخصیت‌های علمی به‌ویژه دانشمندان علوم دینی، برحذر می‌دارند؛ تا مبادا با رجوع به آنان، شیادی آنها آشکار شود.

نمونه روشن این ویژگی در جریان‌های منحرف معاصر، همان‌گونه که یاد شد، دور کردن افراد از تقلید و پیروی از مراجع تقلید است که با ایجاد شک و تردید در اصل تقلید و گاهی در اعتبار مراجع، پیروی از خود را برای آنان کافی می‌دانند.

اینان بیشتر خود را دارای کرامات و توان‌مندی‌های شگرف نشان می‌دهند و با این شگرد همواره نوعی دل‌نگرانی در طرفداران خود در گریز از اطراف خود پدید می‌آورند. برنامه‌های سیروسلوک ح. الف و معرفی خود به عنوان استاد اخلاق و عرفان از این موارد است.

## ۷-۲. بهره از سخنان چندپهلوی

چنگ زدن به روایات سست، ساختگی و چندپهلوی از دیگر ویژگی‌های جریانسازان انحراف است. روایات نیز همچون آیات قرآن دارای محکم و متشابه است. خداوند کسانی را که برای نیل به اهداف شیطانی خود آیات متشابه را دستاویز قرار می‌دهند به شدت سرزنش کرده، آنها را انسان‌هایی معرفی کرده که دل‌هایشان مریض شده است. (۱)

۱- ((هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ))؛ اوست کسی که این کتاب [قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره ای از آن، آیات محکم [صریح و روشن] است. آنها اساس کتابند و [پاره ای] دیگر متشابهاتند [که تأویل پذیرند]. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود] از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود. (آل عمران (۳)، آیه ۷).

بنابراین از ویژگی‌های مهم عموم جریان‌های انحرافی، بهره‌مندی جریان‌سازان آنها از گفتارهایی است که بر معانی گوناگونی قابل حمل است تا در هنگامه‌های گرفتاری با تفسیری گونه‌گون خود را رها کنند. به بیان دیگر نبود روشنی در سخن و چنگ زدن به سخنان مبهم و گنگ است به گونه‌ای که حتی برای برخی از طرفداران نیز غیر قابل فهم است.

نمونه روشن آن در تطبیق‌های نادرست در نشانه‌های ظهور است که امروزه برخی افراد انجام می‌دهند.

#### **۸-۲. دادن شأن و جایگاه دروغین به هواداران خود**

بی‌گمان هر انسانی از بزرگ‌داشت خود خرسند و شادمان می‌شود. از ویژگی‌های بیشتر جریان‌های انحرافی بزرگ‌داشت هواداران خود و سبک کردن دیگران است.

#### **۹-۲. بی‌ثباتی در باورها و پندارها**

نااستواری در ابراز باور از ویژگی‌های کسانی است که بر حقیقت ثابت ندارند. به ویژه جریان‌سازانی که از آگاهی چندانی برخوردار نیستند که بیشتر جریان‌ها را اینها شکل می‌دهند.

#### **۱۰-۲. پیروی از خواسته‌های نفسانی**

بررسی‌ها حکایت از آن دارد که شمار فراوانی از جریان‌های انحرافی از هواداران برای پاسخ خواسته‌های خود در انواع مختلف بهره‌های وافری برده‌اند. اعترافات برخی سران جریان‌های انحرافی از هواداران خود در سوءاستفاده‌های گوناگون از جمله جنسی گواه روشنی بر این ویژگی است.

#### **۱۱-۲. سوءاستفاده از آشتگی‌های سیاسی و اجتماعی**

از ویژگی‌های مهم جریان‌های انحرافی بهره‌برداری از موقعیت‌های خاص سیاسی و اجتماعی است. سوکمندانه پس از انقلاب باشکوه ایران اسلامی بدون پدیدآوردن ظرفیت‌های بایسته برای پاسخ به عطش برآمده برای فراگیری معارف و آموزه‌های دینی،

همواره شعله این زیاده‌خواهی پرفروغ‌تر شده است. اگرچه تلاش دست اندرکاران تبلیغ و ترویج معارف دینی در مقایسه با دوره‌های پیش از آن، رشد بسیار فراوانی را نشان می‌دهد، ولی این هرگز به معنای پاسخ فراگیر و همه‌جانبه به نیازهای جامعه در این فراگیری نیست و این خود بستر را برای افراد شیاد در فرآوری انحرافات و ادعاهای دروغین فراهم کرده است. به‌ویژه آنکه دشمنان این انقلاب در دهه نخست پیروزی انقلاب اسلامی، دانشمندان بزرگی را از انقلاب گرفتند.

## ۱۲-۲. بهره‌مندی از ویژگی‌های خاص ظاهری

اگرچه گفته شده بسیاری از جریان‌سازان انحرافات، دارای ناهنجاریهای روانی بوده و از تعادل شخصیتی در رنج هستند، ولی برخی از این افراد دارای ویژگی‌های شخصیتی خاص هستند که به راحتی با آن دیگران را فریب می‌دهند. از جمله کسوت به لباس روحانیت، سیدبودن، چهره‌ای مناسب، اخلاق خوش، برخورداری از بیان جذاب و تأثیرگذار و مانند آن.

## ۱۳-۲. ترویج پندارهای ادعایی عجیب و غریب

از ویژگی‌های جریان‌سازان منحرف برخی ادعاهای شگفت‌آور است که به‌ویژه نگاه جوانان را به خود جلب می‌کند و وقتی روایات را می‌بینیم اثری از این ادعاها به چشم نمی‌آید. از ادعای همسری امام زمان از برخی بانوان جریان‌ساز، تا طرح مباحثی چون ظهور صغرا پیش از ظهور و ملک کبیر هنگام ظهور و مانند آن را می‌توان از این پندارها دانست.

## ۳. پی‌آمدهای جریان‌های انحرافی

### ۱-۳. بی‌ثباتی در باورهای دینی

به نظر می‌رسد مهم‌ترین پیامد این انحرافات، پدیدآوردن تزلزل در باورهای دینی و مذهبی افراد است که این خود گناه بزرگ و نابخشودنی است که مصداق تام "یصدون عن سبیل الله" است.

کم نیستند افراد هوادار جریان‌های انحرافی که پس از مدتی به کلی از دین سرخورده شده و همه دین را خرافه و دروغ می‌پندارند. و پس از آن به هیچ نیروی هدایت‌گری دل نمی‌دهند.

## ۲-۳. از بین بردن سرمایه‌های فکری

بی‌گمان امروزه مکتب اهل بیت علیهم السلام بیش از هر زمان دیگر نیازمند بهره‌مندی از نیروهای فکری در عرصه‌های گوناگون است. ازدست رفتن این نیروها در جریان‌های انحرافی و هدررفت توان فکری آنها خسارت بزرگی به پیروان اهل بیت علیهم السلام وارد می‌کند.

### راه‌برد رودررویی با جریان‌های انحرافی

#### اشاره

بی‌شک جریان‌های انحرافی در مهدویت، افزون بر تخریب باورهای اصیل و هویت دینی و فرهنگی جامعه، امنیت ملی را نیز به چالش می‌کشد؛ از این رو افزون بر راهکارهای فرهنگی و علمی، برخورد امنیتی و عملی نیز امری ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.

علاقه‌مندان به مباحث اصیل مهدوی در کنار تلاش در نگهداری خویش و دیگران جهت در امان ماندن از ورود در جریان‌های انحرافی، می‌بایست تمام کوشش خود را برای رودررویی با این خطرات بزرگ به کار گیرند. به‌ویژه مسئولیت دانشمندان دین در این زمینه بس بزرگ و دارای ارزش است.

بنابراین برای رودررویی با این جریان‌ها دو نوع کار باید کرد: فعالیت‌های علمی و فعالیت‌های عملی

#### ۱. رفتارهای علمی

##### ۱-۱. بهره‌گیری از آگاهی‌های معتبر

دانش، سرآغاز هر رفتار است. پیش‌تر گفته شد نادانی از باورهای راستین مهدویت، سببی پایه‌ای برای شکل‌گیری جریان‌های انحرافی است؛ از این رو نخستین گام برای رهایی از این جریان‌ها، افزایش آگاهی‌های معتبر است.

مهم‌ترین عرصه برای این فراگیری چنگ زدن به آیات قرآن و روایات معتبر معصومان علیهم السلام است. از این رو در بُعد علمی و شناختی می‌بایست دلسوزان در این عرصه به گونه‌ای حساب شده، خردمندان و کارشناسان وارد صحنه شده به وظایف خود به خوبی عمل کنند. القای این آگاهی‌ها در دو بعد اساسی قابل تصور است: نخست



در معارف معتبر و اصیل مهدوی و آنگاه شناخت انحرافات، ویژگی‌ها و پی‌آمدهای آنها، در این راه نورانی.

### ۲-۱. طراحی سامانه مهندسی فراگیر مهدویت

بی‌شک ناهمگونی و ناهماهنگی میان عناصر فرهنگ دینی، زمینه را برای گسترش انحرافات پدید می‌آورد. نگاه سطحی، جزئی و جزیره‌ای به مباحث مهدویت از عوامل مهم شکل‌گیری جریان‌های انحرافی است. نگاه فراگیر و کلان به معارف مهدوی با یک سامانه مهندسی کلان از سوی متولیان فرهنگی اعم از روحانیون و فرهنگیان، به صورت هماهنگ، می‌تواند سد نفوذناپذیری در برابر شکل‌گیری این جریان‌ها و ادامه حرکت آنها به شمار آید.

این سامانه از آن جهت ارزش می‌یابد که شواهد حکایت از آن دارد که بسیاری از جریان‌هایی که به انحرافات بزرگ منجر می‌شوند در آغاز راه، چندان منحرف به چشم نمی‌خورند؛ از این رو بسیاری از کسانی که در این کج‌راه‌ها می‌افتند به سبب انحراف کند و آهسته، کمتر آن را احساس می‌کنند.

توجه به این نکته نیز دارای ارزش است که تفاوت بنیادین جریان‌های انحرافی در دوران معاصر نسبت به گذشته بهره‌مندی آنها از ابزار رسانه‌ای است که به نشر ناگهانی انحرافات کمک شایانی می‌کند به‌ویژه آنکه هم‌نوایی آنها با دشمنان سبب می‌شود تا بیگانگان مدد رسان خوبی برای این منحرفان باشند.

### ۳-۱. پافشاری بر خردورزی و پرهیز از خرافات

گفته شد یکی از ابزار مهم جریان‌سازان انحراف، چنگ زدن به امور پنداری و خرافی است. در راهبرد رودرویی با این جریان‌ها، پافشاری بر خردمندانه بودن آموزه‌های مهدوی و بازشناخت آنها بر پایه روایات معتبر است که می‌تواند حقایق بسیاری را آشکار سازد و راه را بر منحرفان ببندد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر جریان‌های انحرافی فاقد بنیان‌های قوی عقلی هستند. به همین دلیل جریان‌سازان این حرکت‌ها هواداران خود را به پرهیز از امور عقلانی سفارش و بیشتر آنها را در پندار و خیال قرار می‌دهند. و این خود زمینه را برای مقابله خردمندانه در برابر آنها فراهم می‌سازد.

ناگفته نگذرم، خطر به دام افتادن در دام جریان‌های انحرافی اگرچه بیشتر گروه‌های کم‌سواد و ساده‌جامعه را تهدید می‌کند، اما شواهد گواه آن است که پیچیدگی جریان‌های انحرافی معاصر در بسیاری از موارد سبب شده تا برخی انسان‌های تحصیل کرده جامعه نیز فریب برخی جریان‌سازها را خورده به انحراف کشیده شوند.

## ۲. راه‌های عملی

### ۱-۲. افشاگری و پدید آوردن حساسیت

بی‌گمان بزرگی پی‌آمدهای ناگوار این جریان‌های انحرافی راه را بر هر کوتاهی و مدارا می‌بندد که این انحرافات از مواد افیونی بدتر است که آن جان آدمی را و این روح انسان‌ها را نابود می‌کند و هرگز کسی به مدارا با مسببین آلوده شدن جوانان به مواد افیونی خرسند نخواهد بود. از این رو بر همگان به‌ویژه قشر فرهیخته جامعه است تا با بهره‌مندی از فرصت‌های ممکن به افشاگری این جریان‌ها پرداخته، به‌ویژه جوانان را از دام این انحرافات دور کنند.

### ۲-۲. جلوگیری از کارهای تبلیغی جریان‌ها

و در آنجا که خیرخواهی پاسخی در پی نداشت بهترین گزینه رودرویی با جریان‌های انحرافی و برچیدن بساط انحراف آنها است.

ناگفته نگذرم برخی جریان‌های انحرافی با پافشاری و از روی عمد و ظاهر به دفاع از نظام اسلامی و مقام معظم رهبری می‌... پردازند تا در سایه این ادعا، خود را از تیررس نگاه و برخورد نیروهای امنیتی در حاشیه امن قرار دهند. که نیاز به تیزهوشی مسئولان امر را دوچندان می‌نماید.

البته همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد بررسی‌های ژرف جریان‌های انحرافی امری بایسته و شایسته است که یک‌علاقه‌مند با معارف مهدویت هرگز نباید از آن غفلت کند. از این رو همه خوانندگان را به بررسی‌های عمیق و علمی جریان‌های انحرافی مهدوی فرا می‌خوانیم.

## خودآزمایی

۱. در پیدایش جریان های انحرافی چه عواملی نقش دارند؟ چهار مورد را توضیح دهید.
۲. مهم ترین ویژگی های جریان های انحرافی کدامند؟ پنج نمونه را توضیح دهید.
۳. بزرگ ترین آسیب جریان های انحرافی در عرصه اعتقادات کدام است؟ بیان نمایید.
۴. گروه های راهبرد در برابر جریان های انحرافی کدام است؟ توضیح دهید.
۵. از نگاه شما مهم ترین راهبرد عملی برای رودررویی با جریان های انحرافی چیست؟

===

## منابع برای پژوهش

۱. اسحاقیان، جواد، پیچک انحراف، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، قم، ۱۳۸۸ ش.
۲. عرفان، امیر محسن، قبیله تزویر، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۳. فصلنامه انتظار موعود، پیوند و همکاری متقابل بهائیت و صهیونیسم، ش ۱۸ و ش ۲۷.
۴. ویژه نامه کثر راهه، تأملی در عرفان های دروغین، جام جم، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، اسفند ۱۳۸۶ ش.
۵. فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر ایران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، سال ۱۳ بهار ۱۳۸۸ ش.

## درس یازدهم: رجعت و رجعت کنندگان (کلیات)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

بررسی واژه رجعت

چیستی رجعت

رجعت در اعتقادات شیعه

رجعت از نگاه اهل سنت

آثار تربیتی اعتقاد به رجعت

رجعت در امت‌های پیشین

ادله نقلی بر وقوع رجعت

**پیش درآمد**

بحث رجعت از مباحث برجسته اعتقادی پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام است. اگر چه در تاریخ شیعه، ده ها کتاب به گونه فراگیر یا در بخشی از آن در این زمینه نگارش یافته است، اما همانند برخی از دیگر باورهای شیعی، در فراز و فرودهای خود، همواره با چالش هایی روبرو بوده است؛ از درون چونان کم فهمی و یا کج فهمی و از بیرون مانند دیدگاه برخی علمای اهل سنت درباره این موضوع، که همواره مخالف با شیعه بوده، مشکلات را دو چندان ساخته است.

بررسی های واقع نگر و دور از سطح نگری درباره انگاره رجعت، بایسته ای ناگزیر است که می تواند حقایق افزون تری را فراروی دوستداران قرار دهد و افق های روشن تری را بنمایاند و در عین حال به برخی از پرسش ها و شبهات در این زمینه نیز پاسخ دهد.

در این درس و درس های آینده تلاش می شود تا اندازه ممکن، به این بحث مهم پرداخته شود و البته بررسی های تفصیلی را به مراجعه به منابع گسترده وا می نهمیم.

**مفهوم شناسی واژه رجعت****از نگاه لغت**

واژه "رجعت" از نگاه لغت به معنای «بازگشت» است؛ یعنی برگشتن به جایی که پیش تر در آنجا بوده است. برخی از بزرگان دانش لغت در گزارش از معنای یادشده، در کنار اشاره به برخی مصادیق آن نوشته اند:

«رجعت بازگشت مرد به اهلش بعد از طلاق است و گروهی معتقد به بازگشت به دنیا پیش از روز قیامت هستند»<sup>(۱)</sup>.

«به رجعت ایمان دارد. یعنی به بازگشت به دنیا بعد از مردن اعتقاد دارد. و همچنین بازگشت مرد به زن خود پس از طلاق را گویند»<sup>(۲)</sup>.

«رجوع: بازگشت به آنچه آغاز از آن بوده،... پس رجوع بازگشت را گویند که هم در طلاق به کار می‌رود و هم در بازگشت به دنیا بعد از مردن؛ از این رو است که می‌گویند فلانی به رجعت ایمان دارد»<sup>(۳)</sup>.

«الرجعه به فتح، یعنی برگشت پس از مرگ و بعد از ظهور مهدی»<sup>(۴)</sup>. البته به معنای بازگرداندن نیز به کار رفته است. خداوند می‌فرماید: انه علی رجعه لقادر.<sup>(۵)</sup>

چنانچه اشاره شد در همه موارد یادشده، با تعبیرهای گوناگون، یک هماهنگی وجود داشت و آن بازگشت به جایی که آغاز از آنجا بوده است.

بایسته یادآوری است که افزون بر واژه رجعت در بحث بازگشت برخی مردگان به دنیا، از واژه‌هایی مانند «کزه»<sup>(۶)</sup>، «اوبه»<sup>(۷)</sup> نیز استفاده شده است که به معنای بازگشت است.

## معنای اصطلاحی

در معنای اصطلاحی رجعت، دانشمندان شیعه به گونه‌های مختلفی سخن گفته‌اند. نگارنده با بررسی آن‌ها در یک جمع‌بندی به این نتیجه رسیده است که رجعت در اصطلاح عبارت است از: «بازگشت دو گروه از مردگان مؤمنین خالص و کافرین

۱- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، در توضیح واژه رجع.

۲- فیروزآبادی، مجدالدین محمدبن یعقوب، القاموس المحیط.

۳- راغب الاصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، پس از واژه الرجوع.

۴- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، پس از واژه رجع.

۵- الطارق (۸۶)، آیه ۸.

۶- امام باقر علیه السلام فرمود: «أَيَّامُ اللَّهِ ثَلَاثَةٌ يَوْمٌ يَقُومُ الْقَائِمُ وَ يَوْمُ الْكُزَّةِ وَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ»؛ (شیخ صدوق، الخصال، ج ۱، ص ۱۰۸).

۷- امام صادق علیه السلام در زیارت اربعین می‌فرماید: «وَ أَشْهَدُ أَنَّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ»؛ (شیخ طوسی، تهذیب، ج ۶، ص ۱۱۳).

خالص پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام با همان بدن‌هایی که در دنیا با آن زندگی می کرده اند. تا مؤمنان از برپایی حکومت جهانی عدل شاد شده، به فیض همراه حضرت مهدی علیه السلام برسند و کافران از پستی و حقارت ستمگران دردمند شده، و به برخی مکافات‌های دنیوی کارهای خود برسند.»

به این معنا در سخنان بزرگان علمای شیعه این گونه اشاره شده است:

شیخ مفید در این باره می‌نویسد:

خداوند گروهی از مردگان را به همان صورت‌هایی که در گذشته بودند، به دنیا بر می‌گرداند؛ پس گروهی را عزیز و گروهی دیگر را ذلیل می‌کند و اهل حق را بر اهل باطل غلبه و نصرت داده و مظلومین را بر ظالمین و ستم‌گران غلبه می‌دهد. این واقعه هنگام ظهور مهدی آل محمد علیهم السلام خواهد بود....(۱)

سید مرتضی نیز می‌نویسد:

بدان! عقیده شیعه چنین است، خداوند هنگام ظهور امام زمان علیه السلام گروهی از شیعیان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند به دنیا باز می‌گرداند تا آنان به پاداش یاری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نایل آیند و نیز برخی از دشمنان حضرتش را زنده می‌کند تا از ایشان انتقام گیرد و آنان برتری حق و منزلت پیروان حق را نگرسته و اندوهگین شوند(۲).

شیخ حرعاملی در این باره می‌نویسد:

بدان مراد از رجعت، زندگی بعد از مرگ و پیش از قیامت است. این معنا به ذهن متبادر می‌شود و علما نیز به آن تصریح کرده اند، چنان‌که از استعمالات آن فهمیده می‌شود و در بعضی از احادیث به آن تصریح شده است(۳).

۱- الشیخ المفید، محمدبن محمدبن النعمان، اوائل المقالات فی المذاهب و المختارات، (سلسله مؤلفات مفید ج ۴) ص ۷۷.

۲- سید مرتضی، جوابات المسائل الرازیه (رسائل الشریف ج ۱)، ص ۱۲۵.

۳- محمدبن حسن حرعاملی، الايقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، ص ۲۹.

مرحوم مظفر می نویسد:

عقیده شیعه در رجعت بر اساس پیروی از اهل بیت چنین است: خداوند عده ای از کسانی را که در گذشته از دنیا رفته اند، به همان اندام و صورت پیشین، زنده کرده و به دنیا باز می گرداند. به برخی از آنان عزت می دهد و پاره ای را ذلیل و خوار خواهد کرد و حقوق حق پرستان را از باطل پرستان می گیرد و داد ستم دیدگان را از ستم گران می ستاند و این، یکی از رویدادهایی است که پس از قیام مهدی آل محمد علیهم السلام پدید می آید. کسانی که پس از مردن به این جهان باز می ... گردند یا از ایمان بالا برخوردارند یا افرادی در نهایت درجه تباهی و آن گاه دوباره می میرند... (۱).

البته برخی رجعت را به بازگشت دولت آل محمد علیهم السلام تأویل نموده اند و بازگشت خود ائمه علیهم السلام را با بدن های ظاهری اشان منکر شده اند؛ (۲) که سخنان به جهاتی مردود است:

اول . شبهاتی که ایشان در بحث رجعت با آن مواجه شده اند، بی پاسخ مانده است؛ در بخش شبهات بیان خواهد شد.

دوم. در روایات فراوانی اشاره به بازگشت جسمانی ائمه علیهم السلام شده است و هرگز این روایات قابل تأویل و توجیه نیست.

سوم . در روایاتی که به فلسفه رجعت اشاره کرده، تصریح شده است که بازگشت مؤمنین جهت لذت بردن از دولت کریمه و بازگشت کفار، جهت متألم شدن از حکومت حق است و این روایات نیز تأویل به دولت حق نمی شود.

چهارم . رجعت هایی که در امت های گذشته صورت گرفته و در روایات به آن اشاره شده، همه رجعت مردگان را با همان جسم دنیایی بیان کرده اند. بنابراین رجعت در آخرالزمان نیز همان گونه خواهد بود.

پنجم . یکی از اهداف رجعت، انتقام از کفار است و این با تأویل رجعت به دولت ائمه سازگاری ندارد.

۱- محمد رضا مظفر، عقاید الامامیه، ترجمه علیرضا مسجد جامعی، ص ۲۹۴.

۲- ر.ک: سید محمد صدر، تاریخ ما بعد الظهور، ص ۸۵۹.



سید مرتضی در پاسخ پرسش هایی که از ری به دستش رسیده بود، در باره این پرسش که حقیقت رجعت چگونه است؟ چرا عده اندکی از امامی ها می گویند مراد بازگشت دولت اهل بیت علیهم السلام در زمان حضرت قائم علیه السلام است نه بازگشت بدن ها گفته است:

... اما آنها که که رجعت را تأویل کرده و گویند مراد بازگشت دولت ائمه علیهم السلام است نه بازگشت مردگان به دنیا، چون نمی توانند رجعت را اثبات کنند دست به تأویل می زنند، ولی اینجا تأویل راه ندارد، زیرا دلیلش ظاهر اخبار نیست تا قابل تأویل باشد. امر حتمی و قطعی ممکن نیست مدرکش خبر واحدهایی باشد که یقین آور نیست، دلیلش اجماع امامیه است که به اتفاق معتقدند هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام خداوند جمعی از دوستان وعده ای از دشمنان خود را زنده می کند، پس مطلب قطعی و حتمی است و احتمالی نیست که تأویل پذیر باشد. (۱)

مرحوم طبرسی نیز در مجمع البیان این تأویل را ناشی از عدم توانایی بر پاسخ گویی به شبهات مطرح شده دانسته و به برخی شبهات پاسخ داده است (۲).

بنابراین در معنای اصطلاحی رجعت، همان تفسیر نخست درست است.

### چیستی و چگونگی رجعت

از مجموع آیات، روایات و بیان دانشمندان بزرگ شیعه که به آنها اشاره خواهد شد، به دست می آید که رجعت، جهانی است با ویژگی های خاص به خود که نه به طور دقیق چون جهان دنیاست و نه همانند جهان آخرت است و در عین حال، برزخ نیز نیست؛ عالمی است با تعریف خاص به خود.

مرحوم علامه طباطبایی در این باره می نویسد:

رجعت از مراتب روز قیامت است اگر چه در کشف و ظهور پایین تر از روز قیامت است و دلیل پایین تر بودن آن از قیامت، امکان راه یافتن تباهی و شر (فی الجمله) در آن است، به خلاف قیامت که هیچ گونه تباهی و شری در

۱- ر.ک: شریف مرتضی، رسائل المرتضی، ج ۱، ص ۱۲۵.

۲- ر.ک: طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۴۰۶.

آن راه نخواهد یافت و به همین دلیل روز ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیز گاه ملحق به قیامت شده است به خاطر ظهور و غلبه تامه حق، اگر چه روز ظهور حضرت نیز پایین تر از روز رجعت است (۱).

روشن است که مرحوم علامه رستاخیز بزرگ را در بالاترین درجه کشف و شهود دانسته و رجعت، در رتبه میانی است و پایین تر از این دو، ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

دستآورد سخن اینکه اگر چه رجعت، در همین دنیای مادی و با این مشخصه های ویژه اتفاق خواهد افتاد؛ اما مقیاس هایی که در آن روز بزرگ به وقوع خواهد پیوست، آن را از نحوه زندگی در زمان ما متفاوت خواهد کرد و بی گمان تبیین زوایای آن، امروزه کاری بس سخت می نماید؛ همان گونه که حقیقت معاد همچنان جزو رازهای خداوند است.

### جایگاه رجعت در اعتقادات شیعه

در روایات باور به «رجعت» در میان اعتقادات شیعه از جایگاه والایی برخوردار است تا جایی که منکر آن را از دایره تشیع بیرون دانسته شده است..

امام صادق علیه السلام فرمود: « لَيْسَ مَنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرْتِنَا؛ (۲) از ما نیست کسی که ایمان به بازگشت ما ندارد... »

در روایتی دیگر آن حضرت یکی از شرایط ایمان را اعتقاد به رجعت دانسته و می فرماید:

مَنْ أَقْرَبَ سَبْعَةَ أَشْيَاءَ فَهُوَ مُؤْمِنٌ... وَالْإِيمَانُ بِالرَّجْعَةِ؛ (۳) هر کس به هفت چیز اعتقاد داشته باشد مؤمن است... که یکی از آنها ایمان به رجعت است.

۱- محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۱۰۹.

۲- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸، ح ۴۵۸۳.

۳- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۱۳۲، ش ۳۰۱۶۴.

از این روایت استفاده می‌شود اعتقاد به رجعت نیز در کنار اعتقاد به یکتاپرستی و همانند آن از ضروریات به شمار می‌آید.

مرحوم شیخ مفید در توضیح کلام امام صادق علیه السلام می‌نویسد:

و اما قوله عليه السلام «من لم يقل برجعتنا فليس منا»، فانما اراد بذلك ما يختصه من القول به في ان الله تعالى يحيي قوماً من امه محمد صلى الله عليه وآله بعد موتهم قبل يوم القيامة و هذا مذهب يختص به آل محمد صلى الله عليه وآله و عليهم؛ (۱) و اما فرمایش معصوم علیه السلام که فرمود: هر کس قائل به رجعت ما نشد از ما نیست، همانا از آن اراده کرده است مسئله رجعت را که عبارت است از اینکه خداوند گروهی از آل محمد علیهم السلام را پس از مردن پیش از روز قیامت زنده می‌کند و این مذهبی است مختص به آل محمد علیهم السلام.

شیخ طوسی در این زمینه می‌نویسد:

پیامبر ما صلی الله علیه وآله و ائمه معصومین علیهم السلام همراه با گروهی از امت های گذشته و آینده باز خواهند گشت و بر این اعتقاد آیات و روایات فراوانی دلالت دارد و خداوند فرمود: «و روزی که برمی‌انگیزیم از هر امتی گروهی را...»، پس اعتقاد به رجعت لازم است. (۲)

شیخ حر عاملی پس از نقل سخنان برخی دانشمندان در باره ارزش باور به رجعت نزد شیعه دلیل خود را مبنی بر ضروری بودن این اعتقاد، این گونه بیان می‌کند:

و از جمله ادله ای که رجعت را صحیح و ضرورت آن را بر هر آشنا با اخبار مسلم دانسته، این است که: در هیچ یک از ضروریات مثل وجوب نماز و حرمت زنا، بیش از رجعت، حدیث وارد نشده است. شاهد این گفته روایت علمای اهل سنت؛ چون فخر رازی، نیشابوری، زمخشری، شهرستانی، ابن ابی الحدید و... است که در کتاب های خود، شیعه را معتقد به رجعت دانسته و به آنان اعتراض می‌کنند. این خود دلیل است که

۱- شیخ مفید، المسائل السرویه، (سلسله مؤلفات الشیخ المفید)، ج ۷، ص ۳۲.

۲- شیخ طوسی، رساله العقاید الجعفریه، ص ۲۵۰.

رجعت صحیح بوده و مختص به امامیه و از ضروریات مذهب ایشان است (۱).

فخرالدین طریحی اسدی در مجمع البحرین افزون بر بیان معنای رجعت، جایگاه آن را نزد شیعه این گونه توضیح می دهد:

... و این رجعت از ضروریات مذهب امامیه است و شواهد قرآنی و روایات وارده از اهل بیت علیهم السلام در این زمینه، مشهورتر از آن است که لازم به یادآوری باشد. حتی از ائمه علیهم السلام وارد شده است: « هر کس به رجعت ما اقرار نداشته باشد از ما نیست. » (۲)

برخی از مفسرین معاصر نیز به روشنی بیان کرده اند که:

« رجعت از ضروریات مذهب شیعه است و نه از ضروریات اسلام... » (۳).

### رجعت از نگاه اهل سنت

این باور اگرچه ریشه قرآنی دارد، اما از آنجا که در مکتب اهل بیت علیهم السلام به طور ویژه بدان پرداخته شده از همان ابتدای پیدایش مورد ناسزاگویی و استهزای اهل سنت قرار گرفت. به گونه ای که برخی این عقیده را برگرفته از عقاید یهود و نصاری دانسته و دیگری منشأ اعتقاد به رجعت را پندارهای عرب جاهلیت دانسته، (۴) دیگری به سبب نفهمیدن درست این اعتقاد، آن را اعتقادی مضحک قلمداد نموده است. (۵) و گروهی نیز آن را از افکار «عبدالله بن سبا» و روایاتی دروغین دانسته (۶)، دیگری منشأ باور به رجعت را تأثیرات فلسفه آفریقایی بر ذهن شیعه قلمداد کرده است (۷).

برخی پا را از همه آنچه گفته شد فراتر نهاده و باور به رجعت را برابر با تکذیب

۱- حر عاملی، الايقاظ من الهجعه، ص ۶۷.

۲- طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، ص ۶۷۹.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۱.

۴- ناصر قفاری، اصول مذهب الشیعه عرض و نقد، ج ۳، ص ۹۱۱؛ اصفهانی، الاغانی، ج ۳، ص ۱۳۹ (حاشیه ۲). محمد مال الله، الشیعه و تحریف القرآن، ص ۲۵.

۵- ربیع بن محمد سعودی، الشیعه الامامیه الاثنا عشریه فی میزان الاسلام، ص ۲۰۲.

۶- همو، الشیعه و التشیع، ص ۳۵۹.

۷- حسن ابراهیم، تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۲۵۹.

آیات قرآن و کفر دانسته اند.<sup>(۱)</sup> و کم نیست این گونه سخنان ناشایست که در طول تاریخ نثار باورمندان رجعت شده است.

مرحوم مظفر در این باره نوشته است:

اهل سنت عقیده به رجعت را خلاف عقاید اسلامی می داند و آن را هیچ نمی پسندند. نویسندگان و شرح حال نویسان آنها معتقدین به رجعت را طعن و طرد کرده و آن را نشانه طرد روایت راوی می دانند. گویا در نظر آنان عقیده به رجعت در شمار کفر و شرک یا بدتر از آن قرار دارد و به این بهانه شیعه را می کوبند و ناسزا می گویند.

بدون شک این از اقسام دستاویزهای بی اساس و گمراه کننده ای است که فرقه های اسلامی آن را وسیله ای برای طعن و طرد یکدیگر قرار داده اند، ولی هیچ مجوزی که صحت این دستاویز را روشن کند وجود ندارد، زیرا اعتقاد به رجعت، نه فقط هیچ گونه ایراد و خدشه ای در عقیده به یکتاپرستی و نبوت وارد نمی سازد، بلکه به عکس، این هر دو عقیده را تقویت می کند، زیرا رجعت مانند حشر و نشر، دلیل قدرت کامل خداوند بوده و از امور غیرعادی و معجزه ای از پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت او علیهم السلام است. رجعت، در اصل معجزه زنده کردن مردگان است؛ چنان که حضرت مسیح علیه السلام انجام می داد، اما این رساتر، کامل تر و اعجازش بیشتر است به دلیل این که رجعت در وقتی انجام می گیرد که مردگان همه خاک شده اند.<sup>(۲)</sup>

مرحوم علامه طباطبایی نیز جایگاه رجعت در نگاه اهل سنت را این گونه بیان کرده است:

غیر شیعه، یعنی اهل تسنن اگر چه به ظهور حضرت مهدی اعتراف کردند و آن را به طور متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کردند، لکن رجعت را انکار کرده و قول به رجعت را از مختصات شیعه برشمرده اند و

۱- محمد مال الله، الشیعه و تحریف القرآن، ص ۲۵.

۲- محمدرضا مظفر، عقاید الامامیه، ص ۱۲۰.

در این ایام بعضی از آنانکه منتسب به شیعه هستند نیز به آنان ملحق شدند.<sup>(۱)</sup>

### آثار تربیتی اعتقاد به رجعت

همان‌گونه که انتظار فرج نقش برجسته و به‌سزایی در پویایی و نشاط جامعه ایفا می‌کند، باور به رجعت و بازگشت به دنیا در عصر ظهور، نیز می‌تواند نقش مهم و به‌سزایی در نشاط دینی و امید به حضور در حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام ایفا کند، چرا که انسان با دیدن افرادی که همه عمر خود را در انتظار ظهور حضرت مهدی علیه السلام سپری کرده‌اند و آنگاه بدون درک ظهور از دنیا می‌روند، دچار سرخوردگی شده و حتی در جایگاه انتظار نیز دچار ناامیدی خواهد شد و اگر بدانند در هنگام ظهور در صورت دارا بودن شرایط، امکان بازگشت او به دنیا و حضور در محضر آخرین امام علیه السلام را دارد در امیدواری او نقش بسیاری خواهد داشت.

افزون بر آن، شخص علاقه‌مند به درک محضر آخرین حجت الهی، نهایت تلاش خود را به کار خواهد بست که به درجات بالای ایمان رسیده تا در زمره مؤمنان رجعت‌کننده باشد.

### زمان رجعت

از روایات معصومین علیهم السلام استفاده می‌شود، رجعت همزمان با ظهور حضرت مهدی علیه السلام آغاز می‌شود و در دوران ظهور ادامه پیدا خواهد کرد. و همانند برخی از حوادث دیگر جزو کرامات به شمار می‌آید؛ زنده شدن مردگان و بیرون آمدن از قبرها در حالی که سر و رویشان را غبار و خاک گرفته و آنان خاک از سر می‌افشانند، حالتی است که مردم آن را ندیده‌اند و در آن روز خواهند دید.

ظهور حضرت مهدی علیه السلام در نظام آفرینش از چنان ارزشی برخوردار است که افزون بر شادمانی زندگان، خبر ظهور به مردگان نیز داده می‌شود و آنها که صلاحیت بازگشت دارند، مخیر میان بازگشت و ماندن در قبرها می‌شوند.

۱- محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۱۵، ص ۵۵۸.

## امکان رجعت

پیش از آنکه وارد بحث شویم؛ بایسته است به بررسی امکان رجعت پردازیم.

امکان به دو قسم تقسیم می شود: امکان ذاتی و امکان وقوعی.

امکان ذاتی رجعت:

شکی نیست که رجعت، به خودی خود، دارای امکان ذاتی است؛ چرا که زنده کردن مردگان چه در دنیا و چه در آخرت در توان خداوند است و هیچ خردمندی در آن شک ندارد. خداوند، در آیات فراوانی با ردّ مخالفان، معجزه زنده شدن مردگان را به دست پیامبران خود، دلیلی بر معاد، قیامت و زنده شدن مردگان، ارائه کرده است.

امکان وقوعی رجعت:

بهترین دلیل بر امکان یک چیز، وقوع آن است. وقوع رجعت، با بهره از بیانات نورانی قرآن و شواهد تاریخی، به روشنی تمام اثبات شدنی است.

برخی از منکرین رجعت، نه فقط وقوع آن را غیرممکن دانسته اند بلکه امکان آن را نیز محال دانسته اند و برخی دیگر امکان ذاتی آن را بدون اشکال دانسته اند و فقط در بخش امکان وقوعی آن را محال ذکر کرده اند.

دسته سوم کسانی هستند که وقوع آن را در گذشته قبول کرده اند، ولی باور شیعه را نپذیرفته اند و منکر آن در آینده شده اند.

مرحوم علامه طباطبایی درباره هماهنگی میان رجعت و معاد جسمانی ذیل آیه شریفه: ((هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ وَالْمَلَائِكَةِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ))؛<sup>(۱)</sup> مگر انتظار آنان غیر از این است که خداوند و فرشتگان در زیر سایبان‌هایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار داوری یکسره شود؟ و کارها به سوی خدا باز گردانده می شود.

پس از اشاره به برخی از روایات می نویسد:

نظیر این گونه روایات از خاندان پیغمبر صلی الله علیه وآله فراوان است که بسیاری از آیات را گاهی به قیامت و گاهی به رجعت و گاهی به ظهور مهدی آل محمد

عليهم السلام تفسير کرده اند و این نیست مگر به واسطه یک نحو سنخیت و مناسبتی که میان این سه روز موجود است (۱).

با این تعبیر آنگاه که رجعت و معاد از یک سنخ دانسته شد دلایل امکان هر دو یک چیز خواهد شد و شکی نیست که ادله فراوانی بر معاد اقامه شده است.

شیخ حر عاملی در اثبات امکان رجعت می نویسد:

دلیلی که بر صحت معاد به آن استدلال کرده اند، حاصلش این که امری است ممکن (یعنی محال نیست)، گوینده راست گو هم خبر داده، پس حق است. اما امکانش، که روشن است؛ زیرا مکرر اتفاق افتاده (که مرده ای زنده شده) و وقوع دلیل امکان است و اما اخبار گوینده راست گو هم که به تواتر رسیده چنان که بعداً هر دو موضوع خواهد آمد، و بیان می کنم که عده ای از پیامبران و اوصیاء عليهم السلام و غیر آنها پس از مرگ زنده شدند، و این دلیل، بر اثبات رجعت بهتر است تا برای اثبات معاد؛ چرا که امر معاد بالاتر، و حالاتش عجیب و غریب تر است، و نظیرش تاکنون پیدا نشده به خلاف رجعت، و در قرآن و اخبار هم اشاره به این دلیل است و بر منکران زنده شدن مردگان سخت اعتراض شده است (۲).

کوتاه سخن اینکه:

زنده شدن گروهی از مردگان در این دنیا از محالات نیست، همان گونه که زنده شدن همه انسان ها در قیامت ممکن است و شگفتی از چنین امری، همچون شگفتی گروهی از مشرکان دوران جاهلیت از مسئله معاد است و تمسخر در برابر آن چونان تمسخر کفار و مشرکان در باره معاد است، چرا که عقل چنین چیزی را محال نمی داند و قدرت خدا آن چنان گسترده است که همه این موارد در برابر آن آسان است (۳).

### گزارش رجعت در امت های پیشین

از آنجایی که قرآن پایه ای ترین ابزار برای اثبات حقایق دینی است، در مسئله رجعت

۱- محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ترجمه محمدتقی مصباح، ج ۲، ص ۱۴۶.

۲- شیخ حر عاملی، الايقاظ من الهجعه، انتشارات نوید، ص ۳۱.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۵۶ (با تصرف).



نیز به عنوان نخستین منبع و اصلی ترین آنها، بدان توجه می شود. با یک نگاه گذرا به آیات مربوط به رجعت، پدیدار شدن آن امری مسلم می نماید.

در این دسته از آیات، به روشنی وقوع رجعت میان اقوام و ملل گذشته گزارش شده است؛ مانند: زنده شدن هفتاد نفر از یاران حضرت موسی علیه السلام، (۱) زنده شدن کشته بنی اسرائیل، (۲) زنده شدن هزاران نفر، (۳) زنده شدن عزیر پس از صد سال، (۴) زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی علیه السلام. (۵)

در یک جمع بندی کوتاه، به نکات ذیل می توان اشاره کرد:

۱. به تصریح آیات قرآن، رجعت های فراوانی در گذشته پدیدار شده است.

۲. افزون بر دانشمندان شیعه، بیشتر دانشمندان اهل سنت نیز بر این باورند که در گذشته، رجعت هایی صورت گرفته است.

بنابراین شکی نخواهد ماند که در گذشته، به خواست پروردگار انسان های فراوانی، پس از مردن، دوباره با همان بدنی که از دنیا رفته اند زنده شده، به زندگی دنیایی ادامه داده اند.

۱- ((وَ إِذِ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۵۵) ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ))؛ (بقره (۲)، آیه ۵۵ و ۵۶).

۲- ((وَ إِذِ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مِمَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ (۷۲) فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِنَعْصَةٍهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَ يُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ))؛ (بقره (۲)، آیه ۷۲ و ۷۳).

۳- ((أَلَمْ تَر إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَرِهِمْ وَهُمْ أَلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَغَدُوفٌ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ))؛ (بقره (۲)، آیه ۲۴۳).

۴- ((أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْبَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعِيدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ))؛ (بقره (۲)، آیه ۲۵۹).

۵- ((وَأُحْيِيَ الْمَوْتَى بِإِذْنِ اللَّهِ))؛ (آل عمران (۳)، آیه ۴۹).

## خودآزمایی

۱. رجعت را از نگاه لغت و اصطلاح توضیح دهید.
۲. در باره چیستی و چگونگی رجعت توضیح دهید.
۳. باور اهل سنت در باره رجعت چگونه است و چرا با اعتقاد شیعه مخالفند؟
۴. چگونه باور به رجعت می تواند در تربیت دینی مؤثر باشد؟
۵. گزارش رجعت در امت های گذشته چه نقشی در اثبات این اعتقاد دارد؟

===

## منابع برای پژوهش

۱. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ترجمه سید محمدجواد وزیری فرد، تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب، ۱۳۸۰ق.
۲. طبسی، محمدرضا، شیعه و رجعت، ترجمه محمد میرشاه ولد، انتشارات دارالنشر اسلام.
۳. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۰ ش.
۴. رفیعی قزوینی، ابوالحسن، رجعت و معراج، تهران، کتابفروشی اسلام، ۱۳۷۹ ش.
۵. طارمی، حسن، رجعت از دیدگاه عقل، قرآن و حدیث، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۷ ش.



## درس دوازدهم: رجعت و رجعت کنندگان (در آخرالزمان)

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

رجعت در آخرالزمان

خروج دابه الارض

زنده شدن برخی مردگان

پیمان انبیا بر یاری پیامبر صلی الله علیه و آله

دو بار زنده شدن و دو بار مردن

سوگند دشمنان اهل بیت بر زنده نشدن مردگان

رجعت کنندگان

## پیش درآمد

پیروان مکتب اهل بیت با استناد به سخنان امامان معصوم علیهم السلام بازگشت برخی مردگان را در آخرالزمان و دوران ظهور حضرت مهدی علیه السلام امری ناگزیر و مسلم می‌دانند. افزون بر آیاتی که در درس گذشته بر وقوع رجعت یاد شد که دلیل روشنی بر امکان آن خواهد بود. دسته دیگری از آیات که در باره رجعت سخن گفته است، آیاتی است که به بیان برخی از روایات، بر رجعت در آخرالزمان و پیش از قیامت دلالت دارد.

بر خلاف دسته نخست، این گروه از آیات، نیازمند تأویل، یا تفسیر به وسیله پیشوایان معصوم علیهم السلام و بزرگان دین است.

در این درس تلاش می‌شود تا با بهره مندی از آیات قرآن کریم، سخنان معصومان علیهم السلام و نیز بیانات بزرگان، این بحث را در حد امکان بررسی نماییم. و تفصیل بیشتر مطالب را به منابع مفصل در این باره سفارش می‌کنیم.

## رجعت در آخرالزمان

### اشاره

بر خلاف تصور برخی که رجعت در عصر ظهور و پیش از برپایی قیامت را فقط با بهره از روایات می‌دانند، از شماری از آیات قرآن نیز اگرچه با توضیح روایات می‌توان این پدیده بزرگ را اثبات کرد. برخی از این آیات و مباحث مربوط، بدین قرارند:

### خروج دابه الارض

از آیاتی که با استفاده از روایت اهل بیت علیهم السلام مربوط به رجعت دانسته شده

است، آیه ای است که از خروج "دابه الارض" سخن به میان آورده است:

وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ؛ (۱) و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبنده ای را از زمین برای آنان بیرون می آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنان که باید] به نشانه های ما یقین نداشتند.

علامه طباطبایی در بحث روایی در ذیل آیه شریف، به نقل از تفسیر قمی از حضرت امام صادق علیه السلام روایت می کند:

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین برخورد و او را در مسجد خوابیده دید؛ بدین حال که مقداری شن جمع کرده و سرش را روی آن گذاشته بود. حضرت با پای خود حرکتش داد و فرمود: «برخیز ای دابه الارض!» مردی از اصحاب عرض کرد: «یا رسول الله! آیا ما هم می توانیم رفقای خود را به این نام بنامیم؟» فرمود: «نه؛ به خدا سوگند! این نام، جز برای او نیست و او همان دابه ای است که خدای تعالی در کتابش درباره او فرمود: «وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ...». آن گاه فرمود: «یا علی! چون آخرالزمان شود، خدای تعالی تو را در بهترین صورت بیرون می آورد؛ در حالی که با تو است وسیله داغ نهادن و دشمنان خود را با آن، نشان می کنی.» (۲)

بنابراین «دابه»، به معنای «جنبنده» و «ارض»، به معنای «زمین» است و بر خلاف آنچه بعضی می پندارند «دابه» فقط به جنبندگان غیر انسان اطلاق نمی شود؛ بلکه مفهوم گسترده ای دارد که انسان ها را نیز دربر می گیرد؛ چنان که در آیه ۶ سوره هود می خوانیم:

((وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا))؛ هیچ جنبنده ای در زمین نیست، مگر این که روزی او بر عهده خدا است.

و نیز در آیه ۶۱ سوره نحل آمده است:

((وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ مَا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ))؛ اگر خداوند، مردم را به سبب ستم هایشان مجازات می کرد، جنبنده ای را بر زمین باقی نمی گذاشت.

۱- نمل (۲۷)، آیه ۸۲.

۲- محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۵۶۷.

البته اهل سنت، دابه الارض را موجودی از جنس غیر انسان با ویژگی های شگفت آور ذکر کرده اند. که می توان در بیشتر تفاسیر آنها ذیل آیه آن را دید.

شیعه به پیروی از روایات معصومان علیهم السلام دابه الارض را یک انسان فوق العاده می دانند که یکی از کارهای برجسته او، جداساختن صفوف مسلمانان از منافقان و نشانه گذاری آن ها است. حتی از برخی روایات استفاده می شود که عصای موسی و انگشتر سلیمان با او است و می دانیم که عصای موسی، ابزار توان و اعجاز، و خاتم سلیمان ابزار حکومت و سلطه الهی است. از این رو، او یک انسان توان مند و افشاگر است. در روایتی حضرت امیر خود را این گونه وصف کرده است:

... وَ إِنِّي لَصِيحِبُ الْكُرَاتِ وَ دَوْلِهِ الدُّوَلِ وَ إِنِّي لَصِيحِبُ الْعَصَا وَ الْمِيسِمِ وَ الدَّابَّةِ الَّتِي تُكَلِّمُ النَّاسَ؛ (۱) و همانا من صاحب بازگشت ها و دولت دولت ها هستم و من صاحب عصا و نشانه گذار و جنبنده ای هستم که با مردم سخن می گوید.

از این رو، در زیارت امام علی علیه السلام به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ وَ وَارِثَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَ الْأَخِيرِينَ وَ صَاحِبَ الْمِيسِمِ؛ (۲) درود بر تو ای ستون دین و وارث دانش اولین و آخرین و صاحب نشانه گذار.

با توجه به آنچه نقل شد، به راحتی می توان گفت: «دابه الارض» انسان برجسته ای است که برای انجام کاری بس مهم پیش از قیامت به زمین باز می گردد.

و نیز این که در روایات شیعه و سنتی وارد شده است که مؤمن و کافر را نشانه گذاری می کند و صفوفشان را مشخص می سازد، با انسان سازگار است. سخن گفتن با مردم که در متن آیه قرآن به عنوان توصیف او آمده نیز مناسب همین معنا است.

### زنده شدن برخی مردگان

یکی دیگر از آیاتی که به واسطه آن بر حتمی بودن رجعت در آخرالزمان، استدلال شده است، چنین است:

۱- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۹۷.

۲- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۹، ش ۳۱۹۷.

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ؛<sup>(۱)</sup> و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده اند، محشور می کنیم؛ پس آنان نگاه داشته می شوند، تا همه به هم بیوندند.

از جمله کسانی که به وسیله این آیه، بر رجعت در آخرالزمان، استدلال کرده اند، می توان شیخ مفید<sup>(۲)</sup> و نیز شیخ طوسی<sup>(۳)</sup> را نام برد.

مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع البیان ذیل این آیه شریف نوشته است:

شیعیان که به رجعت عقیده دارند، با این آیه، بر درستی اعتقاد خود استدلال کرده و گفته اند: آمدن «من» در سخن، موجب تبعیض است و دلالت دارد بر این که در روز مورد نظر، برخی از اقوام برانگیخته شده و برخی دیگر برانگیخته نمی شوند و این، صفت روز رستاخیر نیست؛ چرا که خداوند سبحان، درباره آن فرموده است «آنان را بر می انگیزیم و هیچ یک از آنان را فروگذار نمی کنیم»<sup>(۴)</sup>.

علامه طباطبایی نیز ذیل آیه شریف، پس از بیان برخی سخنان و رد آن ها، استدلال بالا را بیان می کند. آن گاه در بیان این که «حشر» از نظر قرآن، غیر از قیامت است، می نویسد:

این آیه و دو آیه بعدش، پس از داستان بیرون شدن «دابه» از زمین واقع شده اند که خود، یکی از علایمی است که پیش از قیامت واقع می شود؛ قیامتی که در چند آیه بعد، درباره آن می فرماید: وَ نُفِخَ فِي الصُّورِ و تا چند آیه بعد اوصاف وقایع آن روز را بیان می کند و معنا ندارد پیش از آغاز بیان اصل قیامت و وقایع آن، یکی از وقایع آن را زودتر ذکر کند؛ چون ترتیب وقوعی اقتضا می کند اگر حشر یک فوج از هر امتی هم جزو وقایع قیامت باشد، آن را پس از مسأله نفخ صور ذکر فرماید؛ ولی این گونه ذکر نکرد، بلکه پیش از نفخ صور، مسأله حشر فوج از هر امتی را آورده است؛

۱- نمل (۲۷)، آیه ۸۳.

۲- شیخ مفید، المسائل السرویه، ص ۳۲.

۳- شیخ طوسی، التبیان، ج ۸، ص ۱۲۰.

۴- طبرسی، مجمع البیان، ج ۸۷، ص ۳۶۶.



پس معلوم می شود این حشر جزو وقایع قیامت نیست. (۱)

در تفسیر قمی نیز همین مضمون را ذیل آیه شریف، به استناد فرمایشی از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود:

مردم درباره آیه ((يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا)) چه می گویند؟ راوی گفت: «می گویند: این آیه درباره قیامت است». فرمود: «نه، این طور که آنان می گویند، نیست؛ بلکه درباره رجعت است. مگر خدای تعالی، در قیامت از هر امت فوجی را محشور می کند و بقیه آن امت ها را رها می کند؟ با این که خودش فرمود: ((وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا))؛ آنان را محشور کردیم و احدی را از قلم نینداختیم.» (۲)

کوتاه سخن این که برانگیخته شدن آیه مذکور در یکی از این سه زمان ممکن است:

پیش از قیامت، پس از قیامت یا در هنگام قیامت و صورت چهارمی نخواهد داشت.

صورت سوم باطل است؛ چرا که حشر در قیامت، فراگیر است؛ نه این که از هر امتی، تعدادی محشور شوند.

صورت دوم نیز باطل است؛ چرا که پس از قیامت، مجرمان به جهنم و نیکان به بهشت خواهند رفت و با این بیان، فقط احتمال نخست، باقی خواهد ماند، که قول شیعه امامیه است.

### پیمان انبیا بر یاری پیامبر صلی الله علیه و آله

از جمله آیاتی که شیعه بر رجعت در آخر الزمان ارائه کرده است، این آیه است: ((وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنَاكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمِهِ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ وَقَالَ أَأَقْرَضْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَضْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ))؛ (۳) «و (یاد کن) هنگامی که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده ای آمد که آنچه را با شما است

۱- محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۵، ص ۵۷۰.

۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۶.

۳- آل عمران (۳)، آیه ۸۱.

تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاری اش کنید و فرمود: «آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید؟» گفتند: «آری، اقرار کردیم». گفت: پس گواه باشید و من با شما از گواهانم.»

پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام با بهره مندی از راهنمایی های ایشان، بر این باورند که به روشنی از این آیه استفاده می شود یاری و ایمانی که از پیامبران بر آن پیمان گرفته شده است، پس از آمدن رسول اکرم صلی الله علیه و آله خواهد بود. افعال «لَتُؤْمِنَنَّ» و «لَتَنْصُرُنَّهُ» مضارع مؤکد بوده، بر انجام کار در زمان آینده دلالت دارند؛ یعنی زمانی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیامبران گذشته همگی زنده شوند و پیامبران پیشین، بر پایه پیمان الهی خود، نبی اکرم صلی الله علیه و آله را یاری دهند.

### دو بار زنده شدن و دو بار مردن

خداوند، آن گاه که سخنان برخی مردگان را نقل می کند، از زبان ایشان می فرماید: ((قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا اِثْنَيْنِ وَاَحْيَيْنَا اِثْنَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَىٰ خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ))؛ (۱) «می گویند: پروردگارا! دو بار ما را میراندی و دو بار ما را زنده کردی و به گناهانمان اعتراف کردیم؛ پس آیا راهی برای بیرون شدن (از آتش) هست؟»

در تفسیر قمی در ذیل این آیه شریف، از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «ذَلِكُ فِي الرَّجْعَةِ؛ (۲) این، در رجعت است.»

### سوگند دشمنان اهل بیت بر زنده نشدن مردگان

از دیگر آیه هایی که در بیان معصومان علیهم السلام به رجعت تأویل شده، این آیه است:

((وَ اَقْسَمُوا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَمَّا يَصْعَدُ اللّٰهُ مَنْ يَمُوتُ بَلٰى وَّعِيْدًا عَلَيْهِ حَقًّا وَّ لَكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَمَّا يَعْلَمُوْنَ))؛ (۳) «و با سخت ترین سوگندهایشان به خدا سوگند یاد کردند که خدا کسی را که می میرد بر نخواهد انگیخت. آری، (انجام) این وعده بر او حق است؛ ولی بیشتر مردم نمی دانند.»

۱- غافر (۴۰)، آیه ۱۱.

۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۶.

۳- نحل (۱۶)، آیه ۳۸.

مرحوم کلینی در کتاب کافی با ذکر سند از ابو بصیر نقل می کند:

به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم: «این که خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «و آنان با مبالغه و پافشاری به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی که بمیرد را زنده نخواهد کرد. بلی، البته وعده الهی حق است؛ لکن بیشتر مردم نمی دانند منظور چیست؟» فرمود: «ای ابوبصیر! (عامه) در این باره چه می گویند؟» عرض کردم: «مشرکان چنین می پندارند و برای رسول اکرم صلی الله علیه و آله سوگند می خورند که خداوند هرگز مردگان را زنده نخواهد کرد». حضرت فرمود: «مرگ بر کسی که چنین سخنی می گوید! از آن ها پرس آیا مشرکان به الله قسم می خورند، یا به لات و عُزّا؟» ابوبصیر می گوید: «گفتم: فدایت شوم! پس برایم معنای آیه را بیان فرما». ایشان فرمود: «ای ابوبصیر! هنگامی که قائم ما به پا خیزد، خداوند گروهی از شیعیان ما را برای یاری او برانگیزد و زنده کند که گیره های شمشیرهایشان بر روی شانه هایشان است. چون این خبر به قومی از شیعیان ما که نمرده باشند برسد، به یکدیگر گویند: «فلان و فلان از قبرهایشان برانگیخته شدند و آن ها با قائم علیه السلام هستند». این سخن به گوش گروهی از دشمنان ما برسد؛ آن ها گویند: «ای گروه شیعیان! چقدر دروغگو هستید؟ این دولت و حکومت شما است و شما دروغ می گوید؟ نه والله! این ها که شما می گوید زنده نشده و زنده نخواهند شد، تا روز قیامت»؛ پس خداوند، گفتار آن ها را حکایت کرده، می فرماید: و آنان با مبالغه و پافشاری به خداوند سوگند یاد کنند که خداوند هرگز کسی که بمیرد را زنده نخواهد کرد.»(۱)

دیدیم شیعه با بهره از هر دو دسته آیات، با بیان پیشوایان معصوم علیهم السلام، حتمی بودن رجعت را در دوران حضرت مهدی علیه السلام اثبات کرده است.

دلالت دسته دوم روشن است. آنچه محل بحث بیشتر است، استفاده از دسته نخست آیات، برای اثبات رجعت در آخرالزمان است.

افزون بر آیات یادشده، شیعه بر این باور است که ذکر نمونه هایی از رجعت در

---

۱- محمد بن یعقوب کلینی، روضه کافی، ص ۵۰، ح ۱۴؛ این روایت با اندک تفاوتی در تفسیر عیاشی و تفسیر قمی نیز ذکر شده است. ر.ک: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۵۹.

گذشته، می تواند خود دلیلی بر وقوع آن در آینده باشد. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی ارزشمند فرمود:

والذی نفسی بیده لتركبن سنن من كان قبلکم حذو النعل بالنعل و القذه بالقذه حتى لا تخطئون طریقهم و لا یخطئون سنن بنی اسرائیل؛<sup>(۱)</sup> به آن کسی که جانم به دست او است سوگند! شما مسلمانان با هر سنتی که در امت های گذشته جریان داشته است، رو به رو خواهید شد و آنچه در آن امت ها جریان یافته است، مو به مو در این امت خواهد یافت؛ به طوری که نه شما از آن سنت ها منحرف می شوید و نه آن سنت ها که در بنی اسرائیل بود شما را نادیده می گیرد.

همه اهل سنت، اتفاق نظر دارند که در امت های گذشته رجعت هایی صورت گرفته است و نیز اتفاق نظر دارند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر چه در امت های گذشته رخ داده است، در امت من نیز اتفاق خواهد افتاد». و شکی نیست که رجعت، یکی از مهم ترین حوادث امت های پیش است و نیز شکی نیست که تا امروز، چنین رویدادی در امت اسلامی رخ نداده است؛ بنابراین در آینده چنین خواهد شد.

## رجعت کنندگان

### اشاره

افزون بر روایاتی که به صورت کلی رجعت کنندگان را مؤمنان خالص و کافران خالص ذکر کرده است مانند روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

ان الرجعه لیست بعامه و هی خاصه لا یرجع الا من محض الایمان محضاً او محض الشریک محضاً؛<sup>(۲)</sup> رجعت همگانی نیست و فقط مؤمنان خالص و محض و نیز مشرکان محض به دنیا بر می گردند.

برخی روایات نیز به افراد و گروه هایی به طور ویژه اشاره کرده است:

۱- ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، و لسان العرب، ج ۱۲، ص ۷۲، (ذیل ماده قذذ). همچنین ر.ک: سنن ترمذی، ج ۳، ص ۳۳۱؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۲۴۴؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۸۶؛ متقی هندی، کنز العمال، ج ۸، ص ۹۴؛ قرطبی، تفسیر قرطبی، ج ۷، ص ۲۷۳؛ ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۳۶۴؛ ابن حزم، الاحکام، ج ۶، ص ۸۶ و...

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

## ۱. رجعت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

ابو خالد کابلی از امام سجّاد علیه السلام نقل کرده که در تفسیر آیه ((إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ)) (۱) فرمود: «یرجع الیکم نبیکم صلی الله علیه وآله...؛ (۲) پیامبرتان به سوی شما بر می گردد...»

بکیر بن اعین می گوید:

قال لی من لاشکک فیہ یعنی ابا جعفر علیه السلام إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَ عَلِيًّا سَيَرْجِعَانِ؛ (۳) کسی که هیچ تردید در او ندارم؛ یعنی امام باقر علیه السلام به من فرمود: پیامبر و علی رجعت می کنند.

مرحوم علامه طباطبایی ذیل آیه شریفه ((قَالَ رَبُّ فَأَنْظِرُنِي إِلَىٰ يَوْمٍ يُبْعَثُونَ (۳۶) قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ (۳۷) إِلَىٰ يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ))؛ (۴) از تفسیر قمی نقل کرده است که امام صادق علیه السلام درباره آیه مذکور فرمود: «يوم الوقت المعلوم يوم يذبحه رسول الله صلى الله عليه وآله على الصخرة التي في بيت المقدس؛ (۵) روز وقت معلوم روزی است که رسول خداوند (شیطان را) بر صخره ای در بیت مقدس می کشد.»

## ۲. رجعت علی علیه السلام

در روایات فراوانی وارد شده است که حضرت علی علیه السلام، چندین بار رجعت می کند. علی بن ابراهیم از ابوبصیر نقل می کند که حضرت صادق علیه السلام ضمن حدیثی چنین فرمود:

... پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: يا عَلِيُّ إِذَا كَانَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ أَخْرَجَكَ اللَّهُ فِي أَحْسَنِ صُورِهِ وَ وَ مَعَكَ مَيْسَمٌ تَسْمُ بِه أَعْدَائِكَ؛ (۶) ای علی! خداوند تو را در آخر الزمان به بهترین صورتی زنده

۱- قصص (۲۸)، آیه ۸۵.

۲- علی بن ابراهیم قمی، تفسیرالقمی، ج ۱، ص ۱۴۷.

۳- محمد باقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹، ح ۲.

۴- حجر (۱۵): آیه ۳۸ - ۳۶.

۵- محمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ج ۱۲، ص ۲۵۲.

۶- شیخ حر عاملی، الايقاظ، ص ۲۷۵، ح ۴۲.

می کند، در حالی که ابزاری در دست داری که دشمنانت را با آن نشان می گذاری.

### ۳. امام حسین علیه السلام، اولین رجعت کننده

در روایات، امام حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام به عنوان نخستین رجعت کننده معرفی شده است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

ان اول من یکر الی الدنیا، الحسین بن علی و اصحابه، و یزید بن معاویه و اصحابه، فیقتلهم حدو القذہ بالقذہ. ثم قال ابو عبد الله علیه السلام: ((ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ اَمَّيْدُنْكُمْ بِاَمْوَالٍ وَ بَيْنَ وَ جَعَلْنٰكُمْ اَكْثَرَ نَفِیْرًا)) (۱)، (۲) همانا نخستین کسی که به دنیا بر می گردد حسین بن علی علیه السلام و یاران آن حضرت هستند و نیز یزید بن معاویه و اصحاب او که حضرت آنها را یک به یک به هلاکت خواهد رساند و سپس امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمودند: آنگاه شما را به سوی آنها برگردانیم و بر آنها غلبه دهیم و به مال و فرزندان نیرومند مدد بخشیم و عده شما را بسیار گردانیم.

همچنین از امام کاظم علیه السلام روایت شده که امام حسین علیه السلام پیش از شهادت خود با یاران خود سخن گفتند و از جمله فرمودند:

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله زنده بودند به من فرمودند: فرزندم تو به زودی به سمت عراق خواهی رفت؛ سرزمینی که انبیاء و اوصیاء در آنها با هم برخورد کردند؛ این سرزمین «عمورا» نام دارد و در آن محل تو و یارانت به شهادت خواهید رسید و اصحاب تو کسانی هستند که درد آهن را نخواهند چشید و آنگاه این آیه را تلاوت فرمود: ((قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ))؛ (۳) و فرمود: جنگ بر شما سرد و سلامت خواهد بود. آنگاه امام حسین پس از نقل این روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: فابشروا، فوالله لئن قتلونا فانا نرد علی نبینا، ثم امکث ماشاء الله فاکون اول من ینشق الارض

۱- اسراء، (۱۷)، آیه ۶.

۲- عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۲.

۳- انبیاء (۲۱)، آیه ۶۹.

عنه... و لیتزلن محمد و علی و انا و اخى و جميع من من الله عليه فى حملات من حملات الرب خيل بلق من نور لم یرکبها مخلوق ثم لیهزن محمد لواءه و لیدفعنه الی قائمنا مع سیفه... ثم ان امیر المؤمنین علیه السلام یدفع الی سیف رسول الله صلی الله علیه و آله و یبعثنی الی المشرق و المغرب فلا- آتی علی عدو الله اهرقت دمه و لا- ادع صنماً الا اهرقته حتى ادفع الی الهند فافتحها...؛ (۱) بشارت باد بر شما، اگر ما کشته شویم همانا به سوی پیامبر خود باز می گردیم و مدتی که خدا بخواهد در آنجا می مانیم و پس از آن من اولین نفری هستم که زمین بر او باز می شود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و من و برادرم حسن علیه السلام و جميع آنان که خداوند بر آنها ممت گذارده، بر مرکب هایی از نور که خداوند برایمان فرستاده و پیش از ما مخلوقی بر آنها سوار نشده نازل می شویم و سپس نبی اکرم صلی الله علیه و آله پرچم خود را به حرکت در آورده و آن را به همراه شمشیرش به قائم آل محمد می دهد... سپس حضرت علی علیه السلام شمشیر نبی اکرم صلی الله علیه و آله را به من می دهد و مرا به سمت مشرق و مغرب رهسپار می کند و من با دشمنی از دشمنان خدا بر خورد نمی کنم مگر آنکه او را به هلاکت برسانم و با بتی برخورد نمی کنم مگر اینکه آنرا آتش می زنم و سپس به هند می روم و آنجا را نیز فتح می کنم....

بنابراین، از این روایات و روایت نخست چنین استفاده می شود که امام حسین علیه السلام مدتی با حضرت مهدی علیه السلام زندگی می کند و این گونه نیست که در آخرین لحظات زندگی امام مهدی علیه السلام رجعت نماید.

#### ۴. رجعت معصومین علیهم السلام

در شماری از روایات به رجعت معصومین علیهم السلام اشاره شده است. امام صادق علیه السلام رجعت معصومین را در کلامی کوتاه این گونه می فرماید: «لیس منا من لم یؤمن بکرتنا...؛ (۲) از [شیعیان] ما نیست کسی که ایمان به بازگشت ما نداشته باشد....»

۱- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸۰ و ج ۵۳، ص ۶۱.

۲- شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۵۸.

## ۵. رجعت پیامبران پیشین

یکی از روایاتی که بازگشت پیامبران گذشته را نوید داده اند از این قرار است:

عبد الله بن مسکان از امام صادق علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود:

ما بعث الله نبياً من لدن آدم فهلم جراً ألاً و يرجع الى الدنيا و ينصر امير المؤمنين؛<sup>(۱)</sup> خداوند هیچ پیامبری را از حضرت آدم تا آخر بر نیانگیخت مگر اینکه به دنیا بر می گردند و حضرت علی علیه السلام را یاری می نمایند.

۶. زنان رجعت کننده

اگر چه روایات رجعت به طور عمدۀ اختصاصی به زن یا مرد ندارد و زیر عنوان مؤمن محض و کافر محض آمده است. ولی روایاتی اشاره به رجعت بانوان کرده است از جمله روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام است که آن حضرت فرمود:

يكن مع القائم ثلاثة عشر امرأة. قلت: و ما يصنع بهن؟ قال: يداوين الجرحى و يقمن على المرضى كما كان مع رسول الله. قلت: فسمهن لى. قال: القنوا بنت رشيد و ام ايمن و حبابه الوالبيه، و سميه، و ام عماربن ياسر و زبيده و ام خالد الاحمسيه و ام سعيد الحنفيه و صبانہ الماشطه و ام خالد الجهينه؛<sup>(۲)</sup> همراه قائم سیزده زن خواهند بود. گفتیم: برای چه منظور؟ فرمود: آنها مجروحین را مداوا می کنند و به مریض ها رسیدگی می کنند همانگونه که همراه پیامبر که بودند چنین می کردند. عرض کردم اگر ممکن است آنها را نام ببرید. آن حضرت فرمود: قنوا دختر رشید و ام ایمن و حبابه والیه و سمیه مادر عماربن یاسر و زبیده و ام خالد احمسیه و ام سعید حنفيه و صبانہ ماشطه و ام خالد جهنيه.

البته در روایات به برخی افراد و گروه های دیگر نیز اشاره شده که در کتاب های مفصل آمده است.

۱- علی بن ابراهیم قمی، تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۰۶.

۲- محمد بن جریر بن رستم طبری، دلائل الامامه، ص ۲۵۹.



## خودآزمایی

۱. در باره دابه الارض توضیح دهید چگونه بر رجعت در آخرالزمان دلالت می کند.
۲. از مهم ترین آیات مربوط به رجعت آیه ۸۳ سوره نمل است آن را به تفصیل توضیح دهید.
۳. آیه ۱۱ سوره غافر چگونه بر رجعت در آخرالزمان دلالت می کند؟ شرح دهید.
۴. به استناد روایات پیامبر مبنی بر وقوع هر آنچه در امت های پیشین رخ داده چگونه می توان رجعت در آینده را اثبات کرد؟ توضیح دهید.
۵. گروه ها و افرادی که به طور خاص به رجعت آنها نوید داده شده است چه کسانی هستند؟ دو مورد را توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. سعادت پرور، علی، ظهور نور، ترجمه سید محمد جواد وزیری فرد، تهران، شرکت انتشارات احیاء کتاب، ۱۳۸۰ق.
۲. طبسی، محمدرضا، شیعه و رجعت، ترجمه محمد میرشاه ولد، انتشارات دارالنشر اسلام.
۳. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.
۴. رفیعی قزوینی، ابوالحسن، رجعت و معراج، تهران، کتابفروشی اسلام، ۱۳۷۹ش.
۵. سلیمان، خدامراد، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، قم، بوستان کتاب، چ چهارم، ۱۳۸۷ش.

## درس سیزدهم: رجعت، پرسش‌ها و پاسخ‌ها

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

پاسخ به برخی پرسش‌ها و شبهه‌های بحث رجعت مانند:

رجعت سبب بازگشت از فعلیت

رجعت همان تناسخ

بازگشت کفار و مجرمین از اعمال بدشان

مجازات در رجعت و ناسازگاری با دنیا

تعارض رجعت با فلسفه معاد

رجعت از عقاید یهودی

منافات رجعت با تلقین میت

رجعت و امامت فاضل بر افضل

رجعت در تعارض با برخی آیات قرآن

تکلیف در زمان رجعت

رجعت و کیفر و پاداش

## پیش درآمد

بی گمان هیچ حقی نمی توان یافت که پیرامون آن شبهه هایی وجود نداشته باشد؛ چرا که در جهان هستی، نسبت دانش به نادانی بسیار ناچیز است و در این میان افراد مغرضی نیز از این نادانی بهره برده تا حقیقت را هر چه بیشتر در ابهام فرو برند.

«رجعت» نیز همانند بسیاری از حقایق به وسیله افرادی مورد تردید قرار گرفته است که روشن شدن آن، مطالعه و پاسخ دقیق به شبهات را می طلبد. در این درس تلاش می شود تا به برخی از شبهات مطرح در بحث رجعت به گونه ای کوتاه پاسخ داده شود.

### ۱. رجعت، سبب بازگشت از فعلیت

یکی از شبهه هایی که درباره رجعت مطرح شده این است که: وقتی انسان از زندگی دنیایی جدا شد و وارد جهان برزخ شد، در حقیقت از جهان طبیعت به جهان "ماوراء" وارد شده و این خود، در او کمال پدید می آورد؛ یعنی همه آنچه در او "بالقوه" بوده، به "فعلیت" رسیده و حال اگر از جهان غیب به جهان ماده برگردد چنانچه در رجعت چنین است بایسته است آنچه که برای او به فعلیت رسیده، دوباره بالقوه شود و این از نظر عقل محال است.

مرحوم علامه طباطبایی همین شبهه را به صورت علمی تر مطرح کرده می نویسد:

«بعضی گفته اند: این معنا در محل خودش ثابت شده: که هر موجود که دارای قوه و استعداد و کمال و فعلیت است، بعد از آنکه از مرحله استعداد به فعلیت رسید، دیگر محال است به حالت استعداد برگردد، و همچنین هر موجودی که از نظر وجود، دارای کمال بیشتری است، محال است برگردد، و به موجودی ناقص تر از خود مبدل شود، و

در عین حال همان موجود اول باشد.

و انسان بعد از مردنش تجرد پیدا می کند، یعنی نفسش از ماده مجرد می شود، و موجودی مجرد مثالی یا عقلی می گردد، و مرتبه مثالیت و عقلیت فوق مرتبه مادیت است، چون وجود، در آن دو قوی تر از وجود مادی است، با این حال دیگر محال است چنین انسانی، یا بگو چنین نفس تکامل یافته ای، دوباره اسیر ماده شود، و به اصطلاح زنده گردد، و گر نه لازم می آید که چیزی بعد از فعلیت به قوه و استعداد برگردد، و این محال است، و نیز وجود انسان، وجودی قوی تر از وجود سایر انواع حیوانات است، و محال است انسان برگردد، و به وسیله مسخ، حیوانی دیگر شود.

ما در پاسخ می گوئیم: بله برگشت چیزی که از قوه به فعلیت رسیده، دوباره قوه شدن آن محال است، ولی زنده شدن مردگان، و همچنین مسخ، از مصادیق این امر محال نیستند.»

صاحب المیزان آنگاه در توضیح چنین می نویسد:

«آنچه از حس و برهان به دست آمده، این است که جوهر نباتی مادی وقتی در صراط استکمال حیوانی قرار می گیرد، در این صراط به سوی حیوانشدن حرکت می کند، و به صورت حیوانیت که صورتی است مجرد برزخی در می آید، و حقیقت این صورت این است که: چیزی خودش را درک کند، (البته ادراک جزئی خیالی)، و درک خویشتن حیوان، وجود کامل جوهر نباتی است، و فعلیت یافتن آن قوه و استعدادی است که داشت، که با حرکت جوهری به آن کمال رسید، و بعد از آنکه گیاه بود حیوان شد، و دیگر محال است دوباره جوهری مادی شود، و به صورت نبات در آید، مگر آنکه از ماده حیوانی خود جدا گشته، ماده با صورت مادیش بماند، مثل اینکه حیوانی بمیرد، و جسدی بی حرکت شود.»<sup>(۱)</sup>

مرحوم علامه در جایی دیگر این شبهه را اینگونه تبیین کرده می نویسد:

و بعضی دیگر در مقام ابطال رجعت از راه دلیل عقلی وارد شده و به طور خلاصه گفته اند: (مرگ امری است که با در نظر گرفتن عنایت پروردگار هرگز بر هیچ زنده ای عارض نمی شود مگر بعد از آنکه آن موجود زنده به حد کمال رسیده باشد، و زندگیش

کامل شده، آنچه در قوه داشته به فعلیت رسیده باشد، و چنین موجودی که تمامی کمالات بالقوه اش فعلیت یافته، اگر بعد از مردن به دنیا برگردد، در حقیقت دوباره به حالت قوه و استعداد برگشته است، و اینکه چیزی که فعلیت یافته برگردد و بالقوه شود امری است محال... .

و در پاسخ می نویسد:

و اما اینکه گفت: چیزی که از قوه به فعلیت در آمده، دیگر محال است بالقوه شود، مطلبی است صحیح، و لیکن قبول نداریم که مساله مورد بحث ما از این باب باشد، برای اینکه مورد فرض او با مورد فرض ما مختلف است، مورد فرض او کسی است که عمر طبیعی خود را کرده، و به مرگ طبیعی از دنیا رفته باشد، که برگشتن او به دنیا مستلزم آن امر محال است، و اما مرگ اخترامی که عاملی غیر طبیعی از قبیل قتل و یا مرض باعث آن شود برگشتن انسان بعد از چنین مرگی به دنیا مستلزم هیچ محذور و اشکالی نیست، چون ممکن است انسان بعد از آنکه به مرگ غیر طبیعی از دنیا رفته در زمانی دیگر مستعد کمالی شود، که در زمانی غیر از زمان زندگیش موجود و فراهم باشد، و بعد از مردن دوباره زنده شود تا آن کمال را بدست آورد.

و یا ممکن است اصل استعدادش مشروط باشد به اینکه مقداری در برزخ زندگی کرده باشد، چنین کسی بعد از مردن و دیدن برزخ دارای آن استعداد می شود، و دوباره به دنیا بر می گردد، که آن کمال را به دست آورد، که در هر یک از این دو فرض مساله رجعت و برگشتن به دنیا جایز است، و مستلزم محذور محال نیست. (۱)

افزون بر آنچه یاد شد آنچه در نظام آفرینش در نمونه های فراوان رخ داده، زنده شدن برخی از مردگان و ادامه زندگی آنها است که در قرآن به آنها اشاره شده است. و حتی کسانی که این شبهه را مطرح می کنند آن را به عنوان یک واقعیت قرآنی پذیرفته اند حال چگونه اتفاق آن در آخرالزمان چنین دشواری را دارد در حالی که رجعت در امت های گذشته نداشته؟! خدا می داند!

## ۲. رجعت، همان تناسخ

یکی دیگر از شبهاتی که در بحث رجعت بر اثر نفهمی باورهای شیعه همواره از طرف مخالفان به آن دامن زده شده این است که قول به رجعت، مستلزم قول به تناسخ است و چون تناسخ باطل است قول به رجعت نیز باطل است.

پیش از هر گونه توضیحی در این زمینه مناسب است نخست معنای تناسخ روشن شود تا تفاوت رجعت و تناسخ روشن شود.

«تناسخ» در لغت از ریشه «نسخ» گرفته شده است. راغب اصفهانی در مفردات نسخ را این گونه تعریف کرده است:

النسخ هو ازاله شیء بشیء یتعقبه کنسخ الشمس الظل، و الظل الشمس و الشیب الشباب؛ (۱) نسخ یعنی از میان بردن چیزی به وسیله چیزی که در پی آن در می آید. چونان که خورشید سایه را، سایه نور خورشید را و پیری جوانی را از میان برد.

اما معنای اصطلاحی تناسخ این است: نفسی که هنگام ارتباط به بدن کمالاتی را کسب کرده، بعد از جداشدن از آن، به بدن دیگر پیوندد.

شیخ مفید درباره معنای تناسخ می گوید:

و معنی التناسخ هو ان تتكرر الادوار الی مالانهایه و ان الثواب و العقاب فی هذه الدار لافی دار اخری لاعمل فیها و ان اعمالنا الی نحن فیها انما هی اجزیه علی اعمال سلف فی الادوار الماضیه، فاراحه و السرور و الفرح هی مرتبه علی اعمال البر الی سلف منا فی الادوار الماضیه، و الغم و الحزن مرتبه علی اعمال الفجور الی سلفت و قد ابطال هولاء جمیع الشرایع و السنن؛ (۲) معنای تناسخ یعنی تکرار دوره های زندگی تا بی نهایت. و اینکه پاداش و کیفر در این دنیا باشد نه در جهانی دیگر. و کارهایی که اکنون می کنیم نتیجه کارهای گذشته در دوره های پیشین است. پس آسایش، شادی و شادمانی آن مترتب بر کارهای خیر در دوره های گذشته است و

۱- راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۹۰.

۲- شیخ مفید، المسائل السرویه، ص ۴۶.

غم و غصه مترتب بر کارهای زشت گذشته است. و این را همه شریعت ها و سنت ها آن را باطل دانسته اند.

سید مرتضی با صراحت تمام کسانی که معتقد به تناسخ هستند را کافر دانسته می نویسد:

... لان اهل التناسخ لا یعدون من المسلمین... لکفرهم و ضلالتهم؛<sup>(۱)</sup> برای اینکه پیروان تناسخ از مسلمانان شمرده نمی شوند... به خاطر کفر و گمراهی آنها.

مرحوم علامه طباطبایی در این باره می فرماید:

... تناسخ عبارت از این است که بگوییم: نفس آدمی بعد از آن که به نوعی کمال، استکمال کرد، و از بدن جدا شد، به بدن دیگری منتقل شود، یا خودش نفس دارد، یا ندارد، اگر نفس مورد گفتگو می خواهد به آن منتقل شود، و این فرضیه ای محال است، چون بدنی که نفس مورد گفتگو می خواهد به آن منتقل شود، یا خودش نفس دارد یا ندارد، اگر نفس داشته باشد مستلزم آن است که یک بدن دارای دو نفس بشود، و این همان وحدت کثیر و کثرت واحد است (که محال بودنش روشن است)، و اگر نفس ندارد، مستلزم آن است که چیزی که به فعلیت رسیده، دوباره برگردد بالقوه شود، مثلاً پیر مرد برگردد کودک شود که محال بودن این نیز روشن است.<sup>(۲)</sup>

برخی از مفسرین معاصر نیز درباره رجعت چنین نوشته اند:

عقیده مندان به تناسخ چنین می پندارند که انسان بعد از مرگ، بار دیگر به همین زندگی باز می گردد؛ منتها روح او در جسم دیگر (و نطفه دیگر) حلول کرده و زندگی مجددی را در همین دنیا آغاز می کند و این مسئله ممکن است بارها تکرار شود، این زندگی تکراری در این جهان را «تناسخ» یا «عود ارواح» می نامند.<sup>(۳)</sup>

۱- سید مرتضی، رسائل المرتضی، ج ۱، ص ۴۲۵.

۲- محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۳۱۵.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۱۶۴.

## تفاوت رجعت با تناسخ

مرحوم مظفر در پاسخ کسانی که رجعت را نوعی تناسخ می دانند می نویسد: «کسی که رجعت را به عنوان تناسخ، باطل می داند، فرق میان تناسخ و معاد جسمانی را در نیافته است. رجعت از اقسام معاد جسمانی است و تناسخ، انتقال روح از جسمی به جسم دیگر و جداسدن از جسم اول است و این، معاد جسمانی نیست.

معاد جسمانی، یعنی بازگشت روح با همان مشخصات به بدن اول و معنای رجعت نیز همین است و اگر رجعت همان تناسخ باشد، زنده شدن مردگان به دست حضرت عیسی نیز تناسخ است یا حشر و نشر در قیامت و معاد جسمانی نیز باید تناسخ باشد. (۱)

از آنچه گفته شد روشن می شود که تناسخ مردود، و به طور کامل با رجعت تفاوت می کند و ایراد شبهاتی از این دست، دلیلی غیر از تعصب و جهالت نداشته است.

### ۳. بازگشت کفار و مجرمین از اعمال بدشان

و قد قال قوم من المخالفین لنا: کیف يعود کفار المله بعد الموت الی طغیانهم و قد عاینوا عذاب اللّٰه تعالی فی البرزخ، و یقنوا لذلک انهم مبطلون؟! بدون شک عذاب کفار و اشرار از همان ابتدای لحظات مرگ آغاز می شود. حال چگونه ممکن است آنها در عالم برزخ انواع و اقسام عذاب ها را ببینند. و پس از رجعت، دوباره همان روش بد خود را ادامه دهند؟

مرحوم شیخ مفید با طرح این شبهه در ادامه این گونه پاسخ داده است:

البته این عجیب تر نیست از کفار آنچنانی که در برزخ انواع عذاب ها را می بینند و می دانند که هیچ گونه جدایی از عذاب برای آنها نیست و بر آنها به خاطر گمراهی اشان در دنیا احتجاج می شود. پس در آن هنگام می گویند «ای کاش برگردانده می شدیم و هرگز آیات پروردگارمان را تکذیب نمی کردیم و از جمله مؤمنین می بودیم» پس خداوند در پاسخ آنها می فرماید: «بلکه آشکار شده برای آنها آنچه را پنهان می کردند در گذشته و اگر چنانچه باز گردند همچنان به کارهای قبلی خود ادامه می دهند به درستی که آنها دروغگویانند» پس برای مخالف پس از این دلیل جای هیچ گونه شبهه ای باقی



نخواهد ماند تا بر بحث وارد نمایند. (۱)

به این پرسش اینگونه می توان پاسخ داد:

این گونه نیست که دیدن حقایق همواره آثار حتمی داشته باشد و کسی که حقیقت را دید، دست از باطل خود بردارد. همانگونه که در تاریخ کم نبوده اند کسانی که معجزات و کراماتی را از انبیاء و اولیاء دیدند، ولی همچنان بر باطل خود پافشاری می کردند.

دلیل مطلب این است آنچه که باعث دشمنی می شود فقط نادانی به حقیقت نیست، بلکه عوامل پرشماری دست به یکدیگر داده و شخص را از پذیرش حق دور می سازند. هواهای نفسانی و وسوسه های شیطانی از جمله مهمترین این عوامل هستند.

خداوند این حقیقت را در ضمن دو آیه شریف قرآن چنین بیان فرموده است:

((وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتُنَا نُرُدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَةِ رَبِّنَا وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ «۲۷» بَلْ بَدَأ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ))؛ (۲) و ای کاش [منکران را] هنگامی که بر آتش عرضه می شوند، می دیدی که می گویند: کاش بازگردانده می شدیم و [دیگر] آیات پروردگاران را تکذیب نمی کردیم و از مؤمنان می شدیم [آنگاه در آیه بعد خداوند حقیقت این آرزوی دورغین را اینگونه افشا می کند: [ولی چنین نیست] بلکه آنچه را پیش از این نهان می داشتند، برای آنان آشکار شده است و اگر هم باز گردانده شوند قطعاً به آنچه از آن منع شده بودند بر می گردند و آنان دروغگویند.

با بیان این آیات از قرآن دیگر هیچ گونه جای سخن برای مخالفین در این باره، باقی نخواهد ماند.

#### ۴. کیفر در رجعت و ناسازگاری با دنیا

برخی با بیان این شبهه که پذیرفتن رجعت به دنیا برای کیفر و پاداش، با طبیعت این دنیا که سرای عمل است نه حساب، سازگاری ندارد؛ و قرآن نیز به آن اشاره کرده است.

۱- شیخ مفید، المسائل السرویه (سلسله مؤلفات المفید)، المؤتمر العالمی لالقیه الشیخ المفید، ج ۷، ص ۳۶.

۲- انعام (۶)، آیه ۲۷ و ۲۸.

والقول بالرجعه بعد الموت الى الدنيا لمجازاه المسيئين و اثابه المحسنين ينافى طبيعه هذا الدنيا و انها ليست دار جزاء وَإِنَّمَا تُوفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ؛ و همانا روز رستاخیز پاداش هایتان به طور کامل به شما داده می شود. پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت در آورند قطعاً کامیاب شده است؛ و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست.

پاسخ اینک:

اولاً برخی پاداش ها و مجازات ها، دنیوی است و فرقی میان همین دنیا و زندگی معمولی و رجعت نیست و آیات قرآن نیز منافاتی با آن ندارد.

ثانیاً، رجعت فقط برای پاداش و مجازات نیست، بلکه حکمت های فراوان دیگر نیز دارد که بسیاری از آنها بر ما پوشیده است.

## ۵. تعارض رجعت با فلسفه معاد

چنانچه معتقدین به این تعارض گفته اند: «کما اینکه اعتقاد به رجعت مایه تضعیف اعتقاد به روز قیامت می شود و روشن می شود که این (یعنی تضعیف اعتقاد به معاد) از جمله اهداف کسانی است که این اعتقاد را فراهم آوردند و آنها دوازده امامی ها بودند که آیات معاد را تأویل به رجعت کردند و از جمله تأثیرات این اعتقاد این بود که برخی از فرقه های منسوب به شیعه معاد را انکار کردند و به تناسخ اعتقاد پیدا کردند...»<sup>(۱)</sup>

با ذکر تفاوت هایی که میان رجعت و معاد وجود دارد به راحتی پاسخ این اشکال داده خواهد شد و این تفاوت ها عبارتند از:

۱. رجعت مربوط به همه مردگان نیست، بلکه مخصوص یک گروه ویژه است، در حالی که معاد عبارت از زنده شدن جمیع مردگان در روز قیامت است.

۲. رجعت پیش از قیامت و در همین دنیا صورت می پذیرد، در حالی که قیامت و معاد در زمانی معین در جهانی دیگر است.

۳. زندگی رجعت کنندگان محدود بوده و دوام ندارد، اما زندگی بعد از قیامت هم

۱- ناصر القفاری، اصول مذهب الشیعه عرض و نقد، ج ۳، ص ۹۲۶.

برای اهل بهشت و هم برای دوزخیان جاودانه خواهد بود.

۴. تحقق رجعت و مشاهده با لعیان آن، رقیقه ای از حقیقت قیامت است و ایمان به قیامت را استوارتر می کند.

بنابراین می توان گفت رجعت به نوعی در راستای تکامل مؤمنان محض و تحمیل کیفرهای دنیوی برای کافران محض به شمار می آید. یعنی گروهی از مؤمنان خالص که زمینه رسیدن به کمالات والا را داشته اند، اما به سبب موانعی از رسیدن به آن دور مانده اند، در زمان رجعت این حرکت را کامل می کنند و افزون بر شاهد بودن برپایی حکومت حق خود نیز در آن نقش خواهند داشت و در برابر گروهی که در کفر محض غوطه ور شده اند در همین دنیا به کیفرهای دنیوی خود می رسند.

اگر چه در برخی روایات هدف از رجعت نیکان را انتقام از دشمنان و تشفی قلب ذکر کرده اند، ولی به نظر می رسد افزون بر آن، امر مهمتری نیز مدنظر بوده که مورد اشاره قرار گرفت.

## ۶. رجعت از عقاید یهودی

برخی می پندارند شیعه باور به رجعت را از اعتقادات یهودیان گرفته اند: رجعت از عقاید دیرینه یهود است، منشا این عقیده در آنان حدیث معروف عزیر و به ویژه داستان هارون بود. بعد از آن که هارون در بیابان وفات کرد، یهود هم صدا گفتند: موسی از روی حسد او را کشته است و چون نسبت به هارون بیش از موسی علیه السلام متمایل و علاقه مند بود در نتیجه همین علاقه مندی قائل به رجعت وی شده، همواره منتظرش بودند. (۱)

این شبهه از دو جهت قابل بحث است:

۱. یهودی ها قائل به رجعت افرادی در گذشته هستند که نه فقط آنها بلکه آیاتی از قرآن مجید نیز به آن تصریح نموده است، که در بخش آیات مربوط به وقوع رجعت در گذشته برخی از آنها مطرح شد.

و اگر چنانچه اشکال کننده مقصودش این است که شیعه اعتقاد به رجعت را از این

اعتقاد یهودی ها گرفته است به طور کامل در اشتباهند. شیعه فقط برای بیان امکان رجعت به وقوع آن در امت های گذشته آن هم از آیات قرآن استشهاد نموده است. و آنگاه ضمیمه به انبوهی از روایات که عموم اهل سنت بدان ها قائل هستند- حتی بیش از آنچه بدان معتقد است معتقدند هر آنچه در امت های پیش رخ داده طبق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله می بایست در امت اسلام رخ دهد.

۲. یهودی ها قائل به رجعت افرادی در آخرالزمان هستند. اگر چه این قول دوم به اعتقاد شیعه درباره رجعت نزدیک است، ولی شباهت و نزدیکی دو اعتقاد نسبت به هم نه دلیل بر گرفتن آن اعتقاد از دیگری می شود و نه دلیل بر بطلان آن، و اگر چنین باشد در میان اهل سنت موارد فراوانی از این دست یافت می شود.

برخی در دین یهود به زمان داوری بر زمین، معتقدند. در تورات آمده:

مردگان تو مجددا زنده خواهند شد، و اموات ما برخوانند خاست؛ ای شما که در خاک خفته اید بیدار شده و شادی نمایید، زیرا شبنم تو مثل شبنم گیاه ها است و زمین مردگان را باز پس خواهد داد. (۱)

و چون یهود اعتقادی به آخرت ندارد بعضی معتقدند که مراد زنده شدن مردگان در همین جهان است برای بار دوم و در این روز قضاوت و داوری صورت گرفته و خوبان بدور از ظلم ستمگران و بدان به زندگی موعود و مطلوب خود خواهند رسید. بنابراین وجود شباهت هیچ دلیلی بر اخذ آن از اعتقاد پیش و یا بطلان آن نخواهد بود.

## ۷. منافات رجعت با تلقین میت

در برخی روایات تلقین میت آمده است که چون میت را در قبر گذارند بگویند: این اولین روز از روزهای آخرت و آخرین روز از روزهای دنیاست، از اینجا معلوم می شود که این مرده دیگر به دنیا باز نمی گردد و عمر دنیایش تمام شده است.

پاسخ اینکه:

نخست، رجعت عمومی نیست و مادامی که نمی دانیم کسی از اهل رجعت است یا نه، مستحب است این دعا در تلقینش خوانده شود.

۱- ر.ک: کتاب مقدس، کتاب اِشعیا، فصل بیست و ششم، آیه ۱۹.

دوم، زندگی پیش از مرگ نسبت به زندگی بعد از آن به حسب وضع لغوی دنیاست، چون دنیا یا مشتق از «دنو» (= نزدیکی) یا از «دنائت» (= پستی) است. اما اطلاق آن بر زندگی دوم، نیاز به قرینه است، زیرا اگرچه در برابر رستاخیز بزرگ می توان رجعت را دنیا گفت، اما به طور اطلاق نمی توان نام دنیا بر آن نهاد.

سوم، حدیث مورد نظر روایت واحدی است و اگر صریح در معارضه و مخالفت هم بود با ادله رجعت تاب مقاومت نداشت، تا چه رسد که صریح هم نباشد. (۱)

## ۸. تکلیف در زمان رجعت

یکی از پرسش هایی که مطرح است اینکه آیا انسانها همانند حیات پیشین خود دارای تکلیف خواهند بود یا خیر؟

در یک بررسی اجمالی در این باره به سه قول بر می خوریم:

۱. برخی بر این عققادند که زمان رجعت، همچون قیامت زمان پاداش و مجازات است و تکلیف در آن راهی ندارد.

استدلال این گروه این است کفاری که رجعت می کنند با توجه به شهود برزخی حقایق در عالم برزخ، توبه خواهند کرد و بنابراین نقض غرض خواهد شد.

پاسخی که داده شده اینکه همیشه اینطور نیست که کسانی که حقیقت را دیدند راه توبه و هدایت در پیش گیرند و در میان امت های گذشته بسیاری بوده اند که با دیدن معجزات انبیا، حتی عذاب های الهی، همچنان راه دشمنی در پیش گرفته اند.

۲. برخی نیز اعتقاد دارند در رجعت تکلیف وجود دارد، چرا که رجعت در دنیا تحقق می یابد نه در آخرت.

۳. برخی نیز قائل به تفصیل شده اند که اگر چه دار تکلیف نیست، ولی انجام کارهای خوب ثواب و کارهای بد جزا به دنبال خواهد داشت و یا اینکه خوبان و مؤمنان تکلیف داشته به یاری معصومین علیهم السلام همت می گمارند و فقط برای کفار و دشمنان دار مجازات است.

مرحوم علامه مجلسی در این باره می نویسد:

۱- شیخ حر عاملی، الایقاظ من الهجعه، ص ۴۱۱.

ان زمان الرجعه ليس زمان التكليف فقط بل هو واسطه بين الدنيا و الآخره، فالنسبه الى جماعه دار تكليف و بالنسبه الى جماعه دار جزاء؛<sup>(۱)</sup> همانا زمان رجعت فقط زمان تكليف نيست، بلكه واسطه ميان دنيا و آخرت است، پس به نسبت گروهی دار تكليف و نسبت به گروهی دار مجازات است.

مشكل گفته علامه اين است كه مشخص نشده برای چه کسانی دار تكليف و برای چه کسانی دار جزاء است.

سيد مرتضى در رسائل شريف خود به اين نکته اشاره کرده كه رجعت هيچ گونه منافاتی با تكليف ندارد.<sup>(۲)</sup>

هم ايشان در محلی ديگر بر ادعای خود اين گونه دليل می آورد كه:

بدون شك بر کسانی كه رجعت می كنند ياری كردن امام واجب است، چه اينكه دفاع از آن حضرت و ياری كردن او در برابر دشمنان تكليف خواهد شد.

پس نمی توان گفت تكليف ندارند.

البته ايشان در ادامه تكليف داشتن كفاری كه رجعت می كنند را پذيرفته؛ رجعت آنها را صرفاً جهت چشيدن عذاب و ذلت ذكر کرده است.<sup>(۳)</sup>

به نظر می رسد در دوران رجعت نیز همچنان تكليف ادامه خواهد داشت، به لحاظ اينكه آيات و روايات فراوانی دنيا را دار تكليف شمرده است. و در اين ميان مؤمنان با ياری معصومين عليهم السلام بر پاداش خود خواهند افزود، و چون رجعت كفار فقط برای كيفر دنيایی خواهد بود، از اين رو تكليف برای آنها موضوعيت ندارد.

افزون بر آن، اگر گفته شود هيچ گونه تكلیفی وجود نخواهد داشت؛ اولاً رواياتی كه بخشی از فلسفه رجعت را ياری حضرت مهدی و معصومين دانسته مشكل پيدا خواهد كرد و ديگر اينكه رجعت بيهوده خواهد بود.

در پايان گفتنی است كه اگر چه در روايات اشاره چندانی به فلسفه رجعت نشده،

۱- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۵، ص ۱۰۸.

۲- «... و ذكرنا ان التكليف كما يصح مع ظهور المعجزات الباهره فكذلك مع الرجعه، لانه ليس في جميع ذلك ملجى الى فعل الواجب و الامتناع من فعل القبيح...»؛ (سيد مرتضى، رسائل الشريف، ج ۱، ص ۱۲۶).

۳- ر.ك: سيد مرتضى، رسائل الشريف، ج ۳، ص ۱۳۷.

ولی از مجموع احادیث و سخنان بزرگان از علمای شیعه می توان موارد ذیل را به عنوان فلسفه و اهداف برپایی رجعت بر شمرد:

۱. تکامل بیشتر مؤمنان: دسته ای از روایات یکی از حکمت های رجعت را رسیدن به کمال برای مؤمنان ذکر کرده است. (۱)
  ۲. تحمل کیفرهای دنیایی و عذاب کفار به هنگام دیدن دولت حق در همین دنیا: از دیگر فلسفه های رجعت رسیدن عذاب های دنیوی بر کفار شمرده شده است. (۲)
  ۳. لذت بردن مؤمنان از دیدن برپایی حکومت حق: دسته ای از روایات نیز حکایت از لذت بردن مؤمنان از اقامه حکومت جهانی عدل است. (۳)
  ۴. انتقام جویی از دشمنان: و بالاخره پاره ای از روایات نیز سخن از انتقام گرفتن از دشمنان اهل بیت علیهم السلام و کفار به میان آورده است. (۴)
- بنابراین درباره مجازات و پاداش می توان گفت فقط مجازات کافران در رجعت، دیدن حکومت عدل جهانی است که از این طریق عذاب خواهند شد، اگر چه روایات فراوانی نیز گرفتن انتقام از دشمنان اهل بیت علیهم السلام را در رجعت بیان نموده اند. بیش از این مجازات و پاداش موکول به قیامت خواهد شد.

- ۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱.
- ۲- ر.ک: سید مرتضی، رسائل الشریف، ج ۱، ص ۳۰۱.
- ۳- ر.ک: سید مرتضی، رسائل الشریف، ج ۱، ص ۱۲۵.
- ۴- ر.ک: تفسیر قمی، ج ۲، ص ۶۵؛ دلائل الامامه، ص ۲۶۰؛ علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۷۹، ح ۱۰.

## خودآزمایی

۱. بازگشت از فعلیت به قوه را توضیح داده، بیان کنید چگونه در رجعت چنین چیزی تحقق نمی یابد؟
۲. تناسخ در لغت و اصطلاح به چه معناست؟ تفاوت های آن را با رجعت بیان کنید.
۳. آیا کفار و مجرمانی که در برزخ عذاب شده اند در رجعت از کارهای بد پشیمان می شوند؟ چرا؟
۴. تفاوت های اساسی رجعت با معاد کدامند؟ شرح دهید.
۵. در باره تکلیف رجعت کنندگان چه دیدگاه هایی مطرح شده است؟ توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. طبسی، محمدرضا، شیعه و رجعت، ترجمه محمد میرشاه ولد، قم، انتشارات دارالنشر اسلام، ۱۳۸۲ش.
۲. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر، ۱۳۸۴ش.
۳. رفیعی قزوینی، ابوالحسن، رجعت و معراج، تهران، کتابفروشی اسلام، ۱۳۷۹ش.
۴. سلیمیان، خدامراد، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ، قم، بوستان کتاب، چ چهارم، ۱۳۸۷ش.
۵. بهمنی، اصغر، رجعت از دیدگاه متکلمان برجسته شیعی و رابطه آن با تناسخ، قم، زائر، ۱۳۸۵ش.





## درس چهاردهم: فرجام حضرت مهدی علیه السلام و زندگی در دنیا

### اشاره

آنچه در این درس فرا خواهیم گرفت:

۱ طول عمر حضرت مهدی علیه السلام

یک. از نگاه قرآن کریم

دو. از نگاه روایات

سه. از نگاه عقل

۲ فرجام حضرت مهدی علیه السلام

۳ جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام

## پیش درآمد

یکی از مباحث برجسته ای که در مجموعه معارف مهدوی مطرح می شود اینکه سرانجام حکومت جهانی حضرت به کجا می ... انجامد؟ پایان عمر آن حضرت چگونه خواهد بود؟ و دیگر اینکه پس از آن دوران نورانی تا برپایی رستاخیز بزرگ، چگونه سپری خواهد شد؟ بررسی و پاسخ به پرسش های یادشده و مانند آن می تواند چرخه دانش های ما را در باره آن حضرت تکمیل کرده، تابلویی فراگیر و درست از مهدویت در نگاه ما قرار دهد.

در این درس تلاش می شود با بهره مندی از روایات و دیدگاه دانشمندان اسلامی در حد ممکن به این پرسش ها پاسخ داده شود.

## طول عمر حضرت مهدی علیه السلام

### اشاره

بی گمان حضرت مهدی علیه السلام که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد و زمین را پر از عدل و قسط خواهد کرد، فرزند امام عسکری علیه السلام است که بر پایه روایات معتبر در نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق زاده شده است. معنای روشن این سخن، آن است که آن ذخیره الهی، دارای عمری بس طولانی است. تا کنون، افزون بر ۱۱۷۰ سال از عمر پر برکت آن حضرت گذشته است. و این زندگی دراز، البته، پیش از به دنیا آمدن آن حضرت در سخن برخی پیشوایان معصوم علیهم السلام یاد شده بود. امام حسن مجتبی علیه السلام در بخشی از یک سخن طولانی فرمود:

التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِي الْحُسَيْنِ ابْنِ سَيِّدَةِ الْإِمَاءِ يُطِيلُ اللَّهُ عُمَرَهُ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظَهِّرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِي صُورِهِ شَابُّ ابْنِ دُونِ أَرْبَعِينَ سِنِينَ  
ذَلِكَ لِيُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلَى

كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛<sup>(۱)</sup> نهمین از فرزندان برادرم، فرزند بانوی کنیزان است. خداوند در دوران غیبت، عمر او را دراز خواهد کرد؛ آن گاه به توان خویش وی را در سیمای جوانی کمتر از چهل سال بر خواهد انگیخت، تا دانسته شود خداوند بر هر چیز توانا است.

ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (د/۳۸۱ ق) در کتاب کمال الدین و تمام النعمه به گونه ای گسترده درباره طول عمر بحث کرده و به پرسش های مخالفان پاسخ داده است. وی، فصلی از کتاب یادشده را ویژه زندگی «معمّرین» (= صاحبان عمر دراز) نگاشته است و ده ها نفر از کسانی که عمری بیش از ۱۲۰ سال داشته اند، را نام می برد و شرح حال و زندگی هر یک از آنان را به صورت کوتاه ذکر کرده است.

شیخ صدوق، طول عمر حضرت مهدی علیه السلام را فقط از راه «تجربه تاریخی» و افراد دارای عمر طولانی، بررسی کرده و به دیگر ادله، پرداخته است. این راه از سوی دانشمندانی همچون شیخ مفید، شیخ طوسی، سید مرتضی، شیخ طبرسی، خواجه نصرالدین طوسی، علامه حلی، فیض کاشانی، علامه مجلسی و دیگر بزرگان شیعه ادامه یافت. آنچه این بزرگان در بررسی علمی طول عمر آن حضرت، به آن پرداخته اند، به طور عمده حول محورهای ذیل است:

### یک. طول عمر از نگاه قرآن کریم

#### اشاره

شماری از افرادی که در قرآن، دارای عمری طولانی و غیرطبیعی شمرده شده اند، عبارتند از:

#### ۱. حضرت نوح علیه السلام

قرآن، درباره نوح علیه السلام می فرماید: ((وَلَقَدْ آرَسْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا...))؛<sup>(۲)</sup> و به راستی، نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد.

۱- شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۵.

۲- عنکبوت (۲۹)، آیه ۱۴.

این بیان خداوند، روشن نکرده است که این مدت، بر دوره عمر پیامبری نوح علیه السلام دلالت دارد یا عمر آن حضرت؛ از این رو در پاره ای روایات اسلامی آمده است که مراد از عمر در اینجا، دوره پیامبری نوح علیه السلام است؛ اما مدت زندگی او ۲۵۰۰ سال بوده است.

از امام سجاد علیه السلام نقل شده است که فرمود: در قائم سنتی از نوح است و آن طول عمر است. (۱)

## ۲. عیسی بن مریم علیهما السلام

قرآن، در باره حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: ((وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا \* وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا))؛ (۲) و گفته ایشان که: «ما، مسیح عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم» و حال آن که آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند؛ لکن امر، بر آنان مشتبّه شد و کسانی که درباره او اختلاف کردند، به طور قطع در باره آن، دچار شک شده اند و هیچ آگاهی بدان ندارند، جز آن که از گمان پیروی می کنند. و به طور یقین او را نکشتند\* بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و خدا توانا و حکیم است \* و از اهل کتاب، کسی نیست، مگر آن که پیش از مرگ خود، حتماً به او ایمان می آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود.»

بیشتر مفسران مسلمان، در تبیین آیه یادشده بر این باورند که حضرت عیسی علیه السلام زنده است و در آخرالزمان نازل شده، در نماز به امام مهدی علیه السلام اقتدا خواهد کرد. حال اگر تاریخ میلادی، از درستی و دقت کافی برخوردار باشد، عمر عیسی علیه السلام، اکنون افزون بر دو هزار سال است و بر این پایه، عمر ۱۱۷۰ ساله برای حضرت مهدی علیه السلام امر بعیدی نخواهد بود.

۱- محمد بن علی بن حسین بن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۲۲، ح ۴.

۲- نساء (۴)، آیه ۱۵۷، ۱۵۹.

### ۳. حضرت خضر علیه السلام

یکی از کسانی که عمر طولانی دارد، حضرت خضر است. در قرآن از وی به روشنی یاد نشده است؛ اما داستان دیدار و همراهی حضرت موسای کلیم علیه السلام با او، در سوره کهف آمده است. (۱) باور به زنده بودن خضر علیه السلام، ویژه شیعه نیست، بلکه میان اهل سنت نیز باوری پذیرفته شده است.

### ۴. اصحاب کهف

قرآن در باره آنان می فرماید: ((وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا))؛ (۲) و سیصد سال، در غارشان درنگ کرده و نه سال افزودند.

قرآن در این آیه، به زنده بودن اصحاب کهف به مدت بیش از سه سده آن هم در خواب و بدون آب و غذا تصریح می کند. به راستی کدام یک شگفت انگیزتر است؛ اینکه کسانی سیصد سال بدون آب و غذا زنده بمانند یا اینکه کسی صدها سال باقی مانده است؛ اما غذا می خورد، آب می آشامد، راه می رود، می خوابد و بیدار می شود؟

### دو. طول عمر از نگاه روایات

در روایات رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز بر طول عمر انسان، سخنانی در دست است که آن را امری ممکن می شمارد. یکی از کسانی که در فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله به ویژه در منابع اهل سنت به طول عمر او اشاره شده، دجال است. اهل سنت، بر پایه همین روایات، بر این باورند دجال در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله زاده شده و به زندگی خود ادامه می دهد، تا در آخرالزمان خروج کند. (۳) حال اگر این احادیث درست باشد چنان که اهل سنت بر این باورند در این صورت، شایسته نیست که آنان در حیات و عمر طولانی امام مهدی علیه السلام تردید کنند.

### سه. از نگاه عقل

افزون بر کتاب و سنت، خرد سالم نیز طول عمر را برای انسان، ناممکن نمی داند؛

۱- ر.ک: کهف (۱۸)، آیه ۶۵.

۲- کهف (۱۸)، آیه ۲۵.

۳- ر.ک: احمد بن حنبل، مسند، ج ۴، ص ۴۴۴؛ بخاری، صحیح، ج ۹، ص ۱۳۳.

بلکه آن را امری به طور کامل ممکن می شمارد. حکیمان و فیلسوفان گفته اند: بهترین دلیل بر امکان هر چیزی، واقع شدن آن چیز است. همین که طول عمر در میان پیشینیان روی داده و تاریخ، افراد فراوانی را به ما نشان می دهد که عمری دراز داشته اند، خود گواه روشنی است بر این که طول عمر از دیدگاه عقل امری ممکن است. (۱)

بررسی علمی و بحث طول عمر، در حقیقت به نوع تفسیر فیزیولوژی از «پیری و فرسودگی»، وابسته است. این قانون که: پیری و فرسودگی زاییده یک قانون طبیعی حاکم بر بافت های پیکره انسانی است، و ضروری است که بدن پس از رسیدن به آخرین مرحله رشد، کم کم فرسوده شده، برای ادامه زندگی، کارآیی کمتری داشته باشد، تا آن گاه که در لحظه ای معین از کار بیفتد، آیا حتی در باره بدنی هم که از هرگونه تأثیر بیرونی در امان مانده صادق است یا این که فرسودگی و کاهش که در کارآیی بافت و نسوج مجموعه بدن به چشم می خورد، نتیجه نبرد با عوامل بیرونی مانند میکرب ها و سموم است که به بدن انسان راه می یابد؟ (۲)

افزون بر دلیل های یاد شده، برای طول عمر انسان، راه دیگری نیز وجود دارد که همان راه اراده و قدرت خداوند است.

آری؛ حضرت مهدی علیه السلام با قدرت بی پایان خداوند زنده است و میان مردم، به زندگی خود ادامه می دهد. همان خدایی که آتش را برای ابراهیم سرد و سلامت قرار داد و گل را برای عیسی علیه السلام به پرنده تبدیل کرد، و عیسی و خضر را پس از قرن ها زنده نگه می دارد، می تواند مهدی علیه السلام را نیز با قدرت الهی خود زنده نگه دارد.

در منابع معتبر تاریخی، افراد فراوانی معرفی شده اند که از عمر بسیار طولانی برخوردار بوده و روزگاران درازی زیسته اند. (۳)

۱- ر.ک: محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، ص ۲۱۴.

۲- سید محمد باقر صدر، جست و جو و گفت و گو پیرامون امام مهدی علیه السلام، ص ۱۹، ۲۱.

۳- ر.ک: شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۱۳، روایت ۸۶ به بعد.

## اشاره

درباره فرجام زندگی آخرین حجت الهی، دیدگاه های گوناگونی یاد شده است. برخی پایان عمر آن حضرت را با کشته شدن و شهادت دانسته، و برخی دیگر رحلت آن بزرگوار را به مرگ طبیعی ذکر کرده اند. هر کدام از دیدگاه های بالا دلایلی بر ادعای خویش آورده اند.

## یک. شهادت امام مهدی علیه السلام

۱. روایاتی در دست است که پایان عمر همه امامان علیهم السلام را شهادت (مرگ غیر طبیعی) ذکر کرده است. از امام حسن علیه السلام نقل شده که فرمود: «... مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ أَوْ مَسْمُومٌ»<sup>(۱)</sup> هیچ یک از ما امامان نیست، جز آن که کشته یا مسموم شود.»

این روایت، به این صورت فقط در کتاب کفایه الاثر نوشته علی بن محمد خزاز قمی از دانشمندان سده چهار و پنج هجری آمده و مرحوم علامه مجلسی آن را از کتاب یادشده نقل کرده است. آنچه در بررسی این روایت، قابل درنگ است این که: این روایت، در کتاب های پیش از آن مورد اشاره قرار نگرفته است. همچنین برخی از افراد که در سند روایت آمده اند مجهول بوده، در هیچ یک از کتاب های رجالی سخنی از آن ها به میان نیامده است.<sup>(۲)</sup> در ادامه روایت نیز مطلبی آمده که با اعتقاد شیعه سازگاری ندارد و آن این که شمار امامان سیزده نفر خواهد شد؛ چرا که شمار امامان که از نسل علی علیه السلام است، دوازده نفر ذکر شده است که با خود آن حضرت سیزده خواهد شد؛ بنابراین استناد به این روایت، برای ادعای یادشده ناکافی می نماید.

۲. شیخ صدوق به نقل از اباصلت هروی گوید:

از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: وَ اللَّهُ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ؛<sup>(۳)</sup> به خدا سوگند! نیست از ما مگر کشته شده به شهادت رسیده.

این روایت را فقط شیخ صدوق نقل کرده است. وی روایت یادشده را در کتاب من

۱- علی بن محمد خزاز قمی، کفایه الاثر، ص ۲۲۶.

۲- إِسْحَاقَ بْنِ بُهْلُولٍ: نا شناخته؛ بُهْلُولِ بْنِ حَسَّانَ: نا شناخته؛ الزَّيْبِرِ بْنِ عَطَاءٍ: نا شناخته؛ عُمَيْرِ بْنِ هَانِي الْعَيْسِيِّ: نا شناخته؛ و یا عمیر بن مانی العَبْسِيِّ: نا شناخته. (بر اساس سند بحار الانوار)

۳- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱۹۲.



لایحضره الفقیه، (۱) به صورت مرسل (بدون ذکر کامل سند) و در دو کتاب امالی (۲) و عیون اخبار الرضا علیه السلام، (۳) با ذکر سند آورده است.

اما بررسی رجال سند:

روایت عیون الاخبار، دارای سندی صحیح و معتبر است؛ (۴) در نتیجه می تواند نقص اسناد روایات پیش را جبران کند.

البته در کتاب عیون در صدر روایت سخنی به امام نسبت داده شده که طبق دیدگاه شیعه روایت از اعتبار ساقط می شود و آن سهو النبی صلی الله علیه وآله است. در ابتدای روایت هروی از امام می پرسد: گروهی در کوفه گمان می کنند بر پیامبر در نماز سهوی عارض نشده است. و این پاسخ به امام نسبت داده شده که فرمود: كَذَّبُوا لَعْنَهُمُ اللَّهُ إِنَّ الَّذِي لَا يَشْهُوهُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ.

حال این پرسش پیش می آید که چگونه به روایتی که بزرگان شیعه از آن اعراض کرده اند استدلال می شود.

به نظر می رسد نخستین کسی که ادعای شهادت حضرت مهدی علیه السلام را به گونه گسترده مطرح کرد، صاحب کتاب الزم الناصب بود. او در بخشی از کتاب خود آورده است:

پس چون هفتاد سال گذشت، مرگ حضرت حجت علیه السلام فرا خواهد رسید؛ پس او را زنی از بنی تمیم که نامش سعیده و دارای ریشی همچون مردان است، با انداختن سنگی (برخی نقل ها سنگی که برای آرد کردن گندم استفاده می شود) از بام بر آن حضرت به قتل خواهد رساند؛ در حالی که آن حضرت، از راه عبور می کند. چون از دنیا رفت، امام حسین، امور

۱- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸۵، ح ۳۱۹۲.

۲- شیخ صدوق، امالی، ص ۶۳.

۳- شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۵۶، ح ۹.

۴- محمد بن موسی بن المتوکل: إمامی و ثقہ (الخلاصه للحلی، ص ۱۴۹)؛ علی بن ابراهیم: امامی، ثقہ و جلیل القدر (رجال نجاشی، ص ۲۶۰)؛ ابراهیم بن هاشم: امامی، ثقہ و جلیل القدر (رجال نجاشی، ص ۱۶)؛ أبی الصلت عبد السلام بن صالح الهروی: (روایت قبل).

مربوط به وی را انجام خواهد داد. (۱)

در باره این سخن، باید توجه داشت:

از حیث سند:

این سخن هیچ گونه سندی ندارد.

گوینده آن نیز به طور کامل ناشناخته است.

از لحاظ متن:

کاملاً منفرد است و هیچ گونه مشابه و مؤید مستقیمی برای آن یافت نشد.

تا پیش از سده چهاردهم و کتاب الزام الناصب در هیچ منبعی دیده نشده است.

افزون بر آن اینکه این سخن ابهاماتی را پدید می آورد از جمله:

- با آن همه پیشرفت و تکامل علمی، چرا باید از این ابزار بسیار قدیمی که حتی در دوران ما نیز به نوعی کنار گذاشته شده و تا حد قابل توجهی تاریخی به شمار می رود برای آن عمل زشت استفاده کند؟

- دیگران در هنگام رفت و آمد حضرت مهدی علیه السلام به عنوان امام و حاکم صالح علی الاطلاق همه عالم چگونه از حضرت غافلند که کسی بتواند به این سادگی و از نزدیک چنین سوء قصدی نماید؟

### دو. رحلت به مرگ طبیعی

کسانی که می گویند آن حضرت به مرگ طبیعی از دنیا خواهد رفت، بر این باورند که:

دلیل های دسته نخست (به ویژه روایت اول) ناتمام است.

بر فرض پذیرش روایات یادشده، این روایات به حضرت مهدی علیه السلام تخصیص خورده است.

شهادت آن حضرت، با روایاتی که بر اصلاح کامل جامعه در عصر ظهور دلالت دارد، در تعارض است.

---

۱- «فاذا تمت السبعون سنه أتى الحجة الموت فقتله امرأه من بنى تميم اسمها سعيدة و لها لحيه كلحيه الرجل بهاون صخر من فوق سطح و هو متجاوز فى الطريق فاذا مات تولى تجهيزه الحسين...»، (علی یزدی حایری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۳۹). لازم به

یادآوری است که کتاب یادشده در بر دارنده روایات صحیح هم هست؛ ولی در آن روایات ضعیف نیز وجود دارد.

در روایاتی چند، سخن از مرگ طبیعی آن حضرت به میان آمده است. ایوب بن نوح گفت:

به امام رضا علیه السلام عرض کردم: «ما امیدواریم شما صاحب الامر باشید و خدای تعالی بدون خونریزی و شمشیر آن را به شما بازگرداند که با شما بیعت شده و سکه به نام شما ضرب گردیده است»، فرمود: هیچ یک از ما امامان نیست که نامه ها نزد او رفت و آمد کند و از مسائل پرسیده شود و با انگشتان بدو اشاره کنند و اموال نزد وی حمل شود، جز آن که به خدعه کشته شود یا آن که بر بستر خود بمیرد، تا جایی که خدای تعالی، مردی را برای این امر برانگیزد که مولد و منشأ او مخفی، اما نسبش آشکار است. (۱)

از آن جا که «اغتيال» هر دو احتمال (کشته شدن و مسموم شدن) را دربر می گیرد، (۲) می توان احتمال داد از مرگ در بستر، همان مرگ طبیعی استفاده شود. بنابراین طبق این روایت، مرگ طبیعی برخی از امامان علیهم السلام دور از ذهن نخواهد بود.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

... پس چون معرفت و ایمان به این که او حسین علیه السلام است، در دل ها استقرار یافت، مرگ حضرت حجت علیه السلام فرا می رسد. پس حسین بن علی علیهما السلام او را غسل می دهد؛ کفن می کند؛ حنوط می کند و در قبرش قرار می دهد.... (۳)

اگرچه مرگ در روایت یادشده شهادت را نیز در بر می گیرد اما احتمال مرگ طبیعی را نیز رد نمی کند. از آنچه یاد شد، به دست می آید که شهادت حضرت مهدی علیه السلام امری محتمل است و می توان از روایت امام رضا علیه السلام چنین برداشت

۱- «مَا مِنَّا أَحَدٌ اِخْتَلَفَتْ إِلَيْهِ الْكُتُبُ وَ أُشْدِّيرَ إِلَيْهِ بِالْأَصَابِعِ وَ سُئِلَ عَنِ الْمَسَائِلِ وَ حُمِلَتْ إِلَيْهِ الْأَمْوَالُ إِلَّا اِغْتِيلَ أَوْ مَاتَ عَلَيَّ فِرَاشِهِ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ لِهَذَا الْأَمْرِ غَلَامًا مِنَّا»؛ (محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۴۲؛ نعمانی، الغیبه، ص ۱۶۸، ح ۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۰؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۵۲۴؛ طبرسی، اعلام الوری، ص ۴۳۳).

۲- ر. ک: محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۸۹.

۳- «... فَإِذَا اسْتَقَرَّتِ الْمَعْرِفَةُ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ جَاءَ الْحُجَّةَ الْمَوْتُ فَيَكُونُ الَّذِي يُغَسَّلُهُ وَ يُكْفَنُهُ وَ يُحْنَطُهُ وَ يَلْحَدُهُ فِي حُفْرَتِهِ الْحُسَيْنَ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ...»؛ (محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۸، ص ۲۰۷).

کرد؛ اما همان گونه که شیخ مفید نیز بدان پایبند بوده، برای اثبات قطعی حکم به شهادت، ناکافی است و همان گونه که افزون بر آن، برای هر امام نیاز به شواهد تاریخی است، برای حضرت مهدی علیه السلام نیز نیاز به دلیل دیگری داریم؛ بنابراین حکم قطعی به شهادت آن حضرت کاری بس دشوار است.

## جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام

### اشاره

بر پایه آموزه های مکتب شیعه، همان گونه که انقلاب جهانی مهدی علیه السلام، آخرین انقلاب در جهان به شمار می رود، دولت مهدی علیه السلام، آخرین دولت در جهان و تاریخ خواهد بود. دولتی که تا پایان زندگی در دنیا تداوم خواهد داشت. دولت دیگری پس از آن و یا در کنار آن نخواهد بود. با پیروزی انقلاب جهانی مهدی علیه السلام، همه دولت های باطل در سراسر زمین از میان خواهند رفت. دولت آن حضرت آخرین دولت در تاریخ است. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «دَوْلَتُهُ آخِرُ الدُّوَلِ...»؛ (۱) دولت او آخرین و دولت ها است. امام باقر علیه السلام نیز آنگاه که هشام ابن عبدالملک و اطرافیانش، در مجلس خود، امام را سرزنش کردند بر دولت پایدار شیعه در پایان تاریخ تأکید فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ أَيَّنَ تَذْهَبُونَ... فَإِنَّ يَكُنْ لَكُمْ مُلْكٌ مُعَجَّلٌ فَإِنَّ لَنَا مُلْكًا مُؤَجَّلًا وَ لَيْسَ بَعْدَ مُلْكِنَا مُلْكٌ؛ (۲) ای مردم، کجا می روید، ... اگر شما دولت زودگذر دارید، دولت پایدار از آن ماست و پس از دولت ما دولتی نخواهد بود.

همه این احادیث، اثبات می کند که دولت پایان تاریخ، دولت عدل مهدوی است و خط بطلان بر همه نظریه هایی می کشد که دولتی غیر الهی را به عنوان بهترین و عالی ترین شکل حکومت بشری، در آخرالزمان معرفی می کنند.

اما درباره چگونگی جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام و جانشین آن حضرت و رخدادهای آستانه رستاخیز بزرگ، دیدگاه های گوناگونی ارائه شده که برخی مخالف یکدیگر است. از آن جا که جهت گیری دیدگاه ها میان شیعه و اهل سنت به طور فراگیر

۱- شیخ مفید، ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۴۷۱.

با یکدیگر متفاوت است، به هر دو دیدگاه اشاره می کنیم:

### یک. دیدگاه پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام

به طور عمده دیدگاه های شیعه، با بیان های گوناگون، جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام را بر خیر و صلاح معرفی کرده است. البته غیر از این نیز از حکمت و لطف الهی انتظار نیست؛ چرا که چگونه می توان باور کرد پس از انتظاری چندین صد ساله، یا چند هزار ساله پس از حکومتی کوتاه باز هم اوضاع به هرج و مرج پایان پذیرد. برخی از مهم ترین دیدگاه ها بدین قرار است:

۱. وضعیت جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام بر نیک بختی بوده، جانشینان آن حضرت از میان رجعت کنندگان خواهند بود.

همان گونه که در درس های پیش اشاره شد، یکی از باورهای ژرف میان شیعیان، باور به زنده شدن دو گروه از مؤمنان خالص و کافران خالص است. یکی از مسائلی که آن جا مطرح شد، حکومت برخی از رجعت کنندگان مؤمن است. البته چگونگی این حکومت به روشنی بیان نشده است. کسانی که بر این دیدگاهند، افزون بر دلیل های فراوانی که از آیه ها و روایت ها ارائه می کنند بر این باورند روایاتی که می گوید هرگز زمین از حجت خالی نخواهد ماند، جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام را ناگزیر به دو گونه تصویر خواهد کرد:

الف) بی درنگ، قیامت بر پا شود.

ب) حجت هایی از طرف پروردگار واسطه فیض باشند. از آن جا که شمار امامان، به تصریح پیامبر صلی الله علیه و آله بیش از دوازده نفر نخواهند بود، پس کسانی که بر مردم حکومت خواهند کرد، همانا امامان علیهم السلام هستند.

۲. جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام همواره با حکومت دوازده مهدی اداره خواهد شد.

شیخ طوسی با ذکر سند از امام علی علیه السلام نقل کرده که در شبی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رحلت فرمود، مطالبی را به ایشان املا نموده که در آن پس از اشاره به امامان دوازدهگانه، آن گاه که به آخرین پیشوا رسید، چنین فرمود:

...پس آن گاه که حضرتش [امام حسن عسکری علیه السلام] را هنگام وفات فرا رسید، پس آن [امر امامت] را به فرزندش محمد تسلیم می کند.

ایشان دوازده امام هستند. بعد از او، دوازده مهدی خواهد بود... (۱)

ابوبصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «از پدر شما شنیدم فرمود: پس از قائم دوازده مهدی خواهد بود.» امام صادق علیه السلام فرمود:

همانا فرمود: «دوازده مهدی و نفرمود: دوازده امام ولکن ایشان گروهی از شیعیان ما هستند که مردم را به دوستی ما و شناخت حق ما دعوت می کنند. (۲)»

آن حضرت به ابو حمزه نیز فرمود: «ای ابو حمزه! همانا پس از قائم، یازده مهدی از ما از فرزندان حسین خواهد بود. (۳)»

۳. در جهان پس از آن حضرت، تا برپایی قیامت، حکومت فقط در دست بندگان شایسته خداوند خواهد بود. دلیل این دیدگاه، روایتی است که خداوند شب معراج به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

...پس هر آینه او را به سپاهیان خویش یاری خواهم کرد و او را به فرشتگان خویش کمک خواهم نمود، تا آن که دعوتم برتری یابد و آفریدگان بر یکتاپرستی ام گرد آیند. آن گاه پادشاهی او را ادامه خواهم داد و تا قیامت اولیایم چنین خواهند کرد. (۴)

۴. جهان پس از حضرت مهدی علیه السلام به دست یکی از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله اداره خواهد شد. جابر بن یزید جعفی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم فرمود: و به خدا سوگند! هر آینه مردی از ما اهل بیت مدت ۳۰۹ سال حکومت خواهد کرد.

۱- «فَإِذَا حَضَرَتْهُ (الحسن) الْوَفَاةُ فَلْيَسِّرْ لِمَهْمَا إِلَى ابْنِهِ مُحَمَّدٍ الْمُشْتَحْفِظِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ فَذَلِكَ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا ثُمَّ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًا...»؛ (شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۱۵۰).

۲- «إِنَّمَا قَالَ اثْنَا عَشَرَ مَهْدِيًا وَ لَمْ يَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَامًا وَ لَكِنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِيَعِنَا يَدْعُونَ النَّاسَ إِلَى مُوَالَاتِنَا وَ مَعْرِفَةِ حَقِّنَا»؛ (شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۵۸، ح ۵۶).

۳- «يَا أَبَا حَمَزَةَ إِنَّ مِنَّا بَعْدَ الْقَائِمِ أَحَدَ عَشَرَ مَهْدِيًا مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ»؛ (شیخ طوسی، کتاب الغیبه، ص ۴۷۸).

۴- «... فَلَأَنْصُرَنَّهُ بِجُنْدِي وَ لَأَمُدَّنَّهُ بِمَلَائِكَتِي حَتَّى تَعْلُو دَعْوَتِي وَ تَجْمَعَ الْخَلْقُ عَلَيَّ تَوْحِيدِي ثُمَّ لَأُدِيمَنَّ مُلْكَهُ وَ لَأُدَاوِلَنَّ الْأَيَّامَ بَيْنَ أَوْلِيَائِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ (شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۷؛ همو، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۵۵، ح ۴).

جابر می گوید: عرض کردم: «این چه زمانی خواهد بود؟» آن حضرت فرمود: «پس از رحلت قائم...» (۱)

۵. روایاتی است که بدون اشاره به وضعیت جهان و جانشین حضرت مهدی علیه السلام آن را فقط در آگاهی خداوند دانسته است. (۲)

همان گونه که دیده شد، چهار دیدگاه اخیر، نه فقط مخالفتی با دیدگاه نخست ندارد، بلکه می تواند به نوعی در پذیرش دیدگاه نخست باشد.

## دو. دیدگاه اهل سنت

بسیاری از اهل سنت بر این باورند که پس از وفات مهدی علیه السلام هیچ خیری در زندگی نخواهد بود (۳) و دنیا به صورت هرج و مرج تا قیامت ادامه خواهد داشت. (۴)

در کتاب البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان بابی با عنوان «فی موت المهدی علیه السلام و ذکر احوال تقع بعده» سامان یافته است که در آن، چگونگی وفات آن حضرت و رخدادهایی که پس از او پدید خواهد آمد، بیان شده است و در روایاتی سخن از آشوب ها و شرها پس از درگذشت آن حضرت به میان آورده است. (۵)

در عقد الدرر نیز روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به نقل از ابوسعید خدری آمده که پایان آن چنین است:

«...[حکومت مهدی] همچنان تا هفت یا هشت یا نه سال ادامه خواهد یافت، سپس هیچ خیری در زندگی پس از او نیست.» (۶) ناگفته نماند آنچه در آیات قرآن آمده است،

۱- «وَاللّٰهُ لَيَمْلِكَنَّ رَجُلًا مِّنَّا اَهْلَ الْبَيْتِ ثَلَاثِمِائَةٍ سَنَةٍ وَ يَزِدُّهُ تِسْعًا قَالَ فَقُلْتُ لَهُ مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ قَالَ بَعْدَ مَوْتِ الْقَائِمِ...»؛ (نعمانی، الغیبه، ص ۳۳۱؛ عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۲۶).

۲- محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۸.

۳- ر. ک: ابن منادی، الملاحم، ص ۱۸۴.

۴- ر. ک: نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۰۷، ۱۰۷۱؛ ابی داود، سنن ابی داود، ج ۴، کتاب المهدی، ح ۴۲۸۱.

۵- متقی هندی، البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان، ص ۹۵.

۶- «...سَبْعَ سِنِينَ أَوْ ثَمَانٍ سِنِينَ أَوْ تِسْعَ سِنِينَ ثُمَّ لَمَّا خَيْرٌ فِي الْحَيَاةِ بَعِيدَةٍ»؛ (مقدسی شافعی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، ص ۲۲۰).



مبنی بر این که در آستانه برپایی قیامت همه چیز نابود و منهدم می شود،<sup>(۱)</sup> مقصود زمان پیوسته به برپایی قیامت است.

... به راستی چگونه با حکمت خداوند سازگار است پس از گذشت یک تاریخ پر فراز و نشیب، حکومت به دست شایستگان بیفتد، خردها رشد یابد، زمین بر پایه عدل اداره شود، آنگاه در پس رحلت امام همه چیز به جای نخست برگردد؟

۱- ((وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ))؛ و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابودشونده است. فرمان از آن اوست. و به سوی او بازگردانیده می شوید (قصص (۲۸)، آیه ۸۸).

## خودآزمایی

۱. قرآن کریم در آیات خود در باره طول عمر چه کسانی به روشنی سخن به میان آورده است؟
۲. از نگاه عقل چگونه می توان طول عمر حضرت مهدی علیه السلام را اثبات نمود؟
۳. در باره فرجام زندگی حضرت مهدی علیه السلام چه دیدگاه هایی مطرح است؟ توضیح دهید.
۴. در نگاه شیعه وضعیت همگانی جهان پس از مهدی علیه السلام تا برپایی قیامت چگونه خواهد بود؟
۵. چرا دیدگاه اهل سنت در باره جهان پس از مهدی پذیرفتنی نیست؟ توضیح دهید.

===

## منابع برای پژوهش

۱. صدر، سید محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه حسن سجادی پور، تهران، موعود، ۱۳۸۷ ش.
۲. طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، ۱۳۸۰ ش.
۳. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، قم، مدرسه امام علی، ۱۳۸۰ ش.
۴. طبسی، نجم الدین، تا ظهور، دو جلد، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، ۱۳۸۸ ش.
۵. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چ نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ ش.

## درس پانزدهم: کتاب شناسی مهدویت (۴)

### اشاره

در این درس فرا خواهیم گرفت:

آشنایی با کتاب های:

۱ آفتاب ولایت، مصباح یزدی

۲ شبهات و ردود (پاسخ به شبهات احمد الکاتب)، سید سامی البدری

۳ مهدی عجل الله فرجه، ده انقلاب در یک انقلاب، حسین رحیم پور ازغدی

۴ خط امان، محمد امامی کاشانی

۵ گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، جمعی از پژوهشگران

۶ آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)، رحیم کارگر

۷ شناخت امام، یا راه رهایی از مرگ جاهلی، مهدی فقیه ایمانی

۸ در جستجوی قائم علیه السلام، سید مجید پور طباطبایی

۹ امام مهدی علیه السلام در آینه قلم

## پیش درآمد

گرایش روزافزون به پژوهش های اسلامی و گسترش ژرف نگری در اندیشه های دینی در دهه های تازه و نیز توجه فزاینده عموم مسلمانان به ویژه نسل جوان به مباحث مهدویت، زمینه بررسی های گوناگون و عرصه های علمی را در زنجیره بحث های مهدوی فراهم آورده است.

از سوی دیگر، بهره گیری های نابجا و نادرست کژاندیشان از این بستر فراهم شده، و ارائه برخی آثار سست و بی پایه، که سبب گسترش خرافه گرایی و رواج سطحی نگری شده، ارزش آشنایی با منابع مطالعاتی درست، علمی و محکم را امری ناگزیر ساخته است.

از آنجایی که یکی از راه هایی که می تواند به دوستداران این عرصه در آشنایی با منابع معتبر، کمک ارزشمندی نماید، معرفی کتاب در این زمینه است. کتاب هایی که دارای محتوایی استوار و پذیرفتنی هستند یا دست کم بیشتر مطالب آن، از استحکام لازم برخوردارند؛ بنابراین مناسب دیدیم در یک درس، همچون سه جلد پیشین به برخی از کتاب هایی از این دست اشاره کنیم. (۱)

---

۱- لازم به یادآوری است معرفی این کتاب ها بدان سبب است که در مقایسه با کتاب های دیگر، به دلیل هایی بیشتر قابل استفاده هستند.

## آفتاب ولایت

کتاب «آفتاب ولایت» نتیجه تنظیم برخی از سخنرانی های استاد محمد تقی مصباح یزدی است که در موضوع مهدویت، به طور پراکنده در طول سالیان گذشته ایراد شده است. این اثر به دست محمد باقر حیدری در چهارده فصل تنظیم و نگارش گردیده و به کوشش انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) منتشر شده است.

بنای در نگارش این گفتارها، پای بندی به چارچوب پایه ای و سیر منطقی هر سخنرانی بوده و هر جا نیازی به توضیح، پژوهش یا مستندسازی بوده، در پاورقی ذکر شده است.

مطالب این مجموعه این گونه سامان یافته است:

گفتار اول: رابطه معرفت و محبت، سلسله مراتب محبت و معرفت به امام زمان علیه السلام. گفتار دوم: ضرورت شناخت امام زمان علیه السلام، ناتوانی بشر از معرفت امام زمان علیه السلام و... گفتار سوم: نعمت وجود امام و ناتوانی از شکر آن، ناتوانی از معرفت امام زمان علیه السلام، بی نهایتی مراتب معرفت به امام زمان علیه السلام راه افزون سازی معرفت به امام زمان علیه السلام. گفتار چهارم: مقام های امام زمان علیه السلام، اسوه پذیری و پیروی بهترین شیوه تربیتی و... گفتار پنجم: محبت کافران و منافقان به پیشوایان باطل، محبت مؤمنان به خدا و اولیای خدا، لزوم فهم دقیق روایات مربوط به امام عصر علیه السلام، توطئه دشمنان برای چیرگی بر شیعیان.

گفتار ششم: ضرورت ولایت، ابعاد، مراتب و آثار ولایت، رابطه ولایت خدا با ولایت معصومان علیهم السلام رابطه محبت با ولایت، راه های تقویت رابطه ولایت با امام زمان علیه السلام. گفتار هفتم: جمکران جذبه گاه ولایت، سفارشات به جوانان، امام زمان علیه السلام از منظر اهل سنت، طول عمر حضرت، حکمت غیبت، وظیفه ما در دوران غیبت. گفتار هشتم: عظمت و شکوه مقام امام زمان علیه السلام، ولایت تکوینی و تشریحی امام زمان علیه السلام، نحوه ارتباط ولایت با امام زمان علیه السلام.

گفتار نهم: محبت حضرت به شیعیان، شرط وفاداری در برابر محبت امام زمان علیه السلام، شرط رسیدن به ولایت خاص امام زمان علیه السلام، وظیفه جوانان در برابر آشوب های آخرالزمان.

گفتار دهم: «مهدی باوری و آثار آن» مهدی باوری از دو منظر اهل تسنن و شیعه، تأثیر مهدی باوری در زندگی فردی و اجتماعی، حقیقت شیعه بودن برای امام زمان علیه السلام.

گفتار یازدهم: «یاوران امام زمان علیه السلام» ویژگی یاران امام زمان علیه السلام ملاک یاری رسانی الهی، وظیفه ما در آخرالزمان و ...

گفتار دوازدهم: «فلسفه غیبت» پیش فرض های غیبت، ابعاد غیبت هدف از آفرینش انسان، هدف از بعثت انبیا، هدف از رسالت اوصیا، شمار امامان و علت آن، حکمت غیبت امام دوازدهم علیه السلام.

گفتار سیزدهم: «وظیفه شیعیان در دوران غیبت» وظیفه عالمان در عصر امام زمان علیه السلام، وظیفه شیعیان در روبرویی با دشمنان.

گفتار چهاردهم: «آسیب شناسی اهداف امام زمان علیه السلام» بزرگ ترین موانع در برابر اهداف امام زمان علیه السلام شیوه های نو مبارزه با اهداف امام زمان علیه السلام.

### شبهات و ردود (پاسخ به شبهات احمد الکاتب)

نام عربی کتاب الردّ علی شبهات أحمد الکاتب حول إمامه أهل البيت، عليهم السلام، و وجود المهدي المنتظر، علیه السلام، است که به قلم سید سامی البدری به رشته تحریر درآمده است.

این کتاب پاسخ عالمانه به کتابی با عنوان «تطور الفكر السياسي الشيعي من الشوری الى ولايه الفقيه» نوشته احمد الکاتب است. که در آن شبهات و تهمت های ناروایی به شیعه و باورهای آنها زده است.

استاد «سید سامی البدری» بنیان گذار و رئیس مؤسسه «مجمع الذخائر الاسلامیه» یکی از ده ها نویسنده و اسلام شناسی است که پس از انتشار کتاب احمد الکاتب به پاسخ گویی شبهات وی پرداخت. این کتاب که در چاپ های پیشین در چهار مجلد با عناوین: العقیده الاثنی عشریه، النص علی علیّ، علیه السلام، امامه اهل البيت، عليهم السلام، و ولاده و وجود الامام المهدي، علیه السلام عرضه شده بود، با ویرایشی نو و افزودن یک فصل مقدماتی با عنوان "الإمامه اهل البيت، عليهم السلام، و نظام الحكم" در سومین چاپ برای استفاده علاقه مندان و اسلام پژوهان ارائه گردید.

حلقه اول درباره آغاز اندیشه شیعی و اعتقاد به دوازده امام معصوم بحث می کند و به شبهات مطرح شده در باره آغاز اندیشه شیعی و شمار دوازده امام و مباحث مربوط به آنها پاسخ می دهد.

حلقه دوم به شبهاتی که احمد کاتب در باره وجود نصّ بر امامت امام علی علیه السلام وارد کرده است، پاسخ می دهد و درباره بیعت، شورا و مشروعیت حکومت در اسلام بحث می کند. جریان سقیفه، به خانه فاطمه زهرا سلام الله علیها بیعت اکراهی علی علیه السلام با خلفا و بررسی مسأله حج تمتّع از صدر اسلام تا عهد خلفای عباسی و

عبرت آموزی از آن. از موضوعات مورد بحث در حلقه دوم است.

در حلقه سوم مواردی از کتاب احمد کاتب مورد نقد قرار گرفته است. همچنین در این حلقه از حدیث غدیر، دلالت آن و احتجاج امام علی علیه السلام به این حدیث بحث شده است. از دیگر مباحث این حلقه موضع امام حسن علیه السلام درباره امامت و بررسی افسانه عبد الله بن سبا می باشد.

نویسنده در حلقه چهارم به شبهات مربوط به ولادت و وجود حضرت مهدی علیه السلام پرداخته است.



## مهدی عجل الله فرجه، ده انقلاب در یک انقلاب

مجموعه کتابی با نام "مجموعه مباحث طرحی برای فردا"، حاصل جمع آوری و بازنویسی سخنرانی های آقای حسین رحیم پور ازغدی است که در مجامع علمی سطح کشور به ویژه دانشگاه ها ایراد شده است.

یکی از شماره های این مجموعه حاصل جمع بندی سه سخنرانی وی در باره مباحث مهدویت است که زیر عنوان «مهدی علیه السلام ده انقلاب در یک انقلاب» تنظیم شده است. که عناوین این مباحث بدین شرح است:

### دولت عاشقی و عدل جهانی

مهدی علیه السلام نیمه شرقی، نیمه غربی

جهانی شدن، پایان تاریخ و مهدویت

در بخش نخست با عنوان دولت عاشقی و عدل جهانی، مؤلف از قیام مهدی و مسئله مهدویت و برپایی حکومت مهدوی سخن می گوید و رابطه این حکومت با عدل را بررسی می کند. در حکومت مهدی علیه السلام تفاوتی میان شهروند غربی و افریقایی و آسیایی نخواهد بود و نظم نوین جهانی به دست او برقرار خواهد شد. در بخش دوم، مهدی: نیمه شرقی، نیمه غربی، مؤلف تولد حضرت قائم را از پدری شرقی و مادری غربی نمادی می گیرد از اینکه برای آن حضرت همه جای جهان، شرق و غرب، خانه و وطن اوست و بر سر راه او جغرافیا مانع نیست و او با شرق و غرب جهان خویشاوند است. در بخش سوم: جهانی شدن: پایان تاریخ و مهدویت، مؤلف راجع به جامعه آخرالزمان و انقلاب بزرگ مهدوی سخن می گوید و جهانی شدن را با مهدویت گره می زند و از نو تعریف می کند.

کتاب یادشده با وجود صفحات کم، محتوای ارزشمند و قابل استفاده ای دارد به ویژه که برای مخاطب جوان و دانشجو ارائه شده است.

## خط امان

این کتاب، اثر ارزشمند آیت الله محمد امامی کاشانی است که نام آن با الهام از نامه حضرت صاحب الامر علیه السلام به یکی از نواب خاص خود که می نگارند: «إني لأمانٌ لأهل الأرض» همانا من امان اهل زمینم، در موضوع مهدی شناسی تألیف شده است. کتاب خط امان در اصل دائره المعارفی حدیثی است که تمام احادیث وارده در کتب شیعی و سنی را همراه با بررسی سندیت و رجال شناسی آنها گرد آورده است. جلدهای نخست این مجموعه دربرگیرنده دلایل اثبات و ضرورت وجود منجی آخرالزمان، آیات قرآنی پیرامون موضوع، گفتگوهای مولف با صاحب نظران دنیای غرب و اسلام در باب منجی و... است که به فارسی نگارش یافته است.

جلد نخست کتاب «خط امان» درباره دلایل عقلی و فلسفی اثبات حضرت صاحب الزمان است که از یک مقدمه و هفت فصل تشکیل شده و در آن مباحثی چون؛ «لزوم مصلح جهانی از دیدگاه فطرت»، «ولی عصر، نقطه اعتدال اسمای جلال و جمال در زمین»، «برهان نظام احسن (عنایت) و ضرورت وجود امام معصوم»، «موعود در دلیل استقرا»، «آینده بشریت از دیدگاه فلسفه تاریخ»، «قاعده لطف و ضرورت امام در هر عصر» و «آینده بشریت از دیدگاه ادیان الهی» مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند.

نویسنده در مقدمه این کتاب سخن از مصلح جهانی، منجی نهایی امام عصر علیه السلام و سخن از آینده روشن و مرحله کمال و غایت تاریخ بشریت آورده است. و بیان داشته است ادیان الهی چون یهودیت، مسیحیت نیز در زمینه انتظار ظهور منجی و مصلح جهان با مسلمانان هم رأیند.

نویسنده در جلد دوم کتاب چهار فصل با عنوان های: گفتگو با متفکران جهان غرب

درباره ظهور منجی؛ منجی آخرالزمان در عهدین؛ گفتگو با متفکران جهان اسلام در زمینه ظهور حضرت مهدی علیه السلام؛ قرآن و ظهور مسیح و مهدی در راستای گفتگو با علمای اهل سنت نگاشته است.

آنچه از این مجموعه در دست نگارش، تا اکنون چاپ و منتشر دو جلد است که امید است در آینده ای نزدیک با نشر دیگر مجلدات کامل شود.

## گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان

این کتاب حاصل تلاش جمعی از پژوهشگران است که با با ویرایش علمی دکتر علی موحدیان عطار سامان یافته است.

برخی ویژگی‌های کتاب حاضر عبارت است از: التزام به معیارهای تحقیق علمی و پرهیز از جانبداری، کاربردی رویکرد پدیدارشناسانه از سنخ گونه‌شناختی، استناد به مدارک و منابع موثق در هر حوزه دینی، بهره‌گیری از محققان متخصص در هر یک از ادیان مورد بحث در این پژوهش مصادیق و مفاهیم مختلف از اندیشه موعودگرایی و اندیشه منجی موعود در ادیان مسیحیت، یهودیت، زرتشت، بودایی، اسلام و فرقه‌های گوناگون اهل سنت و شیعه در قالب مقالات انبوه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

در این مقالات، نگارندگان در پی پاسخ به این پرسش‌های پایه‌ای هستند که آیا همه مصادیق اندیشه منجی موعود در ادیان و ملل گوناگون جهان هم سو با آرمان‌های موعودگرایانه اسلام و تشیع ارزیابی می‌شود و یا اینکه همه موعود باوری‌ها در ادیان مختلف به یک گونه‌اند؟ و آیا می‌شود موعود همه ادیان را مهدی موعود مورد پذیرش و باور شیعه دانست؟

در این پژوهش مصادیق و مفاهیم مختلف از اندیشه موعودگرایی و اندیشه منجی موعود در ادیان مسیحیت، یهودیت، زرتشت، بودایی، اسلام و فرقه‌های مختلف اهل سنت و شیعه در قالب مقالات انبوه مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

این کتاب از یک مقدمه و چندین مقاله تشکیل شده است. مقدمه کتاب با عنوان «کلیاتی درباره اندیشه منجی موعود» به قلم دکتر موحدیان عطار، بدون توجه به یک دین خاص، گونه‌هایی را که می‌توان در مطالعه این اندیشه، میان ادیان مختلف در نظر گرفت برمی‌شمرد.

افزون بر این مقدمه، کتاب دوازده فصل و یک نتیجه‌گیری دارد که در هر کدام از

آنها این گونه ها از زاویه نگاه دین یا مذهبی خاص بررسی می شود. این فصل ها و نویسندگان آنها به شرح زیرند:

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در آیین زرتشتی (سید سعید منتظری، مصطفی فرهودی)

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در آیین هندو (صادق ابوطالبی)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در آیین بودا (ابولقاسم جعفری)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان چینی (محمد علی رستمیان)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در یهودیت (اسدالله آذیر)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مسیحیت (مهراب صادق نیا)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در قرآن و سنت نبوی (محمدحسن محمدی مظفر)؛

بازتاب مهدویت در تاریخ سیاسی اسلام (مهدی فرمانیان)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در مذاهب اهل سنت (مهدی فرمانیان)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود در عرفان و تصوف اسلامی (محمد نصیری)؛

گونه شناسی اندیشه منجی موعود تشیع (محمد جاودان)؛

جوهره مهدویت (علی موحدیان عطار)؛

## آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)

این کتاب نگاشته رحیم کارگر از پژوهشگران مباحث مهدویت و آینده پژوهی است که در آن چگونگی دولت و سیاست در اندیشه مهدویت بررسی شده است. به باور نویسنده، ایده مهدویت پاسخ گوی کامل و فراگیر به خواسته و نیاز دیرین انسان ها در اصلاح وضعیت نابسامان زندگی بشری است و دولت مهدوی عهده دار رفع همه این کاستی ها و ناراستی ها بر پایه و محوریت دین و اخلاق و معنویت است. نویسنده مباحث خویش را در سه بخش ارائه کرده است. بخش نخست با عنوان «کلیات و چارچوب نظری»، گفتارهایی است درباره آینده و آینده پژوهی، نظریه های آینده تاریخ، و آینده دولت در دیدگاه شیعه.

نویسنده در بخش دوم با عنوان "فرضیه های دولت مهدی علیه السلام در اندیشه شیعه" فرضیه های انتقام، دولت اقتدارگرا، و دولت اخلاقی را بررسی کرده است. در سومین بخش، با عنوان "ساختار، کارکردها و برون دادها" به بحث درباره ساختارها و نمادهای حکومت مهدوی پرداخته و از کارویژه ها و عملکردها و پیامدها و برون دادهای این حکومت سخن می گوید.

از ویژگی های مهم این کتاب می توان به پژوهش عمیق در آیات روایات و سخنان دانشمندان اشاره کرد؛ که آن را به ویژه برای پژوهشگران قابل استفاده کرده است.

## شناخت امام، یا راه رهایی از مرگ جاهلی

این کتاب اثر مهدی فقیه ایمانی است که با نگاه به برخی روایات در باره شناخت امام به این بحث مهم پرداخته است. روایاتی مانند: (من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیة) که با عبارت های گوناگون و نزدیک به هم، مانند: (من مات و لا امام له مات میتة الجاهلیة) و یا (من مات و لا بیعه علیه مات میتة الجاهلیة) و (من مات بغیر امام مات میتة الجاهلیة) و... که در منابع و مصادر پرشماری آمده است. مؤلف در این کتاب به گستردگی از اسناد و محتوای این حدیث بحث کرده و از جهات گوناگون به نقد و بررسی های سودمندی دست یافته است. در آغاز بحث، معنای دقیق روایت مطرح شده و در ادامه آن متون گوناگون (من مات و...) و احادیث همگون آن نقل شده است. سپس از نقش امام در جامعه و شرایط آن سخن به میان آمده و چگونگی نصب امام و برپایی امامت از نگاه شیعه تبیین شده است. نگارنده تأکید می کند که روایت (من مات...) نشانگر بایستگی شناخت امام است. از این روی پرسش های جدی و تأمل برانگیزی را مطرح می کند که این سفارش و تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله برای شناخت چه کسی بوده است؟

مؤلف پس از تبیین آنچه یاد شد، برای پاسخی جدی به پرسش های یادشده، به پژوهش های تاریخی و اعتقادی راهگشا می پردازد و احادیث و روایاتی را گزارش می کند که نشانگر هدایت گری و نجات بخشی اهل بیت علیهم السلام است.

در بخش دوم از خاندان های بنی امیه و بنی عباس سخن به میان آورده و بر پایه منابع مورد اعتماد و موثق تاریخی، حدیثی و تفسیری، چگونگی رفتار و منش اجتماعی و سیاسی آنان بیان کرده است. بخش سوم، سخن از جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، خلافت حق، و حق خلافت است. ناگفته نماند که کتاب، از احادیث مختلف و آثار گوناگون پرشماری بهره برده است که اگر فهرستی دقیق در پایان کتاب از آیات، روایات و آثار ارائه می شد، با توجه به اینکه در پانوشت ها منابع فراوان آنها آمده است، پژوهشگران را می توانست سودمند و کارآمد باشد.

## در جستجوی قائم علیه السلام

این کتاب اثر سید مجید پور طباطبایی است. که در آن کتابشناسی مهدویت و حضرت مهدی علیه السلام، با معرفی ۱۸۵۰ کتاب درباره زندگانی، غیبت و ظهور آن بزرگوار سامان یافته است.

در جستجوی قائم علیه السلام، در برگیرنده آثاری است که به طور مستقل و یا به طور ضمنی درباره حضرت مهدی علیه السلام بحث کرده اند. کتاب حاضر در شش بخش سامان یافته است: بخش اول، کتاب هایی که ویژه مسائل مربوط به امام زمان به رشته تحریر درآمده اند. بخش دوم، کتاب هایی که قسمتی از آنها مربوط به این موضوع است.

بخش سوم، کتاب های متفرقه ای که به گونه جنبی به مسأله مهدویت پرداخته اند. در این بخش، آثار منکران، مخالفان و صاحبان آراء گوناگون نیز فهرست شده است. در بخش چهارم از جزوه ها و رساله های مربوط به موضوع سخن رفته و در بخش پنجم با عنوان مهدی عجل الله فرجه در آینه شعر و ادبیات، مجموعه های ادبی و اشعار سروده شده درباره حضرت مهدی علیه السلام فهرست شده است. بخش ششم پیوست و اضافاتی بر بخش های پیشین است.

مؤلف در ضمن مقدمه ای به تفصیل از شیوه تدوین این کتاب، سخن گفته است. این کتاب، بر روی هم، اثری است سودمند. فهرست های فنی پایان کتاب هم بجا و کارگشاست.



## امام مهدی علیه السلام در آینه قلم

این اثر محصول تلاش های پژوهشگران مؤسسه پارسا با همکاری بنیاد فرهنگی مهدی موعود علیه السلام و مسجد جمکران است. که ویرایش نخست آن پیش تر با عنوان "مرجع مهدویت" چاپ و منتشر شده بود و اینک در ۲ جلد رحلی در ۱۴۰۰ بر گه به همراه یک قرص فشرده چاپ و منتشر شده است.

در مرجع مهدویت نزدیک سه هزار و چهار صد منبع در باره مهدویت و امام مهدی علیه السلام معرفی شده بود در حالی که در این اثر پس از پنج سال بررسی های گسترده تر و نیز تولید آثار دیگر در بحث مهدویت این مجموعه با افزایش نزدیک صد و بیست در صد به بیش از ۷۵۰۰ منبع مرتبط با امام مهدی علیه السلام و مهدویت افزایش یافت که نزدیک نیمی از این منابع دارای چکیده راهنما می باشد. منابع این کتاب دربرگیرنده کتاب، مقاله (اعم از مقاله های نشریات، دایره المعارف ها و مجموعه مقالات) و پایان نامه است.

در جلد اول، آثار مرتبط با موضوعاتی چون آثار وجودی امام زمان علیه السلام، آخرالزمان، ادعیه و زیارات مهدویه، ارتباط با امام، اصحاب امام، اماکن منسوب به امام، امام حسن عسکری علیه السلام، انتظار فرج، پاسخ به شبهات مهدویت، توقیعات و روایات مهدویه، جامعه مهدوی، جنبه های سیاسی مهدوی، حکومت امام مهدی علیه السلام، دشمنان امام، زندگی نامه، سیره ایشان، طول عمر امام، ظهور امام، غیبت صغرا و کبرای امام و در نهایت فرهنگ مهدویت معرفی شده اند.

فضائل امام مهدی علیه السلام، فلسفه مهدویت، کرامات امام، آسیب شناسی مهدویت، خاتمیت، شیعه، مهدویت در غرب، گفتمان مهدویت، مادر امام، مدح و ثنای امام، مدعیان مهدویت (بابیه، بهائیت و شیخیه)، دیدار با امام مهدی علیه السلام، موعودباوری،

نظریه ها در باره امام مهدی علیه السلام، نیمه شعبان، وکالت و نیابت، منابع و متون کودکان، عناوینی هستند که در فصل دوم به خوانندگان ارائه شده است.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم، ترجمه: محمّد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۸ق.
۲. ابن طاوس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ش.
۳. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن (الملاحم و الفتن)، اصفهان، گلبهار، ۱۴۱۶ق.
۴. التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، اصفهان، گلبهار اصفهان، ۱۴۱۶ق.
۵. ابن فارس، ابو الحسین، معجم مقاییس اللغه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیه السلام، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱ق.
۸. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ نوزدهم، قم، شفق، ۱۳۷۹ش.
۹. ایزدی، سجاد، حکومت و مشروعیت، چاپ سوم، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۵ش.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محاسن، دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ق.
۱۱. بهروزی لک، غلام رضا، سیاست و مهدویت، حکمت روشن، قم، ۱۳۸۴ش.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، بیروت، داراحیاء التراث العربی [ابی تا].
۱۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ش.
۱۴. جعفری، محمد تقی، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹ش.
۱۵. حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول علیهم السلام، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
۱۶. حکیمی، محمّد، عصر زندگی و چگونگی آینده انسان و اسلام، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۱۷. حموی رومی بغدادی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، دار صادر، ۵ جلد، بیروت، ۱۳۹۷م.

۱۸. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، تحقیق و تعلیق: سید جواد میرشفیعی خوانساری، قم، نور الاصفیاء، ۱۳۷۹ش.
۱۹. خزاز قمی، علی بن محمد، کفایه الاثر، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ق.
۲۰. خویی، سید ابوالقاسم (د/۱۴۱۱ق)، معجم رجال الحدیث، قم، مدینه العلم، ۱۴۰۹ق.
۲۱. داوری، رضا، در باره غرب، تهران، هرمس، ۱۳۸۶ش.
۲۲. دسوقی، محمد، سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق شناسی، تهران، نشر فرزانه، ۱۳۷۶ش.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۲۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دوم، [بی جا] دفتر نشر الکتاب [بی تا].
۲۵. راوندی، قطب الدین، الخرائج والجرائح، سه جلد، چاپ اول، قم، موسسه امام مهدی علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۲۶. رفیعی، سید کمال الدین محمد، نقش مردم در حکومت دینی از دیدگاه امام خمینی و قانون اساسی، تهران، دانشگاه آزادی، ۱۳۸۹ش.
۲۷. روحانی، محمود، المعجم الاحصائی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ش.
۲۸. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۰ق.
۲۹. سلیمیان، خدامراد، بازگشت به دنیا در پایان تاریخ (تحلیل و بررسی مسئله رجعت)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴ش.
۳۰. سید رضی، نهج البلاغه، ترجمه: سید جعفر شهیدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۸ش.
۳۱. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، در المنثور، دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
۳۲. العرف الوردی فی اخبار المهدی، تهران، المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیه، ۱۴۲۷ق.
۳۳. شیانی، احمد بن حنبل (د/۲۴۱)، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
۳۴. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر، قم، موسسه السیده المعصومه علیها السلام، ۱۴۱۹ق.
۳۵. صدر، سید محمد، تاریخ ما بعد الظهور، اصفهان، مکتبه الامام امیرالمؤمنین علیه السلام، بی تا.

٣٦. صدوق، محمد بن علي بن حسين بن بابويه، الامالي، انتشارات كتابخانه اسلاميه، ١٣٦٣ش.

٣٧. ، علل الشرايع، قم، انتشارات مكتبه الداوري.

٣٨. ، عيون اخبار الرضا عليه السلام، انتشارات جهان، ١٣٧٨ق.

٣٩. ، كمال الدين و تمام النعمه، قم، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٩٥ق.

۴۰. من لایحضره الفقیه، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ق.
۴۱. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، محقق: حبیب الرحمن الاعظمی، بی جا، منشورات المجلس العالمی، بی تا.
۴۲. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیست جلد، چ یازدهم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱ش.
۴۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو.
۴۴. طبری، آملی، محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعہ المرتضی، چ دوم، نجف، کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۳ق.
۴۵. طبری، محمد بن جریر بن یزید، تاریخ طبری، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۸ق.
۴۶. طبری، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، قم، دارالذخائر للمطبوعات، بی تا.
۴۷. طبسی، نجم الدین، تا ظهور، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، ۱۳۸۷ش.
۴۸. چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، چاپ سوم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
۴۹. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، سه جلد، چاپ اول، قم، مرکز الطباعه والنشر فی مؤسسه البعثه، ۱۴۱۵ق.
۵۰. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ش.
۵۱. اختیار معرفه الرجال، دانشگاه مشهد.
۵۲. کتاب الغیبه، چاپ اول، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۵۳. عاملی، محمد بن حسن، الایقاظ من ההجعه بالبرهان علی الرجعه، ترجمه احمد جنتی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲ق.
۵۴. وسائل الشیعہ، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۵۵. عبد الرحمن العالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چ سیزدهم، ۱۳۸۴ش.
۵۶. عکبری، محمد بن محمد بن النعمان (شیخ مفید)، اختصاص، مصحح علی اکبر غفاری، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۷. الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۸. اوائل المقالات، مکتبه الداوری، بی تا.

۵۹. المسائل السرويه، المؤتمر العالمى لالفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.

۶۰. علی بابایی، غلامرضا، فرهنگ اصطلاحات و روابط بین المللی، چ اول، تهران، نشر سفیر، ۱۳۶۹ش.

۶۱. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹ش.

۶۲. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی، بیروت، منشورات اعلمی، ۱۴۱۷ق.
۶۳. فتال نیشابوری، محمد بن حسن (د/۵۰۸ق)، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۸۱ش.
۶۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بی جا، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۰۹ق.
۶۵. فیرحی، داود، قدرت، دانش و مشروعیت در اسلام، تهران، نشر نی، ۱۳۷۸ش.
۶۶. فیومی، المصباح المنیر، ۲ جلد در یک مجلد، المطبعه العلمیه، بی تا.
۶۷. قفاری، ناصر، اصول مذهب الشیعه الامامیه الاثنی عشریه: عرض و نقد، دارالرضا، ۱۴۱۸ق.
۶۸. قلمکاری، حیدر علی، حکومت اسلامی، چ اول، تهران، نشر حقایق، ۱۳۵۸ش.
۶۹. قمی، علی بن ابراهیم بن هاشم، تفسیر قمی، قم، مؤسسه دار الکتب، ۱۴۰۴ق.
۷۰. کامل سلیمان، یوم الخلاص، بیروت، دار الکتب، ۱۴۱۴ق.
۷۱. کشی، محمد بن عمر، رجال کشی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش.
۷۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، هشت جلد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
۷۳. کنجی الشافعی، ابو عبدالله محمد، البیان فی اخبار صاحب الزمان علیه السلام، تحقیق: مهدی حمد الفتلاوی، بیروت، دارالمحجه البيضاء، ۱۴۲۱ق.
۷۴. کورانی و دیگران، علی، معجم احادیث الامام المهدی علیه السلام، قم، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۱ق.
۷۵. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ش.
۷۶. کوفی، ابن ابی شیبه، المصنف، محقق: سعید اللحام، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۰۹ق.
۷۷. گروهی از نویسندگان، فصلنامه انتظار، قم، مرکز تخصصی مهدویّت.
۷۸. متقی هندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، شانزده جلد، مؤسسه الرساله، بیروت: ۱۴۰۹ق.
۷۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۱۱۰ جلد، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.



۸۰. مرندی، محمد رضا، مبانی مشروعیت نظام سیاسی در اسلام، تهران، مؤسسه انتشاراتی عطا، ۱۳۷۶ش.

۸۱. مروزی، ابو عبد الله نعیم بن حماد(د/۲۲۹)، الفتن، تحقیق: ابو عبد الله / ایمن محمد محمد عرفه، المكتبة التوفیقیه، بی تا.

۸۲. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ش.

۸۳. پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ش.

۸۴. سلسله مباحث اسلام، سیاست و حکومت، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ش.
۸۵. مصطفوی، حسن، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
۸۶. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، انتشارات صدرا، ۱۳۶۱ش.
۸۷. قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، قم، صدرا، ۱۳۷۹ش.
۸۸. مظفر، محمدرضا، عقاید الامامیه، ترجمه علیرضا مسجد جامعی، چاپ اول، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰ش.
۸۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ اول، تهران، نشر سرایش، ۱۳۸۰ش.
۹۰. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، عقد الدرر فی اخبار المنتظر، تحقیق: عبد الفتاح محمد الحلو، قم، انتشارات نصایح، ۱۴۱۶ق.
۹۱. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، چ چهلم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ش.
۹۲. یک صد و هشتاد پرسش و پاسخ برگرفته از تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ش.
۹۳. حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، چ هفتم، قم، نسل جوان، ۱۳۸۰ش.
۹۴. نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷ق.
۹۵. نیشابوری، حاکم (محمد بن محمد)، مستدرک الحاکم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ق.
۹۶. واعظی، احمد، حکومت دینی، قم، نشر مرصاد، ۱۳۷۸ش.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

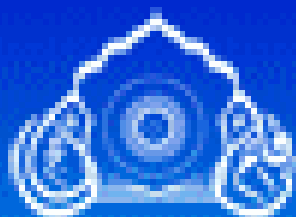
ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

